

الأذكار من كلام سيد الأبرار

تأليف: الإمام الحافظ شيخ الإسلام محي الدين
أبي ذكريا يحيى بن شرف النووي الدمشقي الشافعي

ترجمه و شرح: شيخ محمد علي خالدي (سلطان العلماء)

انتشارات ايلاف

فهرست

- مقدمه..... ۱۱
- در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه‌ی اقوال و اعمال..... ۱۳
- بابی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون اینکه مقید به وقت معین باشد..... ۲۰
- بابی است در بیان ذکری که موقع بیدار شدن از خواب می‌گوید..... ۳۱
- بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می‌گوید..... ۳۳
- بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آنها می‌گوید ۳۴
- بابی است در بیان آنچه به دوستش می‌گوید، وقتی که دید لباس نوی پوشیده است..... ۳۵
- بابی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون آوردن آنها..... ۳۶
- بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون آوردن لباسش برای شستن یا خوابیدن یا مانند آنها می‌گوید..... ۳۷
- بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می‌گوید..... ۳۷
- بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه‌اش می‌شود، می‌گوید..... ۳۹
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود..... ۴۲
- بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مستراح می‌گوید..... ۴۶
- بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن گفتن به هنگام قضای حاجت .. ۴۷
- بابی است در بیان نهی از سلام کردن بر کسی که برای قضای حاجت نشسته است..... ۴۸

- بابی است در بیان آنچه موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می گوید . . ۴۸
- بابی است در بیان آنچه در حال وضو می گوید ۴۹
- بابی است در بیان آنچه موقع بدن شستن می گوید ۵۲
- بابی است در بیان آنچه به وقت تیممش می گوید ۵۳
- بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می گوید ۵۳
- بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از آن می گوید ۵۵
- بابی است در بیان آنچه در مسجد می گوید ۵۶
- بابی است در بیان انکار و نفرین کردن بر کسی که در مسجد به دنبال گمشده اش می گردد یا خرید و فروش می کند ۵۷
- بابی است در بیان آنچه می گوید هرگاه کسی را دید که در مسجد شعری می گوید که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق نیست ۵۸
- بابی است در بیان فضیلت اذان ۵۸
- بابی است در بیان چگونگی اذان ۵۹
- بابی است در بیان آنچه که شنونده ی اذان و اقامه می گوید ۶۱
- بابی است در بیان اینکه دعا بین اذان و اقامه مستجاب می شود ۶۵
- بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبلیه ی صبح می گوید ۶۶
- بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می گوید ۶۷
- بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می گوید ۶۸
- بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه ی نماز فرض گفته می شود ۶۸
- بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می گوید ۶۹
- بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می کنیم ۶۹

- بابی است در بیان آنچه بعد از تکبیرة الاحرام می گوید ۷۱
- بابی است در بیان أعوذبالله من الشيطان الرجيم گفتن بعد از دعای استفتاح ۷۴
- بابی است در بیان خواندن سوره ی فاتحه بعد از گفتن أعوذبالله من الشيطان الرجيم ۷۵
- بابی است در بیان اذکار رکوع ۸۰
- بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا آوردن از رکوع در حال اعتدال می گوید ۸۳
- بابی است در بیان اذکار سجود ۸۵
- بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در نشستن میان دو سجود می گوید ۸۹
- بابی است در بیان اذکار رکعت دوم ۹۰
- بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح ۹۰
- بابی است در بیان تشهد در نماز ۹۸
- بابی است در بیان درود فرستادن بر رسول الله ﷺ بعد از تشهد اخیر ۱۰۰
- بابی است در بیان مستحب بودن دعا بعد از تشهد اخیر ۱۰۱
- بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز ۱۰۴
- بابی است در بیان آنچه شخص می گوید وقتی که در حال نماز است و دیگری با او سخن می گوید ۱۰۵
- بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می شود ۱۰۶
- بابی است در باره ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح ۱۱۴
- بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته می شوند ۱۱۷
- بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می شود ۱۴۰

- بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می‌گوید..... ۱۴۱
- بابی است در بیان آنچه که وقت بالا آمدن آفتاب می‌گوید..... ۱۴۳
- بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می‌گوید..... ۱۴۳
- بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می‌گوید..... ۱۴۴
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید، موقعی که اذان مغرب را می‌شنود..... ۱۴۶
- بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می‌گوید..... ۱۴۶
- بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می‌خواند و آنچه بعد از نماز وتر می‌گوید..... ۱۴۸
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلو بر بسترش دراز کشید..... ۱۵۰
- بابی است در بیان کراهیت خوابیدن بدون ذکر خداوند متعال..... ۱۶۹
- بابی است در بیان آنچه که می‌گوید وقتی که در شب بیدار شد و خواست بعد از آن بخوابد..... ۱۶۹
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در بستر خوابش ناآرام شد و به خواب نرفت..... ۱۷۳
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب می‌ترسد..... ۱۷۵
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست می‌دارد یا دید آنچه را که دوست نمی‌دارد..... ۱۷۶
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که دیگری خواب خود را برای او حکایت نمود..... ۱۷۷
- بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی دوم هر شب..... ۱۷۸

- بابی است در بیان این که هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست، به امید اینکه با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود..... ۱۷۹
- بابی است در بیان نام‌های نیک خدا..... ۱۸۰
- کتابی است در بیان تلاوت قرآن..... ۱۸۲
- کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن..... ۲۰۰
- کتابی است در بیان صلوات و سلام فرستادن بر رسول الله ﷺ..... ۲۰۵
- بابی است در بیان اینکه هر کسی که نام پیغمبر نزد او برده شد، امر شده به او که صلوات و سلام بر رسول الله ﷺ بفرستد..... ۲۰۷
- بابی است در بیان چگونگی درود فرستادن بر رسول الله ﷺ..... ۲۰۹
- بابی است در بیان اینکه آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال و درود و سلام بر پیامبر ﷺ بگشاید..... ۲۱۱
- بابی است در بیان درود فرستادن بر پیغمبران و بر آل‌شان به تبعیت از ایشان - درود و سلام خدا بر ایشان باد..... ۲۱۲
- کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی..... ۲۱۵
- بابی است در بیان دعای استخاره..... ۲۱۵
- بابی است در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته می‌شود... ۲۱۷
- بابی است در بیان دعا به هنگام اندوه و کارهای مهم..... ۲۱۸
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده باشد یا دچار ناراحتی شده باشد..... ۲۲۲
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که به او دلتنگی یا حزن و اندوهی رسید..... ۲۲۳
- بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد..... ۲۲۵

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله الواحد القهار، العزيز الغفار، مقدر الأقدار، مصرف الأمور مكور الليل على النهار. تبصرة لأولى القلوب و الأبصار. الذي أيقظ من خلقه من اصطفاه فأدخله في جملة الأخيار. و وفق من اجتباه من عبیده فجعله من المقرّبين الأبرار، و بصّر من أحبّه فزهدهم في هذه الدار، فاجتهدوا في مرضاته و التأهب لدار القرار و اجتناب ما يسخطه و الحذر من عذاب النار، و أخذوا أنفسهم بالجدّ في طاعته و ملازمة ذكره بالعشيّ و الأبرار و عند تغير الأحوال و جميع آناء الليل و النهار، فاستنارت قلوبهم بلوامع الأنوار. أحمده أبلغ الحمد على جميع نعمه و أسأله المزيد من فضله و كرمه، و أشهد أن لا إله إلاّ الله العظيم، الواحد الصمد العزيز الحكيم، و أشهد أنّ محمّداً عبده و رسوله، و صفيّة و حبيبه و خليله، أفضل المخلوقين، و أكرم السابقين و اللاحقين، صلوات الله و سلامه عليه و على سائر النبيّين و آل كلّ و سائر الصالحين.

امّا بعد: كتاب «الأذكار من كلام سيّد الأبرار» از بهترین تألیفات الإمام العالم العلامة سيّد الحفاظ في عصره و الجامع بين المنقول و المعقول في دهره، نسيج و حده و فريد عصره،

ابی زکریّا یحیی بن شرف النووی تغمّده اللّٰه برحمته و أسکنه الفردوس الأعلى من جنّته، می‌باشد؛ روی این اصل با اندکی تلخیص به ترجمه و شرح این کتاب برخاستم تا برای مبتدئین امثال خودم نافع و سودمند باشد و این کتاب را به سه قسمت تقسیم نمودم تا هر قسمتی جداگانه چاپ شود و در اجتناب تطویل و ملازمت اختصار مایه‌ی پسند دانش‌پژوهان قرار گیرد. کتابی که از قدیم درباره‌ی آن گفته شده: «بِعُ الدارَ و اشترَ الأذکار؛ خانه را بفروش و اذکار را بخر».

معلوم است که تا چه حد مقبول نظر علما و صلحا می‌باشد. و ما با این شرح مختصر و مفید در جمله‌ی خادمان این کتاب قرار گرفتیم. امید ما به دریای رحمت پروردگار این است که کتاب و شرح آن را مقبول خاص و عام قرار بدهد و نفعش به عموم برساند. إِنَّهُ سَمِيعٌ مُّجِيبٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوْلَىٰ و آخِرًا و صَلَّى اللَّهُ و سَلَّمَ عَلَي خیر خلقه و آله و صحبه و أتباعه دائماً سرمداً.

فصل

فی الأمر بالإخلاص و حسن النّیّات فی جمیع الأعمال الظاهرات و الخفیّات

در امر به اخلاص و حسن نیت و خیراندیشی در همه ی اقوال و اعمال پیدا و ناپیدا.

قال الله تعالى: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾

«و فرمان نیافتند جز آن که خدا را در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته اند با پاکدلی (دین ورزی به دین ابراهیمی) بپرستند.»

و قال تعالى: ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَائُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾

«نمی رسد به خدای متعال گوشت های قربانی و نه خون های آنها ولیکن به خدا می رسد پرهیزگاری و خیراندیشی شما.»

قال رسول الله ﷺ: (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَىٰ، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ

إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَهِيَ حِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِيَ حِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ). مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

«صحت کارها به حسب نیت آنهاست و به هر کس داده می‌شود از ثواب به حسب نیت او، پس هر کس هجرت او برای خدا و فرستاده‌ی او باشد، پس هجرت او برای خدا و فرستاده‌ی اوست و کسی که هجرتش برای دنیا یا برای زنی است که با او ازدواج می‌کند، پس هجرتش برای چیزی است که برای آن هجرت کرده است.»

از این رو هر کاری که می‌خواهی انجام بدهی باید به قصد به دست آوردن رضای خدا و آسایش خلق خدا انجام دهی تا کارت مقبول و ثواب آن برایت محفوظ باشد. صالحان گفته‌اند: هر شخص به قدر نیتش نگه‌داری می‌شود و هر کس به حساب قصد و نیتش ثواب می‌یابد و هر کاری که برای رضای مردم انجام داده شود آن شرک است و هر کاری که به خاطر مردم ترک شود ریا است و اخلاص عبادت از این است که خدا تو را از شرک و ریا نگه دارد و برای به دست آوردن رضای خدا موفق فرماید.

(فصل) شایسته برای هر کس آن است که هر وقت دانست که کاری دارای ثواب است به حسب توانایی خود انجام دهد و اگر چه در عمری یک بار باشد، اگر به او رسید که نماز تسبیح ثواب بسیار دارد آن را اقلأ در عمری یک بار انجام دهد. اگر شنید که عمره در رمضان ثواب حج همراه رسول الله ﷺ را دارد، اقلأ یک بار در عمر انجام دهد. اگر شنید از اهل علم که نماز ضحی و یا اوابین میان مغرب و عشا ثواب بسیار دارد، اقلأ یک بار انجام بدهد و اگر بتواند هیچ‌کدام را از دست ندهد.

(فصل) دانشمندان گفته‌اند که جایز و مستحب است که در فضایل اعمال به حدیث ضعیف عمل نموده تا وقتی که حدیث موضوع نباشد. اما در احکام مثل حلال و حرام عمل کردن جز به حدیث صحیح و یا حسن درست نیست. مگر اینکه از باب احتیاط باشد، چنانکه اگر حدیثی وارد باشد بر مکروه بودن بعضی از انواع بیع یا بعضی از انواع نکاح که در این صورت مستحب است آن نوع بیع و نکاح را ترک نمود.

(فصل) ذکر و یاد خدا ممکن است به دل یا به زبان باشد و بهتر است که یاد خدا به دل و زبان هر دو باشد. اگر بخواهد بر یکی از آن دو اکتفا نماید ذکر و یاد که به قلب باشد از ذکر و یاد که به زبان باشد و دل با آن نباشد بهتر است. و هیچگاه نباید ذکر به قلب و لسان را با هم به خاطر اینکه ممکن است گمان ریا به او ببرند از دست بدهد. برای اینکه اگر کسی این راه را بر خود بگشاید که هر چه گمان ریا در آن برود از دست بدهد خیر عظیم را از دست می‌دهد و هیچگاه طریق صالحان چنین نیست.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است که رسول الله ﷺ فرمود که آیه‌ی: ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافُتُ بِهَا﴾ درباره‌ی دعا نازل شده است که دعای خود را نه زیاد بلند بگو و نه زیاد آهسته، بلکه حد وسط را نگه دار.

(فصل) بدان که ذکر و یاد خدا منحصر در تسبیح و تحلیل و تحمید و تکبیر نیست، بلکه هر عملی است که به آن رضای خدا به دست می‌آید. واعظی که وعظ می‌گوید ذکر خدا و یاد خدا حساب می‌شود. جاهایی که انسان در آن جاها احکام حلال و حرام را می‌آموزد که چگونه بیع را انجام دهد و چگونه نماز بخواند و چگونه روزه برود و چگونه نکاح نماید و چگونه طلاق بدهد و چگونه حج برود که صحیح باشند، این جاها محل ذکر و یاد خدا است. طالب علم که درس خود را تکرار می‌کند تا در راه علم نافع پیش برود، استادی که درس می‌دهد تا شاگردانش از علم سودمند بهره‌مند شوند، کاسبی که کار حلال انجام می‌دهد تا نفقه‌ی زن و فرزند از حلال بدهد، یاسبانی که شب بیدار می‌ماند تا جان و مال مردم را از دستبرد جنایتکاران حفظ کند، سربازی که در مرز کشور می‌نشیند تا کشور را از تعدی دشمن نگه دارد، مادری که خواب راحت را از چشم خود دور می‌نماید تا کودکش آسوده بخوابد، همه‌ی این‌ها وقتی که به قصد به دست آوردن رضای خدا و آسایش خلق باشد همه

طاعت و یاد خدا است. و اینکه گفته شده عبادت به جز خدمت خلق نیست به همین معناست که خدمت به خلق به قصد به دست آوردن رضای خدا در حکم یاد کردن خدا و طاعت اوست.

(فصل) قال الله تعالى: ﴿وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِیماً﴾ احزاب: ۳۵

«و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، خدا آماده فرمود برایشان آمرزش و ثوابی بس بزرگ».

قال رسول الله ﷺ: (سَبَقَ الْمَفْرُودُونَ، قالوا وما المفردون يا رسول الله، قال الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ). رواه مسلم عن أبي هريره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

رسول الله ﷺ فرمود: «مَفْرُودُونَ سبقت گرفتند، گفتند: مفردون چه کسانی هستند یا رسول الله، فرمود: مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند».

ابن عباس فرمود: مقصود از این آیه کسانی هستند که بعد از نمازهای فرض و بامدادان و شامگاهان یاد خدا می‌کنند. عطاء گفت: کسی که نمازهای فرض پنجگانه را با حقوق آنها به جا آورد در این آیه داخل است، یعنی جزو بسیار یادکنندگان خدا است. ابن الصلاح گفت: کسی که اذکار ثابت را در صبح و شام و در حالات مختلف از شب و روز به جا آورد از بسیار یاد خداکنندگان شمرده می‌شود.

الحاصل: مسلمان باید وقتی که از خواب بیدار می‌شود و وقتی که به بستر خواب می‌رود و وقتی که از خانه بیرون می‌رود و وقتی که به خانه می‌آید و بعد از نمازها و هنگام خوراک خوردن و آب آشامیدن و لباس پوشیدن نام خدا و یاد خدا بر دل و زبان او باشد تا دل و زبان او به یاد خدا عادت کند و از یاد خدا و سپاس او و شکر نعمت‌های او غفلت نرزد. کلمه‌ی توحید: «لا إله إلا الله» بهترین کلمه‌ای است که باید همیشه بر دل و زبان باشد.

(فصل) علما اتفاق دارند که یاد خدا کردن به دل و زبان جایز است برای کسانی که بی وضو و یا جنب و یا حائض و یا نفساء هستند، اینان می‌توانند تسبیح و تهلیل و تحمید و تکبیر را به زبان بگویند و به دل بیاورند. اما قراءت قرآن برایشان روا نیست و اگر چه قراءت بخشی از یک آیه باشد. و درست است برایشان بر دل جاری کردن قرآن، بدون اینکه به زبان بیاورند و درست است برایشان نظر در قرآن و جاری کردن آن بر دل بدون اینکه به زبان بیاورند. و درست است برایشان گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» موقع غذا خوردن و آب آشامیدن و موقع دخول و خروج خانه، و گفتن «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» در وقت مصیبت و گفتن «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» وقتی که در کشتی، ماشین و هواپیما و یا بر حیوان سواری می‌نشینند. و اگر جنب باشد و آب نیابد و تیمم نماید به جای غسل، می‌تواند با این تیمم نماز بخواند و قرآن بخواند و اگر جنب نه آب بیابد برای غسل و نه خاک بیابد برای تیمم، او در وقت مشخص نماز فرض را بخواند برای حرمت وقت و فاتحه را نیز در آن بخواند. والله سبحانه و تعالی أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم

(فصل) شایسته است برای کسی که خدا را یاد می‌کند و اذکار وارده را می‌خواند اینکه در بهترین حالت باشد از لباس پاک و جای پاک و با وضو باشد؛ و اگر نشسته است رو به قبله بنشیند. اگر این حالت را رعایت نکند یاد خدا کردنش درست است، اما بهترین حالت را از دست داده است و دلیل آن آیه‌ی ۱۹۱ سوره‌ی آل عمران است: ﴿الَّذِينَ يَذُكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ﴾

«مردمی که خدا را یاد می‌کنند ایستاده و نشسته و به پهروی خود خوابیده».

و در حدیث صحیح آمده: (كان صلى الله عليه وسلم يذُكُرُ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ أَحْيَانِهِ).

«رسول الله صلى الله عليه وسلم خدا را یاد می‌فرمود در همه‌ی حالاتش؛ در راه رفتن و نشسته

و ایستاده و به پهلو افتاده و با وضو و بی وضو و در حال جنابت. یاد خدا در همه احوال جایز است. واللّٰه سبحانه و تعالیٰ أعلم و صلی اللّٰه علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلّم.

(فصل) بدان که یاد خدا کردن در همه‌ی حالات انسان خوب و پسندیده است مگر در حالاتی که شرع یاد خدا کردن را در آن حالات منع نموده است. بنابراین ذکر در حال نشستن برای قضای حاجت و در حال جماع و در وقتی که باید گوش به سخن خطیب بدهد و در قیام نماز که محل قراءت فاتحه و سوره است و در حال چرت زدن و غلبه‌ی خواب که در این احوال یاد خدا کردن مکروه است. اما در کوچه و خیابان موقع راه رفتن و در حمام یاد خدا کردن مکروه نیست. واللّٰه سبحانه و تعالیٰ أعلم و صلی اللّٰه علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلّم.

(فصل) مقصود از ذکر و یاد خدا کردن حضور قلب است، بنابراین باید ذکر کننده در حال حضور قلب باشد و بکوشد که در حال ذکر خدا دل او حاضر باشد و عظمت خدا را به خاطر داشته باشد و بداند که این توفیق بزرگی است که او توانسته است از یاد خدا دل خود را به نور ایمان روشن نماید. و آنچه به زبان می‌آورد معنی آن را بداند و مثلاً کلمه‌ی «لا إله إلا الله» مدّ آن را به جا آورد که در این مدّ فهم معنای آن به دست می‌آید.

(فصل) شایسته این است کسی که وردی از ذکر دارد بر آن مداومت نماید و اگر وقتی از او فوت شد آن را تدارک ببیند تا عادت به ترک ذکر ننماید، چنانکه در حدیث صحیح مسلم است به روایت عمر بن الخطاب رضی اللّٰه عنه که رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم فرمود: (مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ مَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ صَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ)؛ «کسی که عادت داشت حزبی از قرآن را در شب بخواند یا قسمتی از حزب، و به خواب رفت و آن حزب را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند، ثواب آن

برایش نوشته می‌شود چنانکه گویا در شب خوانده است».

(فصل) در بیان حالاتی که بر خواننده‌ی ورد عارض می‌شود که مستحب است ترک ذکر نماید و آن حالت که رفع شد به سوی ذکر خود برگردد. چنانکه اگر کسی در حضور او عطسه کرد قراءت خود را قطع کند و به او بگوید: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» و برگردد به سوی قراءت خود و همچنین کسی که سلام نمود بر او، جواب سلام بگوید و برگردد به سوی قراءت خود و همچنین اگر اذان شنید، جواب مؤذن را بگوید به کلمات اذان و اگر اقامه شنید، کلمات اقامه را بگوید و بعد از جواب مؤذن برگردد به سوی قراءت خود و اگر منکری دید منع نماید و اگر کسی سؤالی دارد ارشاد او نماید و سپس برگردد به سوی قراءت خویش و اگر چرت و خواب آمد، بخوابد و بعد برگردد به قراءت خود.

(فصل) بدان که هر ذکر مشروع و هر قراءتی در نماز و یا غیر آن، واجب باشد یا سنت، اعتباری ندارد مگر وقتی که به زبان آورد و خودش آن را بشنود وقتی که شنوایی اش سالم باشد.

(فصل) بدان که در اوراد و اذکاری که در شب و روز گفته می‌شود، دانشمندان ما کتاب‌های گران‌بهای تصنیف فرموده‌اند که یکی از بهترین آن‌ها کتاب: «عمل الیوم و اللیلة» تألیف امام احمد بن محمد بن اسحاق السنّی است و بهتر از آن کتاب: «أذکار» تألیف امام نسوی است که آن را از کتاب‌های معتمد، مثل صحیح بخاری و صحیح مسلم و موطاء امام مالک و سنن ترمذی و ابو داود و نسایی و مسند امام احمد و ابی عوانة و سنن ابن ماجه و دارقطنی و بیهقی و غیر از آن‌ها نقل نموده و همه‌ی آن‌ها به اسناد خود تا مؤلفین آن‌ها روایت دارد. و کتاب «اذکار» در خوبی ضرب المثل است تا جایی که گفته‌اند: (بِعِ الدَّارَ وَ اشْتَرِ الأذکار)؛ «خانه را بفروش و کتاب اذکار امام نووی را بخر». کتاب اذکار امام نووی از بهترین

کتاب‌های تالیف شده در این زمینه است و از بهترین کتاب‌های امام نووی. و این کتاب مختصر الاذکار که به تالیف آن مبادرت نمودم همه‌ی مطالب آن از کتاب اذکار گرفته شده و به زبان فارسی ترجمه شده است. واللّٰه سبحانه و تعالی اعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم.

(فصل) بدانکه در این مختصر آنچه آورده می‌شود همه از اذکار امام نووی رحمته الله گرفته شده است.

(باب مختصر فی أحرف ممّا جاء فی فضل الذکر غیر مقید بوقت)

بایی است مختصر در بیان چند سخن از آنچه در فضیلت ذکر خدا آمده بدون اینکه مقید به وقت معین باشد.

قال الله تعالی: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾؛ «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». چه نعمتی از این بالاتر که وقتی بنده خدا را یاد کند، خدا او را یاد کند، آیا نباید همیشه مؤمن خدا را یاد کند تا خدا او را یاد کند. کسی که خدا او را یاد کند به بهترین نعمت‌ها رسیده است برای اینکه خدا یاد بنده‌ای می‌نماید که او را دوست می‌دارد.

قال رسول الله ﷺ: (أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ)؛ «بهترین یاد خدا در گفتن لا إله إلا الله می‌باشد: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا». - الله سبحانه و تعالی -
رواه الترمذی و ابن ماجه.

قال رسول الله ﷺ: (كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ). رواه البخاری

«دو کلمه هستند که گفتنشان بر زبان سبک است و وزن ثواب آن در ترازوی حسنات سنگین است و این دو کلمه محبوب هستند نزد خدای بسیار بخشاینده‌ی

بسیار مهربان: سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظيم». یعنی پاک و منزّه است خداوند و به ستایش او مشغولم. پاک و منزّه است خداوند بزرگ.

و در صحیح مسلم به روایت از ابوذر رضی الله عنه آمده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود:

(أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَحَبِّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ إِنَّ أَحَبَّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ). و در روایتی: (سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَيُّ الْكَلَامِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: (مَا أَصْطَفَى اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ أَوْ لِعِبَادِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ).

رسول الله صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: «آیا تو را با خبر نکنم از محبوبترین سخن نزد خدای تعالی؟ محبوبترین سخن نزد خدا: سبحان الله و بحمده است؛ یعنی تسبیح و تنزیه خدا می‌گویم و به ستایش او مشغولم. خدا را از هر عیب و نقصی مبرا می‌دانم و او را شایسته‌ی حمد و ثنا می‌دانم. و از رسول الله صلی الله علیه و آله سوال شد: بهترین سخن کدام است؟ فرمود: «آن سخنی است که خدا برای فرشتگانش یا برای بندگانش برگزید. سبحان الله و بحمده».

و در صحیح مسلم از سمرة بن جندب رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (أَحَبُّ الْكَلَامِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا يَضُرُّكَ بِأَيِّهِنَّ بَدَأْتَ).

«محبوبترین سخن نزد خدای تعالی چهار کلمه است: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، زیانی برایت ندارد به هر کدام ابتدا نمایی». سبحان الله: خدا را پاک و منزّه می‌دانم از هر عیب و نقصی. الحمد لله: ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست. لا اله الا الله: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا. الله اکبر: خدا بزرگ‌تر است. هر کس و هر چه به خاطر آید، خدا از او بزرگ‌تر است، یعنی در برابر بزرگی و عظمت خدا همه‌ی کاینات خرد و حقیر هستند.

و در صحیح مسلم از ابو مالک اشعری رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمَلُّهُ الْمِيزَانُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمَلُّانِ أَوْ تَمَلُّ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ).

و در صحیح مسلم است که رسول الله صلی الله علیه و آله به جویریة، همسر گرامی اش که هسته‌ی خرما جمع کرده بود و با آن‌ها تسبیح و تهلیل را می‌شمرد، فرمود: از وقتی که من از نزد تو رفته‌ام تا حال که آمده‌ام همین کار شمردن تعداد تسبیح و تهلیل به هسته‌ی خرما را انجام داده‌ای؟ جویریة گفت: آری. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: من وقتی که از این جا رفتم چهار کلمه گفته‌ام که اگر با گفته‌ی تو مقایسه شود، از گفته‌های تو برتر آید. آن چهار کلمه عبارتند از سه بار: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِينَةَ عَرْشِهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ».

سبحان الله و بحمده به شماره‌ی مخلوقات خدا، برابر رضای او، و هموزن عرش او و به اندازه‌ی مرکب معلومات خدا.

تسبیح و تحمیدی که از زبان رسول الله صلی الله علیه و آله باشد و با این اوصاف هیچ تسبیح و تحمید دیگری با آن برابر نخواهد شد. و باید به همین کلمات باشد تا ثواب عظیم آن فراهم آید.

و در صحیح مسلم به روایت ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (لَأَنْ أَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ).

«آنکه بگویم سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر، محبوب‌تر است نزد من از همه‌ی آنچه آفتاب بر آن‌ها طلوع کرده است». یعنی این چهار جمله گفتن از دنیا و ما فیها بهتر است، برای اینکه دنیا فانی است و ثواب این جملات می‌ماند».

و در صحیح بخاری و مسلم به روایت ابو ایوب انصاری رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که ده بار بگوید: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير»؛ ثواب آن مانند ثواب کسی است که چهار برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد.

و در صحیح بخاری و مسلم آمده است به روایت ابوهریره رضی الله عنه عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در روز صد بار آن را بگوید ثواب آن برابر است با ثواب ده برده آزاد کردن و نوشته می شود برای او یکصد حسنه و محو می شود از او یکصد سیئه و در تمام آن روز نگه داشته می شود از شیطان تا شامگاهان و در آن روز کسی بهتر از او گفتاری نیاورده است مگر کسی که بیش از او آن را گفته باشد. و فرمود: (مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةً مَرَّةً، حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در روز صد بار بگوید: سبحان الله و بحمده، گناهان او محو می شود و اگر چه مانند کف دریا باشد». کف دریا: همان سفیدی است که روی موج دریا ظاهر می شود.

ترمذی و ابن ماجه از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت کرده اند که جابر گفت: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: (أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ). قال الترمذی حدیث حسن. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین ذکر و یاد خدا گفتن لا إله إلا الله است با عمل به مضمون آن.

امام بخاری رحمته الله از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت نمود و ابوموسی از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: (مِثْلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُهُ مِثْلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ)؛ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مثال کسی که یاد خدا می کند و کسی که یاد خدا نمی کند مثال زنده و مرده است». آن کسی که یاد خدا می کند زنده است و آن کسی که یاد

خدا نمی‌کند در حکم مرده است. برای اینکه کسی که از یاد خدا در غفلت است از مردگان شمرده می‌شود.

در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص روایت می‌نماید که سعد رضی الله عنه گفت: اعرابی به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: سخنی به من بیاموز که من آن را بگویم. قال: (قل لا إله إلا الله وحده لا شريك له، الله أكبر كبيراً و الحمد لله كثيراً و سبحان الله رب العالمين، لا حول و لا قوة إلا بالله العزيز الحكيم). قال فهو لاء لربي، فإلي؟ قال: (قل اللهم اغفر لي و أرحمني و أهدني و أرزقني).

رسول الله صلی الله علیه و آله به آن اعرابی فرمود: «بگو لا إله إلا الله وحده لا شريك له: نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا، الله که یکتا است، و هیچ شریکی ندارد. و الله أكبر كبيراً: خدای یکتا بزرگ‌تر است از آنچه در خاطر انسان آید. بزرگی و عظمت او را شایسته است. و الحمد لله كثيراً: و همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست، حمد و ستایش بسیار و بی‌شمار. و سبحان الله رب العالمين: و پاک و منزّه است الله که پروردگار جهانیان است هر چه هست پرورده‌ی نعمت‌های اوست. لا حول و لا قوة إلا بالله العزيز الحكيم: نه توانایی و قدرتی است برای پایداری بر طاعت خدا و نه توان و قدرتی است برای دوری از گناه، مگر به کمک خدای یکتای پر عزت پر حکمت». وقتی که رسول الله صلی الله علیه و آله این کلمات را به اعرابی آموخت، اعرابی گفت: این‌ها همه برای پروردگارم می‌باشد، پس برای خودم چیست؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو خدایا بیامرز مرا و مرا مورد رحمتت قرار ده و مرا به راه راست برسان و مرا روزی ده».

و در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت شده که سعد گفت: ما خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله بودیم، آنگاه فرمود: «آیا یکی از شما ناتوان است از اینکه هر روزی هزار حسنه به دست آورد؟ یکی از کسانی که خدمت پیغمبر بودند، پرسید:

چگونه هزار حسنه را به دست می‌آورد؟ فرمود: «یکصد بار سبحان الله می‌گوید و برای او هزار حسنه نوشته می‌شود یا اینکه هزار خطیئه از او محو می‌شود».

لفظ حدیث: کنا عند رسول الله ﷺ فقال: (أَيُعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكْسِبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ؟) فَسَأَلَهُ سَائِلٌ مِنْ جُلَسَائِهِ كَيْفَ يَكْسِبُ أَلْفَ حَسَنَةٍ؟ قَالَ: (يُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ فَتُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ أَوْ تُحَطُّ عَنْهُ أَلْفُ خَطِيئَةٍ). قال الامام الحافظ أبو عبد الله الحميدي: كذا هو في كتاب مسلم في جميع الروايات: «أَوْ تُحَطُّ»، قال البرقاني: ورواه شعبة و ابو عوانة و يحيى القطان عن موسى الذي رواه مسلم من جهته فقائوا: «و تُحَطُّ» بغير ألف. يعنى به حسب روايت اينان: كسى كه يكصد بار سبحان الله گفت، هزار حسنه براى او نوشته مى‌شود و هزار خطيئه و گناه از او محو مى‌شود.

و در صحيح مسلم از ابوذر رضي الله عنه روايت نمود كه ابوذر گفت: رسول الله ﷺ فرمود: (يُضَبِّحُ عَلَى كُلِّ سَلَامٍ مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ، فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَ نَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَ يَجْزِي عَنْ ذَلِكَ رَكَعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحَى).

رسول الله ﷺ فرمود: «بامداد هر روز بر هر عضوی از اعضای بدنتان صدقه‌ای است. هر یک بار که سبحان الله می‌گوید برای او صدقه‌ای است و هر باری که الحمد لله می‌گوید برای او صدقه‌ای است و هر باری که لا اله الا الله می‌گوید برای او صدقه‌ای است و هر باری که الله اکبر می‌گوید برای او صدقه‌ای است و هر امر به معروفی که می‌کند صدقه‌ای است و هر نهی از منکری که می‌کند صدقه‌ای است و جای همه‌ی این‌ها را می‌گیرد دو رکعت نماز سنت ضحی که آن را می‌خواند». اقل نماز ضحی دو رکعت است و اکمل آن هشت رکعت است و وقت آن بعد از گذشتن شانزده دقیقه از طلوع آفتاب است تا اذان ظهر. و بهترین وقت آن در ربع النهار است که چهار یک روز گذشته باشد. سلامی به معنی عضوی از اعضای بدن، جمع آن، سلامیات است.

و در صحیحین بخاری و مسلم آمده است که ابو موسی اشعری رضی الله عنه گفت:
 قال لی رسول الله صلی الله علیه و آله: (أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَثْرٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ)؟ فقلتُ: بلی یا رسول الله، قال:
 (قُلْ، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ)؛

«ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود: «آیا تو را راهنمایی
 نکنم به گنجی از گنجینه‌های بهشت؟» گفتم: بلی یا رسول الله، فرمود: «کلمه‌ی
 لا حول و لا قوّة إلا بالله، مثل گنجی است از گنجینه‌های بهشت». لا حول و لا قوّة
 إلا بالله، یعنی نه توانایی دارم بر پایداری بر طاعت خدا و نه می‌توانم دورری از
 نافرمانی خدا، مگر به کمک خدای یکتا، که هر طاعتی انجام بدهم از مددکاری
 اوست و هر معصیتی را ترک نمایم از نگه‌داری اوست. اعتماد بر خدا در توفیق بر
 طاعت و در نگه‌داری از معصیت، مانند گنجی از گنجینه‌های بهشتی است که به
 انسان داده شده باشد.

و در سنن ابو داود و ترمذی آمده است که سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گفت که
 همراه رسول الله صلی الله علیه و آله نزد زنی رفتیم که جلو او هسته‌های خرما و سنگریزه بود و
 گفتن سبحان الله را با آن‌ها می‌شمرد؛ رسول الله صلی الله علیه و آله به آن زن فرمود:

(أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكَ مِنْ هَذَا أَوْ أَفْضَلُ؟) فقال: سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي
 السَّمَاءِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ
 عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ
 لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ)؛ «آیا تو را خبر ندهم به چیزی که بر تو آسان‌تر
 باشد از آن یا هم آسان‌تر و هم فضل آن بیشتر باشد؟» نگاه فرمود: سبحان الله به
 شماره‌ی آنچه خدا آن‌ها را در آسمان آفرید و سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا
 آن‌ها را در زمین آفرید و سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا آن‌ها را میان آسمان و
 زمین آفرید و سبحان الله به شماره‌ی آنچه خدا آن‌ها را می‌آفریند و الله اکبر مانند

آن‌ها، یعنی به شماره‌ی آن‌ها و الله اکبر مانند آن‌ها و الحمد لله به همان اندازه و لا إله إلا الله، مانند آن‌ها، یعنی به همان شماره و لا حول و لا قوة إلا بالله به همان شماره». ترمذی بعد از روایت این حدیث گفته است: حدیث حسن.

و نووی رحمته الله در کتاب اذکار فرمود: ما روایت داریم در سنن ابو داود و ترمذی به اسناد حسن از یسیره رضی الله عنها که زنی از صحابه و از مهاجران است که رسول الله صلی الله علیه و آله به زنان دستور داد که: (أَنْ يُرَاعِينَ بِالتَّكْبِيرِ وَ التَّقْدِيسِ وَ التَّهْلِيلِ وَ أَنْ يَعْقِدْنَ بِالأَنَامِلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطِقَاتٌ)؛ «رسول الله صلی الله علیه و آله به زنان امر فرمود که: «در موقع تکبیر و تقدیس و تهلیل، یعنی موقع گفتن الله اکبر و موقع گفتن سبحان الله و موقع گفتن لا إله إلا الله، دل خود را حاضر کنند و به انگشتان خود آن را بشمارند، برای اینکه انگشتان در روز قیامت پرسیده می‌شوند و به سخن می‌آیند».

و در اذکار فرموده که: روایت داریم از سنن ابی داود و ترمذی و سنن نسائی به اسناد حسن از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که گفت: دیدم رسول الله صلی الله علیه و آله را که موقع گفتن سبحان الله به انگشتان خود آن‌ها را می‌شمرد. و در روایتی به انگشتان دست راست خود آن‌ها را می‌شمرد.

و در اذکار فرمود: روایت داریم در سنن ابو داود از ابو سعید خدری رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

(مَنْ قَالَ رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله رَسُولًا وَ جَبَّتْ لَهُ الْجَنَّةُ)؛ «کسی که گفت: راضی و خشنودم به خدای یکتا، الله، در پروردگاریش و راضی هستم به اسلام در دینداری و راضی و خشنودم به حضرت محمد صلی الله علیه و آله در پیغمبریش، یعنی کسی که به دل و زبان به پروردگاری خدا و دینداری اسلام و رسالت خاتم انبیا راضی باشد و از ایشان پیروی و اطاعت نماید، بهشت برای او ثابت است».

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن بسر رضی الله عنه که مردی به

خدمت رسول الله ﷺ آمد و گفت که: شرایع اسلام بر من بسیار شد، یعنی احکام در اسلام بسیار است و من از عهده‌ی همه‌ی آنها بر نمی‌آیم، مرا خبر ده به کاری که به آن تمسک بجویم. فرمود: (لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى)؛ «همیشه زبانت به یاد خدا تر باشد». یعنی همیشه خدا را یاد کن، زیرا وقتی زبانت همیشه به یاد خدا مشغول شد، غیبت و خبرچینی و دروغ و زشت‌گفتاری از تو سر نمی‌زند و یاد خدا به صورت همیشگی زبانت را از بدی باز می‌دارد و عملت را از زشتی نگه می‌دارد.

نووی فرمود: و در سنن ترمذی روایت داریم از ابو سعید خدری رضی الله عنه که از رسول الله ﷺ پرسیده شد: چه عبادتی درجه‌اش در روز قیامت نزد خدای متعال بالاتر است؟ قال: (الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا) قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمِنْ أَلْغَاظِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؟ قال: (لَوْ ضَرَبَ بِسَيْفِهِ فِي الْكُفَّارِ وَالْمُشْرِكِينَ حَتَّى يَنْكَسِرَ وَيَخْتَضِبَ دَمًا لَكَانَ الذَّاكِرُونَ أَفْضَلَ مِنْهُ)؛ فرمود: «درجه‌ی کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند، بالاترین درجه است». ابو سعید خدری می‌گوید، گفتم: آیا درجه‌ی عبادت ایشان از کسانی که جهاد در راه خدا می‌کنند بیشتر است؟ رسول الله ﷺ فرمود: اگر غازی، یعنی مجاهد فی سبیل الله، با شمشیر خود کافران و مشرکان را بزند تا جایی که شمشیرش شکسته شود و و به خون آغشته شود باز هم کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند بر او برتری دارند.

نووی فرمود: و روایت داریم در کتاب ابن ماجه از ابودرداء رضی الله عنه که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: (أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَأَرْفَعِهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ إِنْفَاقِ الذَّهَبِ وَالْوَرَقِ وَخَيْرٌ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ؟) قالوا: بَلَى، قال: (ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى)؛

ابودرداء رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت نمود که فرمود: «آیا خبر ندهم شما را به کاری که بهترین اعمال‌تان و پاکیزه‌ترین رفتار‌تان و بالاترین درجه در اعمال‌تان

باشد و بهتر باشد برای شما از انفاق طلا و نقره و بهتر باشد برایتان از اینکه با دشمن رو در رو شوید و گردن آنها را بزنید؟ گفتیم: بله، فرمود: «یاد کردن خدای متعال». حاکم ابو عبدالله در کتاب خود، «المستدرک»، گفت: این حدیث صحیح الاسناد است.

در حقیقت ادیان همه آمده‌اند تا مردم را به خدا نزدیک کنند و مردم را به طاعت خدا وادارند و کسی که همیشه زبانش به یاد خداست و دلش در فرمان خداست او خود را برای همه انواع طاعت آماده نموده و خود را از هر نوع گناه و عصیان نگه داشته است، از این رو او دارای بالاترین درجه عبادت و ثواب است.

نووی فرمود: روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب اسراء و معراج ابراهیم را ملاقات نمودم، گفت: (یا محمد، أَقْرَىٰ أُمَّتِكَ السَّلَامَ وَأَخْبِرُهُمْ أَنَّ الْجَنَّةَ طَيِّبَةُ التُّرْبَةِ عَذْبَةُ الْمَاءِ وَإِنَّهَا قَيْعَانٌ وَإِنَّ غِرَاسَهَا سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ). قال الترمذی: حدیث حسن رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب اسراء و معراج ابراهیم علیه السلام را ملاقات نمودم، گفت: سلام امتت را برسان و به ایشان خبرده که بهشت خاکش پاک و آماده‌ی بهره برداری است و همه دشت هموار است و آب آن شیرین است و زراعت و کاشتن درختان در آن به گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر می‌آید». یعنی امتت بکوشند هر چه بیشتر این کلمات را بگویند تا هر چه بیشتر از زمین بهشت استفاده کنند. خوشا به حال امت محمد که انبیاء هم به فکر راهنمایی و فایده‌رسانی به ایشان هستند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از جابر بن عبدالله انصاری و او از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: (مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ غُرِسَتْ لَهُ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ). قال الترمذی: حدیث حسن.

«کسی که بگوید سبحان الله و بحمده، با هر باری که مسلمان این کلمه را بگوید درخت نخلی در بهشت برای او کاشته می‌شود».

باید دانست که مردم از غفلت خود و نگفتن این کلمه‌ی عظیم چقدر نعمت از دست می‌دهند و با مشغول شدن به سخنان بیهوده عمر خود را ضایع می‌کنند و به جای ثواب بارگناه خود را سنگین می‌کنند.

نووی فرمود که در کتاب ترمذی روایت داریم از ابوذر رضی الله عنه که گفت: گفتم: یا رسول الله، کدام سخن محبوب‌تر است نزد خدای متعال؟ فرمود: (ما أَضْطَفَى اللّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيُّ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ رَبِّيُّ وَبِحَمْدِهِ)؛ قال الترمذی: حدیث حسن صحیح.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین سخن سخنی است که خدای تعالی آن را برای فرشتگانش برگزید: سُبْحَانَ رَبِّيُّ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ رَبِّيُّ وَبِحَمْدِهِ: منزه و پاک می‌دانم پروردگارم را از هر عیب و نقصی و به ستایش او مشغولم».

پس از اینکه صاحب کتاب اذکار ذکرهای غیر مقید را یاد کرد، می‌پردازد به ذکرهایی که در مناسبت‌ها گفته می‌شود و آغاز نمود به ذکرهای که مسلمان موقع بیدار شدن از خواب می‌گوید.

(باب ما يقول إذا استيقظ من النوم)

بابی است در بیان ذکرى که موقع بیدار شدن از خواب می‌گوید.

در صحیحین به روایت از ابوهریره آمده است که رسول الله ﷺ فرمود:

(يَعْقُدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلَاثَ عُقَدٍ، يَضْرِبُ عَلَى كُلِّ عُقْدَةٍ مَكَانَهَا عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَأَرْقُدْ، فَإِنْ اسْتَيْقَظَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَإِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ صَلَّى انْحَلَّتْ كُلُّهَا فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَ إِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که یکی از شما به خواب رفت، شیطان پشت سر او سه گره می‌زند و در هر گره می‌گوید شب درازی در پیش داری به خواب، چنانچه بیدار شد و نام خدا را یاد کرد، گرهی گشوده می‌شود، و چنانچه بلند شد و وضو گرفت گره دیگری گشوده می‌شود و چنانچه نماز خواند گره‌ها همه گشوده می‌شود و بامداد که از بستر برمی‌خیزد خوش دل و بانشاط برمی‌خیزد و چنانچه خدا را یاد نکرد و وضو نگرفت و نماز نخواند بامداد که از بستر خواب بلند می‌شود بددل و گرفته دل و بی‌نشاط و سست برمی‌خیزد». و معلوم است که کسی که همه‌ی شب به خواب غفلت فرو رفت، نه خدا را یاد کرد، نه وضو گرفت و نه دو رکعت نماز خواند، سستی و بی‌حالی نصیب او می‌شود. مسلمان همیشه با یاد خدا و طهارت وضو و نماز به خدا نزدیک می‌شود. و از روزی که تلویزیون در خانه‌ها راه یافته و کوچک و بزرگ چشم به آن دوخته‌اند و خسته و بی‌حال به بستر خواب می‌روند نشاط عبادت در شب از دست داده‌اند و خوشی قلب نمی‌یابند.

و در صحیح بخاری از حذیفه بن الیمان و ابوذر رضی الله عنهما روایت نمود که

رسول الله ﷺ وقتی که بر بستر خواب می‌نشست می‌فرمود:

(بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَ أَمُوتُ)، و إذا اسْتَيْقَظَ قَالَ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ).

رسول الله ﷺ قبل از خواب می فرمود: «خدایا به نام تو زنده می مانم و می میرم». و بعد از خواب که بیدار می شد می فرمود: «حمد و ستایش ها برای خدای یکتاست که ما را با بیداری زنده فرمود بعد از اینکه ما را با خواب از مردگان ساخته بود و بازگشت به سوی اوست».

و در کتاب ابن السنّی به اسناد صحیح آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: (إذا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي وَ عَافَانِي فِي جَسَدِي وَ أَدِنَ لِي بِذِكْرِهِ)؛ «موقعی که یکی از شما از خواب بیدار می شود بگوید: همه ی ستایش ها برای خدای یکتایی است که روح مرا برگرداند و تندرستی به من عطا فرمود و به من اجازه داد تا او را یاد کنم».

و در همین کتاب آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: (مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ عِنْدَ رَدِّ اللَّهِ تَعَالَى رُوحَهُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمَلِكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَيْدِ الْبَحْرِ).

«هر بنده ای که موقع بیدار شدنش بگوید: لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر، الا غفر الله تعالی ذنوبه و لو كانت مثل زید البحر».

و در همان کتاب آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: (مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْتَبِهُ مِنْ نَوْمِهِ فَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْمَ وَ الْيَقَظَةَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي سَالِمًا سَوِيًّا أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى صَدَقَ عَبْدِي)؛

«هر بنده ای که از خواب بیدار شود و بگوید: همه ی ستایش ها برای خدای یکتاست که خواب و بیداری هر دو را آفرید - تا خواب مایه ی آسایش بندگان باشد و

بیداری برای کار و کسب باشد - همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتاست که مرا به حال تندرستی و سلامت اعضا بیدار فرمود، گواهی می‌دهم که خداوند مردگان را زنده می‌گرداند و او بر هر چیزی تواناست، خدا می‌فرماید: بنده‌ام راست گفت؛ یعنی خدا این گفتار را از او پذیرفت و ثواب او را عطا فرمود.

(باب ما یقول إذا لبس ثوبه)

بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس می‌گوید.

مستحب است گفتن بسم الله و همچنین مستحب است بسم الله الرحمن الرحیم گفتن در آغاز همه‌ی کارها. در کتاب ابن السنّی «عمل الیوم و اللیلة» از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت نمود که رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه لباسی می‌پوشید خواه جامه خواه لنگ دوش خواه عمامه، هر لباسی که می‌پوشید می‌فرمود: (اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَ خَيْرِ مَا هُوَ لَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا هُوَ لَهُ)؛ «خدایا از تو می‌خواهم از خوشی این لباس و خوشی آنچه این لباس برای آن ساخته شد. و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شد».

و در همین کتاب روایت داریم از معاذ بن انس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا جَدِيدًا فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي هَذَا وَ رَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ، غَفَرَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ)؛ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مسلمانی که جامه‌ی نوی پوشید و گفت حمد و ستایش‌ها برای خدای یکتاست که این جامه‌ی نو را به من پوشانید و آن را روزی من فرمود بدون اینکه حول و قوه‌ی من آن را برایم فراهم کرده باشد، خدا گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد».

(باب ما يقول إذا لبس ثوباً جديداً أو نعلين و ما أشبهه)

بابی است در بیان آنچه موقع پوشیدن لباس، کفش نو و مانند آن‌ها می‌گوید.

ابو داود، ترمذی و نسائی در سنن‌شان به روایت از ابو سعید خدری رضی الله عنه آورده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله هر گاه لباس نوی به دست می‌آورد خواه جامه یا عمامه یا لنگ دوش بود برای آن نامی می‌گذاشت آنگاه می‌فرمود:

(اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا صُنِعَ لَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ)؛ حدیث صحیح

«خدایا برای توست حمد و ستایش‌ها، تو آن را به من پوشانیدی از تو می‌خواهم خیر و خوشی آن و خیر و خوشی هر چه این لباس برای آن ساخته شده و پناه می‌برم به تو از شر این لباس و شر آنچه این لباس برای آن ساخته شده است». یعنی خیر و خوشی لباس و خیر و خوشی بدنی که لباس برای آن ساخته شده را از تو می‌خواهم. لباس دارای خیر و خوشی باشد و بدنی که آن لباس را می‌پوشد هم در حال خیر و خوشی باشد. واللّٰه اعلم

و در کتاب ترمذی روایت داریم از عمر رضی الله عنه که گفت از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود:

(مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا جَدِيدًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي حَيَاتِي ثُمَّ عَمَدَ إِلَى الثَّوْبِ الَّذِي أَخْلَقَ فَتَصَدَّقَ بِهِ، كَانَ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَ فِي كَنْفِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَيًّا وَ مَيِّتًا)

«کسی که لباس نوی پوشید و گفت حمد و ستایش برای خدای یکتاست که مرا لباسی پوشانید که به وسیله‌ی آن عورت خود را بیوشانم و به وسیله‌ی آن در زندگی‌ام زیبایی و تجمّل بیابم، آنگاه لباسی را که کهنه کرده بود صدقه کرد و به فقیر

داد او در نگهداری خدا و در حمایت خدای عزوجل می باشد و در راه خداست در زندگی و پس از مرگ».

(باب ما یقول لصاحبه إذا رأى علیه ثوباً جدیداً)

بابی است در بیان آنچه به دوستش می گوید وقتی که دید لباس نوی پوشیده است.

روایت داریم در صحیح بخاری از ام خالد، دختر خالد بن الولید، رضی الله عنهما که گفت: لباس هایی برای رسول الله ﷺ آورده بودند و در میان آنها چارقده سیاهی بود. رو به حاضران نمود و فرمود:

(مَنْ تَرَوْنَ نَكُسُوها هَذِهِ الْحَمِيصَةَ؟ فَأَسَكَتَ الْقَوْمُ، فَقَالَ: (أَتُونِي بِأَمِّ خَالِدٍ) فَأَتَى بِي النَّبِيُّ ﷺ فَأَلْبَسَنِيهَا بِيَدِهِ وَقَالَ: (أَبْلِي وَ أَخْلِقِي مَرَّتَيْنِ)؛

«به نظر شما این چارقده را به چه کسی بیوشانیم؟ حاضران سکوت نمودند، آنگاه فرمود: تا مرا به خدمت رسول الله ﷺ بیاورند، وقتی که آمدم به دست مبارک خود آن را بر من پوشانید و فرمود: این لباس را بیوش تا آن را فرسوده نمایی، دو بار».

ام خالد آن وقت دختری خردسال بود.

و روایت داریم در کتاب «عمل الیوم و اللیلة» تالیف ابن السنی به روایت از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که رسول الله ﷺ لباس تازه ای بر عمر دید و پرسید: لباس نو است یا شسته شده؟ عمر عرض کرد شسته شده است؛ رسول الله ﷺ فرمود: (الْبِشْ جَدِيداً وَ عِشْ حَمِيداً وَ مِثْ شَهِيداً سَعِيداً).

«بپوش لباس نو و زندگی کن زندگی پسندیده و بمیر به حال شهادت و

(باب کیفیة لبس الثوب و النعل و خلعهما)

بایی است در بیان چگونگی پوشیدن لباس، کفش و بیرون آوردن آن‌ها.

هنگام پوشیدن لباس، کفش، شلوار و مانند آن‌ها از راست شروع کند و در هنگام بیرون آوردن از چپ شروع کند و نیز سرمه به چشم کشیدن و مسواک زدن و چیدن ناخن و کوتاه کردن سبیل و اصلاح سر و تراشیدن موی زیر بغل و سلام نماز دادن و داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از مستراح و وضو گرفتن و غسل کردن و خوردن و آشامیدن و مصافحه کردن و دست کشیدن به حجرالأسود و گرفتن چیزی از کسی و چیزی را به دست کسی دادن، در همه‌ی این‌ها مستحب است از راست شروع کند و ضد آن‌ها از چپ.

و در اذکار از صحیحین روایت شده که عائشه صدیقه رضی الله عنها گفت:
(كان رسول الله ﷺ يُعْجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي شَأْنِهِ كُلِّهِ فِي طَهْوَرِهِ وَ تَرَجُّلِهِ وَ تَنَعُّلِهِ)؛ «پیامبر ﷺ دوست می‌داشت همه‌ی کارهای خوب خود را با دست راست و از سمت راست انجام دهد، در طهارت و شانه کردن مو و پوشیدن کفشش».

و در اذکار از سنن ابی داود روایت شده که عایشه رضی الله عنها گفت:
(كانت يدُ رسولِ الله ﷺ الأيمنی لِطَهْوَرِهِ وَ طَعَامِهِ وَ شَرَابِهِ وَ كَانَتْ الْيُسْرَى لِخَلَائِهِ وَ مَا كَانَ مِنْ أَدَى).

«دست راست پیامبر ﷺ برای طهارت، خوردن، نوشیدن، و دست چپش برای قضای حاجت و آنچه که از ناپاکی بود، اختصاص داشت».

(باب ما يقول إذا خلع ثوبه لغسل أو نوم أو نحوهما)

بابی است در بیان آنچه به هنگام بیرون آوردن لباسش برای شستن یا خوابیدن یا مانند آنها می‌گوید.

روایت داریم در کتاب ابن سنی از انس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

(سَتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنِّ وَ عَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ الْمُسْلِمُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَطْرَحَ ثِيَابَهُ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ).

پوشش میان چشمان جن و عورت‌های بنی آدم آن است که فرد مسلمان هر گاه بخواهد لباسش را بیرون آورد بگوید: به نام خدایی که نیست معبودی مگر او.

(باب ما يقول حال خروجه من بيته)

بابی است در بیان آنچه هنگام خروجش از خانه می‌گوید.

ابوداود، ترمذی، نسایی و ابن ماجه از ام سلمه رضی الله عنها که همسر رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد و نام او هند است روایت نمودند که رسول الله صلی الله علیه و آله هر گاه از خانه‌اش بیرون می‌رفت می‌فرمود:

(بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَذِلَّ أَوْ أُذِلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)؛ حدیث صحیح و قال الترمذی حدیث حسن صحیح.

«به نام خدا و توکل نمودم بر خدا، یعنی به نام خدا از خانه بیرون می‌روم و بر خدای یکتا اعتماد می‌نمایم. خدایا به تو پناه می‌برم از اینکه گمراه شوم و یا اینکه گمراه کرده شوم و پناه می‌برم به خدا از اینکه خوار شوم یا خوار کرده شوم و از

اینکه ستم به کسی نمایم و یا اینکه کسی به من ستم نماید و از اینکه راه نادانی بگیرم و یا اینکه کسی با من نادانی نماید.

رسول الله ﷺ در تعلیم این امت چنین بیان فرمود که در بیرون رفتن از خانه، نام خدا را یاد کنند و بر ذات مقدسه‌ی خدا توکل نمایند و به خدا پناه ببرند از اینکه خود راه خواری بگیرند یا کسی ایشان را خوار نماید، نه خود راه گمراهی بگیرند و نه کسی ایشان را گمراه کند، نه خود به کسی ستم کنند و نه کسی به ایشان ستم نماید و نه خود راه نادانی بگیرند و نه کسی راه نادانی با ایشان بگیرد. کسی که در بیرون از خانه به پشتیبانی نام خدا و توکل بر خدا از گمراهی و خواری و ستم و نادانی نگاه‌داری شود، خیر دنیا و آخرت برای او جمع شده است.

و در روایت ابی داود و ترمذی و نسایی و غیر از ایشان از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله ﷺ فرمود:

(مَنْ قَالَ - یعنی إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ - بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، يُقَالُ لَهُ: كَفَيْتَ وَ وُقِيتَ وَ هُدِيتَ وَ تَنَحَّى عَنْهُ الشَّيْطَانُ).

رسول الله ﷺ فرمود: «هر کس موقعی که از خانه بیرون رفت گفت: بسم الله توکلت علی الله و لا حول و لا قوه الا بالله: به نام خدا از خانه بیرون آمده‌ام و بر خدای یکتا اعتماد کرده‌ام و نیست چاره‌ای در پایداری بر طاعت خدا و نه توانی برای دوری از معاصی مگر به کمک خدای یکتا، کسی که این را گفت به او گفته می‌شود: تو را کفایت کرده‌اند و نگه‌داشته‌اند و راهنمایی کرده‌اند به سوی راه راست و شیطان از او دور شده.»

(باب ما یقول إذا دخل بیته)

بابی است در بیان آنچه وقتی که داخل خانه‌اش می‌شود، می‌گوید.

مستحب است که موقع داخل شدن به خانه بگوید: بسم الله. و یاد خدا بسیار نماید و سلام کند، خواه کسی در خانه باشد و یا نباشد. اگر در خانه کسی است می‌گوید: السَّلَامُ عَلَیْكُمْ. و اگر در خانه کسی نیست می‌گوید: السَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِیْنَ. خدای متعال فرمود:

﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُیُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَیْ أَنْفُسِكُمْ تَحِیَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَیِّبَةً﴾

«وقتی داخل به خانه‌هایتان می‌شوید بر اهل خانه سلام کنید که این گرامی داشتنی است پاک و پربرکت که از نزد خدا می‌یابید.»

ترمذی از انس رضی الله عنه روایت نمود که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود:

(یا بُنَیَّ إِذَا دَخَلْتَ عَلَیْ أَهْلِكَ فَسَلِّمْ تَكُنْ بَرَکَةً عَلَیْكَ وَ عَلَیْ أَهْلِ بَیْتِكَ). قال الترمذی

حدیث حسن صحیح

«وقتی که داخل به خانه‌ات شدی بر خانواده‌ات سلام کن بگو: السلام علیکم که همین سلام کردنت برکتی است بر خودت و بر خانواده‌ات.»

و در سنن ابی داود روایت داریم از ابومالک اشعری رضی الله عنه (نام ابومالک: حارث است و گفته شده: نام او عبید و گفته شده نام او کعب و گفته شده نام او عمرو است، یعنی نظر به اینکه شهرت او به ابومالک است در نام او اختلاف است، اگر چه معتمد همان حارث است).

ابو مالک گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: (إِذَا وَجَعَ الرَّجُلُ بَیْتَهُ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَوْجِ وَ خَيْرَ الْخُرْجِ بِأَسْمِ اللَّهِ وَ لَجْنَا وَ بِأَسْمِ اللَّهِ خَرَجْنَا وَ عَلَی اللَّهِ رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا ثُمَّ لِيُسَلِّمْ عَلَی أَهْلِهِ).

«وقتی که شخص داخل خانه‌اش شد بگوید: خدایا از تو می‌خواهم خیر داخل شدن به خانه و از تو می‌خواهم خیر بیرون آمدن از خانه. به نام خدا به خانه داخل شدیم و به نام خدا از خانه بیرون می‌رویم و بر خدای یکتا که پروردگار ما می‌باشد توکل نمودیم. آنگاه سلام بر اهل خانه‌اش نماید». ابو داود پس از روایت این حدیث آن را ضعیف ندانست.

و ابو داود به اسناد حسن روایت نمود از ابو امامه باهلی که نام او صدیق بن عجلان است از رسول الله ﷺ که فرمود:

(ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، رَجُلٌ خَرَجَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَتَوَقَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَ غَنِيمَةٍ وَ رَجُلٌ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَتَوَقَّاهُ فَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ يَرُدَّهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ وَ غَنِيمَةٍ وَ رَجُلٌ دَخَلَ بَيْتَهُ بِسَلَامٍ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى). حدیث حسن

«سه کس اند که در ضمان و رعایت خدای عزوجل هستند: مردی که به جهاد فی سبیل الله رفت او در رعایت خدای عزوجل می‌باشد تا اینکه خدا او را وفات دهد و به بهشت داخل گرداند یا اینکه او را به خانه‌اش برگرداند با آنچه از اجر و غنیمت به دست آورده است. و مردی که به مسجد رفت (برای طاعت خدا) او زیر نظر و رعایت خداست تا اینکه خدا او را وفات دهد و او را داخل بهشت سازد یا اینکه او را زنده برگرداند با آنچه از ثواب و غنیمت عمر به دست آورده است. و کسی که داخل به خانه می‌شود با سلام بر اهل خانه، او در ضمان و رعایت خداوند پاک و بلند مرتبه است.»

و در صحیح مسلم به روایت از جابر بن عبداللّه انصاری رضی اللّٰه عنهما آمده است که جابر گفت از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که می فرمود:

(إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ؛ وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ: أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ؛ وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ: أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ وَالْعَشَاءَ).

«وقتی که شخص داخل خانه شد و نام خدا را یاد کرد وقت آمدن به خانه و خوراک خوردن، شیطان به همراهانش می گوید این جا نه محلی برای خوابیدن دارید و نه خوراکی برای خوردن و چنانچه وقت داخل شدن به خانه نام خدا را یاد نکرد، شیطان به همراهان خود می گوید این جا جای خوابیدن یافتید و وقتی که هنگام غذا خوردن نام خدا را یاد نکرد، شیطان به همراهان خود می گوید شما در این خانه هم جای ماندن یافتید و هم غذا برای خوردن.»

و امام مالک در موطا فرمود: کسی که داخل به خانه ای شد که کسی در آن نیست، بگوید: السلام علينا و علی عباد الله الصالحین.

(باب ما يقول إذا استيقظ في الليل و خرج من بيته)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در شب از خواب بیدار شود و از خانه بیرون برود.

مستحب است وقتی که در شب از خواب بیدار شد و از خانه بیرون رفت نظر به سوی آسمان نماید و از آیه‌ی ۱۹۰ تا آخر سوره‌ی آل عمران را بخواند:

(إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخُلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ * رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعنا مَنادياً ينادى للإيمان أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرارِ * رَبَّنَا وَآتِنَا ما وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ * فَاسْتَجابَ لَهُمُ رَبُّهُمْ أُنَّىٰ لا أَضِيعُ عَمَلِ عَامِلٍ مِنْكُمْ مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْشَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ وَأُؤذُوا فِي سَبيلِ اللَّهِ وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِها الْأَنْهارُ ثواباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوابِ * لا يَغْرُنْكَ تَلَقُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلادِ مَتاعٌ قَليلٌ ثُمَّ ما وَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبئسَ الْمهادِ * لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِها الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها نَزلاً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلأَبْرارِ * وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَمَنْ يَأْمِنُ بِاللَّهِ وَما أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَما أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ خاشِعِينَ لِلَّهِ لا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمناً قَليلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحسابِ * يا أَيُّها الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصابِرُوا وَرابطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ *)

«حقاً که در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و از بی‌یکدیگر آمدن شب و روز نشانه‌های قدرت پروردگار است برای خردمندان. آن مردمی که خدا را یاد می‌کنند

ایستاده و نشسته و بر پهلو افتاده و می‌اندیشند در آفرینش آسمان‌ها و زمین‌ها و می‌گویند: ای پروردگار ما، نیافریدی این همه کاینات پر عظمت را به باطل، منزّه هستی از هر عیب و نقصی، پاکی از هر عیب، پس نگه‌دار ما را از عذاب دوزخ. پروردگارا به حقیقت هر کسی را به دوزخ فرستادی حقا که او را رسوا کرده‌ای و نیست ستمگران را هیچ یاری دهنده. پروردگارا به حقیقت که ما شنیدیم دعوت کننده که به سوی ایمان دعوت می‌کرد و می‌گفت ایمان بیاورید به پروردگارتان و ما قبول دعوتشان کردیم و ایمان آوردیم، پروردگارا بیامرز ما را و گناهان ما را آمرزیده ساز و بیوشان از ما بدی‌هایمان و وفات و مرگ ما را همراه نکوکاران قرارده که در وقت وفات از نکوکاران باشیم. پروردگارا بده ما را آنچه را که بر زبان پیغمبرانت نوید آن را به ما دادی و ما را رسوا مگردان در روز قیامت به حقیقت که تو هیچ‌گاه خلاف وعده نخواهی فرمود. پروردگارشان دعایشان را به اجابت رسانید و فرمود: ضایع نمی‌گردانم عمل هر عمل خیر کننده از شما از مرد یا زن، بعضی از شما از بعضی دیگرند (شما همه از همدگر هستید و ایمان و عمل صالح میان شما جمع نموده) پس مردمی که هجرت کردند از دیار کفر و بیرون شدند از شهر و خانه‌هایشان و شکنجه و اذیت دیدند از کافران در راه ایمان آوردن به من و جنگیدند با کافران و کشته شدند در این راه، می‌پوشانم از ایشان بدی‌هایشان و ایشان را داخل می‌سازیم به بهشت‌هایی که روان است زیر آن‌ها رودها، این همه احسان که به ایشان برسد پاداشی است از نزد خدا و خداست که پاداش نیکو نزد اوست. نفریبد تو را رفت و آمد کافران در شهرها، خوشی اندکی است پس از آن جایگاهشان دوزخ است و چه بد آرامگاهی است برایشان (که به جای آرامش در دوزخ می‌سوزند). ولیکن مردمی که از خدا ترسیدند برای ایشان است بهشت‌هایی که روان است زیر آن‌ها رودها در حالی که در آن بهشت‌ها و خوشی‌ها جاویدان می‌مانند و

این مهمانی است از نزد خدا برایشان و آنچه نزد خداست بهتر است برای نکوکاران. و به حقیقت از اهل کتاب: از یهود و نصاری مردمی هستند که ایمان می‌آورند به خدای یکتا و آنچه نازل شد بر شما و آنچه نازل شد بر خودشان، فروتنی کنندگانند برای خدا، نمی‌خرند در مقابل آیات خدا بهای اندکی، آنانند که برایشان است ثوابشان نزد پروردگارشان، حقا که خدا خیلی زود به حساب بندگان برسد. (حساب این همه خلائق در مدت کوتاهی انجام می‌دهد: آنچه مومن هستند حساب اعمالشان به قدر فاصله‌ی میان دو نماز انجام می‌شود و به خوشی جاویدان می‌رسند و آنچه کافرند روز سختی در پیش دارند، همه رسوایی و بدبختی و دست آخر به آتش سوختن). ای مردمی که ایمان آورده‌اید، ای مؤمنان صبر و شکیبایی پیشه کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و بترسید از خدای متعال تا رستگار شوید.

در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که رسول الله ﷺ وقتی که در شب بیدار می‌شد و از خانه بیرون می‌رفت آن آیات را می‌خواند. و نظر کردن پیامبر به آسمان و خواندن آن آیات در صحیح بخاری آمده است و در مسلم نیامده است. و در صحیح بخاری و مسلم از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت نموده‌اند که رسول الله ﷺ موقعی که برای نماز تهجد از خواب برمی‌خاست می‌فرمود:

(اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ قِيمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَ لَكَ الْحَمْدُ، لَكَ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ وَ وَعْدُكَ الْحَقُّ وَ لِقَاؤُكَ حَقٌّ وَ قَوْلُكَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ وَ النَّارُ حَقٌّ وَ مُحَمَّدٌ حَقٌّ وَ السَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْكَ أُنَبَّتُ وَ بِكَ خَاصَمْتُ وَ إِلَيْكَ حَاكَمْتُ فَأَعْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمَقْدَّمُ وَ أَنْتَ الْمُوَخَّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ). زاد بعض الرواة: (وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ).

«خدا یا ستایش‌ها همه برای توست. تو نگه‌دار آسمان و زمین و همه‌ی آنچه در آن دو می‌باشد، هستی. و ستایش‌ها برای توست، مالکیت آسمان‌ها و زمین‌ها و آنچه در آن دو می‌باشد برای توست. و ستایش‌ها برای توست. تو روشن فرمای آسمان و زمین‌ها و آنچه در آن‌هاست، می‌باشی و همه ستایش‌ها برای توست. تو حق هستی و وعده‌ی تو همه حق است و دیدار تو در آخرت برای مومنان حق است و گفتار تو حق است و بهشت حق است و دوزخ حق است و رسالت محمد بر حق است و قیامت حق است. خدا یا خود را تسلیم فرمان تو نمودم و به فرمان تو مسلمان شدم و به تو ایمان آوردم و کارهایم را همه به تو واگذاشتم (تا سعی و کوششم را به ثمر برسانی) و به سوی تو رجوع و انابت نمودم (تا همیشه روی دلم متوجه درگاهت باشد و انجام دهنده فرمانت باشد) و برای تو با دشمنانت دشمنی نمودم، و برای داوری روی به سوی تو نمودم، پس پیامرز برایم گناهان پیش از این و بعد از این و آنچه از گناهان که نهانی انجام دادم و آنچه از گناهان که آشکار نمودم، تو به جلو می‌اندازی کسی را که بخواهی و به دنبال می‌اندازی کسی را که بخواهی، نیست معبودی به حق مگر تو». و بعضی از راویان این کلمه را افزوده‌اند: (ولا حول و لا قوّة الا باللّه)؛ «نیست نیرویی مرا در پایداری بر طاعتت و نه توانی برای دوری از نافرمانیت مگر به کمک تو و به کمک توست که راه پایداری بر طاعت و دوری از معصیت را به دست می‌آوریم».

(باب ما يقول إذا أراد دخول الخلاء)

بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مستراح می‌گوید.

و در صحیح بخاری و مسلم به ثبوت رسیده است که انس رضی الله عنه گفت:
رسول الله صلی الله علیه و آله موقع داخل شدن به مستراح می‌فرمود: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ
وَ الْخَبَائِثِ).

«خدایا پناه می‌برم به تو از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».

و در سنن ترمذی به روایت از علی رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:
(سِتْرٌ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنَّ وَ عَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ الْكَنْيَفَ أَنْ يَقُولَ: بِأَسْمِ اللَّهِ).

«چیزی که عورت بنی آدم را موقعی که به مستراح داخل می‌شود از چشم جن
می‌پوشاند گفتن بسم الله می‌باشد».

بنابراین چه در مستراح و چه در صحرا قبل از نشستن برای قضای حاجت
بگوید:

(بِأَسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَ الْخَبَائِثِ)؛

«خدایا نام تو را یاد می‌کنم و به تو پناه می‌برم از شر دیوهای نر و دیوهای ماده».

و در روایت ابن السنّی و طبرانی از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آورده است
که رسول الله صلی الله علیه و آله هر گاه به مستراح داخل می‌شد، می‌فرمود:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الْخُبْثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ).

«خدایا پناه می‌برم به تو از شر پلید ناپاک، خبیث بد عمل، شیطان رانده شده».

(باب النهی عن الذکر و الکلام علی الخلاء)

بابی است در بیان نهی از ذکر خدا و سخن گفتن به هنگام قضای حاجت

موقعی که برای قضای حاجت نشسته است مکروه است یاد خدا و سخن گفتن، خواه در صحرا باشد یا در ساختمان. و هر نوع اذکار و سخن یکسان است. و سخن نگوید مگر برای ضرورت، حتی اگر کسی عطسه نماید، نگوید: یَرْحَمُكَ اللَّهُ و اگر خودش عطسه کند، نگوید: الحمد لله. و اگر کسی بر او سلام گفت، جواب سلامش ندهد. و اگر صدای مؤذن بشنود جواب آن را ندهد و مانند مؤذن نگوید. و اگر اذان شنید و جواب اذان به دل بگوید و به زبان نیاورد مانعی ندارد. همچنین اگر در حال جماع بود به دل جواب مؤذن بگوید و بر زبان نیاورد.

و در صحیح مسلم آمده است موقعی که رسول الله ﷺ بول می کرد مردی که عبور می کرد سلام نمود و رسول الله ﷺ جواب سلامش نداد.

و در سنن ابو داود و نسایی و ابن ماجه به اسناد صحیح از مهاجر بن قنفذ روایت نمود که مهاجر گفت:

أَتَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ وَ هُوَ يَبُولُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيَّ حَتَّى تَوَضَّأْتُ ثُمَّ أَعْتَذَرَ إِلَيْهِ وَ قَالَ: (إِنِّي كَرِهْتُ أَنْ أذْكَرَ اللَّهَ تَعَالَى إِلَّا عَلَى طَهْرٍ).

مهاجر گفت نزد رسول الله ﷺ آمدم و سلام بر او نمودم وقتی که مشغول بول بود، جواب سلامم نگفت تا اینکه وضو گرفت و معذرت خواست و فرمود: «مکروه دانستم که نام خدا را یاد نمایم وقتی که بر طهارت نیستم».

(باب النهی عن السلام علی الجالس لقضاء الحاجة)

بابی است در بیان نهی از سلام کردن بر کسی که برای قضای حاجت نشسته است.

اگر کسی بر او سلام نمود حق جواب سلام ندارد و دلیل آن حدیث روایت ابن عمر و مهاجر است که در باب قبلی یاد شد.

(باب ما یقول إذا خرج من الخلاء)

بابی است در بیان آنچه موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می‌گوید.

می‌گوید: (عُفْرَانِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَ عَافَانِي)؛ «خدایا در برابر وقتی که به غفلت گذراندم از تو آمرزش می‌خواهم. ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است که پلیدی را از من دور کرد و مرا تندرستی عطا فرمود».

در حدیث صحیح در سنن ابوداود و ترمذی آمده است که رسول الله ﷺ وقتی که از محل قضای حاجت بیرون می‌آمد، می‌فرمود: «عُفْرَانِكَ»؛ «از تو آمرزش می‌خواهم» و در سنن نسایی و ابن ماجه ادامه‌ی آن آمده است، یعنی می‌فرمود: (عُفْرَانِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَ عَافَانِي) و ابن السنی و طبرانی از ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده‌اند که رسول الله ﷺ موقع بیرون آمدن از محل قضای حاجت می‌فرمود: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَذَى وَ أَذَقَنِي لَذَّتَهُ وَ أَبْقَى فِي قُوَّتِهِ وَ دَفَعَ عَنِّي أَذَاهُ)؛ «همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که لذت خوراک را به من چشانید و نیروی حاصل از خوراک را در وجود من باقی گذاشت و آزار و اذیت آن را از من دفع کرد».

(باب ما يقول على وضوئه)

بابی است در بیان آنچه در حال وضو می‌گوید.

مستحب است که در اول وضو بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم. اگر فقط بسم الله بگوید هم کفایت می‌کند. علمای ما گفته‌اند: اگر بسم الله در اول وضو نگفت در میانه‌ی وضو بگوید. اگر بسم الله نگفت تا اینکه از وضو فارغ شد وقت بسم الله گفتن گذشته است و با اینکه آن را نگفته وضوی او صحیح است. و در خصوص بسم الله گفتن احادیثی آمده که همه ضعیف است. امام احمد فرمود: درباره‌ی بسمله حدیث صحیحی نیافته‌ام. از آن جمله است حدیثی که در سنن ابی داود آمده است از رسول الله ﷺ که فرمود:

(لا وضوء لمن لم يذكر اسم الله عليه)؛ «وضو ندارد کسی که نام خدا را بر وضو یاد نکرد».

امام نووی فرمود: روایت داریم از سعید بن زید و ابی سعید خدری و عایشه و انس بن مالک و سهل بن سعد رضی الله عنهم؛ روایت همه در سنن بیهقی آمده است و بیهقی و غیر او همه آن احادیث را ضعیف دانسته‌اند.

و با اینکه احادیث بسمله در وضو ضعیف است، باز هم عمل به حدیث ضعیف در این‌گونه موارد جایز است.

(فصل) ابوالفتح نصر مقدسی زاهد گفته است که مستحب است برای

وضوگیرنده که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در اول وضو بگوید:
(أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ).

و این سخن که ابوالفتح مقدسی گفته است گرچه مانعی ندارد، اما اصلی در سنت ندارد و از علما مذهب‌مان و غیر از ایشان کسی آن را نگفته است.

(فصل) بعد از فارغ شدن از وضو بگوید: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ)؛
«گواهی می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای
او نیست و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی برحق خداست.
خدایا بگردان مرا از توبه‌کنندگان، که در مقابل هر غفلی توبه‌نمایم و بگردان
مرا از پاکیزگان که گرد هیچ آلودگی نگردم، خدایا منزّه و پاک هستی از هر
عیب و نقص، تسبیح تو می‌گویم و به حمد و ستایش تو می‌پردازم و گواهی
می‌دهم که نیست معبودی بحق مگر تو. طلب آمرزش می‌نمایم از تو و به سوی
تو روی می‌آورم».

نووی فرمود: و روایت داریم از عمر بن الخطاب که رسول الله ﷺ فرمود:
(مَنْ تَوَضَّأَ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
رَسُولُهُ، فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ) رواه مسلم فی صحیحہ.
«کسی که وضو بگیرد و موقع فارغ شدن از وضو بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله
وحده لا شريك له و أشهد أن محمداً عبده و رسوله، هشت در بهشت برای او گشوده
می‌شود تا از هر یک از آن درها که بخواهد داخل به بهشت شود».

و روایت ضعیفی هم هست در سه بار تکرار کردن أشهد أن لا إله إلا الله تا آخر.
شیخ نصر مقدسی گفته است بعد از گفتن این اذکار که یاد شد بگوید:
(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ).

علمای مذهب ما گفته‌اند اذکار یاد شده موقع فراغت از وضو و رو به قبله بگوید.
(فصل) امام نووی فرمود: دعاهایی که موقع شستن اعضای وضو گفته می‌شود از
رسول الله ﷺ به ثبوت نرسیده است.

شیخ الاسلام ذکریای انصاری فرمود: در خصوص آن دعاها روایاتی هستند که از مجموع آنها دانسته می‌شود گفتن آنها مستحب است.

امام نووی فرمود: فقها گفته‌اند مستحب است دعاهایی که از سلف آمده و حاصل آن دعاها چنین است که بعد از گفتن بسم الله الرحمن الرحیم، بگوید: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا)؛ «حمد و ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که آب را پاک کننده قرار داد». و موقع مضمضه و آب به دهن گردانیدن بگوید: (اللَّهُمَّ اسْقِنِي مِنْ حَوْضِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَأْسًا لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا)؛ «خدایا از حوض پیغمبرت - کوثر - در صحرای قیامت مرا لیوانی آب ده به طوری که بعد از آن هرگز تشنه نشوم». و موقع استنشاق و آب به بینی بردن بگوید: (اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي رَائِحَةَ نَعِيمِكَ وَجَنَّتِكَ)؛ «خدایا مرا محروم مفرما از بوی خوش بهشت‌هایت و خوشی آنها». و موقع شستن روی بگوید: (اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ وُجُوهُ وُتَسْوَدُ وُجُوهُ)؛ «خدایا مرا روسفید گردان در روز قیامت که روهای سفید و روهای سیاه می‌شود». و موقع شستن دست راست بگوید: (اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي)؛ «خدایا نامه‌ی اعمالم را به دست راستم برسان». و موقع شستن دست چپ بگوید: (اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي)؛ «خدایا نامه‌ی اعمالم را در دست چپم قرار مده». و موقع مسح سر بگوید: (اللَّهُمَّ حَرِّمْ شَعْرِي وَبِشْرِي عَلَى النَّارِ)؛ «خدایا مو و پوستم را بر دوزخ حرام گردان». تا آتش دوزخ به هیچ جای بدنم نرسد؛ یعنی مرا از رفتن به دوزخ حفظ فرما. و موقع مسح دو گوش بگوید: (اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ)؛ «خدایا بگردان مرا از جمله کسانی که گفتار را می‌شنوند و پیروی می‌کنند از بهترین گفتار». و موقع شستن دو پایش بگوید: (اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمِي عَلَى الصِّرَاطِ، يَوْمَ تَثْبُتُ وَتَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ)؛ «خدایا دو پای مرا بر پل صراط پایدار مدار، روزی که پاهایی ثابت می‌ماند و پاهایی می‌لغزد».

و نسایی و دوستش ابن السنّی در دو کتاب شان (عمل الیوم و اللیلة) به اسناد صحیح از ابو موسی اشعری روایت کرده‌اند که ابوموسی گفت: آب وضوی رسول الله آوردم، رسول الله ﷺ مشغول وضو گرفتن شد و شنیدم که در اثنای وضو دعا می‌کرد و می‌گفت: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ وَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَ بَارِكْ لِي فِي رِزْقِي)؛ «خدایا بیامرز برای من گناهم و فراخ بساز برایم خانه‌ام و در روزیم برکت قرار ده». گفتم: یا رسول الله، شنیدم که چنین دعایی می‌کردی: خدایا گناهم بیامرز و خانه‌ام گشاده و پرخیر بساز و در روزیم برکت بینداز. رسول الله فرمود: این دعا از حوائج انسانی چیزی باقی گذاشتند؟ یعنی این سه کلمه: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ وَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَ بَارِكْ لِي فِي رِزْقِي)، همه‌ی خیرات دنیا و آخرت را در بر دارد.

ابن السنّی گفت: این دعا را در اثنای وضو بگویند. و نسائی گفت این دعا را بعد از فراغت از وضو بگویند. احتمال هر دو وجود دارد. در اثنای وضو بگویند خوب است و بعد از فراغت هم بگویند خوب است. واللّٰه سبحانه و تعالی اعلم.

(باب ما یقولہ علی اغتسالہ)

بابی است در بیان آنچه که موقع بدن شستن می‌گوید.

مستحب است موقع بدن شستن، گفتن آنچه موقع وضو گرفتن مستحب است. و فرقی نیست در اینکه بدن شوینده جنب یا حائض باشد. غسل فرض باشد یا غسل سنت. و بسم الله الرحمن الرحیم را اول غسل بگویند. چنانچه جنب یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگویند، بلکه به عنوان اینکه از اذکار وضو و اغتسال است بگویند. واللّٰه سبحانه و تعالی اعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلّم.

(باب ما يقول على تيممه)

بابی است در بیان آنچه به وقت تیممش می‌گوید.

مستحب است که اول تیمم بسم الله الرحمن الرحيم را بگوید و اگر جنب و یا حائض باشد آن را به قصد قرآن نگوید، بلکه به عنوان آنچه از اذکار تیمم است بگوید. و در اثنای تیمم و بعد از تیمم آنچه در وضو مستحب بود در تیمم هم مستحب است، برای اینکه تیمم هم طهارتی است مانند وضو والله أعلم و صلى الله على سيدنا محمد و آله و صحبه و سلم.

(باب ما يقول إذا توجه إلى المسجد)

بابی است در بیان آنچه موقع رفتن به مسجد می‌گوید.

قبلاً گفتیم که وقتی از خانه بیرون آمد به هر جا که می‌رود چه بگوید. بنابراین وقتی که به مسجد می‌رود اضافه بر آن بگوید آنچه در صحیح مسلم از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت شده از آن حدیث طولانی که ابن عباس شبی در منزل خاله‌اش میمونه خوابید و در آن حدیث راجع به نماز تهجد رسول الله ﷺ صحبت نمود تا اینکه وقت نماز صبح شد و مؤذن اذان صبح گفت. و رسول الله ﷺ برای نماز صبح از خانه بیرون آمد و می‌فرمود:

(اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي لِسَانِي نُورًا وَ اجْعَلْ فِي سَمْعِي نُورًا وَ اجْعَلْ فِي بَصَرِي نُورًا وَ اجْعَلْ مِنْ خَلْفِي نُورًا وَ مِنْ أَمَامِي نُورًا وَ اجْعَلْ مِنْ فَوْقِي نُورًا وَ مِنْ تَحْتِي نُورًا اللَّهُمَّ اعْطِنِي نُورًا).

«خدایا در دلم نور قرار ده و در زبانم نور قرار بده و در شنوایی‌ام نور قرار ده و در

بینایی‌ام نور قرار ده و از پشت سرم نور قرار ده و از رو به رویم نور قرار ده و از بالای سرم نور قرار ده و از زیر پایم نور قرار ده، خدایا نور به من بده». مسلمان از خدا می‌خواهد که در دل و زبانش و در گوش و چشمش و از پشت سر و جلو رویش و از بالا و زیر و از همه طرف او نور خدا باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا در همه حال و همه کارش نور باشد. چه دعایی از این بهتر که مسلمان در اعضایش نور خدا باشد و نور خدا به او احاطه نموده باشد و خدا به او نور عطا فرماید تا همیشه مثل خورشید پرفروغ و نور رسان باشد.

و در کتاب ابن السنی روایت داریم از بلال رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی که به قصد نماز از خانه بیرون می‌آمد می‌فرمود:

(بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ مَخْرَجِي هَذَا فَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْهُ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً، خَرَجْتُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَاتِّقَاءَ سَخَطِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ).

قال النووی رحمته الله: حدیث ضعیف، أحد رواته: الوازع بن نافع العقیلی و هو متفق علی ضعفه و إنه منکر الحدیث. وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ مَعْنَاهُ مِنْ رِوَايَةِ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَطِيَّةٌ أَيْضًا ضَعِيفٌ.

«به نام خدا از خانه بیرون آمدم و ایمان آوردم به خدا و توکل نمودم بر خدا و کارهایم را به خدا واگذاشتم و نیست توانایی بر طاعت خدا و نه چاره‌ای برای دوری از گناه، مگر به کمک الله سبحانه و تعالی، خدایا به حق سؤال‌کنندگان و خواهش‌کنندگان از تو و به حق بیرون آمدنم از خانه برای رفتن به مسجد که من بیرون نیامدم به قصد تکبر و بی‌اعتنایی به حق و نه به قصد شهرت، بلکه بیرون آمدم از خانه به قصد خواستن خشنودیات و پرهیز از خشم، از تو می‌خواهم مرا پناه دهی از دوزخ و مرا از آتش دوزخ دور نگه‌داری و مرا داخل نمایی به بهشت».

نووی فرمود که این حدیث ضعیف است. روایت آن به همین لفظ یکی از روایت‌کنندگانش وازع بن نافع است که معروف است به ضعف در روایت حدیث و نامقبول بودن روایت او. و روایت به معنی این حدیث باز هم به روایت عطیه عوفی است که او هم ضعیف است. و گویی امام نووی که آن را در کتاب اذکار خود آورد از این جهت باشد که عمل به حدیث در فضایل اعمال جایز است واللّه سبحانه و تعالی أعلم.

(باب ما یقول عند دخول المسجد و الخروج منه)

بابی است در بیان آنچه موقع داخل شدن به مسجد و بیرون آمدن از آن می‌گوید.

موقع داخل شدن به مسجد می‌گوید: (أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَ سُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ).

«پناه می‌برم به خدای بزرگ و به ذات بزرگوار او و به سلطان و قدرت قدیم او از شیطان رانده شده. همه‌ی ستایش برای خدای یکتاست. خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد، خدایا بیامرزش گناهانم را و بگشای برایم درهای رحمت.»

و موقع بیرون آمدن از مسجد همین را بگوید و به جای (اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، بگوید: (و افْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ).

و اگر موقع داخل شدن به مسجد بگوید: (السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ). و موقع بیرون آمدن از مسجد بگوید: (السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ). هم خوب است.

و در حدیث صحیح است که موقعی که نمازگزار از مسجد بیرون می‌آید لشکریان

ابلیس بر او جمع می‌شوند. بنابراین بگوید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ و جُنُودِهِ)؛ «خدایا پناه می‌برم به تو از ابلیس و لشکریانش». این را که بگوید ضرری به او نمی‌رسانند.

(باب ما یقول فی المسجد)

بابی است در بیان آنچه در مسجد می‌گوید.

مستحب است بسیار یاد خدا کردن در مسجد با گفتن سُبْحَانَ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ و ذکرهای دیگر. و مستحب است بسیار خواندن قرآن در مسجد. و از جمله مستحبات مسجد، خواندن حدیث رسول الله ﷺ و علم فقه و دیگر علوم است. خدای متعال فرمود:

﴿فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ﴾
«در خانه‌هایی (در مساجد) که خدا اجازه داد بالا بردن و یاد کردن نام او. در همین مساجد صبح و پسین مردانی به تسبیح و تنزیه خدا مشغولند».

و رسول الله ﷺ فرمود: (إِنَّمَا هِيَ لِذِكْرِ اللَّهِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ). رواه مسلم. «این مساجد تنها ساخته شده برای یاد خدا کردن و تلاوت قرآن».

(فصل) شایسته است برای کسی که در مسجد نشسته است اینکه نیت اعتکاف کند: (نَوَيْتُ الْإِعْتِكَافَ) برای اینکه نزد ما نیت اعتکاف جایز است، اگرچه برای یک لحظه هم باشد؛ حتی اگر از مسجد عبور می‌کند هم لحظه‌ای بایستد و نیت اعتکاف نماید و بعد عبور کند. و مکروه است که در مسجد فارغ و بدون یاد خدا بنشیند، برای اینکه کسی که در مسجد است خوب است خود را به طاعتی مشغول دارد، از قبیل نماز، تلاوت قرآن، ذکر خدا، درس علم. و کسی که در مسجد است امر به

معروف و نهی از منکر نماید. و هر بار که به مسجد داخل می‌شود دو رکعت تحیت مسجد بخواند. اگر برایش مقدور نباشد چهار بار بگوید: (سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ).

(باب انکاره و دعائه علی من ینشد ضالة فی المسجد او یبیع فیه)

بابی است در بیان انکار و نفرین کردن بر کسی که در مسجد به دنبال گمشده‌اش می‌گردد یا خرید و فروش می‌کند.

اگر دید که کسی در مسجد می‌خواهد به خرید و فروش بپردازد یا سؤال گمشده نماید، منع نماید. چنانکه در حدیث صحیح مسلم آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: (مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنْشُدُ ضَالَّتَهُ فِي الْمَسْجِدِ فَلْيَقُلْ لَا رَدَّهٗ اللَّهُ عَلَيْكَ فَإِنَّ الْمَسْجِدَ لَمْ تُبْنَ لَهُذَا)؛ «کسی که شنید که مردی سؤال گمشده‌اش در مسجد می‌کند، بگوید: خدا گمشده‌ات را برنگرداند، برای اینکه مساجد برای این چیزها ساخته نشده است».

و در کتاب ترمذی آمده است: (إِذَا رَأَيْتُمْ مَنْ يَبِيعُ أَوْ يَبْتَاعُ فِي الْمَسْجِدِ فَقُولُوا لَا أُرْبِحُ إِلَّا اللَّهُ تِجَارَتَكَ)؛ «هرگاه دیدید کسی را که در مسجد می‌فروشد یا می‌خرد، به او بگویید خدا تجارتت را سودمند نگرداند».

(باب ما يقول إذا رأى من ينشد في المسجد شعراً ليس فيه مدح الإسلام
ولا ترغيب إلى مكارم الاخلاق)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید هر گاه کسی را دید که در مسجد شعری
می‌خواند که در آن مدح اسلام و تشویق به مکارم اخلاق نیست.

روایت داریم در کتاب ابن سنّی از ثوبان رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:
(مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يُنْشِدُ شِعْرًا فِي الْمَسْجِدِ فَقُولُوا لَهُ: فَضَّ اللَّهُ فَاكًا، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ)؛
«کسی را که دیدید در مسجد شعری می‌خواند، به او بگویید خداوند دهانت را پاره
کند، سه بار».

(باب فضيلة الأذان)

بابی است در بیان فضیلت اذان

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْإِذْنِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ
يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَأَسْتَهَمُوا). رواه البخاری و مسلم فی صحیحیہما عن أبی هريرة رضی الله عنه.
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر مردم می‌دانستند که در اذان و صف اول نماز با
جماعت چقدر ثواب است و آنگاه اذان و صف اول به دست نمی‌آمد مگر به قرعه
انداختن، راضی می‌شدند که بر آن قرعه بیندازند».

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (المُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ). رواه مسلم.
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مؤذنان مساجد روز قیامت گردن‌شان از گردن مردم
درازتر است». یعنی در روز قیامت مؤذنان از سرافرازترین مردم هستند، برای اینکه

وقت نماز را اعلام می‌کنند و مردم را دعوت به سوی نماز و طاعت خدا می‌کنند.
 يقول رسول الله ﷺ: (لا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنَّ و لا إِنْسٌ و لا شَيْءٌ إِلَّا شَهِدَ لَهُ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ) رواه البخاری

«هر کس و هر چیز که آواز مؤذن بشنود در وقت اذان گفتنش، خواه جن و یا انس و یا هر چیز دیگر باشد، در روز قیامت گواهی برای مؤذن می‌دهد».
 علمای مذهب ما شافعیان در خصوص اینکه امامت نماز بیشتر فضیلت دارد و یا اذان گفتن، بر چهار قول اختلاف نظر دارند. معتمد این است که اذان افضل است. قول دوم امامت افضل است. قول سوم امامت و اذان در فضیلت یکسانند. قول چهارم اگر می‌داند که حقوق امامت را می‌گذارد و شروط آن در وجود او جمع است امامت بهتر است و گرنه اذان افضل است.

(باب صفة الأذان)

بابی است در بیان چگونگی اذان

بدان که ترجیح در اذان سنت است و ترجیح، یعنی بعد از اینکه چهار بار الله اکبر بلند گفت، آهسته به طوری که خودش و کسی که نزدیک اوست بشنود دو بار بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله و دو بار نیز آهسته بگوید: أشهد أن محمداً رسول الله، و بعد از اینکه دو بار شهادتین را آهسته گفت، دو بار أشهد أن لا إله إلا الله، را بلند بگوید و دو بار نیز أشهد أن محمداً رسول الله را بلند بگوید. و تثویب سنت است؛ و تثویب عبارت از این است که دو بار حیّ علی الصلاة و دو بار حیّ علی الفلاح را که در اذان صبح گفت، دو بار بگوید: الصلاة خیر من النوم.

الفاظ اذان: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

و کسی که اذان می شنود هر چه که از مؤذن می شنود تکرار کند، مگر اینکه با شنیدن حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ و حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ می گوید: لَا حَوْلَ و لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ و موقعی مؤذن در نماز صبح می گوید: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ. شنونده می گوید: صَدَقْتَ و بَرَزْتَ: راست گفتی و نیکوکار شدی. گفته شده بگوید: صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ. و مستحب است که مؤذن خوش آواز و امین و محل اعتماد و با خبر از اوقات نماز باشد. و مستحب است که در اذان و اقامه با وضو باشد. و بدون وضو اذان و اقامه مکروه است. و رو به قبله اذان بگوید. و اذان و اقامه را ایستاده بگوید. اذان کافر و کودک غیر ممیز و زن روا نیست.

اگر در اذان ترجیع و تثویب نگوید، اذانش صحیح است و ترک افضل نموده است. اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض شبانه روزی دارد، خواه به تنهایی خوانده شود یا با جماعت، برای حاضر باشد یا مسافر، برای نماز ادا باشد یا نماز قضا. اگر چند نماز فرض با هم می خواند برای نماز اولی اذان و اقامه هر دو بگوید، برای باقی فقط اقامه بگوید. اذان و اقامه بنابر قول معتمد هر دو سنت هستند، چه برای نماز فرض شبانه روزی، چه نماز جمعه. و اذان و اقامه اختصاص به نمازهای فرض دارد، مثل نماز پنجگانه شبانه روزی و نماز جمعه.

و در نماز عید و کسوف و خسوف و استسقاء گفته می شود: «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ» و در سنن و نوافل دیگر گفته نمی شود. و در تراویح بنابر اصح اقوال «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ» گفته می شود.

و شرط است در اذان که بعد از دخول وقت نماز گفته شود. و برای نماز صبح درست است بعد از نیمه‌ی شب اذان صبح گفته شود. و معمولاً اذان اول نماز صبح یک ساعت قبل از دخول وقت گفته می‌شود تا کسانی که نماز تهجد می‌خوانند بعد از اذان اول بخوانند، برای اینکه مردم سست شده و مثل قبل همت ندارند بیش از نصف شب به نماز تهجد بپردازند. و اقامه‌ی نماز باید موقع آغاز به نماز گفته شود.

الفاظ اذان: الله أكبر الله أكبر، الله أكبر الله أكبر. و ترجیع دو بار أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و دو بار أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، که آهسته گفته می‌شود، سپس دوبار أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و دوبار أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ که به آواز بلند می‌گوید، سپس دو بار حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و دو بار حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ می‌گوید و در نماز صبح پس از آن دو بار الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ می‌گوید و سپس دو بار الله أكبر و پس از آن یک بار لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ می‌گوید. بنابراین الفاظ اذان بدون ترجیع و تثویب پانزده کلمه است و با ترجیع نوزده کلمه و با ترجیع و تثویب بیست و یک کلمه است.

(بَابُ مَا يَقُولُ مَنْ سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ وَالْمُقِيمَ)

بابی است در بیان آنچه که شنونده‌ی اذان و اقامه می‌گوید.

مستحب است کسی که اذان و اقامه را می‌شنود مانند مؤذن بگوید، اما در حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ بگوید: (لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) و موقعی که مؤذن می‌گوید: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، بگوید: (صَدَقْتَ وَ بَرَرْتَ) و گفته شده، بگوید: (صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ سَلَّمَ) و موقعی که مقیم می‌گوید: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، بگوید: (أَقَامَهَا اللَّهُ وَ أَدَامَهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ جَعَلَنِي مِنْ صَالِحِي أَهْلِهَا)». آیا اینکه مؤذن که اذان می‌گوید خودش هم مثل

باقی شنوندگان اذان بگویند، به نظر امام الحافظ العلامة ابن حجر هیثمی خودش مثل الفاظ اذان بگویند و بعد از حَىَّ عَلَى الصَّلَاةِ وَ حَىَّ عَلَى الْفَلَاحِ، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بگویند.

رسول الله ﷺ موقعی که مؤذن اُشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ می گفت، می فرموده است: (وَأَنَا أَشْهَدُ)، یعنی من گواهی می دهم که رسول الله هستم. و موقعی که مؤذن می گوید: اُشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. شنونده بگوید: (رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا) و همچنین موقعی که مؤذن گفت: اُشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، شنونده بگوید: (رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا)، و موقعی که شنید مؤذن می گوید: (حَىَّ عَلَى الْفَلَاحِ)، بگویند: (لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) و بگویند: (اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مُفْلِحِينَ).

وقتی که شنونده ی اذان واقامه از گفتن مانند گفته ی مؤذن فارغ شد، بگوید: (اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ وَ الصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ). پس از آن دعا نماید به آنچه می خواهد از امور دنیا و آخرت؛ ترجمه ی دعا: «خدایا، صاحب این دعوت کامل و صاحب این نمازی که اکنون برپا می شود، بده به محمد وسیله و فضیله که دو منزلت در بهشتند و او را برسان به مقام محمود که وعده اش فرمودی». پس از دعا صلوات بر رسول الله و آل و اصحابش بفرستد.

روی البخاری و مسلم عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ: (إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ)؛ رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی شنیدید که مؤذن اذان می گوید، مانند او بگویید».

وروی مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص رضى الله عنهما أنه سمع النبي ﷺ يقول: (إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ، ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَ أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ).

رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که اذان را شنیدید شما مانند مؤذن بگویید، پس از آن بر من درود فرستید که هر کسی که یک بار درود بر من فرستد خدا ده بار بر او درود فرستد، آنگاه طلب وسیله نمایید برای من، که وسیله منزلتی است در بهشت برای یکی از بندگان خدا و امیدوارم آن بنده‌ای که خدا منزلت وسیله به او عطا فرموده است من باشم.»

وروی مسلم عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال قال رسول الله ﷺ: (إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ قَلْبِي، دَخَلَ الْجَنَّةَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که مؤذن گفت: الله اكبر الله اكبر، و یکی از شما که اذان می‌شنود گفت: الله اكبر الله اكبر، پس از آن مؤذن گفت: أشهد أن لا إله إلا الله یکی از شما که اذان می‌شنود گفت: أشهد أن لا إله إلا الله. پس از آن مؤذن گفت: أشهد أن محمداً رسول الله و شنونده گفت: أشهد أن محمداً رسول الله، پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ و شنونده گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، پس از آن مؤذن گفت: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ و شنونده گفت: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، پس از آن

مؤذن گفت: الله اكبر الله اكبر و شنونده گفت: الله اكبر الله اكبر، پس از آن مؤذن گفت: لا إله إلا الله و شنونده گفت: لا إله إلا الله و همه این کلمات را از دل گفت، به بهشت رسیده است». حتی علی الصلاة؛ یعنی بشتابید به سوی نماز. حتی علی الفلاح؛ یعنی بشتابید به سوی رستگاری. شنونده می‌گوید: لا حول ولا قوة إلا بالله، یعنی نیست چاره‌ای برای دور شدن از گناه و نه نیرویی برای انجام دادن طاعت جز به کمک خدای عزوجل. مؤذن می‌گوید: بشتابید به سوی نماز، شنونده می‌گوید ما به کمک خدای عزوجل می‌شتابیم به سوی نماز، یعنی اگر کمک خدا نباشد نه دوری از گناه می‌توانیم، نه پایداری بر طاعت.

و روی مسلم عن سعد بن أبي وقاص رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: (مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ)؛

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «کسی که موقعی که صدای مؤذن می‌شنود، بگوید: أشهد أن لا إله وحده لا شريك له و أن محمداً عبده و رسوله، رضيت بالله رباً و بمحمدٍ رسولاً و بالإسلام ديناً، گناهش بخشوده شده است». یعنی موقع شنیدن أشهد أن لا إله إلا الله و همچنین موقع شنیدن أشهد أن محمداً رسول الله بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أن محمداً عبده و رسوله رضيت بالله رباً و بمحمد رسولاً و بالإسلام ديناً، گناهش آمرزیده شده است.

(فصل) اگر موقع اذان، شنونده در نماز است، مانند مؤذن نگوید، بلکه وقتی که از نماز فارغ شد مؤذن را اجابت نماید. اگر در نماز مانند مؤذن گفت، گفتنش مکروه است و نمازش باطل نمی‌شود. و اگر موقع اذان در حال قضای حاجت است، جواب مؤذن نگوید که بر زبان آوردن کلمات اذان در آن حالت حرام است. اما اگر مشغول

تلاوت قرآن یا درس علم یا مشغول تسبیح و تهلیل است، همه‌ی این‌ها را قطع کند و جواب مؤذن بدهد.

(باب الدعاء بعد الأذان)

بابی است در بیان اینکه دعا بین اذان و اقامه مستجاب می‌شود.

رَوَيْنَا عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم:

(لَا يُرَدُّ الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ) رواه أبو داود و الترمذی و النسائی و ابن السنی و غیرهم. قال الترمذی: حدیث حسن صحیح و زاد الترمذی فی روايته قالوا: فإذا نقول یا رسول الله؟ قال: (سَلُوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «دعای میان اذان و اقامه مستجاب است، گفتند: یا رسول الله چه دعایی بکنیم؟ فرمود: از خدا بخواهید عافیت دنیا و آخرت». کلمه‌ی عافیت به معنی دوری از ناملايمات است. طلب عافیت کردن به معنی دوری از بیماری، دوری از زشتکاری، دوری از آنچه دنیا و یا آخرت انسان را به باد می‌دهد. یعنی طلب عاقبت خیر در همه‌ی امور.

وَرَوَيْنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤَذِّنِينَ يَفْضِلُونَنَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: (قُلْ كَمَا يَقُولُونَ، فَإِذَا أَنْتَهَيْتَ فَسَلْ تُعْطَهُ). رواه أبو داود و لم يضعفه.

مردی گفت یا رسول الله، مؤذنان بر ما برتری یافته‌اند. رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «هر چه مؤذن می‌گوید، بگو و وقتی که از جواب مؤذن فارغ شدی هر چه می‌خواهی از خدا بخواه که آن را به تو می‌دهند».

وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ أَيْضاً فِي كِتَابِ الْجِهَادِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: (ثِنْتَانِ لَا تُرَدَّانِ أَوْ قَالَ مَا تُرَدَّانِ: الدُّعَاءُ عِنْدَ النَّدَاءِ وَعِنْدَ الْبَاسِ حِينَ يُلْحَمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا). کلمه‌ی یُلْحَمُ در بعضی از روایات به حاء است و در بعضی روایات یُلْجَمُ به جیم است و معنی تفاوت نمی‌کند.

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «دو دعای مستجاب هستند که برگشت ندارند: دعا موقعی که مؤذن اذان می‌گوید و دعا موقعی که مجاهدین در جهاد فی سبیل الله به جنگ تن به تن مشغولند».

(باب ما یقول بعد رکعتی الصبح)

بابی است در بیان آنچه بعد از دو رکعت سنت قبلیه‌ی صبح می‌گوید.

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنَنِ عَنْ أَبِي الْمَلِيحِ وَاسْمُهُ عَامِرُ بْنُ أُسَامَةَ عَنْ أَبِيهِ رضي الله عنه أَنَّهُ صَلَّى رَكَعَتَيْ الْفَجْرِ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم صَلَّى قَرِيبًا مِنْهُ رَكَعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ ثُمَّ سَمِعَهُ يَقُولُ وَهُوَ جَالِسٌ: (اللَّهُمَّ رَبِّ جِبْرِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم، أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ).
ثلاث مرّات

ابوالملیح عامر بن اسامه از پدرش اسامه روایت نمود که اسامه دو رکعت سنت قبلیه‌ی صبح خواند و رسول الله صلى الله عليه وسلم دو رکعت قبلیه‌ی صبح نزدیک اسامه خواند، دو رکعت سبک. بعد از اینکه رسول الله صلى الله عليه وسلم دو رکعت قبلیه‌ی صبح را به پایان برد، اسامه شنید که رسول الله صلى الله عليه وسلم می‌فرماید: «خدایا ای پروردگار جبرئیل و اسرافیل و میکائیل و محمد پیغمبر صلى الله عليه وسلم، پناه می‌برم به تو از دوزخ». و این را سه بار فرمود.

و بعضی از علما گفته‌اند که بعد از دو رکعت قبلیه‌ی صبح بگوید:

«اللَّهُمَّ بِحُرْمَةِ الْحَسَنِ وَأَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَجَدِّهِ وَبَنِيهِ نَجِّنِي مِنَ الْغَمِّ الَّذِي أَنَا فِيهِ».

«خدایا به حرمت حسن بن علی و برادرش حسین بن علی و پدرش علی بن ابی طالب و مادرش سیده نساء العالمین و جدش رسول الله ﷺ و فرزندانش مرا از این غمی که دچار آن هستم نجاتم بده».

(باب ما یقول إذا أنتهی إلى الصّف)

بابی است در بیان آنچه وقتی به صف نماز جماعت رسید، می‌گوید.

رَوَيْنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى الصَّلَاةِ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي، فَقَالَ حِينَ أَنْتَهَى إِلَى الصَّفِّ: اللَّهُمَّ آتِنِي أَفْضَلَ مَا تُؤْتِي عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ. فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ أَلْتَكَلَّمَ آفِئًا)؟ قَالَ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: (إِذَنْ يُعْقَرُ جَوَادُكَ وَتَسْتَشْهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى). رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَابْنُ السَّنِيِّ وَرَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي تَارِيخِهِ فِي تَرْجُمَةِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَائِدٍ.

مردی آمد برای نماز جماعت در مسجد رسول الله ﷺ با جماعت نماز می‌خواند، آن مرد وقتی که به صف نماز رسید گفت: خدایا به من بده بهترین چیزی که به بندگان صالح و شایسته کار خودت می‌دهی. رسول الله ﷺ وقتی که سلام نماز گفت فرمود: «چه کسی الآن سخن گفت؟» آن مرد گفت: من بودم یا رسول الله، رسول الله ﷺ فرمود: «بنابراین اسبت پی می‌شود و خود در جهاد فی سبیل الله شهید می‌شوی». یعنی بهترین چیزی که خدا به صالحان می‌دهد شهادت فی سبیل الله است.

(باب ما يقوله عند أرادته القيام إلى الصلاة)

بابی است در بیان آنچه به هنگام برخاستن برای نماز می‌گوید.

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السِّنِّيِّ عَنْ أُمِّ رَاقِعٍ أَنَّهَا قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، دَلَّنِي عَنْ عَمَلٍ يَأْجُرُنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ. قَالَ: (يَا أُمَّ رَافِعٍ، إِذْ قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَسَبِّحِي اللَّهَ تَعَالَى عَشْرًا وَهَلِّبِيهِ عَشْرًا وَكَبِّرِيهِ عَشْرًا وَاسْتَغْفِرِيهِ عَشْرًا فَإِنَّكَ إِذَا سَبَّحْتِ قَالَ هَذَا لِي وَإِذَا هَلَّلْتِ قَالَ هَذَا لِي وَإِذَا كَبَّرْتِ قَالَ هَذَا لِي وَإِذَا اسْتَغْفَرْتِ قَالَ قَدْ فَعَلْتُ).

ام رافع رضی الله عنها عرض کرد: یا رسول الله مرا راهنمایی فرما به سوی عملی که خدا بر آن عمل مرا ثواب دهد. رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که خواستی برای نماز برخیزی، ده بار سبحان الله و ده بار لا اله الا الله و ده بار الله اکبر و ده بار استغفرالله بگو، برای اینکه وقتی سبحان الله گفتی، خدا می‌فرماید: برای من تسبیح گفت و وقتی که لا اله الا الله گفتی خدا می‌فرماید: برای من تهلیل گفت و وقتی که الله اکبر گفتی، خدا می‌فرماید: برای من تکبیر گفت و وقتی که استغفرالله گفتی، خدا می‌فرماید: مغفرت و آمرزشت را انجام دادم.»

(باب الدعاء عند الإقامة)

بابی است در بیان دعایی که موقع اقامه‌ی نماز فرض گفته می‌شود.

رَوَى الْإِمَامُ الشَّافِعِيُّ بِإِسْنَادِهِ فِي «الْأُمَّ» حَدِيثًا مُرْسَلًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (أُطْلَبُوا اسْتِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ التَّقَاءِ الْجِيُوشِ وَإِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَنُزُولِ الْغَيْثِ). وَقَالَ الشَّافِعِيُّ وَقَدْ حَفِظْتُ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ طَلَبَ الْإِجَابَةِ عِنْدَ نَزُولِ الْغَيْثِ وَإِقَامَةِ الصَّلَاةِ.

امام شافعی رضی الله عنه به اسناد خود در کتاب عظیم «ام» حدیث مرسلی روایت نمود که

رسول الله ﷺ فرمود: «طلب اجابت دعا نماید موقعی که مجاهدین اسلام با دشمنان شان در جهاد فی سبیل الله به هم می‌رسند و موقع اقامه‌ی نماز فرض و موقع آمدن باران». امام شافعی رحمته الله علیه فرمود: از بسیاری از علما روایت دارم طلب اجابت دعا موقع آمدن باران و موقع اقامه‌ی نماز فرض.

(باب ما یقوله إذا دخل الصلاة)

بابی است در بیان دعایی که موقع نماز بستن می‌گوید.

امام نووی رحمته الله علیه علیه فرمود: این بابی است بسیار وسیع و در آن احادیث بسیار در انواع متعدد آمده است و فرع‌های بسیاری از آن در کتب فقه آمده است و من در این جا اصول و مقاصد این باب را بدون ذکر دلایل آن می‌آورم برای اینکه این کتاب برای ذکر دلایل نیست، بلکه برای بیان مطالبی است که به آن عمل شود.

(باب تکبیرة الإحرام)

بابی است در بیان الله اکبر که با آن نماز را آغاز می‌کنیم.

بدان که نماز صحیح نمی‌شود مگر به تکبیرة الإحرام، چه نماز فرض باشد و چه نماز سنت. و تکبیرة الإحرام نزد امام شافعی و بیشتر علما جزئی از نماز و رکنی از ارکان نماز است. و نزد امام ابوحنیفه شرطی از شروط نماز است و از خود نماز نیست. و بدان که لفظ تکبیر به الله اکبر یا الله الأكبر حاصل می‌شود. نزد امام شافعی و امام ابوحنیفه و نزد امام مالک رحمهم الله به الله الأكبر بسته نمی‌شود؛ بنابراین احتیاط واجب، گفتن الله اکبر است. چنانچه بگوید: الله العظیم یا الله

المتعال أكبر يا الله أعظم يا الله أعلم يا الله أعزُّ، نمازش به این کلمات و امثال آن‌ها نزد امام شافعی و بیشتر علما بسته نمی‌شود. اما نزد امام ابوحنیفه رحمته الله به گفتن الله أعلم یا امثال آن نماز بسته می‌شود و نمازش صحیح است.

بدان که نه تکبیر و نه غیر آن صحیح نمی‌شود مگر موقعی که آن را بر زبان بیاورد به طوری که خودش بشنود اگر عارضی نباشد که مانع از شنیدن شود. و اگر زبانش گنگ است و قراءت نمی‌تواند، زبان خود را حرکت دهد به قدر توانایی‌اش و نمازش صحیح می‌شود. و بدان که قول معتمد در مذهب این است که تکبیرة الإحرام مد داده نمی‌شود، بلکه سریع آن را می‌گوید. اما باقی تکبیرات نماز مد می‌دهد تا برسد به رکن بعدی آن. اگر تکبیرة الإحرام را مد داد نمازش باطل نمی‌شود، لکن فضیلت جماعت را از دست می‌دهد. و بدان که محل مد بعد از لام الله است.

(فصل) بدان که سنت این است که امام تکبیرات نماز را بلند بگوید تا مأموم آن را بشنود. و اگر نماز به تنهایی می‌خواند به قدری بلند بگوید که خودش آن را بشنود. اگر مأموم تکبیر را بلند گفت یا امام تکبیر را آهسته گفت خلل به نماز نمی‌رساند. و باید کوشید که تکبیرة الإحرام را درست بگوید، چنانکه در غیر محل مد، مد داد به طوری که اکبر را اکبار گفت، نمازش صحیح نمی‌شود.

(فصل) و بدان که نمازی که دو رکعت است در آن یازده تکبیر است و نماز سه رکعتی هفده تکبیر دارد و نماز چهار رکعتی بیست و دو تکبیر دارد. و بدان که همه‌ی این تکبیرات سنت است، اگر به عمد ترک آن‌ها نمود یا به سهو، نمازش باطل نمی‌شود، مگر تکبیرة الإحرام که باید گفته شود و بدون آن نمازش بسته نمی‌گردد.

باب ما یقوله بعد تکبیرة الإحرام

بابی است در بیان آنچه بعد از تکبیرة الإحرام می‌گوید.

بدان که در دعای استفتاح نماز که بعد از تکبیرة الإحرام خوانده می‌شود، احادیث بسیاری آمده است که مجموع آن احادیث مقتضی است که این کلمات را بعد از اینکه تکبیرة الإحرام گفت، بر زبان آورد: (اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيراً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيراً وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً)؛ «خدا بزرگ‌تر است از همه چیز و همه بزرگی به او سزاوار است و بس، و حمد و ستایش برای خداست، حمد و ستایش بی‌شمار بامداد و پسین».

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.
إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

«روی خود و ذات وجودم را متوجه درگاه کسی ساختم که آسمان‌ها و زمین را آفرید و من به راه استقامت و راستی و دین اسلام هستم و من از مشرکان نیستم. یقیناً نمازم و عبادتم و زندگی و مرگم همه در راه طاعت خدایی است که پروردگار جهانیان است. شریکی ندارد و من به پیروی اسلام و توحید مامور شده‌ام و از مسلمانانم».

(اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي وَ أَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاعْفُرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعاً فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، وَ اهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لَا يَصْرِفُ سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ).

«خدایا تو پادشاهی، نیست معبودی بحق مگر تو. تو پروردگارم هستی و من بنده‌ات هستم، ستم به خود نمودم و اقرار کردم به گناهانم، پس بیامرز برایم همه‌ی

گناهانم، برای اینکه نمی‌آمزد گناهان را مگر تو. و برسان مرا به بهترین اخلاق که نمی‌رساند به بهترین اخلاق مگر تو. و دور بدار از من اخلاق بد را که دور نمی‌دارد از من اخلاق بد را مگر تو».

(لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ، وَ الشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، أَنَا بِكَ وَ إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ).

«من اجابت فرمانت می‌کنم باری بعد از بار دیگر و سعادت همه در اختیار توست و خیر و خوشی همه در دست توست و شر سوی تو راه ندارد، من از توام و به سوی تو می‌آیم، پر شد برکت و بالاتر آمد مرتبهات از اینکه کسی آن را ادراک کند. از تو آمرزش می‌خواهم و رجوع می‌کنم به سوی درگاهت».

(اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَ بَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ. اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ. اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالْتَّلْجِ وَ الْمَاءِ وَ الْبَرْدِ)؛ «خدایا دور بگردان میان من و گناهانم، چنانکه دور گردانیدی میان مشرق و مغرب، خدایا مرا پاک بساز از گناهانم، چنانکه جامه‌ی سفید به شستن پاک می‌شود از چرک و کثافت. خدایا بشوی مرا از گناهانم به برف و آب و تگرگ».

همه‌ی این‌ها که یاد شد در حدیث صحیح از رسول الله ﷺ ثابت شده است و شخص می‌تواند همه‌ی این‌ها را در افتتاح نماز بخواند و می‌تواند هر وقتی قسمتی از آن‌ها را بخواند.

و در حدیث به روایت عایشه رضی الله عنها آمده است: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَفْتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ تَبَارَكَ أَسْمُكَ وَ تَعَالَى جَدُّكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ). رواه الترمذی و ابو داود و ابن ماجه بأسانید ضعيفة.

رسول الله ﷺ موقعی که بعد از تکبیرة الإحرام نماز را افتتاح می‌نمود می‌فرمود: «تنزیه می‌گویم ای خدا که تو پاکی از هر عیب و نقص و من به حمد و ستایشت

مشغولم، پر شد برکت نام مقدست و برتر آمد عظمتت و نیست معبودی بحق مگر تو». و این حدیث از رسول الله ﷺ به ثبوت نرسیده و به گفته‌ی بیهقی به روایت از عمر رضی الله عنه از گفته‌ی او به ثبوت رسیده است.

و کلمه‌ی: «وَالشَّرُّ لَیْسَ إِلَیْکَ» مذهب اهل حق از محدثین و فقها و متکلمین از صحابه و تابعین و بعدشان از علمای مسلمین این است که خیر آن‌ها و شر آن‌ها و نفع آن‌ها و ضرر آن‌ها همه از خداست و به اراده و تقدیر اوست. بنابراین به تأویل این حدیث پرداخته‌اند. نضر بن شمیل گفته است که معنی «وَالشَّرُّ لَیْسَ إِلَیْکَ» این است که نمی‌توان با شر به درگاهت تقرب جست و شر انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند و دوم اینکه شر به درگاهت راه ندارد: (إِلَیْهِ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ)؛ خوبی‌ها به درگاه او بالا می‌رود، اما شر به درگاهش راه ندارد. سوم اینکه نسبت شر از جهت ادب به خداوند داده نمی‌شود و گفته نمی‌شود یا خالق الشر و گفته نمی‌شود یا خالق الخنازیر اگر چه مخلوق او هستند. چهارم اینکه شر به نسبت حکمت شر نیست، مثل ابلیس که خلقت شده تا ناشایسته‌ها را به آن لعین نسبت دهند. و الله أعلم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم.

(فصل) آنچه از افتتاحیه نماز یاد شد از دعا و توحید جمع بین آن‌ها برای کسی که به تنهایی نماز می‌خواند مستحب است و برای امام در صورتی مستحب است که همه‌ی جماعت راضی باشند به طولانی شدن نماز، اما اگر راضی نبودند، نمی‌تواند طول بدهد و باید بعضی از آن‌ها را بخواند و خوب است اکتفا کردن بر: (وَجْهَتْ وَجْهَیْ تَا وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ)؛ و این دعای افتتاح در نماز فرض و سنت هر دو مستحب است. اگر در آغاز رکعت اول نخواند در رکعات بعدی نمی‌خواند، برای اینکه محل آن آغاز رکعت اولی است. اگر دعای افتتاح نخواند و شروع به أعوذ بالله و قراءت فاتحه نمود دعای افتتاح نمی‌خواند و اگر خواند مکروه است و

نمازش باطل نمی‌شود. اگر به نماز جماعت در رکوع یا اعتدال یا سجود یا تشهد رسید دعای استفتاح نخواند. و شخص مسبوق در قیام می‌تواند دعای استفتاح را بخواند به شرط آنکه به خواندن فاتحه برسد و چنانچه بداند که اگر دعای استفتاح را بخواند امام به رکوع می‌رود و به فاتحه نمی‌رسد آن را نخواند. خواندن دعای استفتاح در تمام نمازها سنت است و اگر نخواند سجود سهو ندارد، فقط در نماز جنازه دعای استفتاح سنت نیست، برای اینکه مبنای نماز جنازه بر تخفیف است. و الله أعلم. و دعای استفتاح آهسته خوانده می‌شود.

(باب التعوذ بعد دعاء الاستفتاح)

بابی است در بیان أعوذ بالله من الشيطان الرجيم گفتن بعد از دعای استفتاح.

بدان که بعد از خواندن دعای استفتاح، سنت است أعوذ بالله من الشيطان الرجيم را گفتن و این أعوذ بالله من الشيطان الرجيم گفتن سنت است نزد جمهور علما بنا بر این قول خداوند متعال: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾. معنای آن نزد جمهور علما: «إِذَا أَرَدْتَ الْقِرَاءَةَ فَاسْتَعِذْ» وقتی که قصد قراءت قرآن نمودی به خدا پناه ببر از شر شیطان لعنت شده.

وَرَوَيْنَا فِي سَنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَابْنِ مَاجَةَ وَغَيْرِهَا: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ: (أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ مِنْ نَفْخِهِ وَنَفْثِهِ وَهَمْزِهِ)؛

رسول الله ﷺ قبل از خواندن سوره‌ی فاتحه فرمود: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم؛ پناه می‌برم به خدا از شر شیطان لعنت شده، از شر جنون آوردنش و تکبر آوردنش و شعر نامناسب بر زبان آوردنش». نفخه: جنون آوردنش. نفثه: تکبر آوردنش. همزه: شعر نامناسب آوردنش.

(فصل) بدان که گفتن أَعُوذُ بِاللَّهِ تا آخر مستحب است و واجب نیست؛ اگر نگفت گناه کار نمی‌شود و نمازش باطل نمی‌شود و سجود سهو نمی‌خواهد. اَعُوذُ بِاللَّهِ گفتن در همه‌ی نمازها مستحب است، حتی در نماز جنازه هم گفتنش مستحب است. و سنت بودن أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ قبل از قراءت قرآن در نماز و در خارج از نماز به اجماع علما ثابت است.

(فصل) أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ گفتن در رکعت اولی به اتفاق علما مستحب است. و همچنین در رکعات باقی مستحب است. اگر در رکعت اولی أَعُوذُ بِاللَّهِ نگفت در رکعت بعدی بگوید، بنابراین أَعُوذُ بِاللَّهِ تا آخر در همه رکعت‌های نماز مستحب است. و در رکعت اولی مؤکدتر است. و أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ آهسته بگوید و اگر چه نماز جهریه باشد. ابوهریره رضی الله عنه، أَعُوذُ بِاللَّهِ را بلند می‌خواند. و ابن عمر رضی الله عنهما أَعُوذُ بِاللَّهِ را آهسته می‌خواند و معتمد همین است.

(باب القراءة بعد التعوذ)

بابی است در بیان خواندن فاتحه بعد از گفتن أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

بدان که قراءت در نماز واجب است به اجماع و دلایل آن بسیار است. و مذهب ما و جمهور علما این است که قراءت سوره‌ی فاتحه در نماز واجب است و چیزی جز آن جایش را نمی‌گیرد، اگر توانایی بر قراءت فاتحه داشته باشد، به دلیل حدیث صحیح:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (لَا تُجْزَىٰ صَلَاةٌ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ)، رواه ابن خزيمة و ابن حبان في صحيحها بالإسناد الصحيح و حكما بصحّته.

«کفایت نمی‌کند نمازی که در آن سوره‌ی فاتحه خوانده نشود».

و فی الصحیحین عن رسول اللہ ﷺ: (لا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ) در صحیح بخاری و مسلم است که رسول اللہ ﷺ فرمود: «نماز صحیح نمی‌شود مگر به خواندن سوره‌ی فاتحه در آن».

و واجب است خواندن بسم اللہ الرحمن الرحیم و آن آیه‌ی کاملی است در اول سوره‌ی فاتحه. و واجب است رعایت تشدیدهای فاتحه و آن چهارده تشدید است، سه تا در بسم اللہ الرحمن الرحیم و باقی در بقیه‌ی سوره که اگر تشدید را رعایت نکند نمازش صحیح نمی‌شود و باید آیه‌های سوره‌ی فاتحه را به ترتیب بخواند و معذور دانسته می‌شود در سکوت کردن در اثنای فاتحه که به قدر نفس کشیدن باشد. و به ترتیب و موالات خواندن آیه‌های سوره فاتحه واجب است. اگر مأموم در اثنای قرائت فاتحه بود که امام به سجود تلاوت رفت و مأموم هم با امام به سجود تلاوت رفت، بعد که از سجود تلاوت فارغ شد فاتحه را تکمیل نماید و فاصله‌ای که در میان آمده اشکالی ندارد.

(فصل) اگر در قرائت لحن آمد، چنانچه لحنی است که معنی را تغییر می‌دهد آن لحن مبطل نماز است، مثلاً می‌گوید صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْهِمْ تاء یا بکسر تاء، این لحن نماز را باطل می‌کند و همچنین: إِيَّاكَ نَعْبُدُ: به کسر کاف نماز را باطل می‌کند.

اما اگر لحنی است که معنی را تغییر نمی‌دهد، مثل الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: بضم باء رَبِّ یا إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: به کسر نون که معنی را تغییر نمی‌دهد، نماز را باطل نمی‌کند و اگر به جای وَلَا الضَّالِّينَ گفت: وَلَا الظَّالِمِينَ نمازش باطل می‌شود، مگر در صورتی که زبانش تلفظ صحیح ضاد نمی‌تواند که قراءتش برای خودش صحیح است، اما حق امامت ندارد.

(فصل) اگر کسی فاتحه را نمی‌داند از آیات دیگر قرآن به قدر سوره‌ی فاتحه بخواند. و یاد گرفتن خواندن صحیح سوره‌ی فاتحه بر او واجب است و اگر از قرآن چیزی نمی‌داند از اذکار، مثل تسبیح و تهلیل به قدر آیات فاتحه بخواند و یاد گرفتن قراءت فاتحه بر او واجب است و نمی‌تواند فاتحه را به عجمی بخواند و باید به جای فاتحه از آیات دیگر و در صورت عجز از آیات دیگر از اذکار به قدر فاتحه بخواند و یاد گرفتن سوره‌ی فاتحه بر او واجب است و اگر می‌توانسته است فاتحه را بیاموزد و نیاموخته است، وقتی که فاتحه را آموخت نمازهایی که بدون فاتحه خوانده است اعاده می‌نماید. کسی که گنگ است اگر زبان را حرکت بدهد برای او کافی است. علی کل حال نماز را باید خواند.

(فصل) بعد از فاتحه سنت است خواندن سوره‌ای یا بعضی از سوره و این خواندن سوره بعد از فاتحه سنت است، اگر نخواند نمازش صحیح است و سجود سهو نمی‌خواهد. و خواندن یک سوره‌ی کوچک بهتر است از خواندن چند آیه به قدر سوره‌ی کوچک. بعد از فاتحه در همه‌ی نمازهای فرض و سنت سوره خوانده می‌شود، اما در نماز جنازه خواندن سوره بعد از فاتحه سنت نیست، برای اینکه بنای نماز جنازه بر تخفیف است. و سوره‌های قرآن باید به ترتیبی که در قرآن است خوانده شود نه اینکه سوره‌ی بعد، قبل خوانده شود و سوره‌ی قبل، بعد خوانده شود. و سنت است در نماز صبح و ظهر خواندن طوال مفصل که از سوره‌ی حجرات تا عمّ می‌باشد و در نماز عصر و عشاء، اوساط مفصل که از عمّ تا والضحی می‌باشد. و در نماز مغرب قصار مفصل که از والضحی تا آخر قرآن است. و سنت است در نماز صبح و روز جمعه خواندن سوره‌ی سجده و انسان. و در نماز جمعه، سوره‌ی جمعه و منافقین و یا اعلی و غاشیه. و در نماز عید و نماز استسقاء سوره‌ی ق و قمر و یا اعلی و غاشیه و در نماز مغرب شب جمعه، کافرون و إخلاص. و در نماز وتر در رکعت اولی

أعلى و رکعت دومی کافرون و در رکعت سومی إخلاص و فلق و ناس سنت است و همه‌ی این سوره‌ها کامل خواندن آن‌ها سنت است، نه خواندن بعضی از آن‌ها. و در دو رکعت قبلیه‌ی نماز صبح در رکعت اولی آیه‌ی: ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا...﴾ و در رکعت دومی آیه‌ی: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...﴾ و یا سوره‌ی کافرون در رکعت اولی و سوره‌ی إخلاص در رکعت دومی سنت است. و بعضی گفته‌اند در رکعت اولی سوره‌ی شرح و در دومی سوره‌ی فیل. واللّٰه اعلم.

(فصل) اگر سوره‌ی جمعه در رکعت اولی نماز جمعه فراموش کرد سوره‌ی جمعه و منافقین هر دو را در رکعت دوم بخواند و همچنین در نماز عید و نماز وتر و غیره. و اگر در رکعت اولی نماز جمعه سوره‌ی منافقون خواند در رکعت دوم سوره‌ی جمعه بخواند و سوره‌ی منافقون تکرار نکند. دلایل همه‌ی این‌ها را امام نووی رحمه الله تعالی در کتاب مجموع شرح مهذب آورده است.

(فصل) در صحیح بخاری و مسلم ثابت شده است که رسول الله ﷺ رکعت اولی را طولانی‌تر از رکعت دوم می‌خوانده‌اند و سنت همین است که رکعت اولی طولانی‌تر از رکعت دومی باشد.

(فصل) اجماع علما بر این است که دو رکعت نماز صبح و دو رکعت اولی نماز مغرب و عشا و دو رکعت نماز جمعه و نماز عیدین و نماز تراویح و نماز استقساء و نماز خسوف ماه همه‌ی این‌ها به جهر خوانده می‌شود و نماز ظهر و عصر و دو رکعت آخری نماز عشا و یک رکعت آخری نماز مغرب و نماز کسوف آفتاب همه‌ی این‌ها آهسته خوانده می‌شود. و در نمازی که آهسته خوانده می‌شود حتماً باید خودش خواندن آن را بشنود. و اگر نماز روز در شب قضا نمود و نماز شب در روز قضا کرد معتبر در آن، وقت قضای آن است. و نماز سنت شب، مثل تهجد میان جهر و اسرار (نه بلند و نه آهسته) خوانده می‌شود.

(فصل) علمای مذهب ما گفته‌اند که برای امام در نماز جهریه چهار سکوت مستحب است: میان تکبیرة الاحرام و دعای استفتاح، و میان فاتحه و سوره، و میان آخر فاتحه و گفتن آمین. بعد از آمین، امام سکوت طولانی می‌کند تا ماموم فاتحه را کاملاً بخواند. و میان سوره و رکوع.

(فصل) وقتی که از قراءت فاتحه فارغ شد، سنت است بگوید: آمین. و این آمین گفتن بعد از قراءت فاتحه چه در نماز و چه بیرون از نماز سنت است. در آمین چهار لغت است: آمین. آمین به اماله‌ی میم. آمین به تشدید میم؛ و بهتر همان آمین است. و آمین گفتن بعد از پایان فاتحه برای امام و منفرد و ماموم مستحب است. و مستحب است که آمین گفتن ماموم همراه آمین گفتن امام باشد. و این تنها محلی است که امام و ماموم با هم آمین می‌گویند و در غیر آن همیشه باید اقوال و افعال ماموم بعد از امام باشد.

(فصل) سنت است برای هر کسی که قرآن می‌خواند وقتی به آیه‌ی رحمت رسید مثل: ﴿إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾. بگوید: «اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ رَحْمَتَكَ» و هر گاه به آیه‌ی عذاب رسید مثل: ﴿إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا﴾؛ بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ». و وقتی که خواند: ﴿الَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾ بگوید: «بلى و أنا على ذلك من الشاهدين». و وقتی که خواند: ﴿الَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى﴾ بگوید: «بلى أشهد». و وقتی که خواند: ﴿فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾؛ بگوید: آمنا بالله. و وقتی که خواند: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ بگوید: «اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ». و وقتی که خواند: ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى». و بر این قیاس.

(باب أذکار الركوع)

بابی است در بیان أذکار رکوع.

احادیث صحیح بسیاری به ثبوت رسیده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم برای رفتن به رکوع می‌فرمود: الله اکبر و آن را تا رسیدن به رکوع طول می‌داد. این تکبیر رکوع و دیگر تکبیرهای نماز همه سنت هستند، اگر ترک نمود مرتکب مکروه تنزیهی شده است، نه نمازش باطل می‌شود و نه سجود سهو می‌خواهد. فقط تکبیرة الاحرام فرض است و بدون آن نماز منعقد نمی‌گردد. و از امام احمد رحمه الله تعالی روایتی است که تکبیرات نماز همه واجب هستند.

(فصل) وقتی که به حد رکوع رسید، سنت است که بگوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» سه بار. اما خود رسول الله ﷺ بعضی اوقات در نماز شب، به اندازه‌ی خواندن سوره‌ی بقره و آل عمران و نساء «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» را تکرار می‌فرموده‌اند، چنانکه در صحیح مسلم به روایت حذیفه بن الیمان رضی الله عنهما و نیز در سنن ابوداود و غیره آمده است که رسول الله ﷺ فرمود:

(إِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، ثَلَاثًا فَقَدْ تَمَّ رُكُوعُهُ). «وقتی یکی از شما در رکوع سه بار گفت: سبحان ربی العظیم رکوعش کامل شده است».

و ثبت فی الصحیحین عن عائشة رضی الله عنها أن رسول الله ﷺ كان يقول في ركوعه و سجوده: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَ بِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي).

رسول الله ﷺ در رکوع و سجودش می‌فرمود: «خدایا تنزیه می‌گویم و به حمد تو مشغولم، خدایا ای پروردگار ما بیامرز مرا».

و ثبت فی صحیح مسلم عن علی رضی اللہ عنہ أن النبی صلی اللہ علیہ وسلم کان إذا رکع یقول: (اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ
وَبِكَ آمَنْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ مَخِي وَ عَظْمِي وَ عَصَبِي).
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم موقعی کہ بہ رکوع می رفت می فرمود: «خدایا برای تو رکوع نمودم و به
تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، به خشوع و طاعت تو آمد شنوایی ام و
بینایی ام و مغزم و استخوانم و اعصابم».

و جاء فی کتب السنن: (خَشَعَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ مَخِي وَ عَظْمِي وَ مَا اسْتَفَلَّتْ بِهِ قَدَمِي لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ).

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در رکوع می فرمود: «خدایا برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم
و برای تو مسلمان شدم، به فروتنی و طاعت آمد شنوایی ام و بینایی ام و مغزم و
استخوانم و آنچه پایم آن را حمل می کند به طاعت آمد برای خدایی که پروردگار
جهانیاں است».

وَ رَوَيْنَا عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: قُمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم لَيْلَةً فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ
الْبَقَرَةِ لَا يَمُرُّ بِآيَةٍ رَحْمَةٍ إِلَّا وَقَفَ وَ سَأَلَ، وَ لَا يَمُرُّ بِآيَةٍ عَذَابٍ إِلَّا وَقَفَ وَ تَعَوَّذَ، قَالَ: ثُمَّ رَكَعَ
بِقَدْرِ قِيَامِهِ، يَقُولُ فِي رُكُوعِهِ: (سُبْحَانَ ذِي الْجَبْرُوتِ وَ الْمَلَكُوتِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةِ) ثُمَّ
قَالَ فِي سُجُودِهِ مِثْلُ ذَلِكَ. هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ، رَوَاهُ ابْنُ أَبِي عَرَبَةَ وَ ابْنُ أَبِي عَرَبَةَ وَ ابْنُ أَبِي عَرَبَةَ
وَ التِّرْمِذِيُّ فِي كِتَابِ الشَّمَائِلِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحَةٍ.

عوف بن مالک گفت: شبی با رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم به نماز ایستادم، آنگاه سوره ی بقره
را خواند، به هر آیه ی رحمتی که می رسید می ایستاد و طلب رحمت می نمود و به هر
آیه ی عذابی که می رسید می ایستاد و پناه می برد بر خدا از عذاب او. آنگاه به رکوع
رفت و آن را طولانی کرد به قدر قیام که سوره ی بقره در آن خوانده بود و در رکوع

می فرمود: «منزه و پاک است خدایی که اجبار همه‌ی کاینات در دست اوست»، ملک و ملکوت برای اوست، پادشاهی جهان و فرمانروایی معنوی بر همه‌ی جهانیان و کبریا و بزرگی همه برای اوست، سپس در سجودش نیز همانند آن را می خواند.

و ثبت فی صحیح مسلم عن عائشة رضی الله عنها أنّ رسول الله ﷺ کان یقول فی رکوعه و سجوده: (سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ).

رسول الله ﷺ در رکوع و سجود می فرمود: «پروردگار فرشتگان و جبرئیل بسیار پاک و منزه و مقدس است». سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ بضم اول، و بفتح اول سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ هر دو آمده است و بیشتر و مشهورتر به ضم اول است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظُمُوا فِيهِ الرَّبُّ).

رسول الله ﷺ فرمود: «اما رکوع: در آن تعظیم پروردگار به جا آورید». بنابراین هر لفظی که تعظیم پروردگار در آن باشد کافی است. و بهتر است جمع نمودن میان این اذکار. اگر جمع نمی نماید هر وقتی قسمتی از این اذکار را در رکوع بخواند. و اگر بخواهد کمترین حد کمال را به جا آورد سه بار (سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ) کافی است. و این اذکار رکوع همه سنت است و واجب نیست، اگر تسبیح رکوع را به جا نیاورد، نمازش صحیح است و سجود سهو نمی خواهد. و امام احمد و جماعتی گفته اند: تسبیح رکوع واجب است، بنابراین رعایت اقوال علما و ترک نکردن تسبیح بهتر است.

(فصل) مکروه است قراءت قرآن در رکوع و سجود. و بعضی از علمای مذهب ما گفته اند: قراءت قرآن در رکوع و سجود مبطل نماز است.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: (نَهَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ أَقْرَأَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا).

علی رضی اللہ عنہ فرمود: «رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم مرا منع فرمود از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضًا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: (أَلَا وَإِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا). رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «آگاه باشید که منع شده‌ام از خواندن قرآن در رکوع و سجود».

(باب مايقوله في رفع رأسه من الركوع وفي اعتداله)

بابی است در بیان آنچه در حال سر بالا آوردن از رکوع و در حال اعتدال می‌گوید.

سنت این است که موقع بالا آوردن سر از رکوع بگوید: (سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ)؛ «خدا ستایش کسی که او را ستایش گفت شنید». اگر بگوید: (مَنْ حَمِدَ اللَّهَ سَمِعَ اللَّهُ لَهُ)؛ «کسی که ستایش خدا را به جا آورد، خدا می‌شنود ستایش او را». هم جایز است، چنانکه امام شافعی در کتاب گرانقدر «أم» تصریح به جواز آن نموده است. وقتی که به اعتدال آمد و راست ایستاد، می‌گوید: (رَبَّنَا وَ لَكَ الْحَمْدُ)؛ «ای پروردگار ما و برای تو است ستایش».

«رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» و «رَبَّنَا وَ لَكَ الْحَمْدُ» بدون واو و با واو، هر دو روایت شده است و هر دو خوب است. موقع سر بالا آوردن از رکوع می‌گوید: (سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ) وقتی که راست ایستاد، می‌گوید: (رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ مِلءُ السَّمَوَاتِ وَ مِلءُ الْأَرْضِ وَ مِلءُ مَا بَيْنَهُمَا وَ مِلءُ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ، أَهْلَ الثَّنَاءِ وَ الْمَجْدِ أَحَقُّ مَا قَالَ

العَبْدُ وَكُنَّا لَكَ عَبْدٌ، لَامَانِعَ لِمَا أُعْطِيتَ وَ لَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ؛
 «ای پروردگار ما برای توست ستایش، ستایش بسیار، ستایش پاک، ستایش پربرکت،
 ستایشی به پری آسمان‌ها و پری زمین‌ها و پری میان آن دو و پری آنچه بخواهی
 بعد از آن‌ها. ای شایسته‌ی سپاس و عظمت. شایسته‌تر از گفتار بندگان، و ما همه
 بنده‌ی تو هستیم، نیست منع کننده‌ای از آنچه تو عطا فرمایی، و نیست دهنده‌ای از
 آنچه تو منع فرمایی. و بی‌نیازی، توانگر را به جای تو سود نمی‌دهد.»

وَ رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ رَافِعِ الرَّزْقِيِّ رضي الله عنه قَالَ كُنَّا يَوْمًا نَصَلِّي وَرَاءَ
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ الرُّكْعَةِ قَالَ: (سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ) فَقَالَ رَجُلٌ
 وَرَاءَهُ: رَبَّنَا وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، فَلَمَّا أَنْصَرَفَ قَالَ: (مَنْ أَلْتَكَلَّمُ؟) قَالَ:
 أَنَا، قَالَ: (رَأَيْتُ بِضَعَةً وَ ثَلَاثِينَ مَلَكًا يَبْتَدِرُونَهَا أَيُّهُمْ يَكْتُبُهَا أَوَّلًا).

رفاعة رضي الله عنه گفت: روزی پشت سر رسول الله صلی الله علیه و آله نماز می‌خواندم وقتی که
 رسول الله صلی الله علیه و آله سر از رکوع بالا آورد فرمود: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» مردی که پشت سر
 رسول الله صلی الله علیه و آله بود، گفت: (رَبَّنَا وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ)؛ وقتی که
 رسول الله صلی الله علیه و آله سلام نماز گفت فرمود: «چه کسی این کلمات را گفت؟» آن مرد گفت:
 من گفتم. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «سی و چند ملائکه را دیدم که شتاب می‌کردند به
 سوی آن تا ببینند کدام یک زودتر آن را می‌نویسد.»

(فصل) بدان که مستحب است جمع نمودن بین این اذکار اعتدال که یاد شد.
 اگر بخواهد اکتفا نماید به بعضی از آن اذکار، پس اکتفا کند به «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا
 لَكَ الْحَمْدُ مِلءَ السَّمَوَاتِ وَ مِلءَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مِلءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ».
 اگر می‌خواهد بیش از حد مختصر نماید، اکتفا کند به «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا لَكَ
 الْحَمْدُ». که از این مختصرتر نیست؛ همه‌ی این اذکار برای امام و مأموم و

منفرد مستحب است جز اینکه امام همه‌ی آنها را جمع نمی‌کند، مگر در صورتی که بداند همه‌ی مأمومین به طولانی شدن نماز راضی هستند. و قراءت قرآن در اعتدال مکروه است همان‌گونه که قراءت قرآن در رکوع و سجود مکروه است. و الله أعلم.

(باب أذکار السجود)

بابی است در بیان اذکار سجود

وقتی که از اذکار اعتدال فارغ شد، الله اکبر می‌گوید برای رفتن به سجود، و این الله اکبر را می‌کشد تا پیشانیش را برای سجود بر زمین نهد. و گفتیم که این تکبیر رفتن به سجود مثل همه‌ی تکبیرهای نماز سنت است، اگر نگوید نمازش باطل نمی‌شود و سجود سهو نمی‌خواهد. وقتی که به سجود رفت اذکار سجود را به جا می‌آورد. و اذکار سجود بسیار است. از آن جمله است:

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبَخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي).

عائشة رضی الله عنها می‌گوید که رسول الله ﷺ در رکوع و سجود نماز بسیار می‌فرمود: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي؛ تنزیه تو می‌گویم خدایا، ای پروردگار ما و به ستایش تو مشغولم، خدایا بیامرزمرا».

و پیشتر در باب رکوع یاد کردیم که رسول الله ﷺ در رکوع و سجودش می‌فرمود: (سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ). رواه مسلم

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضاً عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا سَجَدَ قَالَ: (اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَ لَكَ أَسَلَمْتُ، سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ). رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی که به سجود می‌رفت می‌فرمود: «خدایا برای تو سجود کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو مسلمان شدم، روی من سجود کرد برای خدایی که او را آفرید و صورت‌بندی‌اش فرمود و شکافت شنوایی‌اش و بینایی‌اش را. پربرکت است خیر خدایی که بهترین آفرینندگان است.»

در فصل رکوع حدیثی آوردیم از اصحاب السنن به روایت از عوف بن مالک رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رکوع طولانی خود می‌فرمود: (سُبْحَانَ ذِي الْجَبْرُوتِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ). و در کتاب‌های سنن آورده‌اند که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موقعی که سجود می‌کرد می‌فرمود: (سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى) سه بار. و در روایت ابن حبان: (سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ) سه بار. و در صحیح مسلم به روایت از عایشه که شبی به جست‌وجوی رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برخاستم، دیدم در مسجد در حال سجود است و می‌فرماید: (اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ)؛ «خدایا پناه می‌برم به خشنودی‌ات از خشم‌ت و به عافیتت از عقوبتت و پناه می‌برم به تو از عذاب تو، نمی‌توانم ثنای تو را بشمارم، تو آن‌چنان هستی که خودت ثنای خودت فرمودی.»

و در صحیح مسلم به روایت از ابن عباس رضی الله عنهما: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظِّمُوا فِيهِ الرَّبَّ وَ أَمَّا السُّجُودُ فَأَجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِنْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ)؛ رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اما رکوع شما تعظیم خدا را در آن به جا آورید. و اما سجود کوشش کنید در دعا کردن که شایسته است که دعایتان در سجود مستجاب شود.» بنابراین در سجود بسیار دعا کنید.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ).

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگار، موقعی است که در سجود است، بنابراین در سجود بسیار دعا کنید).

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَنَّ أَبِي هُرَيْرَةَ أَيْضاً أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي سَجُودِهِ: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دِقَّةً وَجِلَّةً وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرَّهُ).

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سجودش می‌فرمود: «خدایا بیامرز گناهانم همه‌اش، اندک و بسیار آن و اول و آخر آن و آشکار و نهانی آن». کسی که می‌تواند همه‌ی این اذکار را در سجود بخواند و کسی که نمی‌تواند آن‌ها را در اوقات متعدد بخواند. و الله أعلم.

(فصل) علما اختلاف دارند که طول دادن به قیام نماز بهتر است یا بسیاری رکوع و سجود بهتر است. امام شافعی فرموده است که طول دادن به قیام بهتر است، برای اینکه در قیام نماز، خواندن قرآن است و در رکوع و سجود، تسبیح و تهلیل است و قراءت قرآن از تسبیح و تهلیل بهتر است و دلیل شان حدیث صحیح مسلم است که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (أَفْضَلُ الصَّلَاةِ طَوْلُ الْقُنُوتِ)؛ یعنی «بهترین رکنی که در نماز طول داده می‌شود، قیام در نماز است». و معنی طول القنوت: طول القیام است و بعضی از علما گفته‌اند: بسیاری سجود و رکوع بهتر است، برای اینکه رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ)؛ «نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگار، موقعی است که سر به سجود نهاده است». و امام اسحاق بن راهویه فرمود: در شب طولانی بودن قیام بهتر است و در روز بسیاری رکوع و سجود بهتر است، برای اینکه نمازهایی که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شب می‌خواند، روایات دال بر

طولانی بودن قیام آن آمده است و نمازهایی که در روز خوانده‌اند ذکر از طولانی بودن آن نیامده است.

(فصل) وقتی که به سجود تلاوت می‌رود، بگوید آنچه را که در سجود نماز یاد شد و مستحب است که در سجود تلاوت بگوید: (اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا وَّاعْظِمْ لِي بِهَا أَجْرًا وَّضَعْ عَنِّي بِهَا وِزْرًا وَّتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا قَبَّلْتَهَا مِنْ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ)؛ «خدایا این سجود تلاوت را برایم نزد خودت ذخیره‌ای قرار ده و با آن ثوابی برایم بزرگ گردان و با آن از من بینداز گناهی و این سجود را از من قبول فرما، چنانکه از بندهات داود پذیرفتی». و مستحب است در سجود تلاوت بگوییم: ﴿سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا﴾؛ «منزه است پروردگار ما و به حقیقت وعده‌ی پروردگار ما انجام گرفته است».

وَرَوَيْنَا فِي السَّنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِي وَالنَّسَائِي عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي سَجُودِ الْقُرْآنِ: (سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ صَحِيحٌ زَادَ الْحَاكِمُ: (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ). قَالَ هَذِهِ الزِّيَادَةُ صَحِيحَةٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخِينَ وَآمَّا قَوْلُهُ: (اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا إِلَى آخِرِهِ) فَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مَرْفُوعًا مِنْ رِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ. وَ قَالَ الْحَاكِمُ حَدِيثٌ صَحِيحٌ.

(باب ما يقول في رفع رأسه من السجود و في الجلوس بين السجدين)
 بابی است در بیان آنچه وقتی که سر از سجود اول برداشت و آنچه در نشستن
 میان دو سجود می‌گوید.

سنت این است که سر را که از سجود اول بلند کرد، بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و تکبیر را
 بکشد تا اینکه راست بنشیند و میان دو سجود بگوید: (رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي)
 چنانکه در حدیث حذیفه به روایت ابی داود و ترمذی و نسائی و بیهقی و غیره در آن
 حدیث طولانی آمده است: و کان يقول بين السجدين: (رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي) و در
 روایت بیهقی از ابن عباس رضی الله عنهما: و کان إذا رفع رأسه من السجدة قال: (رَبِّ
 اغْفِرْ لِي و أَرْحَمَنِي و أَجْبُرْنِي و أَرْفَعْنِي و أَرْزُقْنِي و أَهْدِنِي) و فی روایة أبی داود (و عَافِنِي) و
 اسناده حسن. و الله أعلم.

(فصل) وقتی که سجود دومی نمود در آن همان بگوید که در سجود اولی گفتیم.
 وقتی که سر از سجود دوم بالا آورد تا به رکعت دوم آید پیش از بلند شدن یک
 نشستن کوتاهی به عنوان جلسه‌ی استراحت داشته باشد که در آن از حرکت آرام
 گیرد و سپس بلند بشود برای رکعت دوم و در این هنگام الله اکبر گفتن را بکشد تا
 اینکه راست بایستد. یک تکبیر از سر برآوردن از سجود تا راست ایستادن کفایت
 می‌کند. و جلسة الاستراحة (نشستن برای استراحت) سنت است و در صحیح
 بخاری به ثبوت رسیده و آن بعد از هر رکعتی است که از آن برای رکعت بعدی بلند
 می‌شود، مثل بعد از رکعت اولی و بعد از رکعت سومی، اما بعد از رکعت دومی و بعد از
 رکعت چهارمی که برای تشهد می‌نشیند، و بعد از سجود تلاوت در نماز، جلسه‌ی
 استراحت نیست.

(باب أذکار الركعة الثانية)

بابی است در بیان اذکار رکعت دوم

رکعت دومی، مانند رکعت اولی است در گفتن اذکاری که در رکعت اولی یاد شد و نیز در خواندن فاتحه و در خواندن سوره‌ی بعد از فاتحه، جز اینکه در این چند چیز رکعت دومی با رکعت اولی فرقی دارد: در رکعت اولی تکبیرة الاحرام است که فرض می‌باشد. و در رکعت دومی تکبیرة القیام است که از رکعت اولی بر می‌خیزد و به رکعت دومی می‌آید. و این تکبیر سنت است. دوم اینکه در رکعت اولی بعد از تکبیرة الاحرام دعای استفتاح می‌خواند و در رکعت دوم دعای استفتاح نیست. سوم اینکه در رکعت اولی أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن بدون اختلاف نظر سنت است و در رکعت دومی در أعوذ بالله من الشیطان الرجیم گفتن اختلاف نظر است، ولیکن بنابر قول معتمد گفتن أعوذ بالله من الشیطان الرجیم در رکعت دومی نیز است. چهارم اینکه قراءت سوره در رکعت دومی کمتر از قراءت در رکعت اولی است که در رکعت اولی سوره طولانی‌تر از سوره در رکعت دومی است.

(باب القنوت فی الصبح)

بابی است در بیان خواندن قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح

بدان که قنوت در نماز صبح سنت است به دلیل حدیث صحیح در خصوص قنوت در نماز صبح. روی الحاکم ابو عبدالله فی کتاب الأربعین عن أنس رضی الله عنه (أن رسول الله صلی الله علیه و آله لم یزل یقنُتُ فی الصبح حتی فارق الدنیا). قال الحاکم حدیث صحیح.

انس رضی الله عنه که خدمتکار رسول الله صلی الله علیه و آله بود روایت می‌کند که همیشه رسول الله صلی الله علیه و آله

در نماز صبح قنوت می‌خواند تا از دنیا رحلت فرمود. حاکم می‌گوید: حدیث صحیح است و امام نووی که اکبر حفاظ عصر خود است می‌گوید: حدیث صحیح است. و علمای مذهب شافعی که نود درصد علمای حدیث از ایشان است آن را قبول کرده‌اند. اکنون در زمان ما بعضی از روی بی‌دانشی آن را قبول نمی‌کنند.

حاصل اینکه در مذهب شافعی، قنوت در اعتدال اخیر نماز صبح در همه‌ی ایام سال است. و در نیمه‌ی دوم ماه رمضان در نماز وتر از شب شانزدهم به بعد است، چنانکه حدیث صحیح آن در طبرانی آمده است. باید دانست که دو مذهب از چهار مذهب اهل سنت، قنوت را در نماز صبح در همه‌ی ایام سال دانسته‌اند: امام مالک قنوت را در رکعت دوم نماز صبح قبل از رکوع می‌داند و امام شافعی بعد از رکوع. و دو مذهب دیگر قنوت را در همه‌ی ایام سال در نماز وتر دانسته‌اند: امام ابوحنیفه در رکعت سوم وتر قبل از رکوع و امام احمد بعد از رکوع. قنوت در نزد امام شافعی و امام احمد به آواز بلند خوانده می‌شود. و نزد امام مالک و امام ابوحنیفه آهسته خوانده می‌شود. قنوت نزد امام شافعی و امام احمد عبارت است از:

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ و عَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ و تَوَلَّيْنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ و بَارِكْ لِي فِيمَا
أَعْطَيْتَ و قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ. تا این جا دعاست و باقی ثناء است و عبارت است از:
فَإِنَّكَ تَقْضِي و لَا يُقْضَى عَلَيْكَ، و إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَاوَيْتَ، و لَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ، تَبَارَكَ
رَبَّنَا و تَعَالَيْتَ، و به روایتی در ادامه‌ی آن می‌گوید: فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَضَيْتَ و لَكَ
الشُّكْرُ عَلَى مَا أَنْعَمْتَ بِهِ و أَوْلَيْتَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ و نَتُوبُ إِلَيْكَ، و نُؤْمِنُ بِكَ و نَتَوَكَّلُ
عَلَيْكَ و صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ و آلِهِ و صَحْبِهِ و سَلَّمَ).

قنوت نزد امام ابوحنیفه و امام مالک عبارت است از: (اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ و
نَسْتَهْدِيكَ و نَسْتَغْفِرُكَ و نُؤْمِنُ بِكَ و نَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ. و نُشْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ، نَشْكُرُكَ و
لَا نَكْفُرُكَ و نَحْلَعُ و نَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ. اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ و لَكَ نُصَلِّي و نَسْجُدُ و إِلَيْكَ

نَسَعَى وَنَحْفِدُ، نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَنُحْشَى عَذَابَكَ إِنَّ عَذَابَكَ الْجِدِّ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ. وَصَلَّى اللَّهُ
وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ).

تفسیر قنوت شافعی و حنابلہ: اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ: خدایا مرا به مطلب
برسان در جمله کسانی که آنان را به مطلب رساندی. مطلب مؤمن رضای خدا و
پیروی از رسول خدا و عافیت خیر در دنیا و آخرت است و غیره. و عافِنِي فِيمَنْ
عَافَيْتَ: و مرا عافیت و تندرستی و دوری از ناملایمات عطا فرما در جمله کسانی که
ایشان را عافیت دادی و از ناملایمات نگه داشتی. ناملایمات: بیماری خطرناک.
از دست دادن عزیزان، شماتت دشمنان، شرمساری در روی مردمان و غیره.
وَ تَوَلَّيْنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ: و کارهایم را به خودت واگذار در جمله کسانی که کارشان
را به خودت واگذاشتی، مثل پیغمبران و صدیقان و صالحان، تا بتوانند
وظیفه‌ی خود را انجام دهند و از شر دشمنان نگه داشته شوند و پیروزی بر
دشمنان و عاقبت خیر همیشه همراهشان باشد. وَ بَارِكْ لِي فِي مَا أُعْطَيْتَ: و برکت
قرار بده در آنچه به من عطا فرمایی. برکت در رزق: یافتن آن از راه حلال. محفوظ
ماندن از زوال روزی برای بهره‌مندی از آن در دنیا و آخرت، توشه گرفتن از آن
برای آخرت و استفاده از آن برای به دست آوردن رضای خداوند. وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ:
و مرا نگه دار از شر آنچه قضا و قدرت بر آن می‌رود، تا همیشه قضا و قدرم
به خیرم باشند.

در این پنج جمله همه‌ی اسباب سعادت دنیا و آخرت نهفته است: وقتی که
انسان به مطالب خود رسید و ایمان صحیح یافت و اعمال صالحات نصیبش شد و
عاقبت به خیر همراهش بود و از تندرستی بهره‌مند بود و از ناملایمات در حفظ و
پناه خدا بود و کارهایش را همه ذات پاک حق تعالی متولی آن بود و برکت داشت
آنچه خدا به او عطا فرموده است. برکت در جسم، برکت در روح، برکت در اهل، برکت

در فرزند، برکت در رزق، برکت در خویشاوندان؛ و خدا او را از شر قضا و قدر ننگه داشت، چه سعادت‌تی است که نیافته و چه خوشی است که از دست داده است! همه‌ی سعادت‌ها را با هم یافته است. این بود تفسیر قسمت دعا از قنوت و اکنون تفسیر قسمت ثناء از قنوت.

فَإِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْكَ: به حقیقت تو فرمان می‌رانی بر همه و نیست کسی که فرمان خود را بر تو اجرا نماید. هستی‌ها هر چه هست همه مخلوق و مملوک و مقهور تو هستند. فرمان تو بر همه مساوی و جاری است.

إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ: به حقیقت خواری نخواهد دید کسی که تو او را به دوستی گرفتی. کسی که خدا دوست اوست کجا و ذلت و خواری کجا!

وَ لَا يَعْزُّ مَنْ عَادَيْتَ: و عزت و سرافرازی نخواهد دید، کسی که تو او را دشمن گرفتی. کسی که خدا دشمن اوست کجا و عزت و سربلندی کجا!

تَبَارَكَ رَبَّنَا وَ تَعَالَيْتَ: پرشد برکت هایت ای پروردگار ما و برتر آمدی از هر عیب و نقصی. اگر دیده‌ای حقیقت بین باشد، سراسر وجود را پر از برکت‌های خدا بیند. خدایی که جهان را به همه انواع نعمت‌ها آراست، آنگاه آدمی را آفرید تا از آن نعمت‌ها استفاده کند و شکر مُنِعِم بگوید. به قول سعدی که روحش شاد باد:

این همه نقش عجب بر در دیوار وجود هر که شکرت نکند نقش بود بر دیوار
فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا قَضَيْتَ: بنابراین ستایش‌ها و سپاس‌ها همه برای توست در برابر آنچه قضا فرمودی. قضایت همه به خیر بندگان است.

وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ وَ أَوْلَيْتَ: و شکرها و سپاس‌ها همه برای توست در برابر آنچه انعام فرمودی و ارزانی داشتی.

نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ وَ نَتُوبُ إِلَيْكَ: برای ما بندگان و قصور در شکر بر نعمت‌های راهی دیگر نیست، مگر طلب آمرزش و توفیق توبه و رو به درگاهت آوردن.

و نُؤْمِنُ بِكَ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ: ایمان می آوریم به تو که بدی می کنیم و خوبی می بینیم و ناشکری می کنیم و احسان می بینیم، ما توکل بر تو می کنیم که همه انعام تو را می بینیم.

و صَلَّى اللَّهُ وَ سَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ التَّابِعِينَ: خدایا درود بی شمار و سلام شایسته‌ی بنده‌ی برگزیده و مختارت، بر آفتاب هدایت جهان و جهانیان محمد مصطفی و آل اطهار و و صحب اخیار و تابعان نور محمدی مستمر و روزافزون بگردان.

تفسیر قنوت حنفیه و مالکیه: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ: خدایا ما همیشه از تو کمک می خواهیم و بر مدد تو اعتماد داریم. اگر کمک تو شامل حال ما شود چه کار خیری است که نتوانیم و اگر مدد تو نباشد چه کاری است که بتوانیم از عهده‌ی آن بر آییم؟

و نَسْتَهْدِيكَ: و از تو خواهان گرفتن راه راست هستیم. اگر هدایت تو باشد به راه راست می رسیم و از استقامت بر آن بهره‌مند می گردیم و از انحراف از آن ننگه داشته می شویم. ما همه بندگانیم و بنده‌ای که مملوک و مقهور فرمان تو است، اگر معونت و هدایت تو نباشد هیچ‌گاه نه راه راست می یابد و نه به مطلب می رسد.

و نَسْتَغْفِرُكَ: و از تو طلب آمرزش داریم، ما بندگان از فرق سر تا کف پایمان همه قصور است و تقصیر، و این آمرزش توست که تقصیرات ما را می پوشاند و اگر آمرزش حاصل شد تاج افتخار و عبودیت بر تارک ما می درخشد و اگر آمرزش تو نباشد ما غریق گناهان نه روی خواهش برایمان می ماند و نه زبان اعتذار.

و نَتُوبُ إِلَيْكَ: و توبه می نماییم از همه‌ی خطاهایمان و رو به درگاه تو می نهیم که تو اب رحیم تویی، توفیق توبه می دهی و قبول توبه می فرمایی.

و تُؤْمِنُ بِكَ وَ تَتَوَكَّلُ عَلَیْكَ: و ایمان آوردیم که خالق ما و رازق ما و حافظ ما و مددکار ما فقط تو هستی و بس، ایمان ما را وادار می‌کند تا در همه کار بر تو توکل نماییم و از توکل بر تو و گرفتن راه پیغمبرت به حصول رضایت شاد شویم و از رو آوردن به درگاهت سعادت دو جهان را دریابیم.

و نُثْنِي عَلَیْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ: ثنای تو می‌خوانیم و خیر و خوشی‌ها را همه از تو می‌دانیم.

نَشْكُرُكَ وَ لَا نَكْفُرُكَ: ما همه سپاس تو می‌گوییم که غرقه در انعام تو هستیم و هیچ‌گاه کفران نعمت‌هایت را ننماییم که وظیفه‌ی هر مؤمن شکر و سپاس تو است همان‌گونه که کفر ملازم کفران نعمت و ناشکری از همه‌ی نعمت‌های خداست.

وَ نَحْلَعُ وَ نَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ: و ما خلع ید می‌نماییم و کنار می‌گذاریم هر کسی را که دانستیم خود را به کفر و معاصی آلوده ساخته است.

اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ: خدایا تو را بندگی می‌کنیم، نه غیر تو را. هیچ افتخاری برای ما از این بالاتر نیست که خدا او را به بندگی قبول فرماید. اگر خدا بنده‌ای را به بندگی قبول فرمود نماز و طاعتش می‌پذیرد. گناهانش را می‌آمرزد و اسباب سعادتش را فراهم می‌سازد و تاج عبودیت را بر فرق او می‌نهد.

وَ لَكَ نُصَلِّيُّ وَ نَسْجُدُ: و برای تو نماز می‌خوانیم و برای تو پیشانی خود را در برابر عظمتت بر خاک می‌مالیم. کجا ممکن است بنده‌ای بداند که بنده‌ی خداست، زندگیش و مرگش در دست خداست و روزی و سرنوشتش در دست خداست و سعادت و شقاوتش در ید قدرت خداست، نفع و ضررش همه در تدبیر خداست و آنگاه عبادت غیر خدای یکتا را نماید. خدا، یعنی مالک همه، مقتدر بر همه، معبود بحق برای همه. و غیر خدا، یعنی محتاج سر اندر پا و بینوای در هر جا و فانی سرا پا زوال و بی پناه.

وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْقِدُ: و ما همه به سوی تو در کوششیم که ما را به درگاهت برسانی و از شر دیو لعین و هر کسی که بخواهد ما را از درگاهت دور سازد، برهانی. و در این راه می‌شتابیم برای اینکه عمر زود گذر است و تا قبل از اینکه عمر از دست برسد به تو رسیده باشیم.

نَرْجُو رَحْمَتَكَ: ما همه امیدوار رحمت هستیم. همین امید رحمت می‌باشد که ما را شاد و مسرور و مطمئن ساخته است. اگر امید رحمت نداشتیم، هیچ نداشتیم؛ همین رحمت ما را امیدوار کرده و بر پای خود استوار کرده است. از جهتی امید رحمت و از جهت دیگر بیم عذابت ما را بین خوف و رجا قرار داده است.

و نَحْشَى عَذَابَكَ: تا همیشه از ترس عذابت هر غروری از سر به در کنیم و هر هوای خطاکاری را دور بگردانیم و هر روشی که پای ابلیس لعین در آن باشد کنار بگذاریم.

إِنَّ عَذَابَكَ الْجِدِّ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ: حقا که عذاب واقعی و جدی تو به کافران رسیده است. از کفر در عذابند و نمی‌دانند. از راندگی از رحمت خدا سرگردانند و نمی‌دانند. و از عاقبت به شر خود هراسانند و نمی‌دانند. نه یقین ایمان دارند تا خوشی اعتماد و یقین بیابند و نه از فضل و رحمت حق باخبرند تا سر را در برابر عظمتش بر خاک بمالند. ابلیس آنان را با خود برده و ناامید کرده است. و زشتکاری کفر، دل و دیده‌شان را کور کرده و بدبخت کرده است. فقیر و حقیر و ذلیل و خوار و گرفتارند و شعور آن ندارند.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ و آلهِ الْأَطْهَارِ و صَحْبِهِ الْأَخْيَارِ و مَنْ تَبِعَهُمْ عَلَى الْهُدَى بِحَقِّ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ و سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. اگر ادامه‌ی قنوت عمر ﷺ را بر آن بیفزاید هم خوب است: اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْكُفْرَةَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ و يُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ و يُقَاتِلُونَ أَوْلِيَاءَكَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ و الْمُؤْمِنَاتِ و الْمُسْلِمِينَ و الْمُسْلِمَاتِ و أَصْلَحْ ذَاتَ بَيْنِهِمْ و

أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ أَجْعَلْ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ الْحِكْمَةَ وَ ثَبِّتْهُمْ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَوْزِعْهُمْ أَنْ يُوفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ وَ أَنْصُرْهُمْ عَلَى عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ إِلَهَ الْحَقِّ وَ أَجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

(فصل) بالا بردن دو دست در دعا مستحب است. و در قولى بعد از فراغ از دعا دست به روى كشیدن مستحب است. و اتفاق علمای مذهب شافعی بر این است که دست كشیدن بر غیر روى مکروه است. و در هنگام دعا اگر منفرد است به لفظ مفرد بخواند: اللَّهُمَّ اهْدِنِي...

و اگر امام باشد به صیغهی جمع بخواند: اللَّهُمَّ اهْدِنَا... و اگر منفرد است دعا را آهسته بخواند و اگر امام است دعا را به آواز بلند بخواند. و مأموم تابع امام می شود. اگر امام قنوت را بلند خواند و مأموم می شنید در قسمت دعا آمین بگوید و در قسمت ثنا مأموم هم بخواند. و حدیث صحیح در چگونگی قنوت رسول الله ﷺ بر کسانی که قاریان را در بئر معونه کشتند، ظاهر آن بلند خواندن قنوت در همه ی نمازها را می رساند. و در صحیح بخاری در باب تفسیر آیه ی ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ...﴾ از ابو هریره روایت شده که پیامبر ﷺ در نفرین بر مردمی که قاریان را در بئر معونه کشتند به جهر قنوت می خواند تا اینکه خداوند آن آیه را نازل فرمود: «هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست؛...»

(باب التشهد في الصلاة)

بابی است در بیان تشهد در نماز

بدان که نماز اگر دو رکعتی باشد، مثل نماز فرض صبح بیش از یک تشهد نخواهد داشت. اگر بیش از دو رکعت باشد، مثل نماز مغرب و عشاء دو تشهد دارد و گاه است که نسبت به ماموم چهار تشهد صورت می‌یابد، مثل مسبوق در نماز مغرب که در اعتدال رکعت دوم به امام رسیده باشد؛ تشهد اول امام برای او حساب نمی‌شود و تشهد اخیر امام برای او حساب نمی‌شود، دو تشهد خوانده و یک رکعت دارد. بعد از سلام امام در هر رکعتی برای یک تشهد می‌نشینند که سرانجام می‌شود چهار تشهد. اگر بیش از چهار رکعت بخواند، مثلاً یکصد رکعت بخواند، اختیار بر آن است که در آن رکعات دو تشهد بخواند. او به حسب نیتش نماز بخواند وقتی که دو رکعت باقی است برای تشهد اول بنشینند و بعد از دو رکعت باقی برای تشهد دوم بنشینند. گروهی از علمای مذهب شافعی فرموده‌اند یک نماز بیش از دو تشهد ندارد.

اما قول معتمد این است که می‌تواند بعد از هر دو رکعت به تشهد بنشینند، اما بعد از هر یک رکعت جایز نیست به تشهد بنشینند. و الله أعلم

و بدان که تشهد آخری نزد امام شافعی و امام احمد و بیشتر علما واجب است و نزد امام ابوحنیفه و امام مالک سنت است. و تشهد اول نزد امام شافعی و امام مالک و امام ابوحنیفه رضی الله عنه سنت است و نزد امام احمد رضی الله عنه واجب است. اگر تشهد اول را ترک کرد به عمد یا به سهو نزد امام شافعی نماز او صحیح است و آخر نماز سجود سهو می‌نماید. والله أعلم

(فصل) و اما لفظ تشهد به سه لفظ به ثبوت رسیده است. نخست تشهد به روایت ابن مسعود رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَ الصَّلَوَاتُ وَ الطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ». رواه البخاری و مسلم.

دوم تشهد به روایت ابن عباس رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله: «التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». رواه مسلم فی صحیحہ. و این تشهد را امام شافعی اختیار فرموده است. برای اینکه ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا از اهل بیت هستند و امام شافعی هم از اهل بیت است و نیز به سبب لفظ المبارکات.

سوم تشهد به روایت ابوموسی اشعری رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله: «التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ». رواه مسلم فی صحیحہ.

و بدان که تشهد به هر لفظی که باشد جایز است و سبب اختیار در لفظ آن است که به الفاظ متعدد آمده است. و ابن سُرَيْج از علمای شافعی فرموده است: اگر اختصار بر این لفظ نماید: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ، سَلَامٌ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» کفایت می‌کند و معلوم است که اگر بر یکی از سه نوع عمل نماید و تغییر ندهد بهتر است، برای اینکه اختلاف در وجوب همه‌ی کلمات تشهد است و اختیار بر این است که یکی از آن سه را بخواند. و بدان که ترتیب در تشهد مستحب است و واجب نیست؛ بنابراین اگر بعضی از الفاظ آن را تقدیم و تاخیر کند، مانعی ندارد. و بعضی ترتیب آن را واجب دانسته‌اند. و بدان که تشهد را باید آهسته خواند، چنانکه در روایت ابوداود و ترمذی و بیهقی از

ابن مسعود رضی الله عنه آمده است: من السنّة أن یخفی التشهد السنّة. رواه الترمذی و قال حدیث حسن. و قال الحاکم صحیح. و گفتن صحابه: من السنّة، در حکم قال رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد.

(باب الصلاة على النبی صلی الله علیه و آله بعد التشهد)

بابی است در بیان درود فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر

بدان که صلوات فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر نزد امام شافعی رحمته الله واجب است و اگر صلوات بر رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر ترک نماید نمازش صحیح نمی شود، اما در تشهد صلوات بر آل واجب نیست. و در تشهد اخیر صلوات بر آل سنت است. و همان گونه که تشهد اول سنت است، صلوات بر رسول الله صلی الله علیه و آله نیز در تشهد اول سنت است.

و جای تعجب این جاست که صلوات بر آل را واجب ندانسته اند در صورتی که تمام صیغه های وارد در همه ی احادیث مربوط به صلوات بر رسول الله صلی الله علیه و آله همراه با صلوات بر آل است. شاید از آن روی باشد که در آیه ی:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾. یاد از آل نشده است و در صلوات فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه و آله نیز اگر بگوید: صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ يَا صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ يَا صَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ، هر کدام که بگوید کفایت می کند. و در مذهب وجهی هست که باید بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَغَيْرِ أَنْ كَفَايَتٌ لَا تَمْنَعُ. و بهتر آن است که در صلوات بر رسول الله بعد از تشهد اخیر این لفظ را اختیار نماید:

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ
 كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ
 أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ).

این حدیث در بخاری و مسلم از کعب بن عجرة و قسمتی از آن از غیر کعب بن
 عجرة رضی الله عنه روایت شده است. و دعا بعد از تشهد اخیر مستحب است. اما بعد از
 تشهد اول دعا مستحب نیست و علمای شافعی فرموده‌اند: دعا بعد از تشهد اول
 مکروه است، برای اینکه بنای تشهد اول بر تخفیف است. و الله أعلم.

(باب الدعاء بعد التشهد الأخير)

بابی است در بیان مستحب بودن دعا بعد از تشهد اخیر

بدان که دعا بعد از تشهد اخیر مشروع است، بدون اختلاف.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه. أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله
 عَلَّمَهُمُ التَّشَهُدَ ثُمَّ قَالَ فِي آخِرِهِ: (ثُمَّ يُخَيَّرُ مِنَ الدُّعَاءِ). وَ فِي رِوَايَةِ الْبُخَارِيِّ: (أَعْجَبَهُ إِلَيْهِ
 فَيَدْعُو) وَ فِي رِوَايَةِ مُسْلِمٍ: (ثُمَّ لِيَتَّخِذَ مِنَ الْمَسْأَلَةِ مَا شَاءَ).

رسول الله صلی الله علیه و آله تشهد را به صحابه آموخت. و در آخر حدیث آمده که نمازگزار بعد
 از تشهد و صلوات بر رسول و آل اطهار دعاهایی را اختیار می‌نماید، هر دعایی
 که دوست دارد و می‌تواند از خودش دعاهایی بخواند ولیکن دعاهای وارد از
 رسول الله صلی الله علیه و آله بهتر است. و در همین جا بعد از تشهد دعاهای بسیاری وارد شده از
 آن جمله است:

ما رویناه فی صحیحی البُخاری عن ابی هریرة رضی الله عنه قال، قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (إِذَا فَرَغَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشَهُّدِ الْأَخِيرِ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ).

«وقتی که یکی از شما از تشهد آخری نماز فارغ شد، پناه ببرد از چهار چیز: از عذاب دوزخ، از عذاب قبر، از فتنه‌ی مرگ و زندگی، و از شر مسیح دجال».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كَانَ يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ).

رسول الله صلی الله علیه و آله در آخر نماز دعا می فرمود: «خدایا پناه می برم به تو از عذاب قبر و پناه می برم به تو از فتنه‌ی مسیح دجال و پناه می برم به تو از فتنه‌ی زندگی و مرگ. خدایا پناه می برم به تو از گنهکاری و بدهکاری».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رضی الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يَكُونُ مِنْ آخِرِ مَا يَقُولُ بَيْنَ التَّشَهُّدِ وَالتَّسْلِيمِ: (اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُوَخَّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ).

علی رضی الله عنه فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی که به نماز می ایستاد در تشهد آخر نماز میان تشهد و سلام نماز می فرمود: «خدایا بیامرزم آنچه آن را به جلو انداختم و آنچه آن را به دنبال انداختم و آنچه نهانی نمودم و آنچه آشکار نمودم و آنچه در آن اسراف بر خود نمودم و آنچه تو داناتری به آن از من. تو هستی که به جلو می اندازی و تو هستی که به دنبال می اندازی، نیست معبودی به حق در سراسر وجود مگر تو». کلمه‌ی: ماقدّمْتُ و ما أخرْتُ: هر گناهی که آن را مقدم داشتم و هر گناهی که آن را

به دنبال انداختن، رسول الله ﷺ این را که می‌فرماید برای تعلیم است و گرنه خودش گناهی ندارد، اگر خطایی هم بود خدا همه‌ی آن را بخشیده است. و مقصود رسول الله ﷺ تعلیم امت است تا اینچنین دعا کنند و در حقیقت گناه بر دو قسم است: گناهی که انجام می‌گیرد و اثر آن از بین می‌رود، این گناه را به جلو انداخته، یعنی در حیات خود انجام داده است. و گناهی است که اثر آن بعد از حیات شخص می‌ماند. فرض بفرمایید کسی یک سیلی به دیگری زد و معذرت خواست و او را بخشید این گناهی است که گذشته است. اما کسی گرفتن ده یک مال مردم را مرسوم می‌کند این همیشه اثرش می‌ماند؛ خود شخص می‌میرد، اما گنااهش باقی است، زیرا به آن عمل می‌شود. و مصیبت همیشه در این نوع گناه است که از بین نمی‌رود. أَنْتَ الْمُقَدَّمُ و أَنْتَ الْمُؤَخَّرُ: ای خدا کسی را که بخواهی او را مقدم می‌سازی که از مردم در علم و تقوی جلو بیفتد و کسی را به دنبال می‌اندازی که علم و تقوی نصیبش نشده و همیشه عقب افتاده است. عطا همه از خداست. دانا به مصالح خلق فقط خداست. آنچه انجام می‌دهد همه حکمت است. پاک و منزّه خدایی که منع و عطایش هر دو به حکمت است و هر دو به مصلحت خلق است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رضي الله عنه أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: عَلَّمَنِي دَعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَلَاتِي، قَالَ: (قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا وَ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَأَغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ أَرْحَمِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ).

ابوبکر صدیق رضي الله عنه عرض کرد که یا رسول الله، دعایی به من بیاموز که در نماز به آن دعا نمایم. فرمود: «بگو خدایا به خود ستم کردم بسیار. و نمی‌آمرزد گناهان را مگر تو. پس بیامرز گناهانم به آمرزشی از نزد خودت و مرا مورد رحمتت قرار بده. حقا که

تو آمرزگار بسیار مهربانی». روایت شده: ظُلْمًا كَثِيرًا و روایت شده: ظُلْمًا كَبِيرًا
 نووی فرمود هر دو با هم چنین بگویند: (اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا كَبِيرًا)؛
 «خدایا ستم به خودم نمودم ستم بسیار و ستم بزرگ». و از جمله دعاهاى مستحب
 در همه جا این دعاست: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَ
 التُّقَىٰ وَالْعِافَاءَ وَالْغِنَى)؛ «خدایا از تو می‌خواهم عفو و گذشت که از سر تقصیرم بگذری
 و از تو می‌خواهم عافیت و دوری از ناملايمات. خدایا از تو می‌خواهم رسیدن به راه
 راست و پرهیزگاری و پاکدامنی و توانگری». و بیشتر دعای رسول الله ﷺ این دعا
 بود: (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)؛ «خدایا به ما بده در
 دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه‌دار ما را از عذاب دوزخ». واللّٰه اعلم.

(باب السلام للتحلل من الصلاة)

بابی است در بیان سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز

بدان که سلام نماز گفتن برای بیرون آمدن از نماز یکی از فرض‌های نماز و رکنی
 از ارکان نماز است که نماز بدون آن صحیح نمی‌شود. و فرض بودن سلام نماز در سه
 مذهب مالک و شافعی و احمد است. و حدیث‌های صحیح مشهور به آن تصریح دارد
 و جمهور علمای سلف و خلف همه بر فرض بودن سلام نماز نظر دارند. و بدان که
 اکمل در سلام نماز این است که رو به دست راست بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.
 و رو به دست چپ بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

و در سنن ابی داود آمده: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و امام الحرمین
 و زاهر السرخسی و رویانی آن را یاد کرده‌اند. امام نووی فرمود که کلمه‌ی «و برکاته»
 خلاف مشهور از سلام دادن حضرت رسول در نماز است و گفتنش مستحب نیست.

اگر کسی آن را در سلام نماز جنازه بگوید تا به حدیث در بعضی موارد عمل کرده باشد دور از صواب نیست واللّٰه اعلم. و واجب همان سلام اولی است و سلام دومی سنت است، اگر آن را نگوید ضرری به نمازش نمی‌رساند.

این دو سلام نماز در هر نمازی است: نماز فرض باشد یا سنت یا نماز جنازه، فرق نمی‌کند. منفرد باشد یا امام باشد یا ماموم، فرقی نمی‌کند. جماعت اندک باشد یا بسیار، فرق نمی‌کند.

و واجب در سلام: گفتن السَّلَامُ عَلَیْكُمْ می‌باشد و اگر بگوید: عَلَیْكُمْ السَّلَامُ نیز کفایت می‌کند. اما اگر بگوید: السَّلَامُ عَلَیْكَ یا سَلَامِی عَلَیْكَ یا سَلَامُ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ یا سَلَامِی عَلَیْكُمْ، هیچ‌کدام کفایت نمی‌کند. و اگر به عمد بگوید نمازش باطل می‌شود. و موقعی که امام سلام نماز گفت، ماموم اختیار دارد به دنبال سلام امام سلام بگوید یا مشغول دعا بشود، بعد سلام بگوید، مانعی ندارد. واللّٰه اعلم.

(باب ما یقولہ الرجل إذا کَلَّمَہُ إنسانٌ و هو فی الصلوة)

بابی است در بیان آنچه شخص می‌گوید وقتی که در حال نماز است و دیگری با او سخن گوید.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (مَنْ نَابَهُ شَيْءٌ فِي صَلَاتِهِ فَلْيُقْلُ سُبْحَانَ اللَّهِ). وَ فِي رِوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِ: (إِذَا نَابَكُمْ أَمْرٌ فَلْيُسَبِّحِ الرَّجَالَ وَ لْيُصَفِّقِ النِّسَاءَ).

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسی که چیزی به او رسید در حالی که در نماز بود بگوید: سبحان الله». و در روایتی در صحیح بخاری: «وقتی که چیزی به شما رسید و شما در نماز هستید، مردان سبحان الله بگویند و زنان کف دست راست پشت دست چپ

بزنند». سبحان الله گفتن برای مردان است و کف دست راست بر پشت دست چپ زدن برای زنان است. اگر مردی مشغول نماز است و در زدند می‌گوید سبحان الله تا از اهل خانه کسی برود و ببیند چه کسی در می‌زند. اگر زنی در نماز است و سفره خوراک نهاده و گربه آمده است از سفره بخورد، کف دست راست بر پشت دست چپ می‌زند تا کسی بیاید و نگذارد گربه سفره را آلوده کند. اگر کسی وعده دارد بیاید نامه بگیرد و صاحب نامه در حال نماز خواندن بود و او صدا زد که نامه بیار. می‌گوید: سبحان الله تا شخصی که برای نامه آمده بداند که او مشغول نماز است و صبر کند.

(باب الأذکار بعد الصلاة)

بابی است در بیان اذکاری که بعد از نماز خوانده می‌شود.

اجماع علما بر آن است که بعد از نماز اذکاری است که از حضرت رسول الله ﷺ وارد شده و باید خوانده شود و در این خصوص حدیث‌های صحیح و بسیار آمده است که درباره‌ی انواع متعدد از اذکار بعد از نماز است. در این جا ما قسمتی از آنها را می‌آوریم. از مهم‌ترین آنها:

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ رضي الله عنه قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: أَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: (جَوْفُ اللَّيْلِ الْآخِرِ وَ دُبُرُ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ. به رسول الله ﷺ گفته شد: کدام دعا زودتر به اجابت می‌رسد؟ فرمود: «دعا در دل نیمه‌ی دوم شب و دعا بعد از نمازهای فرض شبانه روزی».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَمُسْلِمٍ عَنْ بَنِي عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: (كُنْتُ أَعْرِفُ انْقِضَاءَ الصَّلَاةِ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بِالتَّكْبِيرِ).

ابن عباس فرمود: «من می دانستم که رسول الله ﷺ از نماز فرض فارغ شده به بلند شدن آواز جماعت به الله اکبر گفتن». و در روایت مسلم: (کنا نعرف).

وَفِي رِوَايَةٍ فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: (أَنَّ رَفَعَ الصَّوْتِ بِالذِّكْرِ حِينَ يَنْصَرِفُ النَّاسُ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ).

ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فرمود: «بلند کردن آواز به اذکار بعد از نماز موقعی که جماعت از نماز فرض فارغ می شدند در عهد رسول الله ﷺ بود.

و قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: (كُنْتُ أَعْلَمُ إِذَا أَنْصَرَفُوا بِذَلِكَ إِذَا سَمِعْتَهُ)؛ «من می دانستم فارغ شدن از نماز به بلند شدن آواز جماعت به اذکار نماز». ابن عباس می گوید: در عهد رسول الله ﷺ همین که از نماز فرض فارغ می شدند آواز جماعت به اذکار بعد از نماز بلند می شد. لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وحده لا شريك له را به آواز بلند می گفتند. تکبیر و تسبیح به آواز بلند می گفتند. اما امروز عده ای بلند کردن آواز را به اذکار بعد از نماز بدعت می دانند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَنْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: (اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) قِيلَ لِلأَوْزَاعِيِّ وَهُوَ أَحَدُ رِوَاةِ الْحَدِيثِ: كَيْفَ الْإِسْتِغْفَارُ؟ قَالَ تَقُولُ: (أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ).

ثوبان می گوید: عادت رسول الله ﷺ بود که سلام نماز که می گفت سه بار اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ می گفت و می فرمود: «خدایا تو هستی که نام مقدست السلام است و

همه سلامتی‌ها از فضل توست، پر شد برکتت ای صاحب شکوه و بزرگواری». از اوزاعی که از راویان حدیث است سؤال شد که استغفار چگونه است؟ گفت: می‌گویی: استغفرالله استغفرالله. وقتی که می‌گویند رسول الله ﷺ بعد از نماز می‌فرمود دلیل این است که بلند می‌فرمود طوری که جماعت می‌شنیدند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ وَسَلَّمَ قَالَ: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ).

رسول الله ﷺ وقتی که از نماز فارغ می‌شد و سلام نماز می‌گفت. می‌فرمود: «نیست معبودی به حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی ندارد. برای اوست مالکیت همه و پادشاهی بر همه و برای اوست حمد و ستایش‌ها و او بر همه چیز تواناست. خدایا اگر تو چیزی عطا فرمایی، نیست کسی که جلو عطایت را بگیرد. و اگر تو عطا نفرمایی نیست کسی که از او عطایی صادر شود و سودی نمی‌دهد توانگر را به جای تو توانگری».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْمُسْلِمِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزَّبِيرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ حِينَ يُسَلِّمُ: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ لَهُ النِّعْمَةُ وَالْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ). قَالَ ابْنُ الزَّبِيرِ وَكَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يُهْتَلُّ بِهِنَّ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ.

عبدالله بن زبیر گفته است که پیامبر ﷺ وقتی که سلام نماز می‌گفت بعد از هر نماز فرض می‌گفت: «نیست معبودی به حق در سراسر وجود، مگر خدای یکتا که شریکی ندارد. برای او است دارندگی همه‌ی مخلوقات و پادشاهی بر آنها. و برای اوست حمد و ستایش‌ها و او بر همه چیز تواناست. نه چاره‌ای هست برای دوری از گناه و نه توانی هست برای پایداری بر طاعت، مگر به کمک خدا. نیست معبودی به حق مگر الله. و ما بندگی نمی‌کنیم مگر او را. برای اوست نعمت‌ها و برای اوست فضل و برتری و برای اوست مدح و ثنای خوب. نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا. ما عبادت خالص را برای او انجام می‌دهیم. و اگر چه کافران آن را دوست ندارند». و ابن الزبیر گفت: که رسول الله ﷺ همین کلمات را بعد از هر نماز فرض می‌فرمود.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ فَقْرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالذَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالنَّعِيمِ الْمُقِيمِ يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي وَ يَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ وَ لَهُمْ فَضْلٌ مِنْ أَمْوَالِهِمْ يَحْجُونَ بِهَا وَ يَعْتَمِرُونَ وَ يُجَاهِدُونَ وَ يَتَصَدَّقُونَ. فَقَالَ: (أَلَا أَعَلَّمُكُمْ شَيْئاً تُذَرِّكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ وَ تَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ وَ لَا يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ؟) قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: (تُسَبِّحُونَ وَ تُحَمِّدُونَ وَ تُكَبِّرُونَ خَلْفَ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ). قَالَ أَبُو صَالِحٍ الرَّازِيُّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ لَمَّا سُئِلَ عَنْ كَيْفِيَّةِ ذِكْرِهِ؟ يَقُولُ: سَبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ حَتَّى يَكُونَ مِنْهُمْ ثَلَاثَ وَ ثَلَاثُونَ. الدُّثُورُ جَمْعُ دَثْرٍ وَ هُوَ الْمَالُ الْكَثِيرُ.

فقراى مهاجرين به خدمت رسول الله ﷺ آمدند و گفتند: صاحبان مال و ثروت درجه‌های بلند مرتبه و خوشی جاویدان بهشت برای خود بردند. ایشان نماز می‌خوانند چنانکه ما نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیرند چنانکه ما روزه می‌گیریم و

زیادتی مال دارند و به وسیله‌ی آن حج و عمره می‌کنند و جهاد می‌کنند و صدقه می‌دهند در حالی که ما توانایی حج و عمره و جهاد و صدقه نداریم. رسول الله ﷺ فرمود: «آیا شما را نیاموزم چیزی را که به وسیله‌ی آن به هر کسی که از شما جلو افتاده است برسید و از کسانی که بعد از شما می‌آیند جلو بیفتید و کسی برتر از شما نشود مگر هر کسی که مانند شما همان چیز را انجام دهد؟ گفتند: بله یا رسول الله، فرمود: بعد از هر نماز فرض سی و سه بار سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر می‌گویید. ابوصالح رازی گفت که ابوهریره در جواب کسی که از چگونگی ذکر سی و سه بار پرسید، گفت می‌گوید: سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر تا به سی و سه بار برسد. و دنباله‌ی این حدیث آمده که پس از مدتی فقرای مهاجرین به خدمت رسول الله ﷺ آمدند و گفتند: توانگران مهاجرین همین را هم آموخته‌اند. فرمود: آن فضل خداست، به هر که خواهد می‌دهد. و حدیث می‌رساند که فقرا و اغنیا چگونه مسابقه در طاعت داشته‌اند و نمی‌خواستند هیچ طاعتی از دستشان برود یا دیگری بر آنان سبقت جوید.

و رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ حَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ كَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ قَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَ إِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که بعد از نماز فرض سی و سه بار سبحان الله گفت و سی و سه بار الحمد لله گفت و سی و سه بار الله اکبر گفت و صدمین بار گفت: لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قدير. گناهانش آمرزیده می‌شود اگر چه مثل کف دریا باشد».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ فِي أَوَائِلِ كِتَابِ الْجِهَادِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَتَعَوَّذُ دُبْرَ الصَّلَاةِ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ). رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از نماز فرض به این کلمه‌ها پناه می‌برد به خدا: «خدایا به تو پناه می‌برم از ترسویی و به تو پناه می‌برم از اینکه به اردل العمر برسم و پناه می‌برم به تو از فتنه‌ی دنیا و پناه می‌برم به تو از عذاب قبر».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ وَ النِّسَائِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (خَصْلَتَانِ أَوْ خَلَّتَانِ لَا يُحَافِظُ عَلَيْهِمَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ إِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ هُمَا يَسِيرٌ وَمَنْ يَعْمَلُ بِهِمَا قَلِيلٌ: يُسَبِّحُ اللَّهَ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ عَشْرًا وَ يُحَمِّدُ عَشْرًا وَ يُكَبِّرُ عَشْرًا، فَذَلِكَ خَمْسُونَ وَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَ أَلْفٌ وَ خَمْسِمِائَةٌ بِالْمِيزَانِ وَ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ وَ يُحَمِّدُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ يُسَبِّحُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ فَذَلِكَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَ أَلْفٌ بِالْمِيزَانِ). قَالَ: فَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْقِدُهَا بِيَدِهِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ هُمَا يَسِيرٌ وَمَنْ يَعْمَلُ بِهِمَا قَلِيلٌ؟ قَالَ: (يَأْتِي اللَّهَ أَحَدَكُمْ - يَعْنِي الشَّيْطَانَ - فِي مَنَامِهِ فَيُنَوِّمُهُ قَبْلَ أَنْ يَقُولَهُ وَ يَأْتِيهِ فِي صَلَاتِهِ فَيَذْكُرُهُ حَاجَةً قَبْلَ أَنْ يَقُولَهَا)؛ اسناده صحیح إلا أن فيه عطاء بن السائب و فيه اختلاف بسبب اختلاطه و قد أشار أيوب السنختياني إلى صحّة حديثه هذا.

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «دو خصلت یا دو خلّت هستند که هر بنده‌ی مؤمنی بر آن دو خصلت محافظت نماید به بهشت داخل می‌شود. آن دو آسانند و کسانی که به آن دو عمل کنند، اندکند: بعد از هر نماز فرض ده بار می‌گوید: سبحان الله و ده بار می‌گوید: الحمد لله و ده بار می‌گوید: الله اکبر و این می‌شود یکصد و پنجاه بار به زبان و هزار و پانصد بار به میزان. و وقتی که به بستر خواب رفت، سی و چهار بار الله اکبر می‌گوید و سی و سه بار الحمد لله می‌گوید و سی و سه بار سبحان الله می‌گوید و این

می‌شود یکصد بار به زبان و یک هزار بار به میزان». عبدالله بن عمر می‌گوید: من دیدم که رسول الله ﷺ به دست خود آنها را حساب می‌فرمود. یاران گفتند: یا رسول الله، چگونه آسان است و مردمی که به آن عمل می‌کنند اندک هستند؟ فرمود: «شیطان می‌آید نزد و او را به خواب می‌اندازد قبل از اینکه آنها را بگوید و شیطان در نمازش کاری به یاد او می‌آورد قبل از اینکه آنها را بگوید».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: (أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقْرَأَ بِالْمَعُودَاتِ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ).

رسول الله ﷺ به عقبه بن عامر امر فرمود که سوره‌های قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس بعد از هر نماز فرض بخواند.

وَرَوَيْنَا بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ مَعَاذِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَخَذَ بِيَدِهِ وَقَالَ: (يَا مَعَاذُ، وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكَ فَقَالَ أَوْصِيكَ يَا مَعَاذُ لَا تَدْعَنَّ فِي دُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ تَقُولُ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ).

رسول الله ﷺ دست معاذ را گرفت و فرمود: «ای معاذ، قسم به خدا که من تو را دوست می‌دارم، سپس فرمود: تو را سفارش می‌دهم به اینکه بعد از هر نماز فرض بگویی: خدایا مرا مدد کن بر یادکردنت و سپاسگزاریت و خوب انجام دادن عبادتت».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنَنِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَضَى صَلَاتَهُ مَسَحَ جَبْهَتَهُ بِيَدِهِ اليمنى ثم قال: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنَّا الهمَّ وَالْحَزْنَ).

رسول الله ﷺ وقتی که سلام نماز می‌گفت می‌فرمود: «گواهی می‌دهم آن که نیست معبودی مگر الله، بخشاینده‌ی مهربان، خدایا دور کن از من غم و ناراحتی».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ، لَا أَدْرِي قَبْلَ أَنْ يَسْلَمَ أَوْ بَعْدَ أَنْ يَسْلَمَ، يَقُولُ: (سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).

رسول الله ﷺ وقتی که از نماز فارغ می‌شد، نمی‌دانم قبل از اینکه سلام نماز می‌گفت یا بعد از سلام، می‌فرمود: «منزه است پروردگارت، پروردگار عزت، از آنچه کافران در وصف او می‌گویند و سلام خدا باد بر پیغمبران و حمد و ستایش‌ها برای خدایی که پروردگار جهانیان است».

وَرَوَيْنَا عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ إِذَا أَنْصَرَفَ مِنَ الصَّلَاةِ: (اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ وَ خَيْرَ عَمَلِي خَوَاتِمَهُ وَ اجْعَلْ خَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ الْقَاكِ).

رسول الله ﷺ موقعی که از نماز فارغ می‌شد می‌فرمود: «خدایا بهترین ایام عمرم را روزهای آخر عمرم قرار ده و بهترین کارهایم خاتمه‌ی کارهایم بگردان و بهترین روزهایم را روزی قرار ده که در آن روز به شرف دیدارت می‌رسم».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَحْمِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ يَدْعُو بِمَا شَاءَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که یکی از شما نماز خواند و خواست دعا بکند اول حمد و ثنای خدا را به جا آورد و بعد از آن درود و سلام بر رسول الله ﷺ بفرستد و پس از آن دعایی که می‌خواهد بنماید».

در این باب آداب دعا از حمد و ثنای پروردگار و درود و سلام بر رسول و آل اصحاب را به جا می‌آورد، در آغاز دعا و پایان دعا و سپس دعا می‌کند و گفتن **سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ** تا آخر دعا را پایان می‌دهد و از دعاهایی که یاد دارد، هر وقتی به قسمتی از آنها دعا می‌نماید. و شروط دعا از قبیل حضور دل و اخلاص در دعا و لقمه‌ی حلال و اوقات اجابت و استغفار رعایت می‌نماید. **وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَعْلَمُ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ.**

(باب الحثّ علی ذکر اللّٰه تعالی بعد صلاة الصبح)

بابی است درباره‌ی تشویق به ذکر خداوند متعال پس از نماز صبح

بدان که شریف‌ترین اوقات ذکر در روز، ذکر است که بعد از نماز صبح می‌گویند.

فی کتاب الترمذی و غیره عن انس رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (مَنْ صَلَّى الْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ قَعَدَ يَذُكُرُ اللَّهَ تَعَالَى حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ كَأَجْرِ حَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ). قال الترمذی حدیث حسن.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که نماز صبح با جماعت خواند و بعد از نماز صبح در مسجد در جای خود نشست و مشغول یاد خدا شد تا آفتاب طلوع نمود و شانزده دقیقه گذشت و دو رکعت سنت اشراق خواند، مثل این است که حج و عمره‌ی کامل کامل ادا کرده باشد.»

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (مَنْ قَالَ فِي دُبْرِ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَهُوَ ثَانٍ رِجْلَيْهِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ

الْمَلِكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. عَشْرَ مَرَّاتٍ، كُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مُحْيَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَ كَانَ يَوْمَهُ ذَلِكَ فِي حِرْزٍ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ حُرْسٍ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ لَمْ يَنْبَغِ لِذَنْبٍ أَنْ يُدْرِكَهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِلَّا الشُّرْكَ بِاللَّهِ تَعَالَى). قال الترمذی هذا حدیث حسن و فی بعض النسخ: صحیح.

رسول الله ﷺ فرمود: «هر کسی که بگوید بعد از نماز در حالی که دو پای خود را تا کرده (یعنی به همان حال قبلی در نماز نشسته و حالت خود را تغییر نداده) قبل از اینکه سخن بگوید. ده بار لا اله الا الله وحده لا شریک له را تا آخر بگوید: نیست معبودی به حق مگر الله که یکتاست، هیچ شریکی برای او نیست. برای او است دارندگی همه چیز و پادشاهی بر همه چیز، همه‌ی حمد و ستایش‌ها برای اوست، زنده می‌سازد و می‌میراند و او بر همه چیز تواناست. نوشته می‌شود برای او ده حسنه و محو می‌شود از او ده سیئه (ده گناه) و بالا برده می‌شود برای او ده درجه. و او در آن روز از هر مکروهی در پناه حق تعالی است و نگه‌داشته می‌شود از شیطان و شایسته نیست که هیچ گناهی به او برسد مگر شرک به خدای تعالی.»

وَ رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ مُسْلِمِ بْنِ الْحَارِثِ التَّمِيمِيِّ الصَّحَابِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ أَسْرَّ إِلَيْهِ فَقَالَ: (إِذَا أَنْصَرَفْتَ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ فَقُلْ: اللَّهُمَّ اجْزِنِي مِنَ النَّارِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ ثُمَّ مِتَّ مِنْ لَيْلَتِكَ كُتِبَ لَكَ جَوَازٌ مِنْهَا، وَإِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ فَقُلْ كَذَلِكَ فَإِنَّكَ إِنْ مِتَّ مِنْ يَوْمِكَ كُتِبَ لَكَ جَوَازٌ مِنْهَا).

رسول الله ﷺ آهسته به مسلم بن الحارث التميمي الصحابي فرمود: «وقتی که از نماز مغرب فارغ شدی بگو: خدایا مرا از آتش دوزخ پناه ده. هفت بار این را بگوی: اللَّهُمَّ اجْزِنِي مِنَ النَّارِ که اگر این را گفתי و آن شب مردی این دعایت باعث این

است که خدا تو را پناه دهد از آتش. و وقتی که نماز صبح خواندی هم هفت بار بگو:
اللَّهُمَّ اجْزِنِي مِنَ النَّارِ که اگر آن روز مردی این دعا باعث پناه تو از آتش دوزخ است.»

وَرَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الْإِمَامِ أَحْمَدَ وَسُنَنِ ابْنِ مَاجَةَ وَكِتَابِ ابْنِ السَّنَنِ عَنْ أُمِّ سَلْمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَلَّى الصُّبْحَ قَالَ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَرِزْقًا طَيِّبًا).

رسول الله ﷺ بعد از اینکه از نماز صبح فارغ می‌شد می‌فرمود: «خدایا از تو می‌خواهم علم سودمند و عمل مقبول در درگاهت و روزی حلال».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ صَهْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَحْرُكُ شَفْتَيْهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ بِشَيْءٍ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هَذَا الَّذِي تَقُولُ؟ قَالَ: (اللَّهُمَّ بِكَ أُحَاوِلُ وَبِكَ أُصَاوِلُ وَبِكَ أُقَاتِلُ). صَهْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مِيْ گويد: رسول الله ﷺ بعد از نماز صبح لب‌های خود را تکان می‌داد گفتم: یا رسول الله اینکه می‌خوانی کدام سخن است؟ فرمود: «خدایا به وسیله‌ی تو چاره‌اندیشی می‌کنم و به وسیله‌ی تو حمله‌ور می‌شوم و به وسیله‌ی تو می‌جنگم». یعنی در کارهایم از تو مدد می‌گیرم.

وَرَوَيْنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْبَغَوِيِّ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ قَالَ: قَالَ عُلُقَمَةُ بْنُ قَيْسٍ: بَلَّغْنَا أَنَّ الْأَرْضَ تَعُجُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ نَوْمَةِ الْعَالِمِ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

و ابو محمد بغوی در کتاب شرح السنّة آورده است که علقمه بن قیس از کبار تابعین فرمود: به ما رسیده است که زمین از خواب عالم بعد از نماز صبح به فریاد می‌آید و فریادرسی می‌خواهد.

باب ما یقال عند الصبح و عند المساء

بابی است در بیان اذکاری که در بامدادان و شامگاهان گفته می‌شوند.

بدان که این باب بابی است خیلی وسیع تا جایی که در این کتاب بابی وسیع‌تر از آن نیست. و به یاری خدای متعال در این کتاب جمله‌هایی مختصر از آن می‌آورم. کسی که توفیق بیابد و به آن عمل کند، این توفیق عمل نعمت و فضلی است از خدا بر او و خوشا به حال او. و کسی که به همه‌ی آنها نرسد از قسمت‌های مختصر آن آنچه بخواهد بردارد و اگرچه فقط یک ذکر باشد. و اصل در این باب از قرآن عزیز فرموده‌ی الله سبحانه و تعالی است:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾؛ «و تسبیح پروردگار و حمد و ستایش او را به جا آور. قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب» بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر. و فرموده‌ی خدای سبحانه و تعالی است:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾؛ «و تسبیح ذات پاک پروردگارت همراه حمد و ستایش او به جا آور بامدادان و بعد از ظهر تا مغرب». و فرموده‌ی پروردگار سبحانه و تعالی است:

﴿وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾؛ «و پروردگارت را در دلت یاد کن از روی راز و نیاز با پروردگارت و از روی ترس از عقاب او بدون آواز بلند، بامدادان و پسین‌ها»؛ یعنی پروردگار را در دل یاد کن تا از ترس او و دیدن تقصیرت به راز و نیاز و خواهش رحمت و مغفرتش بپردازی و هنگامی که بخواهی یاد پروردگارت را به زبان آوری به آواز متوسط باشد که به آواز بلند نرسد. و این ذکر خفیه و کمتر از جهر را در بامداد و پسین انجام بده و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ﴾؛ «در خانه‌هایی که خدا اجازه داده تا برافراشته و نام خدا در آن یاد شود، در آن خانه‌ها مردانی در هر بامداد و پسین به یاد خدا مشغولند که نه تجارت و نه فروش هیچ کدام ایشان را از یاد خدا و عبادت او باز نمی‌دارد». و فرموده‌ی پروردگار متعال است:

﴿ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴾؛ ما کوه‌ها را به فرمان آوردیم تا همراه داود به تسبیح خدا بپردازند، شامگاهان و بامدادان».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: (سَيِّدُ الْإِسْتِغْفَارِ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أُبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأُبُوءُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ»). إِذَا قَالَ ذَلِكَ حِينَ يُمِيسِي فَمَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ أَوْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِذَا قَالَ حِينَ يُصْبِحُ فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ مِثْلُهُ). معنی اُبُوءُ: اِقْرُ وَاَعْتَرَفُ.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «سید الاستغفار این است: خدایا تو پروردگار منی، نیست معبودی به حق مگر تو، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم و بر پیمان و نوید تو هستم تا آن جا که بتوانم. اعتراف می‌کنم به نعمت‌هایت بر من و اعتراف می‌کنم به گناهانم. پس پیامرز برایم برای اینکه نمی‌تواند پیامرز گناهان را مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر آنچه از گناهان کردم. هر گاه این را گفت به شب و در آن شب مرد او داخل به بهشت می‌شود. یا او از اهل بهشت است. و وقتی که این را بامدادان گفت و آن روز مرد داخل به بهشت می‌شود».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِي: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، مِائَةَ مَرَّةٍ فَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا أَحَدٌ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ) وَفِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: (سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ).
 «کسی که بامدادان و شامگاهان صدبار بگوید: سبحان الله و بحمده یا صد بار بگوید: سبحان العظیم و بحمده. روز قیامت کسی نمی آید که بهتر از او آورده باشد مگر کسی که مانند او گفته یا بیش از او این کلمه را گفته باشد». سبحان الله و بحمده: تنزیه خدا می گویم و به حمد و ستایش او مشغولم. و سبحان الله العظیم و بحمده: تنزیه خدای بزرگ می گویم و به حمد و ستایش او مشغولم. چقدر انسان دچار غفلت می شود که کلمه ای به این آسانی و با آن همه اجر و ثواب از دست می دهد و وقت خود را به غفلت و بی خبری ضایع می گرداند.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ وَغَيْرِهَا بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَبِيبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ خَرَجْنَا فِي لَيْلَةِ مَطَرٍ وَظُلْمَةٍ شَدِيدَةٍ نَطَلَبُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيُصَلِّيَ لَنَا فَأَدْرَكَنَاهُ فَقَالَ: قُلْ، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ، فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا، ثُمَّ قَالَ: قُلْ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَقُولُ؟ قَالَ: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ الْمَعُودَتَيْنِ حِينَ تُمَسِي وَ حِينَ تُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ) قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

عبدالله بن خبيب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت: که ما در شب بارانی و سخت تاریک بیرون آمدیم به خاطر یافتن رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا نماز با ما بخواند، سپس او را یافتیم به من فرمود: بگو من چیزی نگفتم بار دوم گفت: بگو. چیزی نگفتم. بار سوم که گفت: بگو. گفتم: یا رسول الله چه بگویم؟ فرمود: «بگو قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس. در بامداد و شامگاهان از هر کدام سه بار بگو که کفایت می کند تو را از هر چیزی. یعنی برای حفظ و نگهداری ات همین سه سوره که هر کدام سه بار در بامداد و شامگاه بخوانی کفایت می کند».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ مَاجَةَ وَغَيْرِهَا بِالأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ: (اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ) وَإِذَا أَمْسَى قَالَ: (اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی که بامداد می شد می فرمود: «خدایا به کمک تو به بامداد رسیدیم و به کمک تو به شامگاه رسیدیم و به کمک تو زنده می مانیم و به کمک تو می میریم و به سوی توست بازگشت ما». و موقعی که شام می شد می فرمود: «خدایا به کمک تو به شامگاه رسیدیم و به کمک تو زنده می مانیم و به کمک تو می میریم و به سوی توست بازگشت ما».

هر مؤمن می داند که هر چه هست از خداست. بامداد می شود، از اینکه به بامداد رسیده خوشوقت است و شب می شود و از اینکه به شب رسیده و آسوده می شود خوشوقت است. مؤمن از حیات و زندگی نهایت استفاده می نماید و می داند زندگی دنیا پایانی دارد که مرگ نام دارد و آن به وقت خودش آسوده شدن از تکالیف زندگی است. این است که مومن همیشه به یاد خداست و در ستایش و سپاسگزاری خداست و هر خیری را از او می داند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كَانَ إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ وَأَسْحَرَ يَقُولُ: (سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللَّهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا رَبَّنَا صَاحِبِنَا وَأَفْضَلِ عَلَيْنَا عَائِذًا بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ).

رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه در سفر بود و وقت سحر داخل می شد می فرمود: «بشنود هر کسی که می شنود و مشاهده کند هر کسی که حاضر است حمد و ستایش ما مقابل نعمت‌ها و احسان‌های خدا. پروردگارا همراه ما باش و از فضل خود بسیار بر ما انعام فرمود و ما پناه می بریم به خدا از آتش دوزخ».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم إِذَا أَمْسَى قَالَ: (أَمْسَيْنَا وَ أَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ خَيْرَ مَا بَعْدَهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ شَرِّ مَا بَعْدَهَا. رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَ الْهَرَمِ وَ سُوءِ الْكِبَرِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ وَ عَذَابٍ فِي الْقَبْرِ) وَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ ذَلِكَ أَيْضًا: أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ...

رسول الله صلى الله عليه وسلم وقتی که شب می شد می فرمود: «ما به شب داخل شدیم و همه مملوک خدا هستیم و همه ی کاینات به شب داخل شدند و همه مملوک خدا هستند. و حمد و ستایش ها برای خداست. نیست معبودی بحق مگر الله یکتایی که هیچ شریکی ندارد. برای خداست همه ی کاینات و برای اوست ستایش همه و او بر همه چیز تواناست. پروردگارا، از تو می خواهم خیر و خوشی امشب. هر خیری که امشب باشد و هر خیری که بعد از امشب باشد خیر هر دو را از تو می خواهم. و پناه می برم به تو از هر شری که امشب پدید آید و از هر شری که بعد از امشب پدید آید. ای پروردگارم، پناه می برم به تو از سستی و کهنسالی بد (از اینکه در کهنسالی دچار بیماری بد شود یا دچار معصیت و بدکاری یا دچار پیشامدهای بد شود). پناه می برم به تو از عذابی که در دوزخ فراهم آید و از عذابی که در قبر پیش آید». و وقتی که صبح می شد به جای بِكَ أَمْسَيْنَا می فرمود: أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ تا آخر.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَقِيتُ مِنْ عَقْرَبٍ لَدَغْتَنِي الْبَارِحَةَ؟ قَالَ: (أَمَا لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ يَضُرُّكَ). ذكره مُسْلِمٌ مُتَّصِلًا بِحَدِيثِ لِحَوْلَةِ بِنْتِ حَكِيمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا هَكَذَا. وَ رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ ابْنِ السَّنَنِ وَ قَالَ فِيهِ: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، ثَلَاثًا لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ).

مردی خدمت رسول الله ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله دیشب از عقربی که مرا گزید چه دردی کشیدم! فرمود: «آگاه باش که اگر اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به خدا به کلمات الله التامات (آیه‌های قرآن) از شر آنچه خدا آن را آفرید، زیانی به تو نمی‌رسید». مسلم دنباله‌ی حدیث خولة بنت حکیم و متصل به حدیث او چنین روایت کرد و ابن السنی آن را این‌چنین روایت کرد که رسول الله ﷺ به او فرمود: «اگر سه بار گفته بودی: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، هیچ چیز زیانی به تو نمی‌رساند».

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ الصَّدِيقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُرِّنِي بِكَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتُ وَإِذَا أَمْسَيْتُ. قَالَ: (قُلْ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَهِ، قَالَ: قَلْبُهَا إِذَا أَصْبَحَتْ وَإِذَا أَمْسَيْتَ وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

ابوبکر صدیق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گفت یا رسول الله به من دستور ده به چند کلمه که در آغاز روز و آغاز شب آن را بگویم. فرمود: «بگو، ای شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین، ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین، ای دانا به نهان و آشکار، پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ی همه چیز، گواهی می‌دهم آنکه نیست معبودی به حق مگر تو، پناه می‌برم به تو از شر شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او. و یا از دام شیطان. فرمود: این را بگو وقتی به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاه رسیدی و وقتی که بر بستر خواب پهلو نهادی». کلمه‌ی شَرِّكَهِ: به معنی شرک‌آوری شیطان و وسوسه‌های شرک‌آمیز او. و شَرِّكَهِ: به معنی دام و بندهای او که مردم را به دام می‌اندازد و شکارشان می‌کند.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله:
 (مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ فِي صَبَاحِ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَاءِ كُلِّ لَيْلَةٍ: بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّمَعَ اسْمُهُ شَيْءٌ
 فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ
 هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ هَذَا لَفْظُ التِّرْمِذِيِّ. وَفِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: (لَمْ تُصِبْهُ فَجَاءَةٌ بَلَاءٍ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هر بنده‌ای که اول هر بامداد و اول هر شب بگوید: به نام
 الله که با نام او هیچ چیز در زمین و هیچ چیز در آسمان زیانی نمی‌رساند. و این را
 سه بار بگوید هیچ چیز زیان به او نمی‌رساند. این لفظ ترمذی است و در روایت ابی
 داود: کسی که این کلمات را بامداد و شامگاه بگوید بلای ناگهانی به او نمی‌رسد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ ثَوْبَانَ رضي الله عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: (مَنْ قَالَ حِينَ
 يُمْسِي: رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله نَبِيًّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُرْضِيَهُ)
 فِي إِسْنَادِهِ سَعْدُ بْنُ الْمَرْزَبَانِ وَهُوَ ضَعِيفٌ بِاتِّفَاقِ الْحَفَاطِ. وَقَدْ قَالَ التِّرْمِذِيُّ هَذَا حَدِيثٌ
 حَسَنٌ صَحِيحٌ غَرِيبٌ.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که گفت در اول شب: خشنود شدم به خدای یکتا در
 پروردگاری و به اسلام به عنوان دین و به محمد صلی الله علیه و آله به عنوان پیامبر، حق است بر
 خدای متعال که او را راضی نماید». وقتی که در اسناد حدیث آن مرد ضعیف است
 مقتضایش این بود که این حدیث ضعیف باشد، اما ترمذی که حکم به صحت حدیث
 نموده معلوم است که از طریق دیگر حدیث را صحیح دانسته است.

وَقَدْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ بِأَسَانِيدٍ جَيِّدَةٍ عَنْ رَجُلٍ خَدَمَ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله
 بِلَفْظِهِ، فَثَبَتَ أَصْلَ الْحَدِيثِ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ. وَقَدْ رَوَاهُ الْحَاكِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ فِي الْمُسْتَدْرَكِ عَلَى
 الصَّحِيحِينَ وَقَالَ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَقَدْ وَقَعَ فِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ وَغَيْرِهِ: (وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا). وَ

فی روایة الترمذی: (بمحمّد نبیاً). فیستحبُّ أن یجمع الإنسان بینہما فیقول: (رَضِیتُ بِاللّهِ رَبّاً وَّ بِالْإِسْلَامِ دیناً وَّ بِمُحَمَّدٍ نَبیّاً وَّ رَسُولاً).

حدیث: رَضِیتُ بِاللّهِ رَبّاً وَّ بِالْإِسْلَامِ دیناً وَّ بِمُحَمَّدٍ نَبیّاً وَّ رَسُولاً: از مجموع این روایات صحت آن به ثبوت رسیده و به همین لفظ بگوید.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ - لَمْ يَضَعْفُهُ - عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ أَوْ يُمَسِي: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، أَعْتَقَ اللَّهُ رُبْعَهُ مِنَ النَّارِ، فَمَنْ قَالَهَا مَرَّتَيْنِ أَعْتَقَ اللَّهُ نِصْفَهُ مِنَ النَّارِ وَمَنْ قَالَهَا ثَلَاثًا أَعْتَقَ اللَّهُ ثَلَاثَةَ أَرْبَاعِهِ مِنَ النَّارِ، فَإِنْ قَالَهَا أَرْبَعًا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که موقع بامداد یا شامگاه بگوید: خدایا من در این بامداد تو را گواه می‌گیرم و بر دارندگان عرشت را گواه می‌گیرم و فرشتگانت را گواه می‌گیرم و همه‌ی مخلوقات را گواه می‌گیرم که تو خدای یکتا هستی هیچ شریکی برای تو نیست و یقین دارم که محمد بنده‌ی تو و فرستاده‌ی توست. کسی که این را یک بار بگوید ربع او از آتش دوزخ آزاد می‌شود. و کسی که دوبار آن را بگوید نیمی از بدنش از آتش دوزخ آزاد شود و کسی که سه بار آن را بگوید سه ربع او از آتش دوزخ آزاد شود و کسی که چهار بار آن را بگوید همه‌ی بدنش از آتش دوزخ آزاد شود».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَنَامٍ الْبِيَّاضِيِّ الصَّحَابِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَخَدَاكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ. فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ يَوْمِهِ، وَمَنْ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ حِينَ يُمَسِي فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ لَيْلَتِهِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که موقعی که بامداد می‌شود بگوید: خدایا هر نعمتی که در این بامداد دارم از فضل توست به تنهایی‌ات، هیچ شریکی برای تو نیست، برای توست ستایش‌ها و سپاس‌ها. یعنی آنچه دارم از فضل و کرمت می‌باشد که آن همه نعمت به من ارزانی داشته‌ای. کسی که این را بگوید شکر آن روزش را به جای آورده است. و کسی که مثل آن را بگوید وقتی که به شب می‌رسد او نیز شکر شبش را به جا آورده است. یعنی در شب می‌گوید:

(اللَّهُمَّ مَا أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ).

و ما روينا بالأسانيد الصحيحة في سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيَّ وَ ابْنِ مَاجَةَ عَنْ ابْنِ عَمْرِو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ ﷺ يَدْعُ هَؤُلَاءِ الدَّعَوَاتِ حِينَ يَمْسِي وَ حِينَ يَصْبِحُ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ أَهْلِي وَ مَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي وَ آمِنْ رَوْعَاتِي اللَّهُمَّ أَحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ أَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي). قَالَ وَ كَيْع: يَعْنِي الْخَسْفَ. قَالَ الْحَاكِمُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادَ.

ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا می‌گوید: رسول الله ﷺ هیچ‌گاه این دعاها را در بامدادان و شامگاهان ترک نمی‌نمود و می‌فرمود: خدایا از تو می‌خواهم عافیت و تندرستی و دوری از ناملايمات در دنیا و آخرت. خدایا از تو می‌خواهم گذشت و عافیت در دینم و دنیایم و در خانواده و بستگانم و در اموالم. خدایا بیوشان عورت‌هایم را و مرا ایمن بگردان از ترس‌هایم. خدایا مرا نگاه‌دار از جلوم و از پشت سرم و از دست راستم و از دست چپم و از بالای سرم و پناه می‌برم به عظمت و بزرگی و بزرگواریت از اینکه از زیر پایم خسف شوم و به ته زمین فرو روم. (عورت: محلی از بدن که پیدا شدنش ناراحت کننده است) و روعات: جمع روعة به معنی

ترس است. انسان ترس بسیار دارد از خشم خدا. از دیدن عقوبت و غیره. و این دعا از رسول الله ﷺ درسی است برای امتش.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالنَّسَائِيَّ وَغَيْرِهِمَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضْجَعِهِ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِكَلِمَاتِكَ
الَّتَامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْثَمَ، اللَّهُمَّ لَا يَهْزِمُ جُنْدُكَ
وَلَا يَخْلِفُ وَعْدُكَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ).

رسول الله ﷺ موقعی که به بستر خواب می‌رفت می‌فرمود: «خدایا پناه می‌برم به
ذات بزرگواریت و به کلمات و آیات قرآن از شر هر چیز که پیشانیش در دست توست،
یعنی پناه می‌برم به تو از شر آنچه در قبضه‌ی قدرت توست که همه‌ی کاینات باشد،
یعنی من از شر همه‌ی مخلوقات به تو پناه می‌برم. خدایا تو از بدهکاری و گنهکاری
نجات می‌دهی، خدایا لشکریانت شکست ناپذیرند و وعده‌ی تو خلاف‌ناپذیر است و
ثروت، ثروتمند را به جای تو فایده نمی‌رساند. تنزیه می‌گویم و به ستایش مشغولم».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَةَ بِأَسَانِيدٍ جَيِّدَةٍ عَنْ أَبِي عِيَّاشٍ (بِالشَّيْنِ الْمَعْجَمَةِ) رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمَلِكُ وَ
لَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، كَانَ لَهُ عِدْلُ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَكُتِبَ لَهُ عَشْرُ
حَسَنَاتٍ وَحُطَّتْ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَكَانَ فِي حِرْزٍ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى
يُمِيسَ وَإِنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که گفت موقعی که بامداد دمید: نیست معبودی به
حق مگر خدای یکتایی که هیچ شریکی برای او نیست، برای اوست دارندگی همه‌ی
کاینات و برای اوست ستایش‌ها و او بر همه چیز تواناست. برای اوست برابر گردنی از

فرزندان اسماعیل صلى الله عليه وسلم و نوشته می شود برای او ده حسنه و انداخته می شود از او ده بدی و بالا برده می شود برای او ده درجه و او در نگه داری خداست و او را از شیطان نگه می دارد تا شب برسد و اگر شامگاهان این را بگویند برای اوست همانند آن تا صبح بر او بدمد.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ - بِإِسْنَادٍ لَمْ يَضَعْفُهُ - عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: (إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ فَتَحَهُ وَنَصْرَهُ وَنُورَهُ وَبَرَكَتَهُ وَهُدَاهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، ثُمَّ إِذَا أَمْسَى فَلْيَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: وقتی که یکی از شما داخل به بامداد شد بگوید: بامداد بر ما دمید و همه ی کاینات اقرار نمودند به پروردگاری خدایی که پروردگار جهانیان است. خدایا از تو می خواهم خوبی امروز، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت آن (برای رسیدن به راه راست در آن) و وقتی که شامگاهان شد هم مثل آن بگوید: اَمْسَيْنَا وَ اَمْسَى الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،...: به شب داخل شدیم و دارندگی همه ی کاینات برای خدایی است که پروردگار جهان است. خدایا از تو می خواهم خوبی امشب، گشایش آن و پیروزی در آن و روشنایی آن و برکت آن و هدایت در آن.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِيهِ: يَا أَبَتِ إِنِّي أَسْمَعُ تَدْعُو كُلَّ غَدَاةٍ: (اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ). تَعِيدَهَا حِينَ تَصْبِحُ ثَلَاثًا، وَثَلَاثًا حِينَ تَمْسَى، فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يَدْعُو بِهِمْ، فَأَنَا أَحَبُّ أَنْ أَسْتَنْ بِسُنَّتِهِ.

از عبدالرحمن پسر ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت است که به پدرش گفت: ای پدرم، من می‌شنوم از تو که در هر بامداد این دعا را می‌خوانی: «خدایا مرا عافیت ده در بدنم. خدایا مرا عافیت ده در شنوایی‌ام. خدایا مرا عافیت ده در بینایی‌ام. خدایا پناه می‌برم به تو از کفر و فقر. خدایا پناه می‌برم به تو از عذاب قبر. نیست معبودی بحق مگر تو». و هر روز در وقت بامداد آن را سه بار تکرار می‌کنی. و سه بار هم شامگاهان تکرار می‌کنی. ابوبکر گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که به این کلمات دعا می‌فرمود و من دوست می‌دارم که راه او را بگیرم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: ﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ * وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ * يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ﴾. أَذْرَكَ مَا فَاتَهُ فِي يَوْمِهِ ذَلِكَ، وَمَنْ قَاهُنَّ حِينَ يُمِيبِي أَذْرَكَ مَا فَاتَهُ فِي لَيْلَتِهِ). بخاری این حدیث را ضعیف دانست و در دو کتاب التاریخ و الضعفا ضعف آن را بیان داشت.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در بامداد هر روز بگوید: «تسبیح و تنزیه خدا می‌گویم موقعی که وارد به شب می‌شوید و موقعی که وارد به روز می‌شوید. و ستایش برای اوست در آسمان‌ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می‌رسید. زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می‌سازد؛ و بدین گونه از گورها بیرون آورده می‌شوید. هر چه در آن روز از دست داده به دست می‌آورد و هر کس آن را به هنگام شب بگوید، آنچه در آن شب از دست داده به دست می‌آورد».

این چه قدرتی است که شب تاریک را می‌برد و صبح دلنواز را به جای آن می‌نشانند و روز پرهیاهو را می‌برد و شب آرام و دلنشین را به جای آن می‌نشانند. این خدای متعال است که حمد جمیع کاینات در آسمان‌ها و زمین برای اوست و پسین و ظهر، همه‌ی کاینات به حمد و تسبیح او مشغولند. حمد و ستایش خدای متعال در بامداد و شامگاهان و در وقت ظهر و پسین می‌رساند که حمد او همیشه برقرار است. به اذان بنگرید که در تمام ساعات شبانه روز ندای: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ را در سراسر جهان بسط می‌دهد. برای اینکه اذان در جایی در وقت ظهر است و در جایی دیگر وقت صبح و در جایی دیگر عصر است و در جایی دیگر مغرب است، پس حمد او، تسبیح او و شهادت به دین مبین او در تمام ساعات شبانه روز در سراسر جهان طنین انداز است تا اگر کسی دلش مرده باشد این اذان محمدی دلش را زنده گرداند و اگر کسی دل زنده را به غفلت از حمد و تسبیح پروردگار آشیانه‌ی بوم کفر کرد، زندگی خود را به باد داده و تاریکی کفر را برای خود خریده است. چه دلیلی از این بهتر که پروردگار مهربان از زمین مرده با یک باران رحمت، زمینی زنده و پر از جوش و خروش به بار می‌آورد. و از تنی زنده و آلوده به کفر جسمی بی‌جان به وجود می‌آورد. بزرگی به خودش سزاوار است. از زمین مرده زمینی زنده به وجود می‌آورد. و از پدری مرده به کفر، فرزندی زنده به ایمان را به میدان می‌آورد. و از پدری زنده به ایمان، پسری مرده به کفر را به اجتماع می‌سیارد تا بدانند که دل‌ها مقهور فرمان اوست، نه تابع قانون وراثت. او زمین مرده را زنده می‌سازد بعد از مردنش و آن‌چنان هم شما بشر به یک باران رحمتی که آب حیات نام دارد از قبر بیرون آورده می‌شوید تا هر کدام به سوی هدف خود روانه شوید.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ بَعْضِ بَنَاتِ النَّبِيِّ ﷺ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُنَّ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَعْلَمُهَا فَيَقُولُ: (قُولِي حِينَ تُصْبِحِينَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، فَإِنَّهُ مَنْ قَاهَنَّ حِينَ يُصْبِحُ حِفْظَ حَتَّى يُمِيسِيَ وَمَنْ قَاهَنَّ حِينَ يُمِيسِيَ حِفْظَ حَتَّى يُصْبِحَ).

رسول الله ﷺ به بعضی از دختران خود می‌آموخت و می‌فرمود: «هر بامداد بگو: تنزیه خدا می‌گویم و به ستایش او مشغولم هیچ قدرتی نیست که به کار آید مگر به کمک خدای متعال. آنچه خدا بخواهد می‌شود. و آنچه نخواهد نمی‌شود. یقین دارم که خدا بر همه چیز تواناست و علمش به همه چیز احاطه فرموده است. نه چیزی هست که از قدرت او خارج باشد و نه چیزی هست که از علم او خارج باشد. کسی که این کلمات را بامداد گفت تا غروب آن روز در حفظ خداست و کسی که این کلمات را به شب گفت تا صبح در حفظ خداست.»

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ يُقَالُ لَهُ أَبُو أَمَامَةَ. فَقَالَ: (يَا أَبَا أَمَامَةَ مَا لِي أَرَاكَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةٍ)؟ قَالَ: هُمُومٌ لَزِمْتَنِي وَدُيُونٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: (أَفَلَا أَعْلَمُكَ كَلَامًا إِذَا قُلْتَهُ أَذْهَبَ اللَّهُ هَمَّكَ وَقَضَىٰ عَنْكَ دَيْنَكَ)؟ قُلْتُ: بَلَىٰ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: (قُلْ، إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ). قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَأَذْهَبَ اللَّهُ تَعَالَىٰ هَمِّي وَغَمِّي وَقَضَىٰ عَنِّي دَيْنِي.

رسول الله ﷺ روزی داخل مسجد شد و دید مردی از انصار که ابو امامه نام دارد، در مسجد نشسته است. فرمود: «ای ابا امامه چرا در غیر وقت نماز در مسجد نشسته‌ای؟» ابو امامه گفت: اندوهها و بدهکاری‌هایی ملازم من شده‌اند یا رسول الله،

فرمود: «آیا نیاموزم تو را کلماتی که هرگاه آن‌ها را بگویی خدا اندوهت را از میان بردارد و بدهکاری‌هایت را بپردازد». گفتم: بله یا رسول الله، آن کلمات را به من بیاموز. فرمود: «وقتی که به بامداد رسیدی و وقتی که به شامگاهان رسیدی بگو: خدایا پناه می‌برم به تو از غم و اندوه و پناه می‌برم به تو از ناتوانی و سستی و پناه می‌برم به تو از ترسویی و بخیلی و پناه می‌برم به تو از چیره شدن بدهکاری و خوار شدن مردان». ابو امامه گفت: آن کلمات را گفتم و خدا اندوه مرا برد و دیونم را ادا فرمود.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي زَيْدٍ رضي الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: (أُصْبِحُنَا عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَمِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ) قُلْتُ كَذَا وَقَعَ فِي كِتَابِهِ. (و دین نبینا محمد) و هو غیر متبّع، و لعلّه صلی الله علیه و آله قال ذلك جهراً لیسמעهُ غیره فیتعلمه و الله أعلم.

رسول الله صلی الله علیه و آله صبح که می‌شد می‌فرمود: «صبح واکردیم بر فطرت اسلام و کلمه‌ی اخلاص و دین پیغمبرمان محمد صلی الله علیه و آله و ملت ابراهیم مستقیم بر شریعت و مسلمان و من از مشرکان نیستم». امام نووی فرمود که: رسول الله صلی الله علیه و آله تابع کسی نیست بنابراین گفتن: دین نبینا شاید بلند فرموده به قصد اینکه مسلمانان آن را بشنوند و یاد بگیرند.

فطرت به معنی طبیعت و سرشت، برای اینکه دین اسلام دین سرشت است که هرکسی بر همین سرشت آفریده شده است و لیکن پدران و مادران، فرزندان را بر دین خودشان می‌پرورانند. قبلاً شرح دادیم که دین از جهت اینکه مردم در آن یکسانند شریعت نامیده می‌شود و از جهت اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله

آن را املا می‌فرمایند ملت نامیده می‌شود و از جهت این که پیروی از آن می‌شود دین نامیده می‌شود. و حنیفاً به معنی مستقیماً بر راه راست است. و حنیفاً: مائلاً عن کلّ دین إلى دین الإسلام. و کلمة الإخلاص: لا إله إلا الله می‌باشد. بنابراین ما مسلمانان بر سرشت اسلام و بر کلمه‌ی اخلاص و دین محمد و ملت ابراهیم هستیم.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أَوْفَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: (أُصْبِحُ خَدًّا وَأُصْبِحُ الْمَلِكُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْعَظَمَةُ لِلَّهِ وَالْخُلُقُ وَالْأَمْرُ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا سَكَنَ فِيهَا لِلَّهِ تَعَالَى، اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ هَذَا النَّهَارِ صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ فَلَاحًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ).

رسول الله ﷺ وقتی که صبح می‌شد می‌فرمود: «صبح و اگر دیم و همه‌ی کاینات برای خدای عزوجل است. و ستایش‌ها همه برای خداست و کبریا و عظمت برای خدای یکتاست و عالم خلق از امور مادی و عالم امر از امور معنوی. بدن انسان مخلوق خدا و از عالم خلق است و روح انسان از مخلوقات خداست و از عالم امر است و شب و روز و آنچه در شب و روز آرام می‌گیرند همه برای خدای متعال هستند. خلقت همه از اوست و نگهداری همه از اوست و تصرف در همه برای اوست. او آفریدگار همه است و طاعت همه برای اوست. خدایا اول امروز صلاح و شایستگی قرار ده تا در آغاز روز به کارهای شایسته پردازیم. و میان روز کامیابی قرار ده تا در کارهای خیر کامیاب شویم و آخر روز رستگاری قرار ده تا در انجام هر کار رستگار شویم ای مهربان‌ترین مهربانان».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ بِإِسْنَادٍ فِيهِ ضَعْفٌ عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَقَرَأَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ سُورَةِ الْحَشْرِ. وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُمِيسَ وَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيدًا، وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُمِيسَ كَانَ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که وقتی که صبح شد سه بار گفت: پناه می برم به خدای شنوای دانا از شیطان نفرین شده و سه آیه از سوره‌ی حشر خواند (ظاهراً سه آیه‌ی آخر سوره‌ی حشر) خدا موکل می فرماید هفتاد هزار فرشته تا بر او درود فرستند تا به شب برسد. و اگر آن روز بمیرد به شرف شهادت می رسد و کسی که آن را بگوید وقتی که به شب داخل می شود هم به همان منزلت است.»

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ رضي الله عنه قَالَ: وَجَّهَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي سَرِيَّةٍ فَأَمَرَنَا أَنْ نَقْرَأَ إِذَا أَمْسَيْنَا وَأُصْبَحْنَا: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾ فَقَرَأْنَا وَغَنِمْنَا وَسَلِمْنَا.

محمد بن ابراهیم از پدرش ابراهیم رضي الله عنه روایت نمود که پدرش گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله ما را در سریه‌ای فرستاد و به ما امر فرمود که این آیه‌ی ۱۱۵ از سوره‌ی مؤمنون: ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَاتُرْجَعُونَ﴾ را در صبح و شام بخوانیم و ما آن را خواندیم و غنیمت از دشمن به دست آوردیم و به سلامت برگشتیم.

تفسیر آیه: آیا گمان کرده‌اید شما را آفریدیم به بازی و به سوی ما باز نمی‌گردید: ﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾

«برتر آمد خدای یکتایی که فرمانروای برحق است، نیست معبودی بحق مگر او که صاحب عرش بزرگوار است»؛ یعنی خدا شما را به بازی نیافرید و او بالاتر و برتر از

آن است که به بازی بیافریند، شما را آفرید تا مطیع فرمانش باشید و به سوی او بازگردید تا جزای اعمالتان را دریابید.

و رَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم كَانَ يَدْعُو بِهَذِهِ الدَّعْوَةِ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: «اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ مِنْ فَجَاءَةِ الْخَيْرِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ فَجَاءَةِ الشَّرِّ».

رسول الله صلى الله عليه وسلم بامداد و شامگاهان این دعا را می فرمود: «خدایا از تو می خواهم ناگهان آمدن خیر و پناه می برم به تو از ناگهان آمدن شرها».

و رَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم لِفَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: (مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْمَعِي مَا أَوْصِيكَ بِهِ؟ تَقُولِينَ إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتِ: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِكَ أَسْتَعِيْثُ فَأُصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم به فاطمه، سیده نساء العالمین. سیده نساء هذه الأمة، سیده نساء اهل الجنة سلام الله عليها فرمود: کدام چیز مانعت می شود از اینکه بشنوی آنچه را که تو را سفارش به آن می نمایم که در هر بامداد و شامگاه بگویی: ای همیشه زنده، همیشه ایستاده به تدبیر خلاق، طلب فریاد رسی می کنم از تو، پس کارهایم همه را به صلاح آور و کارهایم همه به عهدهی خودت است و یک چشم به هم زدن مرا به خودم واگذار نفرما».

و رَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَجُلًا شَكَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم أَنَّهُ تُصِيبُهُ الْآفَاتُ فَقَالَ لَهُ الرَّسُولُ صلى الله عليه وسلم: (قُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ: بِأَسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَ أَهْلِي، فَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ لَكَ شَيْءٌ). فَقَاهُنَّ الرَّجُلُ فَذَهَبَتْ عَنْهُ الْآفَاتُ.

مردی شکایت حال خود نمود نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم و گفت: یا رسول الله، انواع آفت

به من می رسد: چیزی می خرم ضرر می کنم و چیزی می خواهم از آن استفاده کنم از دستم بیرون می رود. رسول الله ﷺ به او فرمود: «صبح هر روز بگو: به نام خدا نگه داری خود و اهل و بستگانم قرار می دهم تا برکت نام خدا بر همه مان باشد و به سبب این دعا چیزی از دست تو نمی رود». آن مرد این را گفت و آفت از او دور شد.

و رَوَيْنَا فِي سُنَنِ ابْنِ مَاجَهَ وَ كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا طَيِّبًا وَ عَمَلًا مُتَقَبَّلًا).

رسول الله ﷺ بامداد هر روز می فرمود: «خدایا از تو می خواهم علمی که سودمند باشد و روزی که حلال باشد و عملی که مقبول درگاہت باشد».

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَ عَافِيَةٍ وَ سِتْرٍ فَأَتَمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَ عَافِيَتَكَ وَ سِتْرَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحَ وَ إِذَا أَمْسَى كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُتِمَّ عَلَيْهِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که بامداد و شامگاه سه بار بگوید: خدایا من صبح واکرده ام بر نعمت و عافیت و سترت، پس نعمت و عافیت و سترت را در دنیا و آخرت بر من کامل بگردان. خداوند حق او می داند که این نعمت ها را بر او تکمیل کند».

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ زُبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَا مِنْ صَبَاحٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ إِلَّا مُنَادٍ يُنَادِي: سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ). وَ فِي رَوَايَةٍ ابْنِ السُّنِيِّ: (إِلَّا صَرَخَ صَارِخٌ: أَيُّهَا الْخَلَائِقُ سَبِّحُوا الْمَلِكَ الْقُدُّوسَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «هر بامدادی که مردم صبح وا می‌کنند، ندا زنده‌ای، ندا می‌زند، یعنی به آواز بلند می‌گوید که مردم بشنوند: پاک و منزه است فرمانروای بسیار پاک». و در روایت ابن السنی فریادزنی فریاد می‌کشد: «ای خلیق تسبیح خدا که الملك القدوس است بگویند». المَلِک: از نام‌های پاک پروردگار است. القُدُّوس: از نام‌های پاک پروردگار متعال است. المَلِک: به معنی شاه و دارنده و مالک و فرمانروا است. القُدُّوس: بسیار پاک. دعوت به تسبیح و تقدیس خدا کاری است که هر روز فرشته‌ای انجام می‌دهد و یقیناً که خلیق همه این ندا را اجابت می‌کنند، لیکن از بنی آدم چه اندازه اجابت می‌کنند خدا می‌داند! مقصود این است که ای خلیق همه امورتان در دست خداست، روی به او آورید. او را تسبیح و تنزیه گویند که غیر از او همه اموات هستند و کاری نمی‌توانند بکنند.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ بَرِيْدَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: (مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: رَبِّيَ اللهُ تَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، مَا شَاءَ اللهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، ثُمَّ مَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که در وقت صبح و شام بگوید: پروردگارم خدای یکتاست، بر او توکل نمودم، نیست معبودی بحق مگر او، بر او توکل نمودم و کارهایم به او واگذاشتم و او صاحب عرش عظیم است. نیست معبودی به حق مگر خدا که بسیار بلند مرتبه و بسیار بزرگوار است، فهم کسی به علو و عظمت او نمی‌رسد. آنچه خدا خواست شد و آنچه نخواست نشد. یقین می‌دانم که خدا بر همه چیز تواناست و علم او به همه چیز احاطه نموده و هیچ چیز از علم او بیرون نیست؛ کسی که این را گفت و مرد به بهشت داخل شده است.»

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: (أَيَعِجْزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ كَأَبِي ضَمُّمٍ)؟ قَالُوا: وَمَنْ أَبُو ضَمُّمٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: (كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَهَبْتُ نَفْسِي وَعِرْضِي لَكَ، فَلَا يَشْتُمُ مَنْ شَتَمَهُ وَلا يَظْلِمُ مَنْ ظَلَمَهُ وَلا يَضْرِبُ مَنْ ضَرَبَهُ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم به یاران فرمود: «آیا هر یک از شما نمی‌تواند مثل ابی ضمضم باشد؟ گفتند: ابوضمضم چه کسی است یا رسول الله؟ فرمود: «ابوضمضم کسی است که صبح که می‌شد رو به خدا می‌کرد و می‌گفت: خدایا من به حقیقت خودم و شرفم را به تو بخشیده‌ام، پس دشنام نمی‌داد به کسی که او را دشنام داده بود و ستم نمی‌کرد به کسی که به او ستم کرده بود و نمی‌زد کسی را که به او زده بود».

وَرَوَيْنَا عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم وَ قَالَ: (مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ حِينَ يُصْبِحُ وَ حِينَ يُمَسِّي: حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، سَبْعَ مَرَّاتٍ كَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «کسی که هر روز در وقت صبح و شام هفت بار بگوید: کفایت من است الله، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او. بر او توکل نمودم و او صاحب عرش عظیم است. کسی که هر صبح و شام هفت بار این را بگوید. خدا امر دنیا و آخرتش را کفایت می‌کند». یعنی حوائج او را برآورده می‌سازد تا خاطر او آسوده شود. و باید دانست که گفتن این کلمات باید با عقیده‌ی قلبی موافقت داشته باشد و با یقین به اینکه خدا کفایت کننده‌ی هر کسی است که بر او توکل کند و با اعتماد بر خدا باشد. نظام اسباب و مسببات را فراموش نکند تا هم کوشش خود به کار گرفته و هم از خدا در موفقیت خود مدد گرفته باشد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ عَنْ طَلْقِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الدَّرْدَاءِ فَقَالَ: يَا أبا الدَّرْدَاءِ قَدْ أَحْتَرَقَ بَيْتُكَ. قَالَ: مَا أَحْتَرَقَ، لَمْ يَكُنْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِيَفْعَلَ ذَلِكَ بِكَلِمَاتٍ سَمِعْتُهُنَّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَنْ قَالَهَا أَوَّلَ نَهَارِهِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيبَةٌ حَتَّى يُمِيسَ، وَ مَنْ قَالَهَا آخِرَ النَّهَارِ لَمْ تُصِبْهُ مُصِيبَةٌ حَتَّى يُصْبِحَ: (اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ).

مردی نزد ابی الدرداء آمد و گفت: خانه ات آتش گرفت. ابوالدرداء گفت: خانه ام آتش نگرفت و خدای عز و جل خانه ام را نمی سوزاند به برکت کلماتی که از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: «هر کس در آغاز روز این کلمات را بگوید تا آخر روز مصیبتی به او نخواهد رسید و هر کس در آخر روز، یعنی اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی رسد آن کلمات عبارت است از: خدایا تو پروردگارم هستی، نیست معبودی به حق مگر تو. بر تو توکل نمودم، تو صاحب عرش عظیم هستی. آنچه خدا بخواهد می شود و آنچه خدا نخواهد نمی شود. نیست چاره ای برای دوری از گناه و نیست نیرویی برای پایداری بر طاعت مگر به کمک خدای بسیار بلند مرتبه و بسیار بزرگوار. می دانم که خدا یقیناً بر همه چیز تواناست و یقیناً علم خداوندی به همه چیز احاطه کرده است و هیچ چیز بیرون از علم او نیست. خدایا به تو پناه می برم از شر خودم و از شر هر حیوانی که پیشانیش در ید قدرت توست. یقیناً پروردگارم به راه راست است.»

وَرَوَاهُ مِنْ طَرِيقٍ آخَرَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ لَمْ يَقُلْ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ وَ فِيهِ أَنَّهُ تَكَرَّرَ بِحِجِّي الرَّجُلِ إِلَيْهِ يَقُولُ: أَدْرِكُ دَارَكَ فَقَدْ اخْتَرَقْتُ وَ هُوَ يَقُولُ مَا اخْتَرَقْتُ لِأَنِّي سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - وَ ذَكَرَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - لَمْ يُصِبهُ فِي نَفْسِهِ وَ لَا أَهْلِهِ وَ لَا مَالِهِ شَيْءٌ يَكْرَهُهُ، وَ قَدْ قُلْتُهَا الْيَوْمَ، ثُمَّ قَالَ: أَنْهَضُوا بِنَا، فَقَامَ وَ قَامُوا مَعَهُ، فَأَنْتَهَوْا إِلَى دَارِهِ وَ قَدْ اخْتَرَقَ مَا حَوْلَهَا وَ لَمْ يُصِبهَا شَيْءٌ.

و ابن السنی از طریق دیگر روایت کرده است از بعضی از یاران رسول الله ﷺ و از ابی الدرداء روایت نکرده است. و در آن آمده است که آن مردی که خبر می آورد، می رفت و می آمد و می گفت: برس به خانه ات که سوخت و او می گفت: نسوخته است برای اینکه از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: هر کسی که بامداد این کلمات را بگوید تا آخر روز هیچ مصیبتی به او و اهل و مالش نمی رسد و اگر اول شب این کلمات را بگوید تا صبح مصیبتی به او نمی رسد و من این کلمات را امروز گفته ام. پس از آن گفت: بیایید برویم ببینیم. او برخاست و جماعت همراه او برخاستند. وقتی که به خانه ی او رسیدند دیدند خانه ی اطراف خانه اش سوخته و به خانه اش هیچ زیانی نرسیده است.

وَ رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَ ابْنِ السُّنِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ قَرَأَ خَتَمَ الْمُؤْمِنِ إِلَى إِلَيْهِ الْمَصِيرِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ حِينَ يُصْبِحُ حَفِظَ بِهِنَّ حَتَّى يَمُوتَ. وَ مَنْ قَرَأَهُمَا حِينَ يُمِيتُ حَفِظَ بِهِنَّ حَتَّى يُصْبِحَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که سوره ی ختم المؤمن را که سوره غافر نیز نامیده می شود تا علیه المصیر بخواند و آیه الکرسی بخواند به برکت این دو نگهداری می شود. اگر این دو را صبح خوانده تا اول شب حفظ می شود و اگر اول شب این دو را خوانده تا صبح حفظ می شود». آن آیات عبارتند از:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. ﴿حَمَّ * تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * غَافِرِ الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾.

آیه الکرسی: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾.

این‌ها احادیثی است راجع به اذکار شبانه روز که خواستیم آن‌ها را ذکر کنیم و برای کسی که خدا او را موفق کند، کفایت می‌کند. از خداوند بزرگ توفیق عمل به این احادیث و همه‌ی راه‌های خیر را می‌خواهیم.

(باب ما یقال فی صبیحة یوم الجمعة)

بابی است در بیان آنچه در صبح روز جمعه گفته می‌شود.

بدان که هر چه از اذکار غیر روز جمعه است در روز جمعه نیز گفته می‌شود. و بیش از هر روز دیگر مستحب است بسیاری یاد خدا در روز جمعه و بسیاری درود فرستادن بر رسول الله ﷺ.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: (مَنْ قَالَ صَبِيحَةَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ قَبْلَ صَلَاةِ الْغَدَاةِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که قبل از نماز فرض صبح روز جمعه سه بار بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ. گناهش آمرزیده می‌شود و

اگر چه مثل کف دریا باشد». و باید دانست که دین و حق الناس از آن مستثنی است. ترجمه: آمرزش می‌خواهم از خدایی که نیست معبودی به حق مگر او که زنده‌ی همیشگی است و قیوم و ایستاده به تدبیر کاینات است و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او. و مستحب است بسیار دعا کردن در روز جمعه از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب به امید اینکه دعایش در ساعت اجابت دعا واقع شود. و وقت اجابت دعا در قول معتمد، میان نشستن امام میان دو خطبه است تا اینکه سلام نماز جمعه را بدهد. و اقوال بسیاری درباره‌ی آن هست و امام علامه ابن حجر عسقلانی در فتح الباری، شرح بخاری چهل قول در این خصوص آورده است. که قول معتمد این جا آوردیم و قول دومی نزدیک به صواب است و آن قبل از غروب آفتاب روز جمعه است.

(باب ما یقول إذا طلعت الشمس)

بابی است در بیان آنچه موقع طلوع آفتاب می‌گوید.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ قَالَ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَلَّلَنَا الْيَوْمَ عَافِيَتَهُ وَجَاءَ بِالشَّمْسِ مِنْ مَطْلَعِهَا، اللَّهُمَّ أَصْبَحْتُ أَشْهَدُ لَكَ بِمَا شَهِدْتَ بِهِ لِنَفْسِكَ وَشَهِدْتَ بِهِ مَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَجَمِيعُ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، أَكْتُبُ شَهَادَتِي بَعْدَ شَهَادَةِ مَلَائِكَتِكَ وَأُولَى الْعِلْمِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ السَّلَامُ، أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا دَعْوَتَنَا وَ أَنْ تُعْطِينَا رَغْبَتَنَا وَ أَنْ تُغْنِيَنَا عَمَّنْ أَعْنَيْتَهُ عَنَّا مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي وَ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلِبِي).

رسول الله ﷺ موقعی که آفتاب طلوع می کرد می فرمود: «همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز ما را به عافیتش پوشید و آفتاب را از محل بیرون آمدنش آورد (یعنی از جهت مغرب که علامت قیامت است آفتاب را بیرون نیاورد) خدایا من در این بامداد گواهی می‌دهم برایت به آن گواهی که برای خودت گواهی دادی و فرشتگان و بردارندگان عرش عظیمت و همه‌ی مخلوقات به آن گواهی دادند: که تو خدای یکتایی، نیست معبودی به حق مگر تو که بر پا دارنده‌ی عدل هستی، نیست معبودی به حق مگر تو که پر عزت و پر حکمت هستی. خدایا بنویس گواهی‌ام را بعد از گواهی فرشتگان و دانشمندان. خدایا تو سلام هستی و سلامتی از هر عیب و نقص از توست. و سلامتی همه به سوی تو باز می‌گردد. از تو می‌خواهم ای صاحب شکوه و بزرگواری که دعای مان را به اجابت برسانی و آنچه از تو می‌خواهیم به ما عطا فرمایی. و از هر کسی که از ما بی‌نیاز است ما را از او بی‌نیاز گردانی تا هر کسی از خلق تو که از ما بی‌نیاز باشد ما هم از او بی‌نیاز باشیم. خدایا دین مرا که وسیله‌ی نگهداری‌ام از آتش است از هر چه مایه‌ی خشم تو می‌شود نگهدار و دنیای مرا که زندگی‌ام در آن است به صلاح آور. و آخرتم را که در آن بازگشتم به سوی توست شایسته گردان.»

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه - موقوفاً عليه - أَنَّهُ جَعَلَ مَنْ يَرْقُبُ لَهُ طُلُوعَ الشَّمْسِ فَلَمَّا أَخْبَرَهُ بِطُلُوعِهَا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لَنَا هَذَا الْيَوْمَ وَأَقَالَنَا فِيهِ عَثْرَاتِنَا. و در کتاب ابن السنی روایت داریم از عبدالله بن مسعود رضي الله عنه از گفته خودش که او به کسی می‌گفت تا بیرون آمدن آفتاب را منتظر شود و هر وقت طلوع نمود به او خبر بدهد. وقتی که او را از طلوع آفتاب خبر داد گفت: همه‌ی ستایش برای خدایی است که امروز را در اختیار ما نهاد و امروز از لغزش‌های ما درگذشت.

(باب ما يقول إذا استقلت الشمس)

بابی است در بیان آنچه که وقت بالا آمدن آفتاب می‌گوید.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: (مَا تَسْتَقِلُّ الشَّمْسُ فَيَبْقَى شَيْءٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا سَبَّحَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا مَا كَانَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَاعْتَاءِ بَنِي آدَمَ) فَسَأَلْتُ عَنْ أَعْتَاءِ بَنِي آدَمَ فَقَالَ: (شِرَارُ الْخَلْقِ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «موقعی که آفتاب بالا می‌آید همه‌ی مخلوقات خدا به تسبیح و تنزیه خدای عزوجل می‌پرازند، مگر شیطان و پست‌فطرتان از آدمی‌زادگان که تسبیح خدای متعال نمی‌گویند». درباره‌ی پست‌فطرتان بنی‌آدم پرسیدم، فرمود: «بدان مردم».

(باب ما يقول بعد زوال الشمس إلى العصر)

بابی است در بیان آنچه که بعد از زوال آفتاب تا عصر می‌گوید.

پیش از این یاد شد که چه بگوید وقتی که لباس می‌پوشد و وقتی که داخل به مستراح می‌شود و وقتی که از آن بیرون می‌آید و وقتی که وضو می‌گیرد و وقتی که به مسجد می‌رود و وقتی که به در مسجد می‌رسد و وقتی که داخل مسجد است و وقتی که اذان می‌شنود و وقتی که اقامه‌ی نماز می‌شنود و وقتی که برمی‌خیزد برای نماز. و آنچه در نماز می‌گوید از اول نماز تا آخر آن. و آنچه بعد از نماز می‌گوید. این‌ها همه در باب‌های خود یاد شد و همه‌ی آن‌ها در نمازها مشترکند. و مستحب است بسیار یاد کردن اذکار و عبادات دیگر بعد از زوال آفتاب، به دلیل آنچه روایت داریم در کتاب ترمذی از عبدالله بن السائب رضي الله عنه که رسول الله صلى الله عليه وسلم بعد از زوال

آفتاب قبل از نماز ظهر چهار رکعت سنت زوال می‌خواند و می‌فرمود: اکنون ساعتی است که درهای آسمان گشوده می‌شود و دوست می‌دارم که در این ساعت عمل صالحی برایم به آسمان برود. ترمذی گفت: حدیث حسن است. و مستحب است بسیاری یاد خدا بعد از نماز فرض ظهر و اذکار و سنن و تعقیبات آن، نظر به عموم فرموده‌ی پروردگار متعال:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾؛ «و تسبیح‌گوی همراه با ستایش پروردگارت قبل از ظهر و بعد از ظهر». اهل لغت گفته‌اند: عَشِيٌّ: از زوال آفتاب تا غروب آفتاب است. و امام ابو منصور ازهری فرموده است: عَشِيٌّ نزد عرب میان زوال آفتاب تا غروب آفتاب است.

(باب ما يقول بعد العصر إلى غروب الشمس)

بابی است در بیان آنچه بعد از عصر تا غروب آفتاب می‌گوید.

پیش از این یاد شد آنچه گفته می‌شود بعد از فرض ظهر و بعد از فرض عصر. همچنین موکداً مستحب است بسیاری یاد خدا در وقت عصر، برای اینکه نماز فرض عصر به گفته‌ی گروهی از علمای سلف و خلف همان «الصلاة الوسطی» است. و همچنین مستحب است زیاد اهمیت دادن به اذکار صبح، برای اینکه صحیح‌ترین گفتار درباره‌ی «الصلاة الوسطی» در مورد نماز صبح و عصر است. و مستحب است بسیار یاد خدا کردن بعد از عصر و به ویژه در آخر روز. خدای متعال فرمود:

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾؛ «تسبیح همراه با ستایش پروردگارت بگوی قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آفتاب».

و قال الله تعالى: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾؛ «و تسبیح پروردگارت

همراه با ستایش او بگو از صبح تا قبل از ظهر و از بعد از ظهر تا غروب آفتاب.»
 و قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَأذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ
 وَالْآصَالِ﴾؛ «و به یاد بیاور و همیشه یاد کن در دل خودت از روی خشوع و حضور
 قلب و از روی ترس از عظمت خدا جلّ و جلاله بدون آواز بلند در بامدادان و پسین.»
 و قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يُسَبِّحُ لَهُ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ
 اللَّهِ﴾؛ «تسبیح‌گوی ذات پاک پروردگارند در وقت صبح و پسین مردانی که ایشان را
 مشغول نمی‌سازد از یاد خدا نه تجارت و نه خرید و فروش.» پیش از این یاد شد که
 آصال جمع اصیل است و اصیل میان عصر و مغرب را می‌گویند.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:
 (لَأَنْ أُجْلِسَ مَعَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى أَنْ تَغْرِبَ الشَّمْسُ، أَحَبُّ
 إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ ثَمَانِيَةَ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ).

رسول الله ﷺ فرمود: «بنشینم با مردانی که یاد خدای عزّو جلّ می‌کنند از بعد از
 نماز عصر تا غروب آفتاب، محبوب‌تر است نزد من از آزاد کردن هشت برده که از
 فرزندان اسماعیل علیه‌السلام باشند.» و فرمود از اولاد اسماعیل برای اینکه از
 ایشان باشد قیمتش بیشتر و گرامی‌تر و کمیاب‌تر است. و کلمه‌ی قوم به معنی
 مردان است:

﴿لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَ لَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ
 خَيْرًا مِنْهُنَّ﴾؛ «نباید ریشخند کنند مردانی از مردان دیگر، ممکن است
 ریشخندشدگان بهتر از ریشخندکنندگان باشند و نباید ریشخند کنند زنانی از زنان
 دیگر، ممکن است ریشخندشدگان بهتر باشند از ریشخندکنندگان.» که در این جا
 قوم در مقابل نساء آورده است.

(باب ما يقول إذا سمع أذان المغرب)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید موقعی که اذان مغرب را می‌شنود.

و رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقُولَ عِنْدَ أَذَانِ الْمَغْرِبِ: (اللَّهُمَّ هَذَا إِقْبَالُ لَيْلِكَ وَ إِدْبَارُ نَهَارِكَ وَ أَصْوَاتُ دُعَاتِكَ فَأَغْفِرْ لِي).

از ام سلمه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا روایت داریم که گفت: رسول الله ﷺ به من آموخت که موقعی که اذان مغرب شنیدم بگویم: «خدایا اکنون موقع رو آوردن شب و پشت دادن روز و شنیدن آواز کسانی است که اذان می‌گویند و مردم را به سوی نماز و عبادت دعوت می‌کنند، مرا ببخشای.»

(باب ما يقول بعد الصلاة المغرب)

بابی است در بیان آنچه بعد از نماز مغرب می‌گوید.

قبلاً یاد کردیم که بعد از هر نماز فرض اذکاری که یاد شد بگویند. و مستحب است که بعد از فراغت از نماز فرض مغرب و خواندن دو رکعت سنت بعدیهی مغرب افزون بر آنچه گذشت، بگوید آنچه از رسول الله ﷺ وارد شده است.

يَقُولُ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ سُنَّةَ الْمَغْرِبِ مَا رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَنْصَرَفَ مِنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ يَدْخُلُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ فِيمَا يَدْعُو: (يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قُلُوبَنَا عَلَى دِينِكَ).

رسول الله ﷺ بعد از اینکه از نماز فرض مغرب فارغ می‌شد به خانه‌ی ام‌سلمه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می‌آید و در ضمن دعایش می‌فرمود: (يا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قُلُوبَنَا عَلَى دِينِكَ)؛ «ای زیر و بالا کننده‌ی دل‌ها، پایدار بدار دل‌های ما را بر دین خودت که دین اسلام است». تغیر و از حالی به حالی شدن دل‌ها معلوم است. از این رو مسلمان از خدا می‌خواهد دلش را از انحراف و تغیر حفظ فرماید و بر دین اسلام پایدار بدارد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عِمَارَةَ بْنِ شَبِيبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، عَشْرَ مَرَّاتٍ عَلَى أَثَرِ الْمَغْرِبِ، بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى مَسْلَحَةً يَتَكَفَّلُونَ مِنْ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُصْبِحَ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ مُوجِبَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ مُؤَبِّقَاتٍ وَ كَانَتْ لَهُ بِعَدْلِ عَشْرِ رِقَابٍ مُؤْمِنَاتٍ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که بعد از نماز مغرب ده بار لا إله إلا الله وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ را تا آخر بگوید، یعنی نیست معبودی به حق مگر خدای یکتا که هیچ شریکی برای او نیست. پادشاهی و فرمانروایی و ستایش‌ها همه برای اوست. او زنده می‌گرداند و مرگ می‌دهد، زندگی و مرگ همه در دست اوست. و او بر همه چیز تواناست خدای متعال نگهبانانی برای او می‌فرستد تا او را تا صبح از شر شیطان نگاه‌دارند. و خدا می‌نویسد برای او ده حسنه‌ی ثابت کننده بهشت برای او. و از بین می‌برد ده گناه هلاک کننده از او. و همین ده بار گفتن لا إله إلا الله تا آخر برابر است با ثواب ده برده که آزاد نماید».

ترمذی فرمود: که عماره بن شبيب از رسول الله ﷺ شنیده است. امام نووی فرمود: نسائی این حدیث را از دو طریق روایت نموده: یک روایت ترمذی از

عمارہ بن شیبب از رسول اللہ ﷺ و روایت دیگری از عمارہ از مردی از انصار مدینہ. ابوالقاسم ابن عساکر فرمود: روایت دومی درست است و حدیث ثابت است. نووی فرمود: مَسْلَحَةٌ به معنی حَرَسٌ و نگهبانان است.

(باب ما یقرؤه فی صلاة الوتر و ما یقوله بعدها)

بابی است در بیان آنچه در نماز وتر می خواند و آنچه بعد از نماز وتر می گوید.

سنت است برای کسی که نماز وتر را سه رکعت می خواند اینکه در رکعت اولی بعد از فاتحه، سوره‌ی سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى بخواند و در رکعت دومی بعد از فاتحه، سوره‌ی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند و در رکعت سومی سوره‌های قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند. اگر در رکعت اولی سوره‌ی سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى را فراموش کرد، در رکعت دومی سوره‌ی سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را با هم بخواند. و اگر در رکعت دومی سوره‌ی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ را فراموش کرد در رکعت سومی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و قُلْ هُوَ اللَّهُ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ را با هم بخواند.

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ النَّسَائِي وَ غَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا سَلَّمَ مِنَ الْوُتْرِ قَالَ: (سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ). وَ فِي رِوَايَةِ النَّسَائِي وَ ابْنِ السُّنِّي: (سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ) ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

رسول اللہ ﷺ موقعی که از نماز وتر سلام می داد سه بار می فرمود: «سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ»؛ یعنی پاک و منزّه است خدایی که فرمانروای همه است، کسی نمی تواند از فرمان او سرپیچی نماید. او قدّوس است. بسیار مقدّس و مورد تعظیم است. همه‌ی کاینات به قدس و پاکی و عظمتش اعتراف دارند.

وَرَوَيْنَاهُ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَالنَّسَائِيِّ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم كَانَ يَقُولُ فِي آخِرِ وَثْرِهِ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِمِعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

از علی رضي الله عنه و کَرَّمَ اللّهُ وَجْهَهُ روایت داریم که رسول الله صلى الله عليه وسلم در آخر نماز وترش می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ تَا آخِرِ. یعنی خدایا پناه می برم به رضای تو از خشم گرفتنت و پناه می برم به عافیت دادنت از عقوبت دادنت و پناه می برم از عذاب تو به خودت. نمی توانم ثنا و احسان و خوبی تو را بشمارم تو آنچنان هستی که خودت ثنای خودت گفتی». یعنی در همه حال پناه به تو می برم تا رضایت خودت را شامل حالم بگردانی و از خشم و غضبت مرا دور بداری و پناه می برم به عافیت دادنت و دور نگه داشتنت تا مرا از عقوبتت و کیفر دادنت معاف و دور نگه داری. و به خودت پناه می برم از عذابت، برای اینکه کسی نیست که ما را از عذابت نگه بدارد بجز خودت. چگونه ما بندگان می توانیم که ثنای شایسته‌ی عظمتت را برشماریم؟ ما بندگان ناتوان کجا و شناخت عظمت و ثنای شایسته‌ی عظمتت کجا! شایسته‌ی بزرگیات ثنایی است که خودت برای خودت فرمودی. یعنی شایسته‌ی بندگان پناه آوردن به خدا و اظهار عجز از ثنای شایسته‌ی خدا و خواهش قبول شکر و ثناست. به قول سعدی علیه الرحمه:

فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آنکه شکر یکی از هزار کرد
بخشندگی و سابقه لطف و رحمتش ما را بحسن عاقبت امیدوار کرد

(باب ما يقول إذا أراد النوم واضطجع على فراشه)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که قصد خوابیدن نمود و به پهلو بر بسترش دراز کشید.

قال الله تعالى: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ...﴾ آل عمران: ۱۹۰-۱۹۴

حقاً که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و به دنبال هم آمدن شب و روز نشانه‌هایی است از عظمت قدرت الله جلّ جلاله برای صاحبان خردها. خردمندان می‌دانند که چه قدرتی است که شب و روز را به وجود می‌آورد. اگر تمام مردم روی زمین جمع شوند تا اکنون که بامداد است به وقت ظهر تبدیل کنند نمی‌توانند که معلوم، بلکه یک دقیقه نمی‌توانند در گردش آفتاب تقدیم و تأخیر به وجود آورند و این خردمندانند که آن را می‌دانند. آن مردمی که همیشه خدا را یاد می‌کنند، همیشه زبانشان تر است از یاد خدا در حالی که ایستاده‌اند و در حالی که نشسته‌اند و در حالی که به پهلو افتاده‌اند و همیشه یاد خدا آرام دل‌هایشان است و یاد خدا اطمینان خاطر‌هایشان و یاد خدا بقای حیاتشان است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ مِنْ رَوَايَةِ حُذَيْفَةَ وَ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَوَىٰ إِلَىٰ فِرَاشِهِ قَالَ: (بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَ أَمُوتُ).

رسول الله ﷺ موقعی که بر بستر خواب پهلو می‌نهاد می‌فرمود: «خدایا به نام تو زنده می‌مانم و به نام تو می‌میرم». یعنی حیات من از برکت یاد نام توست و وفات من بر یاد نام توست.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ مِنْ رَوَايَةِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا. وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِيَّ وَ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ لَهُ وَ لِفَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: (إِذَا أَوَيْتُمَا إِلَى فِرَاشِكُمَا أَوْ إِذَا أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمَا فَكَبِّرَا ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ سَبِّحَا ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ وَ أَحْمَدَا ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ). وَ فِي رَوَايَةٍ: (التَّسْبِيحُ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ) وَ فِي رَوَايَةٍ: (التَّكْبِيرُ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ). قَالَ عَلِيٌّ رضي الله عنه: فَمَا تَرَكَتُهُ مُنْذُ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قِيلَ لَهُ: وَ لَا لَيْلَةَ صِفِّينَ؟ قَالَ: وَ لَا لَيْلَةَ صِفِّينَ.

رسول الله صلى الله عليه وسلم به علی و فاطمة الزهراء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فرمود: «موقعی که به بستر خوابتان آمدید یا موقعی که بر بستر خواب بر پهلو خوابیدید، سی و سه بار بگوئید: الله اکبر و سی و سه بار بگوئید: سبحان الله و سی و سه بار بگوئید: الحمد لله». و در روایتی سی و چهار بگوئید: «الله اکبر و سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله». و در روایتی: «سی و سه بار الله اکبر بگوئید و سی و چهار بار سبحان الله بگوئید و سی و سه بار الحمد لله بگوئید» تا صدبار تکمیل شود. و خوب است که بعضی اوقات الله اکبر سی و چهار بار بگوئید و باقی سی و سه بار و بعضی اوقات سبحان الله سی و چهار بار بگوئید و باقی سی و سه بار. علی رضي الله عنه فرمود: از روزی که از رسول الله صلى الله عليه وسلم شنیدم که قبل از خواب این کلمات را بگوئید هیچ وقت نه در حضر و نه در سفر آن را ترک نکردم. به ایشان گفته شد که در شب صفین هم آن را ترک نمودی؟ فرمود: در شب صفین هم آن را ترک نمودم. صفین نام محلی است در شام که در آن جا جنگ سختی میان علی و معاویه پیش آمد و اگر نه چاره‌جویی اطرافیان معاویه بود، شکستشان حتمی بود.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم:
 (إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيَنْفُضْ فِرَاشَهُ بِدَاخِلَةِ إِزَارِهِ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلْفَهُ عَلَيْهِ ثُمَّ
 يَقُولُ: بِأَسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أُمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا
 فَأَحْفَظَهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ) وَ فِي رِوَايَةٍ: (يَنْفُضُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ).

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «هر وقتی یکی از شما به بستر خوابش آمد آن را تکان
 بدهد به کنار لنگ پایش، برای اینکه نمی‌داند در حال غیبتش از فراش چه چیز بر
 آن آمده است - در آن ایام موقع خواب چراغ نمی‌گذاشته‌اند و اگر عقربی یا
 حشره‌ای بر فراش می‌آمده نمی‌دانسته‌اند. به همین علت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم این دستور
 را فرمود تا دچار گزیدن عقرب و یا غیره نشوند - پس از آن می‌گوید: به نام تو ای
 پروردگارم پهلویم را بر بستر نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی‌دارم. اگر
 در خواب جانم را گرفتی آن را مورد رحمت قرار بده. و اگر جانم را از مردن نجات
 دادی، آن را نگه‌دار آن چنانکه جان بندگان صالح و شایسته‌کارت را نگه می‌داری». و
 در روایتی دیگر: «فراش خواب را سه بار تکان بدهد».

وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم كَانَ إِذَا أَخَذَ
 مَضْجَعَهُ نَفَثَ فِي يَدَيْهِ وَقَرَأَ الْمَعْوِذَاتِ وَمَسَحَ بِهَا جَسَدَهُ. وَ فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْهَا أَنَّ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم
 كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ جَمَعَ كَفَّيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهَا قُلُّهُ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلُّهُ أَعُوذُ بِرَبِّ
 الْفَلَقِ وَقُلُّهُ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ثُمَّ مَسَحَ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ، يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَ
 وَجْهِهِ وَ مَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) قَالَ أَهْلُ اللُّغَةِ: النَّفْثُ: نَفْخُ لَطِيفٍ بِلا
 رِيْقٍ.

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم هر شب موقعی که به بستر خواب می‌آمد دو کف دست خود را با
 هم جمع می‌کرد و در کف دو دستش با نفس می‌دمید بدون آنکه آب دهن با آن

همراه باشد، سپس سوره‌ی قل هو الله احد و سوره‌ی قل اعوذ برب الفلق و سوره‌ی قل اعوذ برب الناس را در آن دو می‌خواند و سپس همین دو کف دست را به سر و صورت و جلو بدنش مثل سینه و شکم و به هر جا که دستش می‌رسید می‌کشید و این کار را سه بار انجام می‌داد. زبان شناسان گفته‌اند: النفط، یعنی دمیدن به آرامی و بدون آب دهان.

و رَوَيْنَاهُ فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ الْبَدْرِيِّ، عُقْبَةَ بْنِ عَمْرٍو رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: (الآيَتَانِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مَنْ قَرَأَ بِهِمَا فِي لَيْلَتِهِ كَفَّاهُ). اِخْتَلَفَ الْعُلَمَاءُ فِي مَعْنَى كَفَّاهُ، فَقِيلَ مِنْ آفَاتٍ فِي لَيْلَتِهِ وَقِيلَ كَفَّاهُ مِنْ قِيَامِ لَيْلَتِهِ. قُلْتُ: وَيَجُوزُ أَنْ يُرَادَ الْأَمْرَانُ.

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «کسی که دو آیه‌ی آخر سوره‌ی البقره: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ * لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا أَكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذُنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾. را در شبی بخواند او را برای دفع آفات و گزاردن نماز تهجد کفایت کند.» رسول الله صلى الله عليه وسلم ایمان آورد به آنچه نازل شده به سوی او از جانب پروردگارش و مؤمنان هم ایمان آوردند به آنچه بر رسول الله صلى الله عليه وسلم نازل شده است. هر کدام از رسول الله صلى الله عليه وسلم و مؤمنان ایمان آورد به خدا و به فرشتگان خدا و به کتاب‌های خدا و به پیغمبران خدا و گفتند: ما جدایی نمی‌اندازیم میان پیغمبران خدا (که بگوییم این پیغمبر را قبول داریم و آن پیغمبر را قبول نداریم، چنانکه یهودیان گفتند: عیسی را قبول نداریم موسی را قبول

داریم و چنانکه نصاری گفتند: عیسی را قبول داریم، محمد ﷺ را قبول نداریم. امت محمد ﷺ همه‌ی پیغمبران را قبول دارند) و هر کدام از پیغمبران و مؤمنان گفتند: شنیدیم فرمان خدا و اطاعت نمودیم او را. پیامرزمای پروردگار ما و بازگشت ما به سوی توست. خدای عزوجل تکلیف نمی‌فرماید کسی را مگر به قدر طاقت و توانایش. برای هر کس می‌باشد ثواب نیکوکاریش و عقاب بدکرداریش. پروردگار ما، ما را مؤاخذه مفرما اگر فراموش کردیم و یا خطا نمودیم. ای پروردگار ما، بار سنگینی که حمل آن نتوانیم، بر دوش ما مَنه. چنانکه بر یهود قرار دادی تا اگر جایی از لباسش پلید شود آن را بچینند. ای پروردگار ما، آنچه توانایش نداریم ما را به آن مکلف منما و عفو فرما گناهان ما را و پیامرزمای ما را و ما را به رحمتت شاد کن که تو دوست و یاری دهنده مایی و ما را بر گروه کافران پیروز فرما.

و رَوَيْنَا فِي الصَّحِيحَيْنِ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وُضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ وَقُلْ: اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَاجْتَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَأَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ، فَإِنْ مِتَّ، مِتَّ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تُقُولُ) هَذَا لَفْظَ إِحْدَى رَوَايَاتِ الْبُخَارِيِّ. وَبَاقِي رَوَايَاتِهِ وَرَوَايَاتِ مُسْلِمٍ مُقَابِلَةً لَهَا.

رسول الله ﷺ به براء بن عازب رضی الله عنهما فرمود: «وقتی که خواستی به بستر خواب بروی وضو بگیر مانند وضویی که برای نماز می‌گیری، پس از آن بر پهلوئی راست بخواب و بگو: خدایا تسلیم نمودم خودم را به تو. و واگذار نمودم کارهایم به تو و پناه دادم کرم را به تو. از روی شوق و رغبت به سوی تو و از جهت ترس از تو. یقین دارم که نه پناهگاهی هست مگر نزد تو و نه گریزگاهی هست مگر

به سوی تو. پناه من خودت هستی و نجات من در دست توست. ایمان آوردم به کتابی که نازل فرمودی و به پیغمبرت که او را فرستادی - ایمان به قرآن و به خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله استوار است - اگر آن شب مردی بر دین اسلام مرده‌ای و این کلمات را آخرین گفتارت قرار بده». امام نووی رحمته الله فرمود: این یکی از روایت‌های بخاری است و باقی روایات بخاری و مسلم به این روایت نزدیکند.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: وَكَلَّنِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِحِفْظِ زَكَاةِ رَمَضَانَ فَأَتَانِي آتٍ فَجَعَلَ يَحْتُو مِنْ الطَّعَامِ - وَذَكَرَ الْحَدِيثَ. وَقَالَ فِي آخِرِهِ: إِذَا أُوْتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَأَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ، لَنْ يَزَالَ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى حَافِظٌ وَ لَا يَقْرُبُكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: (صَدَقَكَ وَ هُوَ كَذُوبٌ ذَاكَ شَيْطَانٌ). أَخْرَجَهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فَقَالَ: وَ قَالَ عُمَانُ بْنُ أَهْتِمٍ: حَدَّثَنَا عَوْفٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ هَذَا مُتَّصِلٌ فَإِنَّ عُمَانَ بْنَ أَهْتِمٍ أَحَدُ شُيُوخِ الْبُخَارِيِّ الَّذِينَ رَوَى عَنْهُمْ فِي صَحِيحِهِ، وَ أَمَّا قَوْلُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَمَيْدِيِّ فِي الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّحِيحِينَ: أَنَّ الْبُخَارِيَّ أَخْرَجَهُ تَعْلِيْقًا، فَغَيْرُ مَقْبُولٍ؛ فَإِنَّ الْمَذْهَبَ الصَّحِيحَ الْمُخْتَارَ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ وَ الَّذِي عَلَيْهِ الْمُحَقِّقُونَ أَنَّ قَوْلَ الْبُخَارِيِّ وَ غَيْرِهِ: «وَ قَالَ فَلَانٌ» مَحْمُولٌ عَلَى سَمَاعِهِ مِنْهُ وَ اتِّصَالِهِ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَدْلُوسًا وَ كَانَ قَدْ لَقِيَهِ، وَ هَذَا مِنْ ذَلِكَ. وَ إِنَّمَا الْمَعْلُوقُ مَا أَسْقَطَ الْبُخَارِيُّ مِنْهُ شَيْخَهُ أَوْ أَكْثَرَ بَأَنَّ يَقُولُ فِي مِثْلِ هَذَا الْحَدِيثِ: وَ قَالَ عَوْفٌ، أَوْ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ سِيرِينَ، أَوْ قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ.

در صحیح بخاری به روایت از ابوهریره رضي الله عنه می‌آورد که ابوهریره گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله مرا وکیل نمود به حفظ زکات فطر، شبی دیدم مردی آمده و با دو کف دست خود از زکات فطر می‌گیرد. به او گفتم: تو را به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله می‌برم. گفت: امشب مرا مبر که فقیرم و بیشتر نمی‌آیم. شب بعد باز آمد و خواستم مانعش بشوم گفت: مردی فقیر و عیال بار هستم او را رها کردم.

شب سوم که آمد و خواستم مانعش شوم، گفتم: مرا رها کن که من تو را مطلبی می‌آموزم. گفتم: شب موقع خواب که به بستر خواب می‌روی آیه‌الکرسی بخوان که از اول شب تا آخر شب از طرف خدا نگهداری می‌یابی که تو را نگهداری می‌کند تا صبح و آن شب شیطان تا صبح به تو نزدیک نمی‌شود. وقتی که این واقعه را خدمت رسول الله ﷺ عرض نمودم، فرمود: «این کسی که سه شب است که می‌آید تا از زکات فطر بگیرد این شیطان است و او دروغگو است، اما آنچه راجع به آیه‌الکرسی به تو گفته راست گفته است.»

امام نووی فرمود که این حدیث صحیح بخاری حدیثی است مرفوع و متصل. برای اینکه امام بخاری همه‌ی رجال سند از جمله شیخ عثمان بن الهیثم و عوف و ابن سیرین و ابو هریره همه را ذکر نموده است و چنین حدیث صحیح و متصل و مرفوع را نمی‌توان از معلقات برشمرد. و معلق حدیثی است که امام بخاری یکی از شیوخش یا بیشتر از اسناد حدیث حذف می‌کرد، مثلاً می‌گفت: قال عوف، که ابن سیرین و ابوهریره را نمی‌آورد یا اینکه می‌گفت: قال محمد بن سیرین، که عوف را از اسناد می‌انداخت یا می‌فرمود: قال ابوهریره، که عوف و ابن سیرین را نمی‌آورد والله اعلم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ حَفْصَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْقُدَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ ثُمَّ يَقُولُ: (اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ). ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مِنْ رِوَايَةِ حَذِيفَةَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ وَقَالَ: حَدِيثٌ صَحِيحٌ حَسَنٌ. وَرَوَاهُ أَيْضًا فِي رِوَايَةِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ وَلَمْ يَذْكُرْ فِيهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

رسول الله ﷺ هر وقت قصد خوابیدن می‌نمود دست راستش را زیر رخسارش می‌نهاد و می‌فرمود: «خدایا مرا نگهدار از عذابت در روزی که بندگان را زنده

می‌فرماید، که مقصود روز قیامت است و قصد تعلیم امت است که روز قیامت را از یاد نبرند. در سنن ابی داود آمده که رسول الله ﷺ (اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ) را سه بار می‌فرمود. و در روایت ترمذی از حذیفه و براء بن عازب کلمه‌ی سه بار نیاورده‌اند. بنابراین سه بار گفتن جانب احتیاط دارد و یک بار گفتن کافی است.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ وَ سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ وَ النَّسَائِيِّ وَ ابْنِ مَاجَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أُوِيَ إِلَى فِرَاشِهِ: (اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَ رَبَّ الْأَرْضِ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبَّنَا وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ فَالِقَ الْحَبِّ وَ النَّوِيَّ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَ اغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ). وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي دَاوُدَ: (اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَ اغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ).

رسول الله ﷺ موقعی که به بستر خواب می‌آمد می‌فرمود: «خدایا ای پروردگار آسمان‌ها و ای پروردگار زمین و ای صاحب عرش عظیم. ای پروردگار ما و پروردگار همه چیز. (همه چیز پرورده‌ی نعمت‌های اوست) ای شکافنده‌ی دانه‌ها و هسته‌ها برای سبز شدن آن‌ها. ای فرود آورنده‌ی تورات بر موسی و انجیل بر عیسی و قرآن بر محمد مصطفی ﷺ پناه می‌برم به تو از شرّ هر صاحب شری که پیشانی او در دست توست (کاینات همه مقهور فرمان اوست و همه پیشانی خود را تسلیم فرمان او نموده‌اند) ای خدا تو اول هستی، همیشه بوده‌ای و هستی و خواهی بود. پیش از تو هیچ نبوده است، هر چه هست همه به ید قدرت تو به وجود آمده‌اند. و تو هستی آخر وقتی که همه می‌میرند و تو حتی لایموت باقی هستی و فنا به درگاهت راه ندارد. تو ظاهر هستی و در همه چیز آشکار هستی، برای اینکه هستی همه چیز از توست،

هیچ‌گاه بالا دست تو کسی نخواهد بود. و تو هستی پنهان، بنابراین غیر تو هیچ نیست. وجود همه‌ی کاینات از توست. ظهور همه از توست خفای همه به فرمان توست، نه پیش از تو کسی بوده و نه بعد از تو کسی می‌ماند. همه می‌میرند و میراث بر همه خودت هستی. همه مقهور فرمان تو هستند و نیست بالا دست تو چیزی. از همه چیز ظاهرتر و آشکارتری، برای اینکه هر چه هست معرف هستی توست. از همه پنهان‌تری، زیرا که دید کسی به تو نخواهد رسید. ای آن که بود و نبود همه در دست توست و ای آن که رسیدن به فریاد همه وصف توست. بار سنگین بدهی از دوش ما بردار. و ذلت حاجت به مثل خودمان از گردن ما بستان. تا آنچه داریم از تو بدانیم و آنچه بخواهیم از تو بخواهیم و از عنایتت تاج عبودیت تنها برای خودت نصیب ما باشد. و در روایت ابی داود: «اقض عني الدين و اغني من الفقر» به یاء مفرد است و لیکن روایت جمع از صحاح خمسة است و آن روایت بسی قوی‌تر است و می‌شود گفت: گاهی این دعا را به لفظ مفرد، چنانکه روایت ابوداود است و گاهی به صیغه‌ی جمع، چنانکه روایت جماعت است، دعا نماید.

و رَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ النَّسَائِيِّ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَضْجَعِهِ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَ الْمَأْتَمَّ، اللَّهُمَّ لَا يَهْزِمُ جُنْدُكَ وَ لَا يَخْلِفُ وَعْدُكَ وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ).

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موقعی که پهلو می‌نهاد برای خوابیدن می‌فرمود: «خدایا پناه می‌برم به ذات بزرگواریت و کلمات کلامت که همه دارای کمال و تمام هستند از شرّ هر چه تو پیشانیش را به ید قدرت در دست گرفته‌ای. پناه می‌برم از همه‌ی آن‌ها به تو، از این رو که به یقین پیشانی همه در ید قدرت توست و همه مقهور فرمان تو

هستند. خدایا تو هستی که رفع بدهکاری و گنه کاری می فرمایی. غنا می دهی و فقر را برمی داری و طاعت می دهی و عصیان را برمی داری. خدایا هیچ گاه لشکریانت شکست نمی خورند و هیچ گاه وعده ی تو خلاف نمی شود و هیچ گاه ثروت صاحب ثروت را به جای تو نفع نمی رساند. تسبیح و تنزیه تو می گویم که سبوح و قدوس صفت توست. و به ستایش تو مشغول می شویم که ستایش ها همه برای توست».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ وَ سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَ كَفَانَا وَ آوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَ لَا مُؤْوِيَّ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول الله صلى الله عليه وسلم وقتی که به بستر خواب می رفت می فرمود: «حمد و ستایش برای خدای یکتایی است که خوراک به ما داد و سیراب کرد ما را و کفایت ما را از خوراک و آب و لباس فراهم فرمود و جایگاه به ما عطا نمود، چه بسیار کسانی که نه کفایت خوراک و آب و لباس دارند و نه جایگاه و منزلی که از آفتاب و باد و باران خود را در آن حفظ کنند».

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الْحَسَنِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي الْأَزْهَرِيِّ وَ يُقَالُ أَبُو زُهَيْرٍ الْأَنْمَارِيُّ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم كَانَ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: (بِاسْمِ اللَّهِ وَ ضَعْتُ جَنِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ أَخْسِيءُ شَيْطَانِي وَ فَكِّ رَهَانِي وَ اجْعَلْنِي فِي النَّدَى الْأَعْلَى)

رسول الله صلى الله عليه وسلم موقعی که آرامگاه خود را در شب فراهم می کرد، به بستر خواب می رفت تا در آن جا آرام گیرد، می فرمود: «به نام خدا پهلویم را بر زمین نهادم: خدایا بیامرزش گناهم را و خوار کن شیطانم را، از آن جا که بر هر کس شیطانی برای وسوسه ی او گماشته شده برای تعلیم امت فرمود: شیطان گماشته بر من را خوار کن

تا هیچ اذیتی نتواند انجام دهد و باز کن گروگان مرا، هر کسی در گرو کردار خود است، تا در گرو هیچ عملی نباشم و آزادانه به طاعتت بپردازم، و بگردان مرا در ملأ اعلیٰ. یعنی مرا در گروه فرشتگان قرار ده تا دور و بر من همه فرشتگان و دعوت کنندگان به سوی طاعت حق تعالی باشند».

امام ابوسلیمان خطابی فرمود: ندی: گروهی هستند که در یک مجلس جمع شده باشند. و نادی هم به همین معنی است و جمع آن اُنْدِیَه است. و مقصود رسول الله ﷺ از ندی اَعْلَى: المَلَأُ الأَعْلَى یعنی گروه ملائکه است.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ عَنْ نَوْفَلِ الأَشْجَعِيِّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (اقْرَأْ: قُلْ يَا أَيُّهَا الكَافِرُونَ، ثُمَّ نَمَّ عَلَى خَاتِمَتِهَا فَإِنَّهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشِّرْكِ). وَ فِي مُسْنَدِ أَبِي يَعْلَى المَوْصِلِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: (أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى كَلِمَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنَ الإِشْرَاقِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، تَقْرَأُونَ قُلْ يَا أَيُّهَا الكَافِرُونَ عِنْدَ مَنَامِكُمْ). رسول الله ﷺ به نوفل اشجعی فرمود: «سورهی قُلْ يَا أَيُّهَا الكَافِرُونَ را بخوان و در آخر آن به خواب برو، برای اینکه پایان این سوره براءت از شرک است». و در روایت ابن عباس فرمود: «شما را راهنمایی می‌نمایم بر کلمه‌ای که شما را از شرک آوردن به خدای عزوجل نجات می‌دهد برای این منظور موقع خواب سورهی قُلْ يَا أَيُّهَا الكَافِرُونَ را بخوانید».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَرَبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رضي الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ المُسَبِّحَاتِ قَبْلَ أَنْ يَرْقُدَ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ﷺ پیش از اینکه بخوابد سوره‌هایی که اول آن سَبِّحَ لِلَّهِ یا يُسَبِّحُ لِلَّهِ می‌باشد، مثل سوره‌های حشر و صف و تغابن و جمعه و اعلیٰ می‌خواند و الله اعلم.

وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ لَا يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ بِنِ إِسْرَائِيلَ وَ الزُّمَرِ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ﷺ نمی خوابید تا اینکه سوره‌ی بنی اسرائیل و سوره‌ی زمر را می‌خواند.

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانِي وَ آوَانِي وَ أَطْعَمَنِي وَ سَقَانِي، وَ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ، وَ الَّذِي أَعْطَانِي فَأَجْزَلَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، اللَّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَلِيكَهُ وَ إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ).

رسول الله ﷺ موقعی که پهلو را بر بستر خواب می‌نهاد می‌فرمود: «حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتایی است که کفایت مرا فراهم فرمود و جایگاه به من عطا نمود و خوراک مرا رسانید و سیراب نمود، خدایی که منت گذاشت و زیاده بر حاجت ارزانی داشت خدایی که به من عطا فرمود و بسیار نمود، حمد و ستایش‌ها همه برای خدای یکتاست در همه حال. خدایا، پروردگار همه چیز و مالک و دارنده‌ی همه، و معبود به حق همه چیز، پناه می‌برم به تو از دوزخ».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: (مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ ذُنُوبَهُ وَ إِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ النُّجُومِ وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ رَمْلِ عَاجٍ وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ أَيَّامِ الدُّنْيَا).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که موقع رفتنش به بستر خوابش سه بار بگوید: از خدا آمرزش می‌خواهم، آن خدایی که نیست معبودی به حق مگر او، خدای همیشه

زنده و تدبیرکننده‌ی خلاق، و توبه و رجوع می‌کنم به درگاه او، خدا می‌آمرزد گناهانش را و اگرچه باشد مثل کف دریا، و اگر باشد به شمارهی ستارگان، و اگرچه باشد به شمارهی شن عاج، و اگرچه باشد به شمارهی روزهای دنیا».

و رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ غَيْرِهِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مَنْعَةٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، لُدِغْتُ اللَّيْلَةَ فَلَمْ أَنْمَ حَتَّى أَصْبَحْتُ قَالَ: (مَاذَا)؟ قَالَ: عَقْرَبٌ. قَالَ: (أَمَا إِنَّكَ لَوْ قُلْتَ حِينَ أَمْسَيْتَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، لَمْ يَضُرْك شَيْءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى).

مردی از قبیله‌ی اسلم گفت: خدمت رسول الله ﷺ نشسته بودم که مردی از یاران رسول الله ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا، دیشب گزیده شدم و از درد آن تا صبح خواب به چشمم نیامد. فرمود: «چه چیز تو را گزید»؟ گفت: کژدم. فرمود: «آگاه باش که اگر در اول شب گفته بودی: پناه می‌برم به کلمات خدا که تمام و کمال را دارند از شر آنچه را که خدا آفرید. اگر این را گفته بودی به خواست خدای متعال هیچ چیز زیانی به تو نمی‌رسانید».

همچنین این حدیث را قبلاً در سنن ابو داود و غیره از روایت ابی هریره رضی الله عنه در باب آنچه گفته می‌شود در صبح و شام یاد کردیم.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَوْصَى رَجُلًا إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ أَنْ يَقْرَأَ سُورَةَ الْحَشْرِ وَ قَالَ: (إِنْ مِتَّ، مِتَّ شَهِيدًا، أَوْ قَالَ: مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ).

در کتاب ابن سنی از انس رضی الله عنه روایت نمودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را سفارش کرد تا موقعی که برای خوابیدن پهلو بر بستر می‌نهد سوره‌ی حشر را بخواند و

فرمود: «با خواندن سوره‌ی حشر اگر در آن شب مردی به شهادت از دنیا رفته‌ای یا از اهل بهشت هستی».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ أَمَرَ بِبِلَالٍ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ أَنْ يَقُولَ: (اللَّهُمَّ أَنْتَ خَلَقْتَ نَفْسِي وَأَنْتَ تَتَوَفَّأُهَا، لَكَ مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا، إِنْ أَحْيَيْتَهَا فَأَحْفِظْهَا وَإِنْ أَمَتَّهَا فَاغْفِرْ لَهَا، اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ). قَالَ ابْنُ عُمَرَ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

در صحیح مسلم از ابن عمر رضی الله عنهما روایت نمودیم که پیامبر ﷺ بلال را امر کرد تا موقعی که به بستر خواب رفت بگوید: «خدایا تو جان مرا آفریدی و تو آن را وفات می‌دهی، زندگی و مرگش برای توست، اگر تو او را زنده نمودی او را نگه‌دار و اگر او را مرگ دادی او را بیامرز. خدایا از تو عافیت می‌خواهم». ابن عمر گفت: این را از رسول الله ﷺ شنیدم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِمَا بِالأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ حَدِيثَ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الَّذِي قَدَّمَ نَاهُ فِي بَابِ مَا يَقُولُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالمَسَاءِ فِي قِصَّةِ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ عَالِمِ الغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَلِيكَهُ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ شَرِّكَه، قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ وَ إِذَا أَمْسَيْتَ وَ إِذَا أَضْطَجَعْتَ.

و روایت نمودیم در سنن ابی داود و ترمذی و غیر این دو به اسناد صحیح حدیث ابی هریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ را که پیش از این یاد کردیم در داستان ابی بکر صدیق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: خدایا شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین، دانا به آنچه در عالم غیب است و دیده نمی‌شود و آنچه در عالم شهادت و دیدنی است، پروردگار هر چیز و مالک آن، گواهی می‌دهم بر اینکه نیست معبودی بحق مگر تو. پناه می‌برم به تو از شر خودم و از شر شیطان و

دام او و شر شرک آوری و وسوسه‌ی او. که رسول الله ﷺ به او فرمود: که آن را وقتی به صبح داخل می‌شود و وقتی که به شب داخل می‌شود و وقتی که به پهلوی می‌افتد برای خوابیدن، بخوان.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ فَيَقْرَأُ سُورَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَلَكًا لَا يَدَعُ شَيْئًا يَقْرِبُهُ يُؤْذِيهِ حَتَّى يَهْبُ مَتَى هَبَّ) إِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ وَمَعْنَى هَبَّ: انْتَبَهَ وَقَامَ.

رسول الله ﷺ فرمود: هر مسلمانی که موقعی که به بستر خواب می‌رود و سوره‌ای از کتاب خدای تعالی را می‌خواند خدای عز و جل فرشته‌ای بر او موکل می‌کند تا نگذارد چیزی به او نزدیک شود و او را بیازارد تا اینکه از خواب بیدار شود و از بستر خواب بلند شود. اسناد این حدیث ضعیف است. و معنی هَبَّ: به خود آمد و بیدار شد و از بستر خواب برخاست.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أْوَى إِلَى فِرَاشِهِ ابْتَدَرَهُ مَلَكٌ وَشَيْطَانٌ، فَقَالَ الْمَلَكُ: إِحْتِمٌ بِخَيْرٍ، فَقَالَ الشَّيْطَانُ: إِحْتِمٌ بِشَرٍّ، فَإِنْ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ نَامَ بَاتَ الْمَلَكُ يَكْلُؤُهُ).

رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که شخص به بستر خواب می‌رود، فرشته‌ای و شیطانی می‌شتابند تا زودتر به او برسند. فرشته وقتی که به او رسید به او می‌گوید: پایان کارت به خیر کن و شیطان می‌گوید: پایان کارت به شر کن. اگر نام خدای متعال بر زبان جاری کرد و آنگاه خوابید فرشته از او نگهداری می‌نماید.»

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَضْطَجَعَ لِلنَّوْمِ: (اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتَ جَنِي فَأَغْفِرْ لِي ذَنْبِي).

رسول الله ﷺ وقتی بر پهلو می خوابید برای خوابیدن می فرمود: «خدایا به نام تو پهلوی خود را بر زمین نهادم، پس بیامرزش گناهانم را».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: (مَنْ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ طَاهِرًا وَذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يُدْرِكَهُ النَّعَاسُ لَمْ يَتَقَلَّبْ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أُعْطَاهُ إِيَّاهُ).

ابو امامه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: «کسی که به بستر خواب پاک و با وضو رفت و یاد خدای عز و جل نمود تا اینکه چرت زدن به او رسید، هر ساعتی از شب که به خود آمد و از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت خواست خدا آن را به او می دهد».

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: (اللَّهُمَّ أَمْتِعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهَا الْوَارِثَ مِنِّي وَانصُرْنِي عَلَى عَدُوِّي وَأَرِنِي مِنْهُ ثَأْرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَمِنَ الْجُوعِ فَإِنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ). قَالَ الْعُلَمَاءُ مَعْنَى اجْعَلْهَا الْوَارِثَ مِنِّي: أَيُ إِتْقَهُمَا صَحِيحَيْنِ سَلِيمَيْنِ إِلَى أَنْ أَمُوتَ. وَقِيلَ: الْمُرَادُ بَقَاؤُهُمَا وَقُوَّتُهُمَا عِنْدَ الْكِبَرِ وَضَعْفِ الْأَعْضَاءِ وَبَاقِي الْحَوَاسِ، أَيُ اجْعَلْهَا وَارِثِي قُوَّةَ بَاقِي الْأَعْضَاءِ وَالْبَاقِينَ بَعْدَهَا. وَقِيلَ الْمُرَادُ بِالسَّمْعِ: وَعَى مَا يُسْمَعُ وَالْعَمَلُ بِهِ، وَبِالْبَصَرِ: الْإِعْتِبَارُ بِمَا يَرَى. وَرُوي: «وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّي» فَرَدَّ الْهَاءَ إِلَى الْإِمْتَاعِ وَحَدَّهُ.

رسول الله ﷺ وقتی که به بستر خواب می رفت می فرمود: «خدایا خوشی از شنوایی و بینایی ام نصیبم گردان و چشم و گوش مرا به صحت و سلامت نگاهدار تا

روزی که از دنیا رهسپار آخرت می‌شوم و در پیری و ضعف اعضا، شنوایی و بینایی‌ام را به قوت خود باقی گذار و مرا توفیق ده که فرمان تو را به سمع قبول بپذیرم و از آنچه می‌بینم به چشم اعتذار اندرز گیرم و مرا بر دشمنانم نصرت ده و پیروز گردان و به من نشان ده دشمنانم چگونه به قصاص خود می‌رسند. خدایا پناه می‌برم به تو از چیرگی و فشار بدهکاری و از گرسنگی که بدهکاری همبستر بدی است و انسان نمی‌تواند با گرسنگی شدید بسازد». دانشمندان گفته‌اند که معنی: **وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي**: و چشم و گوش مرا میراث برم قرار ده، یعنی هر دو را صحیح و سلامت بدار تا لحظه‌ی مرگ که در تمام زندگی چشم و گوشم سالم باشند. و گفته شده به معنی شنوایی و بینایی مرا حفظ فرما تا در وقت ضعف پیری و ناتوانی اعضا، چشم و گوشم به قوت خود باقی باشند. و گفته شده: به معنی شنوایی فرمان خدا و اطاعت او و اندرز گرفتن از مشاهدات است. و روایت شده به صیغه‌ی افراد: **وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّي**، یعنی خوشی از چشم و گوش میراث برم بگردان.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَيْضًا قَالَتْ: (مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُنْذَ صُحْبَتِهِ يَنَامُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَعَوَّذَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْكَسَلِ وَالسَّامَةِ وَالْبُخْلِ وَسُوءِ الْكِبَرِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنَ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ).

و از عائشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا روایت داریم که فرمود: «از روزی که همنشین پیغمبر ﷺ بودم تا روزی که از جهان رحلت فرمود نمی‌خوابید تا اینکه از این چند چیز پناه برد. از ترسویی و سستی و نومیدی و بخل و بدی پیری و بدی منظر اهل و مال - بدی پیری به صورت تندخویی و بداخلاقی و بدی منظر اهل و مال به اینکه زن و فرزند و بستگان دچار بیچارگی و بداخلاقی شوند و مال از بین برود و به آن نیازمند شد - و از عذاب قبر و از شیطان لعین و دام و وسوسه‌ی شَرِّ او».

وَرَوَيْنَا عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهَا كَانَتْ إِذَا أَرَادَتْ النَّوْمَ تَقُولُ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رُؤْيَا صَالِحَةً صَادِقَةً غَيْرَ كَاذِبَةٍ، نَافِعَةً غَيْرَ ضَارَّةٍ). وَكَانَتْ إِذَا قَالَتْ هَذَا عَرَفُوا أَنَّهَا غَيْرُ مُتَكَلِّمَةٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تُصْبِحَ أَوْ تَسْتَيْقِظَ مِنَ اللَّيْلِ.

و روایت از عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا داریم که ایشان موقعی که قصد خوابیدن می نمود می فرمود: «خدایا از تو می خواهم خواب دیدنی که شایسته و راست باشد و سودمند باشد و زیان آور نباشد». و وقتی که این را می گفت می دانستند که سخنی نمی گوید تا اینکه صبح شود یا در آن شب از خواب بیدار شود.

و رَوَى الْإِمَامُ الْحَافِظُ أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي دَاوُدَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: (مَا كُنْتُ أَرَى أَحَدًا يَعْقِلُ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ الْآيَاتِ الثَّلَاثِ الْآخِرَ مِنْ سُورَةِ الْبَقْرَةِ. إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ عَلَى شَرَطِ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ.

امام حافظ ابوبکر بن ابی داود به اسناد خود از علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت نمود که علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: «نمی دیدم کسی که عاقل باشد و بخوابد قبل از اینکه سه آیه ی آخر سوره ی البقره را بخواند». آیات: ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶.

و رَوَى أَيْضًا عَنْ عَلِيٍّ: (مَا أَرَى أَحَدًا يَعْقِلُ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ يَنَامُ حَتَّى يَقْرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ).

و امام حافظ باز هم از علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت نمود که ایشان فرموده اند: «نمی بینم کسی را که عقل داشته باشد و داخل در اسلام شده باشد و شب بخوابد قبل از اینکه آیه الکرسی را بخواند». آیه الکرسی: آیه ی ۲۵۵ سوره البقره

و عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ: كَانُوا يُعَلِّمُونَهُمْ إِذَا أَوْوَا إِلَى فِرَاشِهِمْ أَنْ يَقْرَأُوا الْمَعْوِذَتَيْنِ.
و فِي رَوَايَةٍ: كَانُوا يَسْتَحِبُّونَ أَنْ يَقْرَأُوا هَؤُلَاءِ السُّورِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: قُلْ هُوَ اللَّهُ
أَحَدٌ وَ الْمَعْوِذَتَيْنِ. إِسْنَادُهُ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ مُسْلِمٍ.

و از ابراهیم نخعی رحمته الله تعالی روایت است که فرمود: علما به فرزندان و بستگان‌شان می‌آموختند که وقتی که به بستر خواب می‌آیند سوره‌ی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ را بخوانند و سپس بخوابند. و در روایتی دیگر، علما مستحب می‌دانستند که این سه سوره را در هر شب سه بار بخوانند، قبل از اینکه بخوابند. سوره‌ی قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و سوره‌ی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و سوره‌ی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ. اسناد آن صحیح است و بر شرط مسلم است. و کلمه‌ی بر شرط مسلم است، یعنی راوی این اثر کسانی هستند که مسلم در صحیح خود از ایشان روایت نمود.

و بدان که آثار و احادیث در این باب بسیارند و در آنچه یاد کردیم کفایت است برای کسی که موفق به عمل به آن شود. و ما زیاده بر آن را حذف کردیم و نیاوردیم از ترس اینکه طالب این اذکار از بسیاری آن خسته و ملول شود. پس بهتر آن است که انسان همه‌ی این اذکار را بخواند. اگر خواندن همه‌ی آن‌ها برایش ممکن نبود، به مهم‌ترین آن‌ها که می‌تواند اکتفا کند.

بدان که کسی که بیدار می‌شود در شب بر دو قسم است: یکی از آن دو کسی است که وقتی که بیدار شد نمی‌خوابد و در اول کتاب اذکار او را یاد کردیم. دوم کسی که بعد از بیدار شدن قصد خوابیدن دارد و این شخص برایش مستحب است که خدا را یاد کند تا اینکه خواب بر او چیره شود و بخوابد و در این خصوص اذکار بسیاری وارد شده است از آن جمله است آنچه در بخش یکم گذشت و از آن جمله است آنچه روایت آن در صحیح بخاری داریم از عبادة بن الصامت رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود: «کسی که بیدار شد از خواب در شب و گفت: لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد و هو على كل شيء قدير. الحمد لله و سبحان الله و لا إله إلا الله و الله أكبر و لا حول و لا قوة إلا بالله، بعد از آن گفت: اللهم اغفر لي، خدایا بیامرز مرا یا دعا کرد دعایش به اجابت می‌رسد و اگر وضو گرفت و نماز خواند نمازش قبول می‌شود». امام نووی رحمته الله در اذکار فرموده که در نسخه‌های معتمد به همان صورت است که یاد شد و در بعضی نسخه‌ها بعضی کلمات افتاده است که ما از روی نسخه‌های مورد اعتماد آوردیم. والله اعلم.

و روایت داریم در سنن ابی داود به اسنادی که نگفت ضعیف است از عایشه رضی الله عنها که رسول الله صلی الله علیه و آله هر وقت در شب بیدار می‌شد می‌فرمود: (لا إله إلا أنت سبحانك اللهم أستغفرک لذنبي، و أسألك رحمتك، اللهم زدني علماً و لا تُزعِ قلبي بعد إذ هديتني و هب لي من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب).

«نیست معبودی به حق مگر تو، خدایا تسبیح و تنزیه تو می‌گویم، از تو طلب آمرزش می‌کنم برای گناهانم و از تو طلب رحمت می‌کنم. خدایا بیفزای علم مرا و منحرف مساز دل مرا بعد از اینکه مرا به راه راست رساندی و از نزد خودت رحمتی به من ببخش یقیناً تو بسیار بخشاینده هستی».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ - تَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ - إِذَا تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ).

رسول الله ﷺ وقتی که بیدار می شد در شب می فرمود: (لا إله إلا الله الواحد القهار رب السموات و ما بینهما العزیز الغفار)؛ «نیست معبودی به حق مگر الله که یکتای قهار است، پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، آن خدای پر عزت آمرزگار».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: (إِذَا رَدَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى الْعَبْدِ الْمُسْلِمِ نَفْسَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَاسْتَغْفَرَهُ وَدَعَاهُ تَقَبَّلَ مِنْهُ).

ابو هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید که شنید از رسول الله ﷺ که می فرمود: «وقتی که خدای عزوجل روح بنده ی مسلمان را برگردانید و او را از خواب بیدار کرد اگر بنده در آن موقع تسبیح خدا بگذارد و بگوید: سبحان الله و استغفار نماید و بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ دَعَا نَمَائِد. خدای می پذیرد از او تسبیح و استغفارش و به اجابت می رساند دعای او را».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ وَ ابْنِ مَاجَةَ وَ ابْنِ السُّنِيِّ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ عَنْ فِرَاشِهِ مِنَ اللَّيْلِ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ فَلْيَتَنَفَّضْهُ بِصِنْفَةِ إِزَارِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلْفَهُ عَلَيْهِ، فَإِذَا أَضْطَجَعَ فَلْيَقُلْ: بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ وَضَعْتُ جَنِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ إِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا وَإِنْ رَدَدْتَهَا فَأَحْفِظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ)

قال الترمذی حدیث حسن. قال أهل اللغة: صِنْفَةُ الْإِزَارِ: جَانِبُهُ الَّذِي لَا هَدْبَ فِيهِ وَ قِيلَ جَانِبُهُ: أَيُّ جَانِبِ كَانِ.

رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه یکی از شما از بستر خوابش برخاست و بعد به سوی آن برگشت به سمت حاشیه‌ی لنگ خود، فراش را سه بار تکان دهد تا اگر حشره‌ی موذی بر فراش او رفته باشد معلوم شود و نتواند او را بگذرد، برای اینکه از وقتی که از بستر خواب برخاسته تا وقتی که برگشته، نمی‌داند چه چیز بر فراش او رفته است. و موقعی که به پهلو خوابید بر بستر خود بگوید: (بِأَسْمِكِ اللَّهُمَّ وَضَعْتُ جَنْبِي وَ بَكَ أَرْفَعُهُ إِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا وَ إِنْ رَدَدْتَهَا فَأَحْفَظُهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحِينَ)؛ «به نام تو ای خدا، پهلویم را بر بستر خواب نهادم و به نام تو پهلویم را از بستر خواب برمی‌دارم، اگر روح مرا نزد خودت نگه‌داشتی او را مورد رحمتت قرار ده و اگر روح مرا به جسمم بازگرداندی او را نگه‌دار چنانکه بندگان شایسته‌ات را نگه می‌داری». صَنِفَةُ الْإِزَارِ: حاشیه‌ی ازار یا جامه یا لنگ یا.

وَ رَوَيْنَا فِي مُوطَّأِ الْإِمَامِ مَالِكِ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي بَابِ الدُّعَاءِ آخِرِ كِتَابِ الصَّلَاةِ عَنْ مَالِكٍ أَنَّهُ بَلَغَهُ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّهُ كَانَ يَقُومُ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَيَقُولُ: (نَامَتِ الْعُيُونُ وَ غَارَتِ النُّجُومُ وَ أَنْتَ حَتَّى قِيَوْمٍ) قلت معنی غَارَتْ: غَرَبَتْ.

و روایت داریم در کتاب موطای امام مالک رَحِمَهُ اللَّهُ در باب دعا، آخر کتاب الصلاة از مالک که گفت: به من رسیده از ابی الدرداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ که در دل شب از خواب برمی‌خاست و می‌گفت: «نَامَتِ الْعُيُونُ وَ غَارَتِ النُّجُومُ وَ أَنْتَ حَتَّى قِيَوْمٍ: چشم‌ها به خواب رفتند و ستاره‌ها غروب کردند و تو همیشه زنده و همیشه عالم را تدبیر می‌کنی».

(باب ما يقول إذا قلق في فراشه فلم ينام)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در بستر خوابش ناآرام شد و به خواب نرفت.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رضي الله عنه قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم أَرْقًا أَصَابَنِي فَقَالَ: (قُلْ اللَّهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ وَهَدَّاتِ الْعُيُونَ وَ أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَهْدِيْ لَيْلِيْ وَ أَنْمِ عَيْنِي) فَكُلْتُمَا فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُ.

زید بن ثابت رضي الله عنه گفت که شکایت کردم نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم از بی‌خوابی که به من دست داده بود فرمود: «بگو: «غَارَتِ النُّجُومُ»؛ ستاره‌ها غروب نمودند و هَدَّاتِ الْعُيُونَ: و چشم‌ها آرام گرفتند و أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ: و تو ای خدا همیشه زنده هستی و همیشه تدبیرکننده‌ی عالم هستی، هیچ‌گاه چرت زدن و به خواب رفتن دست نمی‌دهد تو را، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَهْدِيْ لَيْلِيْ وَ أَنْمِ عَيْنِي: ای همیشه زنده، همیشه تدبیرکننده‌ی عالم شب مرا آرام بگردان و به خواب ببر چشمم را.»
فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنِّي مَا كُنْتُ أَجِدُ: خدای عزوجل از من دور کرد بی‌خوابی و ناآرامی را که به آن دچار بودم.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَبَّانٍ بَفَتْحِ الْحَاءِ وَ بِالْبَاءِ الْمَوْحَدَةِ أَنَّ خَالَدَ بْنَ الْوَلِيدِ رضي الله عنه أَصَابَهُ أَرْقٌ فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَعَوَّذَ عِنْدَ مَنَامِهِ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَ مِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَنْ يَحْضُرُونَ. هَذَا حَدِيثٌ مُرْسَلٌ. مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى تَابِعِيٌّ. قَالَ أَهْلُ الْأَلْفَةِ: الْأَرْقُ هُوَ السَّهَرُ.

خالد بن الولید رضي الله عنه دچار بی‌خوابی شد و شکایت آن را نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم برد.

رسول الله ﷺ فرمود: بگو: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُخَضِّرُونَنِي)؛ «پناه می‌برم به کلمات تامات خدا، به قرآن، از خشم خدا و از شر بندگان خدا و از شر وسوسه‌های شیطان‌ها و از اینکه همیشه شیطان‌ها بر سر او حاضر باشند و به وسوسه‌های خود او را بیازارند». این حدیث مرسل است برای اینکه صحابی از سند افتاده است و محمد بن یحیی که تابعی است از او روایت شده. و أَرْقُ، یعنی بی‌خوابی.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ وَضَعَّفَهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ: شَكَاهُ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَنَامُ اللَّيْلَ مِنَ الْأَرْقِ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: (إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَمْتُ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقَلَّتْ وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ، كُنْ لِي جَارًا مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعًا أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَأَنْ يَبْغِيَ عَلَيَّ، عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ).

خالد بن الولید رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ از بی‌خوابی که به او دست داده بود شکایتش را به رسول الله ﷺ برد. رسول الله ﷺ فرمود: «وقتی که به بستر خواب رفتی بگو: خدایا ای پروردگار آسمان‌ها و آنچه آسمان‌ها بر آن سایه افکنده‌اند و ای پروردگار زمین و آنچه بر آن جای گرفت و ای پروردگار شیطان‌ها و آنچه از دست آن‌ها به گمراهی افتاد، پناه من باش از شر خلق همه‌شان با هم از اینکه زیاده‌روی کند بر من یکی از آنان و از اینکه تعدی کند بر من یکی از آنان. عزتمند شد کسی که پناه به تو آورد و شکوه‌مند شد ثنای بر تو و نیست معبودی به حق غیر از تو».

(باب ما يقول إذا كان يفرع في منامه)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب می‌ترسد.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ وَابْنِ السُّنِيِّ وَغَيْرِهَا عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْفِرْعِ كَلِمَاتٍ: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُحْضَرُونَ). قَالَ: وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو يُعَلِّمُهُنَّ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقَلْ كَتَبَهُ فَعَلَّقَهُ عَلَيْهِ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ﷺ برای نجات‌شان از ترس در خواب چند کلمه به ایشان می‌آموخت که آن را بگویند: «پناه می‌برم به کلمات خدا آن کلماتی که تمام و کامل است و نقصی در آن نیست. از ترس از خدا و از شرّ بندگان خدا. و از شرّ وسوسه‌ی شیطان‌ها و آنکه حاضر شوند». عبدالله بن عمرو بن العاص هر کدام از پسرانش که عقل داشت و بزرگ بود، این کلمات را به او می‌آموخت تا آن را بخواند و هر کدام از پسرانش که کوچک بود و عقلش نمی‌رسید، این کلمات را می‌نوشت و بر او آویزان می‌کرد.

و فِي رَوَايَةٍ ابْنِ السُّنِيِّ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَشَكَأَ أَنَّهُ يَفْرَعُ فِي مَنَامِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُحْضَرُونَ) فَقَالَهَا فَذَهَبَ عَنْهُ.

مردی به خدمت رسول الله ﷺ آمد و از بی‌خوابی شکایت نمود. رسول الله ﷺ به او فرمود: «هر وقت که به بستر خوابت رفتی بگو: پناه می‌برم به کلمات کامل خدا، از خشم خدا، و از شرّ بندگان خدا، و از وسوسه‌های شیطان‌ها و از اینکه بر سر او حاضر شوند». آن مرد این کلمات را گفت و از شرّ بی‌خوابی و ناراحتی نجات یافت.

(باب ما يقول إذا رأى في منامه ما يحب أو يكره منه)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در خواب دید آنچه را که دوست می‌دارد یا دید آنچه را که دوست نمی‌دارد.

و رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ:
 (إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ رُؤْيَا يُحِبُّهَا، فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَلِيُحْمَدِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَيْهَا وَ لِيُحَدِّثَ بِهَا)
 وَ فِي رَوَايَةٍ: (فَلَا يُحَدِّثُ بِهِ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وَإِذَا رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ
 فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا وَ لَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ فَإِنَّمَا لَا يَضُرُّهُ).

«وقتی که یکی از شما خوابی دید که آن را دوست می‌دارد در حقیقت آن خوابی است که از خدای متعال است و ستایش خدا بر آن بگوید و آن را بازگو کند. و در روایتی دیگر آن را به کسی نگوید مگر به کسی که او را دوست می‌دارد. و اگر خوابی غیر از آن دید که ناپسند می‌دانست، پس آن از شیطان است و به خدا از شر آن پناه ببرد و آن را برای کسی نگوید، که آنگاه به او زیانی نمی‌رساند.»

و رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ جَابِرٍ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: (إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ الرُّؤْيَا
 يَكْرَهُهَا فَلْيَبْصُقْ مِنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا وَ لْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلَاثًا وَ لْيَتَحَوَّلْ عَنْ جَنْبِهِ
 الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «هرگاه یکی از شما خوابی دید که از آن خوشش نمی‌آید سه بار آب دهن را از دست چپ بیندازد و سه بار بگوید: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ از پهلوئی که بر آن خوابیده بر پهلوئی دیگر بخوابد.»

وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ مِنْ رِوَايَةِ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه مَرْفُوعاً: (إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلَا يُحَدِّثْ لَهَا أَحَدًا وَ لِيُتِمَّ فَلْيُصَلِّ).

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را خوشایند نمی‌داند آن را به کسی نگوید و بلند شود و دو رکعت نماز بخواند».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ وَقَالَ فِيهِ: (إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَتَّقِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ وَ سَيِّئَاتِ الْأَخْلَامِ، فَإِنَّهَا لَا تَكُونُ شَيْئًا).

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را دوست نمی‌داشت سه بار آب دهن را از دست چپ در دستمال بیندازد و بگوید: خدایا به تو پناه می‌برم از کار شیطان و خواب‌های بد، که آنگاه چیزی نمی‌باشد و ضرری نمی‌رساند».

(بَابُ مَا يَقُولُ إِذَا قَصَّتْ عَلَيْهِ رُؤْيَا)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی دیگری خواب خود را برای او حکایت نمود.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: لِمَنْ قَالَ لَهُ رَأَيْتُ رُؤْيَا، قَالَ: (خَيْرًا رَأَيْتَ وَ خَيْرًا يَكُونُ) وَ فِي رِوَايَةٍ: (خَيْرًا تَلَقَّاهُ، وَ شَرًّا تَوَقَّاهُ، خَيْرًا لَنَا وَ شَرًّا، عَلَى أَعْدَائِنَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم به کسی که به ایشان گفت خوابی دیده‌ام فرمود: «خیر دیده‌ای و خیر می‌شود. و در روایتی دیگر فرمود: «به خیر می‌رسی و از شر نگه داشته می‌شوی، خیر است برای ما و شر است بر دشمنان، و ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است».

(باب الحثّ علی الدعا والاستغفار فی النصف الثانی من کلّ لیلة)

بابی است در بیان تشویق و ترغیب به دعا و استغفار در نیمه‌ی دوم هر شب

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ فَيَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبُ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ، مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرُ لَهُ). وَفِي رَوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: يَنْزِلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ حِينَ يَمْضِي ثُلُثُ اللَّيْلِ الْأَوَّلِ فَيَقُولُ: أَنَا أَمْلِكُ أَنَا أَمْلِكُ، مَنْ ذَا الَّذِي يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبُ لَهُ، مَنْ ذَا الَّذِي يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ مَنْ ذَا الَّذِي يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرُ لَهُ، فَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يُضِيَءَ الْفَجْرُ). وَفِي رَوَايَةٍ: (إِذَا مَضَى شَطْرُ اللَّيْلِ أَوْ ثُلَاثَاهُ).

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبَسَةَ رضي الله عنه أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: (أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الرَّبُّ مِنَ الْعَبْدِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِنْ يَدُكُرِّ اللَّهِ تَعَالَى فِي تِلْكَ السَّاعَةِ فَكُنْ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «پروردگاران هر شب به آسمان دنیا می‌آید موقعی که دو سوم آخر شب باقی است و آنگاه می‌فرماید: چه کسی مرا می‌خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می‌خواهد تا به او بدهم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا او را بیامرزم». و در روایت مسلم: خداوند پاک و بلند مرتبه هر شب به آسمان دنیا می‌آید موقعی که دو سوم اول شب گذشته است و آنگاه می‌فرماید: من فرمانروایم، من فرمانروایم، چه کسی مرا می‌خواند تا اجابتش کنم، چه کسی از من می‌خواهد تا به او عطا کنم، چه کسی از من آمرزش می‌خواهد تا او را بیامرزم، همواره چنین است تا اینکه فجر روشن شود». و در روایتی دیگر، هر گاه یک دوم شب گذشت یا دو سوم آن. در سنن ابو داود و ترمذی از عمرو بن عبسه رضي الله عنه روایت داریم که او از

پیامبر ﷺ شنیده است که می‌فرماید: «نزدیک‌ترین زمان پروردگار به بنده در دل آخر شب است، پس اگر توانستی از کسانی باشی که خداوند بلند مرتبه را در آن لحظه یاد می‌کنند، پس از آنان باش.»

(باب الدعاء فی جمیع ساعات اللیل کلّ لیلۃ رجاء أن یصادف الإجابة)

بابی است در بیان اینکه هر شب تمام لحظه‌های آن موقع دعاست به امید اینکه با لحظه‌های اجابت دعا مصادف شود.

خدای متعال در ماه رمضان شبی را لیلۃ القدر ساخت و معین نفرمود تا در همه‌ی شب‌های رمضان کوشش در طاعت بشود تا مصادف با لیلۃ القدر شود. در روز جمعه لحظه‌ای را برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف با آن ساعت گردد. و در همه‌ی شب‌ها لحظه‌ای برای اجابت دعا قرار داد و معین نفرمود تا در همه‌ی لحظات شب‌ها در طاعت و دعا کوشش بشود تا مصادف آن لحظه گردد.

و رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: (إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يُوَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ وَ ذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ).

جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنهما می‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «محققاً در شب لحظه‌ای است که هر بنده‌ی مسلمان در آن لحظه از خدا خیری از خیرهای دنیا و آخرت بخواهد، خدا به او آن خیر را می‌دهد و این لحظه در همه‌ی شب‌هاست.»

(باب أسماء الله الحسنى)

بابی است در بیان نام‌های نیک خدا.

در کتابی که به نام: «المقصد الأسنى فى شرح أسماء الله الحسنى» نوشته‌ام همه‌ی این نام‌ها مشروحاً نوشته‌ام به آن مراجعه فرمایید.

قال الله تعالى: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾؛

«برای خدای سبحانه و تعالی بهترین نام‌هاست، شما از خدا بخواهید آنچه را که می‌خواهید به حسب همین نام‌ها تا خدا به شما بدهد آنچه را که از او می‌خواهید.»

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ إِسْمًا، مِائَةٌ إِلَّا وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ، إِنَّهُ وَثْرٌ يُحِبُّ الْوِثْرَ) مَنْ أَحْصَاهَا: مَنْ حَفَظَهَا. وَقِيلَ مَنْ عَرَفَ مَعَانِيَهَا وَآمَنَ بِهَا وَقِيلَ: مَنْ أَطَاقَهَا بِحُسْنِ الرَّعَايَةِ لَهَا وَتَخَلَّقَ بِمَا يُمَكِّنُهُ مِنَ الْعَمَلِ بِمَعَانِيهَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «محقق این است که خدای متعال نود و نه اسم دارد، یکی کمتر از صدتا. کسی که این نام‌های مقدس را از بر نماید به بهشت داخل می‌شود. او تاک است و تاک را دوست می‌دارد.» در معنی مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ: امام بخاری و بیشتر علما گفته‌اند که معنی مَنْ أَحْصَاهَا: مَنْ حَفَظَهَا: کسی که این نام‌ها را از بر نمود. و روایتی که در صحیح است مَنْ حَفَظَهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ مؤید این تفسیر است. این نود و نه اسم از این قرار است:

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ، الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ، الْمُؤْمِنُ، الْمُهَيَّمِنُ،
 الْعَزِيزُ، الْجَبَّارُ، الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ، الْبَارِئُ، الْمُصَوِّرُ، الْقَهَّارُ، الْوَهَّابُ، الرَّزَّاقُ، الْفَتَّاحُ، الْعَلِيمُ،
 الْقَابِضُ، الْبَاسِطُ، الْخَافِضُ، الرَّافِعُ، الْمُعِزُّ، الْمَذِلُّ، السَّمِيعُ، الْبَصِيرُ، الْحَكَمُ، الْعَدْلُ، اللَّطِيفُ،
 الْخَبِيرُ، الْحَلِيمُ، الْعَظِيمُ، الْغَفُورُ، الشَّكُورُ، الْعَلِيُّ، الْكَبِيرُ، الْحَفِيفُ، الْمَغِيثُ، الْحَسِيبُ، الْجَلِيلُ،
 الْكَرِيمُ، الرَّقِيبُ، الْمُجِيبُ، الْوَاسِعُ، الْحَكِيمُ، الْوَدُودُ، الْمَجِيدُ، الْبَاعِثُ، الشَّهِيدُ، الْحَقُّ، الْقَوِيُّ،
 الْمُتِينُ، الْوَلِيُّ، الْحَمِيدُ، الْمُخْصِي، الْمُبْدِي، الْمَعِيدُ، الْمُخْيِي، الْمَمِيتُ، الْحَيُّ، الْقَيُّومُ، الْوَاجِدُ،
 الْمَاجِدُ، الْوَاحِدُ، الصَّمَدُ، الْقَادِرُ، الْمُقْتَدِرُ، الْمَقْدَمُ، الْمَوْخِرُ، الْأَوَّلُ، الْآخِرُ، الظَّاهِرُ، الْبَاطِنُ،
 الْوَالِي، الْمُتَعَالِ، الْبَرُّ، التَّوَّابُ، الْمُنتَقِمُ، الْعَفْوُ، الرَّؤُوفُ، مَالِكُ الْمَلِكُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،
 الْمُقْسِطُ، الْجَامِعُ، الْغَنِيُّ، الْمَغْنِيُّ، الْمَانِعُ، الضَّارُّ، النَّافِعُ، النُّورُ، الْهَادِي، الْبَدِيعُ، الْبَاقِي،
 الْوَارِثُ، الرَّشِيدُ، الصَّبُورُ.

هذا حَدِيثُ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ إِلَى قَوْلِهِ «يُحِبُّ الْوِثْرَ» وَ مَا بَعْدَهُ حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ
 التِّرْمِذِيُّ وَ غَيْرُهُ. قَوْلُهُ «الْمَغِيثُ» رُوِيَ بِدَلَالِهِ «الْمَقِيتُ». وَ رُوِيَ «الْقَرِيبُ» بِدَلِّ «الرَّقِيبِ» وَ
 رُوِيَ «الْمَبِينُ» بِدَلِّ «الْمَتِينِ» وَ الْمَشْهُورُ الْمَتِينُ.

وَ فِي كِتَابِ الْمَقْصِدِ الْأَسْنَى فِي شَرْحِ أَسْمَاءِ الْحَسَنَى شَرْحَ هَمِهِ رَا نَوْشْتَهَام كَسَى
 كِه بِخَوَاهِدِ بِهِ أَنْ مَرَا جَعَهُ نَمَائِدِ.

وَ مَعْنَى إِنَّهُ وَثْرٌ: إِنَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا نَظِيرَ. وَ مَعْنَى يُحِبُّ الْوِثْرَ: تَفْضِيلُ الْوِثْرِ فِي
 الْأَعْمَالِ وَ كَثِيرٍ مِنَ الطَّاعَاتِ. كَلِمَةُ وَثْرٌ بِه كَسْرُ وَوٍ وَ بِه فَتْحُ وَوٍ: تَاكَ اسْتِ، نِه
 شَرِيكِي دَارِدِ وَ نِه نَظِيرِي وَ وَثْرٌ رَا دُوسْتِ دَارِدِ، مِثْلِ قَرَارِدَادِنِ نَمَا زَهَا بِه پَنَجِ نَمَا زِ.
 نَمَا زِ مَغْرِبِ سَه رَكَعَتِ. تَعْدَادِ أَسْمَانِهَا هَفْتِ تَا سْتِ، رُوزَهَا ي هَفْتِه هَفْتِ تَا. لَيْلَةُ الْقَدْرِ
 شَبِ بِيَسْتِ وَ يَكْمِ يَا بِيَسْتِ وَ هَفْتِ وَ غَيْرِ أَيْنِهَا.

(کتاب تلاوة القرآن)

کتابی است در بیان تلاوت قرآن

بدان که تلاوت قرآن بهترین اذکار است و مطلوب این است که قراءت قرآن همراه با تدبر معانی آن باشد. و برای قراءت قرآن آداب و مقاصدی است. امام نووی در این باره کتابی به نام «التبیین فی آداب حَمَلَةِ الْقُرْآن» تألیف نموده است و می‌فرماید که در کتاب اذکار مختصری از آن کتاب می‌آورد تا کسی که قصد اطلاع بیشتر دارد به کتاب تبیان مراجعه نماید. و معلوم است که امام نووی نوشته‌هایش همه از روی تحقیق است، این است که هر چه مرقوم می‌فرماید همه خلاصه و مغز مقاصد و مطالب مورد لزوم است.

(فصل) شایسته این است که بر تلاوت قرآن محافظت و مواظبت بشود، در شب و روز و در سفر و حضر. سلف صالح این امت رضی الله عنهم در مدت زمانی که ختم قرآن در آن می‌شود عادت‌های مختلف داشتند، گروهی از ایشان هر دو ماه یک ختم قرآن می‌خواندند. و گروهی دیگر هر ماهی یک ختم می‌نمودند. و گروهی هر روز یک ختم قرآن می‌نمودند. و جماعتی دیگر هر هشت روز یک ختم داشتند. و افرادی دیگر در هر هفت روز ختم قرآن می‌نمودند. و این ختم در هفت روز روش بیشتر سلف بود. و مردمی دیگر در هر شش روز ختمی داشتند و مردمی در هر چهار روز ختمی و بسیاری در هر سه روز ختمی داشتند و بسیاری در هر روز و شبی ختمی داشتند و جماعتی در هر روز و شبی دو ختم قرآن می‌نمودند و کسانی در هر روز و شبی سه ختم قرآن داشتند. و بعضی از ایشان در یک روز و شب هشت ختم قرآن می‌نمودند، چهار ختم در روز و چهار ختم در شب. و از این جمله است ابن الکاتب صوفی و این بیشترین مقداری است که به ما رسیده است. و سید جلیل احمد دورقی به اسناد

خود از منصور بن زاذان بن عبّاد تابعی رضی الله عنه روایت نمود که او میان ظهر و عصر یک ختم می‌نمود و میان مغرب و عشاء نیز یک ختم می‌نمود و در ماه رمضان میان مغرب و عشاء دو ختم قرآن می‌نمود. و در آن ایام نماز عشاء را به تأخیر می‌خواندند تا یک ربع شب بگذرد. و ابن ابی داؤد به اسناد خود از مجاهد رضی الله عنه روایت نمود که مجاهد در ماه رمضان میان مغرب و عشاء یک ختم قرآن می‌نمود. اما مردمی که قرآن را در یک رکعت ختم می‌کردند، بی‌شمارند. از آن جمله است عثمان بن عفان خلیفه سوم و تمیم داری و سعید بن جبیر. و در حقیقت به حسب اشخاص اختلاف پیدا می‌کند. بنابراین کسی که از خواندن به تأنی و آهستگی فهم کامل برایش دست می‌دهد مقداری از قرآن بخواند که به خوبی آنچه را که می‌خواند فهم کند. و همچنان کسانی که مشغول نشر علم هستند و کسانی که داوری میان مردم و فصل دعاوی دارند و کسانی که مهمّات دین و مصالح عامّه‌ی مسلمین به عهده دارند، باید اکتفاء کنند به مقداری از قراءت قرآن که برایشان میسر می‌شود و به وظیفه‌شان خلل نمی‌رساند. اما کسی که از این جمله نیست و کاری از مهمّات دین و مصالح مسلمین به عهده ندارد باید کوشش کند که هر چه بیشتر قراءت قرآن داشته باشد، به شرط اینکه کاری نکند که از شتاب در قراءت به قول عوام و زاور بخواند و نه فهمی از معنی و نه نصیبی از تقوی بیابد که چنین قراءتی مکروه می‌شود، برای اینکه مخارج حروف حفظ نمی‌کند و از استفاده‌ی معنوی محروم می‌ماند. و جماعتی از علما ختم قرآن در یک روز و شب را مکروه دانسته‌اند و حدیث زیر دلالت بر صحت نظر ایشان می‌دهد:

مَا رَوَيْنَاهُ بِالْأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ وَ النَّسَائِيِّ وَ غَيْرِهِمْ
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (لَا يَفْقَهُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ
فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ).

(فصل) فصلی است در بیان وقت‌های برگزیده برای خواندن قرآن.

بدان که بهترین قراءت قرآن قراءتی است که در نماز باشد و مذهب امام شافعی و افرادی دیگر از علما رحمهم الله تعالى این است که قیام نماز را طولانی کردن به قراءت قرآن بهتر است از طولانی کردن سجود و غیر آن. و اما قراءت قرآن در غیر نماز، پس بهترین آن قراءت قرآن در شب است و نیمه‌ی آخری شب برای قراءت قرآن بهتر است از نیمه‌ی اول شب. و محبوب است قراءت قرآن میان مغرب و عشاء. و اما خواندن قرآن در روز، پس بهترین وقت آن بعد از نماز صبح است. و هیچ وقت قراءت قرآن مکروه نیست، حتی در اوقات مکروه بودن نماز نیز قراءت قرآن کراهتی ندارد. و اما آنچه ابن ابی داؤد رحمته الله روایات نموده است از معاذ بن رفاعه رحمته الله که مشایخ قراءت قرآن بعد از عصر را مکروه می‌دانسته‌اند و می‌گفته‌اند: قراءت بعد از عصر قراءت یهود است، گفتاری است غیر مقبول و بی پایه که اصلی ندارد. و از بین روزها روزهای جمعه و دوشنبه و پنج‌شنبه و روز عرفه از اوقات برگزیده محسوب می‌شود. و روزهای ده‌گانه‌ی اول ذیحجه و ده روز اخیر ماه مبارک رمضان از اوقات برگزیده برای قراءت قرآن است. و از بین ماه‌ها ماه مبارک رمضان ماه برگزیده برای قراءت قرآن است.

(فصل) فصلی است در بیان آداب ختم قرآن و آنچه تعلق به آن دارد.

پیش از این گفتیم کسی که به تنهایی قرآن را می‌خواند بهتر است که ختم او در نماز باشد. اما کسی که ختم قرآن را در غیر نماز می‌نماید و جماعتی که جمع می‌شوند برای ختم قرآن، مستحب است که ختم کردن شان در اوّل روز یا اوّل شب باشد، چنانکه پیش از این گذشت. و مستحب است که روز ختم قرآن روزه باشد، مگر در صورتی که روز ختم قرآن شرعاً روزه رفتن در آن ممنوع باشد، مثل روز عید و ایام التشریق. و به ثبوت رسیده است از طلحة بن مصرف و المسیب بن رافع و

حبيب بن أبی ثابت که هر سه از تابعین و از اهل کوفه بوده‌اند رحمهم الله اجمعین که روزی که می‌خواستند در آن روز ختم قرآن نمایند آن روز را روزه می‌گرفتند. و مستحب است حاضر شدن در مجلس ختم قرآن برای کسی که قرآن می‌خواند و برای کسی که قراءت قرآن نمی‌تواند: فقد رَوَيْنَا فِي الصَّحِيحِينَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَمَرَ الْحَيْضَ بِالْخُرُوجِ يَوْمَ الْعِيدِ فَيَشْهَدْنَ الْخَيْرَ وَدَعْوَةَ الْمُسْلِمِينَ: رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دستور فرمود به بیرون رفتن زنان قاعده از خانه و رفتن به مصلى برای مشاهده‌ی نماز عید و شنیدن دعای خیر مسلمانان. با اینکه زنان قاعده نماز نمی‌خوانند، اما در محل نماز و دعای مسلمین شرکت می‌کنند تا برکت آن به ایشان هم برسد.

و رَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّهُ كَانَ يَجْعَلُ رَجُلًا يَرِاقِبُ رَجُلًا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْتِمَ أَعْلَمَ ابْنَ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَيَشْهَدُ ذَلِكَ. عبدالله بن عباس رضی الله عنهما وقتی می‌دانست که کسی نزدیک به ختم کردن قرآن است، شخصی را می‌گماشت تا او را زیر نظر بگیرد تا هر وقت دید نزدیک به ختم قرآن رسیده است ابن عباس را خبر کند و در مجلس ختم قرآن و دعای آن شرکت می‌کرد.

و روى ابن أبي داود بإسنادين صحيحين عن قتاده التابعي الجليل الامام صاحب أنس رضي الله عنه كان أنس بن مالك رضي الله عنه إذا ختم القرآن جمع أهله و دعا. انس بن مالك رضي الله عنه وقتی که قرآن را ختم می‌کرد اهل و بستگان خود را جمع می‌کرد و دعا می‌نمود برای سلامتی و سعادت خود و بستگان و عموم مسلمانان.

و روی باسانید صحیحة عن الحکم بن عتّیبة التابعی الجلیل الامام قال أرسل إلى مجاهد و عبدة بن أبی لبابة فقالا إنا أرسلنا إليك لانا أردنا أن نختم القرآن و الدعا يستجاب عند ختم القرآن.

حکم بن عتیبۀ تابعی جلیل می گوید که مجاهد و عبدة بن أبی لبابه کسی را فرستادند نزد من تا پیش ایشان بروم، وقتی که رفتم نزد ایشان فرمودند ما تو را دعوت کردیم که نزد ما بیایی برای اینکه می خواهیم ختم قرآن نماییم و دعا موقع ختم قرآن مستجاب است. یعنی تا از این ختم و دعا نصیبی ببری.

و فی بعض روایاتة الصحیحة: و أنه کان یقال: إن الرحمة تنزل عند خاتمة القرآن: رحمت نازل می شود موقع ختم قرآن.

و روی باسناده الصّحیح عن مجاهد قال: كانوا یجتمعون عند ختم القرآن یقولون تنزل الرحمة: سلف موقع ختم قرآن اجتماع می نمودند و می گفتند موقع ختم قرآن رحمت خدا نازل می شود.

(فصل) و دعا نزد ختم قرآن مستحب است، استحباب متأكد و شدید، به دلیل آنچه یاد کردیم از احادیث و آثار.

و رَوَيْنَا فِي مَسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ حَمِيدِ الْأَعْرَجِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ عَادَ آمَنَ عَلَى دَعَائِهِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ: کسی که قرآن خواند و بعد از خواندن قرآن دعا کرد چهار هزار فرشته بر دعای او آمین می گویند. و شایسته است که در دعا پافشاری نماید و به آن ادامه دهد و دعایی که می کند راجع به کارهای مهم و با کلمه های پرمغز باشد. و بیشتر آن در امور آخرت و امور مسلمین و صلاح رهبران مسلمین و ولات

امورشان و توفیق مسلمین در طاعت خدا و نگه‌داریشان از نافرمانی خدا و درباره‌ی همدستی‌شان در نکوکاری و تقوی و ایستادن به اجرای حق و وحدت کلمه و پیروزی‌شان بر دشمنان دین و همه‌ی مخالفین باشد. امام نووی در کتاب «آداب القراء» دعاهاى مختصر و جامع مقاصد خیر آورده است تا کسی که بخواهد از آن کتاب بگیرد. و مستحب است وقتی که ختمی را به آخر رسانید شروع به قراءت قرآن برای ختم دیگر نماید. سلف صالح همین روش را دوست می‌داشته‌اند که ختم قرآن متصل به هم باشد. و دلیل‌شان حدیث انس رضی الله عنه است: **أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَلُّ وَالرَّحْلَةُ، قِيلَ وَمَا هُمَا؟ قَالَ أَفْتِتَاحُ الْقُرْآنِ وَخَتْمُهُ).**

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «بهترین اعمال ختم قرآن و شروع مجدد برای قراءت قرآن و ختم دیگر است.»

(فصل) راجع به کسی که به خواب رفت و حزب قراءت و کار همیشگی خود را در قراءت و ذکر در شب از دست داد:

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ مَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ صَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ).

«رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسی که به خواب رفت از حزب یا از بعضی از آن در شب و آن را میان نماز صبح و نماز ظهر خواند ثواب آن برای او نوشته می‌شود چنانکه آن را در شب خوانده باشد.»

(فصل) در امر به تعهد قرآن و ادای قراءت آن و پرهیز کردن از اینکه به سبب

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: (تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ، فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ هُوَ أَشَدُّ تَفَلُّتًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عِقْلِهَا).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «این قرآن را مورد تعاهد و مواظبت بر قراءت آن قرار دهید، قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست، قرآن فراموش کردن و از دست دادن آن آسان است و حفظ آن از فراموشی سخت تر است از حفظ شتر در پای بندش». کسانی که قرآن حفظ کرده و از بر دارند می دانند که اگر مدت اندکی بگذرد و تلاوت نکنند به حفظشان لطمه می خورد، بنابراین مداومت بر قراءت قرآن ضرورت دارد.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ ابْنِ عَمْرِو بْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (إِنَّمَا مَثَلُ صَاحِبِ الْقُرْآنِ كَمَثَلِ الْإِبِلِ الْمُعْقَلَةِ إِنْ عَاهَدَ عَلَيْهَا أَمْسَكَهَا وَإِنْ أَطْلَقَهَا ذَهَبَتْ).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مثال کسی که قرآن از بر دارد، مثال شترهایی است که پای بند بر پاهای آنهاست، اگر صاحبان شترها مواظبت بر آنها کردند و در عقال و پای بند نگاهشان داشتند، شترهای خود را حفظ می کنند و چنانچه شتران را بدون پای بند به حال خود رها کردند از دست می روند». همچنان حافظان قرآن، اگر همیشه قرآن بخوانند حفظ قرآن در ذهنشان می ماند، اگر از خواندن قرآن غفلت کردند قرآن از ذهنشان بیرون می رود.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسِ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: (عَرِضْتُ عَلَى أَجُورِ أُمَّتِي حَتَّى الْقَذَاةِ يُخْرِجُهَا الرَّجُلُ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَ عَرِضْتُ عَلَى ذُنُوبِ أُمَّتِي فَلَمْ أَرْ ذَنْبًا أَكْبَرَ مِنْ سُورَةِ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ آيَةٍ أَوْتِيهَا رَجُلٌ ثُمَّ نَسِيَهَا) تَكَلَّمَ التِّرْمِذِيُّ فِيهِ.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «نشان من داده شد ثوابهایی که به امتم می رسد، حتی

خار و خاشاکی که شخص از مسجد بیرون می‌برد تا به کسی آزاری نرسد و نشان من داده شد گناهان امتم، ندیدم گناهی بزرگ‌تر از گناه کسی که سوره‌ای از قرآن به او داده شده و فراموش کرد.»

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ مَسْنَدِ الدَّارِمِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ عِبَادَةَ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم قَالَ: (مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْزَمًا).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «کسی که قرآن آموخت پس از آن قرآن خواندن را فراموش کرد، روز قیامت که خدا را ملاقات می‌کند، به صورت شخص مجذوم است که شکل او را قبیح نموده است.»

(فصل) در بیان مسایل و آدابی که شایسته‌ی قاری قرآن است به آن‌ها توجه کند. و این مسایل و آداب خیلی بسیار است و در این جا قسمتی از آن‌ها را یاد می‌نماییم و دلایل آن‌ها را نمی‌آوریم، برای اینکه مشهور است و نیازی به آوردن دلایل آن‌ها نیست و آوردن آن دلایل باعث طولانی شدن و ملال و خستگی است. نخستین چیزی که قاری قرآن به آن امر می‌شود اخلاص و یکرنگی است که قاری باید قصدش از قراءت قرآن به دست آوردن رضای خدا باشد و هیچ قصد دیگری نداشته باشد، بنابراین قاری باید ادب در برابر قرآن داشته باشد و با حضور قلب بخواند و به دل آورد که قصدش مناجات با پروردگار است و قرآن که می‌خواند طوری بخواند که گویا خدا را می‌بیند. اگر او خدا را نبیند بداند که خدا او را می‌بیند.

(فصل) و شایسته است برای کسی که می‌خواهد قرآن را بخواند اینکه دهان و دندان را تمیز نگه دارد. و مسواک بهتر است از چوب اراک و خوشبو باشد. و مسواک زدن به چیزهای دیگری که دهان و دندان را پاکیزه کند نیز جایز است و شستن دهان و دندان به انگشت در آن سه قول است. مشهورترین اقوال به انگشت اگر چه

خشن باشد کفایت نمی‌کند. قول دوم کفایت می‌کند. قول سوم اگر چیز دیگر نیست انگشت خشن و زبر کفایت می‌کند. و اگر وسیله‌ی دیگری هست انگشت کفایت نمی‌کند. و مسواک زدن به پهنای دندان و ابتداء از طرف راست دهان باشد. و با مسواک زدن نیت نماید که ادای سنت می‌نماید. بعضی از علما گفته‌اند: موقع مسواک زدن بگوید: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. و مسواک می‌زند به ظاهر دندان‌ها و باطن دندان‌ها و بر زبان و سقف حلق به نرمی. اگر دهان به خون پلید شد قراءت قرآن در این حالت مکروه است، اما آیا حرام است با دهان نجس قرآن خواند یا نه؟ قول اصح این است که مکروه است و حرام نیست و این کراهت تحریمی است، اجتناب آن اولی می‌باشد. و این مبحث توضیحی دارد که در فصل‌های اول این کتاب یاد شد و نیاز به تکرار آن نیست. واللّٰه اعلم.

(فصل) شایسته است که قاری، قرآن را به تدبیر و فهم کردن و حضور قلب و خشوع بخواند که مقصود از قراءت همین است و انشراح صدر به آن حاصل می‌شود و دل به آن روشن می‌گردد. و دلایل خواندن با تدبیر و فهم و با حال خشوع بیشتر از آن است که به شمار آید و مشهورتر از آن است که یاد شود. و گروهی از سلف در خواندن یک آیه شب را به صبح می‌آوردند. و گروهی موقع شنیدن آیه‌ای طوری در آنان تاثیر کرد که فریاد برآوردند و مردند. و گروهی از تاثیر آیاتی جان سپردند، برای اینکه با حضور قلب و فهم و خشوع می‌خواندند. و مستحب است گریستن موقع تلاوت قرآن و اگر نتواند بگرید، خود را گریان نشان دهد. برای اینکه گریستن موقع تلاوت قرآن شعار عباد الله الصالحین است. چنانکه خدای متعال فرمود:

﴿وَيَخْرُونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾؛ «و می‌افتند بر روی برای سجود در

حالی که گریانند و گریستن بر خشوع‌شان می‌افزاید». امام نووی رحمته اللّٰه در کتاب «التبیین فی آداب حملة القرآن» بسیاری از آثار صالحان را یاد نموده است.

قال السيد الجليل صاحب الكرامات و المعارف و المواهب، ابراهيم الخواص رضي الله عنه: دواء القلب خمسة أشياء: قراءة القرآن بالتدبر. و خلاء البطن و قيام الليل و التضرع عند السحر و مجالسة الصالحين.

آقای با شکوه و بزرگوار، صاحب کرامات و مراتب خداشناسی و مواهب الهی، ابراهیم خواص رضي الله عنه فرمود: دواي دل در پنج چیز است: خواندن قرآن از روی فهم و تدبر و خالی بودن شکم و شبخیزی و نماز تهجد خواندن و تضرع و گریه و زاری در وقت سحر و همنشینی با صالحان.

قرآن وقتی سودمند است که قاری بداند کلام کیست و مقصود او چیست. و آن کسی که قرآن کلام اوست آفریدگار همه و دانا به نهان و آشکار همه و مالک زندگی و مرگ همه و سرنوشت همه در دست اوست. این قرآن که پیام سعادت دو جهان است بر بنده و پیغمبر خاتمش نازل فرمود تا روح پیروان قرآن را به تلاوت آن شاد فرماید و دل‌های قرآن‌خوانان را به نور قرآن روشن گرداند و سراپای وجودشان به محبت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله منور گرداند. برای چنین فهمی شکم خالی لازم است تا بتواند ساعت‌ها در قیام و قعود و رکوع و سجود روان خود را بر استقامت استوار سازد. به قول سعدی:

اندرون از طعام خالی دار تا در آن نور معرفت بینی

تو کجا نور معرفت توانی دید که پری از طعام تا بینی

و توانایی برگرسنگی و شکم خالی کسانی دارند که سحرگاه در نماز تهجد به راز و نیاز با پروردگار مشغولند.

شب مردان خدا روز جهان افروز است

صالحان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

و به دست آوردن چنین نعمت‌هایی از همنشینی با صالحان به دست می‌آید.

(فصل) خواندن قرآن از رو بهتر از خواندن از حفظ است: برای اینکه دست‌ها قرآن را حمل می‌نماید و چشم‌ها حروف قرآن را می‌بیند علمای ما چنین فرموده‌اند، ولیکن باید دانست که اگر با از بر خواندن دل در آن بیشتر حاضر می‌شود و فهم و تدبیر قراءت بیشتر به دست می‌آید از بز خواندن بهتر است، اما اگر از بر خواندن و از رو خواندن یکسان باشند، از رو خواندن بهتر است. و هر چه بیشتر اعضای بدن در طاعت به کار آید، بهتر است. وقتی که انسان به نماز می‌ایستد پاها در طاعت هستند، برای اینکه بدن را حمل کرده‌اند. دست‌ها در طاعت هستند، برای اینکه برای تکبیرة الإحرام بالا رفته‌اند و یا بر سینه بر هم نهاده شده‌اند. چشم‌ها در طاعت هستند که به سجده‌گاه می‌نگرند. دل در طاعت است که آماده خشوع شده است. اگر نیت را به زبان بیاورد، زبان به گفتن و گوش به شنیدن در طاعت حاضر می‌شوند. بعضی از روی بی‌دانشی می‌گویند: نیت نمی‌خواهد. اولاً حدیث متفق علی صحته و قریب به تواتر: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» است که می‌رساند هیچ عملی بدون نیت صحیح نیست. دیگر اینکه موقع نیت دل حاضر می‌شود و استحضار عظمت خدای تعالی به بار می‌آورد. و نیت است که عمل را خالص می‌سازد. و نیت است که مراتب عبادت را از هم جدا می‌سازد و نیت فرض و نیت سنت و نیت ادا و نیت قضا و نیت منفرد و نیت با جماعت همه به نیت حاصل می‌شود. اما تکبیر گفتن بدون نیت نه اخلاصی به همراه می‌آورد نه استحضار عظمت خدا فراهم می‌شود، نه شرمساری از تقصیر در طاعت به یاد می‌آید. بیچاره مردمی که به سبب بی‌سوادی از بسیاری از مزایا محروم می‌گردند.

(فصل) روایات بسیاری آمده است در فضیلت بلند کردن آواز به قراءت قرآن. و روایات بسیاری آمده است به فضیلت آهسته کردن آواز به قراءت قرآن. علما گفته‌اند راه جمع میان این دو گفتار این است که آهسته خواندن دورتر است از ریا، بنابراین

کسی که از ریا می‌ترسد، آهسته خواندن برای او بهتر است. و کسی که از ریا نمی‌ترسد و می‌داند که در عملش ریا داخل نمی‌شود به آواز بلند خواندن برای او بهتر است، به شرط اینکه بلند خواندنش مایه‌ی تشویش نمازگزاری نشود و شخصی را که به خواب است ناآرام نکند. کودکی که در گهواره است بیدار نسازد. بیماری که استراحت نموده راحتش را از بین نبرد. اگر هیچ یک از این مسایل نیست با آواز بلند خواندن قرآن بهتر است، برای اینکه دیگری می‌شنود و از قرائت او استفاده می‌کند. دل قاری را بیدار می‌سازد و فکرش را جمع می‌کند. خواب را از چشم بیرون می‌کند و نشاط را می‌افزاید و دیگری که غافل است به قرائت تشویق می‌نماید و هرگاه یکی از این مقاصد باشد خواندن قرآن با آواز بلند بهتر است. و مقصود از آواز بلند آواز به حسب عرف است نه اینکه مانند مؤذن صدا را بلند کند.

(فصل) و مستحب است قرآن را با آواز خوش خواندن و آواز را به قرائت قرآن زیبا نمودن به شرط اینکه به صورت نغمه‌خوانی نباشد و زیاد و کم کردن حرفی به بار نیاورد. اما قرائت قرآن به صورت آوازخوانی و کشیدن زیاد حرف و تمطیط و تردید بسیار و به حدّ افراط حرام است و در صورتی که به حدّ افراط نباشد حرام نیست. آواز خوش نعمتی بزرگ است، روح را تغذیه می‌نماید و شوق عمل به قرآن را در دل‌ها زنده می‌گرداند. اما آواز ناخوش به قول سعدی علیه الرحمه:

گر تو قرآن بدین نمط خوانی ببری رونق مسلمانی

(فصل) و مستحب است برای قاری قرآن که ارتباط آیات قرآن را از هم قطع نکند. ابتدا قرائت به آیه‌ای نماید که در آغاز مقصد قرار دارد و پایان قرائت و محل وقف قرائت را در محلی از آیات قرار دهد که با آیات بعدی مرتبط نباشد. و هیچ وقت خود را مقید به اول جزء یا اول حزب ننماید، برای اینکه چه بسیار آیه‌ی اول جزء مربوط به آیه‌های قبل است و ابتدا با آن مطالب آیات را از هم قطع م‌نماید.

و قرآن را به سی جزء تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد ماهی یک ختم نماید هر روز یک جزء بخواند، اما آیه‌های قبل از آن که مربوط به آن است ترک ننماید. و قرآن را به شصت حزب تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد در دو ماه یک ختم قرآن نماید هر روز یک حزب بخواند، اما آیه‌های قبلی که مربوط به اول حزب است فراموش نکند. و قرآن را به هفت منزل تقسیم کرده‌اند تا کسی که می‌خواهد قرآن را در یک هفته ختم نماید هر روز یک منزل بخواند. و هر جزء به چندین رکوع قسمت کرده‌اند تا در نماز تراویح در هر رکعتی یک رکوع بخواند. و باز هم باید ارتباط آیات را فراموش نکند. و تقسیم به رکوع برای حفظ قرآن است که اگر کسی هر روز یک رکوع حفظ نماید در دو سال قرآن را حفظ می‌کند.

الحاصل، همیشه رعایت معانی آیات و ارتباط جمله‌ها را حفظ نماید و غِره نشود که مردم چه می‌کنند. به قول فضیل بن عیاض رحمة الله علیه: **أَسْلُكُ طَرِيقَ الْهَدْيِ وَ لَا يَضُرُّكَ قَلَّةُ السَّالِكِينَ. وَ لَا تَسْلُكُ طَرِيقَ الْغَوَاءِ وَ لَا يَغُرُّكَ كَثْرَةُ الْهَالِكِينَ:** «راه راست بگیر و زیانی نمی‌بینی از اندکی راست روان و بیرهیز از راه گمراهی و تو را نفریبند بسیاری هلاک شوندگان». روی این اصل علما گفته‌اند: خواندن یک سوره‌ی کامل بهتر است از برابر آن خواندن از سوره‌ی بزرگتر، برای اینکه ارتباط آیات به همدیگر بر بسیاری از مردم پنهان می‌ماند.

(فصل) از جمله بدعت‌های زشت است عمل بعضی از ائمه‌ی مساجد که در نماز تراویح سوره‌ی انعام را به تمامی در رکعت آخری می‌خوانده‌اند به این ادعا که سوره‌ی انعام از اول تا به آخر همراه هم نازل شده است و در این عمل چند منکر است: یکی عقیده به سنت بودن آن. دوم تطویل رکعت دوم بر رکعت اولی. سوم طولانی کردن آن رکعت بر نمازگزاران. چهارم به سرعت خواندن و حق آیات را به جای نیاوردن که هر کدام بدعتی است.

(فصل) درست است گفتن سوره‌ی بقره. سوره‌ی آل عمران. سوره‌ی نساء. سوره‌ی عنکبوت و همچنین باقی سوره‌ها و همین معتمد است و بعضی از سلف می‌گفته‌اند: السورة التي تُذَكَّرُ فيها البقرة. السورة التي تَذَكَّرُ فيها النساء و این قول غیر معتمد است. برای اینکه قول اولی قول جماهیر علمای مسلمین است از سَلَف و خَلْف. احادیثی که در این خصوص از رسول الله ﷺ آمده است بیش از آن است که شمرده شود. و همچنین درست است گفتن اینکه این قراءت اَبی عَمْرٍو است. این قراءت ابن کثیر است. این قراءت عاصم است، چنانکه عمل سلف و خلف بر آن است بدون انکار آن. و از ابراهیم نخعی رحمته الله آمده است: كانوا يكرهون سنة فلان و قراءة فلان. اما مورد اعتماد نیست. و صحیح همان گفتار جمهور علما بر جواز آن است.

(فصل) بدان که همه‌ی آداب قراءت و قاری را نمی‌توان در کمتر از چندین جلد آورد. ولیکن قصد ما اشاره بر بعضی از مقاصد پر اهمیت آنهاست که در این فصل‌ها مختصر بیان نمودیم. و در فصل‌هایی که در اوّل کتاب گذشت از آداب ذاکر و قاری و در اذکار نماز جمله‌هایی از آداب متعلق به قراءت قرآن یاد شد. و برای اطلاع بیشتر ارجاع نمودیم به کتاب «التبیان فی آداب حملة القرآن» کسی که معلوماتی بیشتر در این زمینه بخواهد به آن کتاب مراجعه نماید. و بالله التوفيق و هو حسبي و نعم الوكيل: توفیق از خداست و اوست که کفایت کننده من است و خدای عزوجل چه خوب کفایت کننده و نگه‌دارنده است.

(فصل) مکروه است که بگوید: نَسِيتُ آيةَ كذا: فراموش کردم فلان آیه را، بلکه بگوید: اُنْسِيتُ آيةَ كذا. اَوْ كُنْتُ اَسْقَطْتُ آيةَ كذا. به فراموشی افتاده بودم از فلان آیه. یا فلان آیه را انداخته بودم.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه:
(لَا يَقُولُ أَحَدُكُمْ نَسِيْتُ آيَةَ كَذَا وَكَذَا بَلْ هُوَ أَنْسَى)؛

«نباید یکی از شما بگوید فراموش کردم آیهی فلانی را، بلکه به فراموشی انداخته شده است از فلان آیه».

وَفِي رِوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِينَ أَيْضًا: (بِئْسَمَا لِأَحَدِهِمْ أَنْ يَقُولَ نَسِيْتُ آيَةَ كَيْتَ وَكَيْتَ بَلْ هُوَ نُسَى)؛ «چه بد چیزی است که یکی از ایشان بگوید: فلان آیه را فراموش کردم، بلکه او به فراموشی انداخته شده است».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحَيْهِمَا عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صلوات الله عليه سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ فَقَالَ:
(رَحِمَهُ اللَّهُ لَقَدْ أَذْكَرَنِي آيَةٌ كُنْتُ أَسْقَطْتُهَا). وَفِي رِوَايَةٍ فِي الصَّحِيحِ (كُنْتُ أَنْسَيْتُهَا).

رسول الله صلوات الله عليه شنید از مردی که قرآن می خواند. آنگاه فرمود: «خدا بیامرزد او را که به یاد من آورد آیه ای را که آن را انداخته بودم». و در روایتی در صحیح «از آن به فراموشی افتاده بودم».

(فصل) بدان که قراءت قرآن مؤکدترین اذکار است، چنانکه پیش از این گفتیم و بنابراین شایسته است مداومت بر قراءت قرآن تا هیچ روز و شبی بدون قراءت قرآن نگذراند. و اصل قراءت حاصل می شود به خواندن اندکی از آیات قرآن.

وَقَدْ رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلوات الله عليه قَالَ: (مَنْ قَرَأَ فِي يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَمْسِينَ آيَةً لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِائَتَيْ آيَةٍ لَمْ يُحَاجَّهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِمِائَةَ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارٌ مِنَ الْأَجْرِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که در روز و شبی پنجاه آیه از قرآن را بخواند او از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود و کسی که در روز و شبی یکصد آیه را بخواند او نوشته می‌شود از عبادت‌کاران و کسی که دویست آیه را بخواند، قرآن در روز قیامت با او دشمنی نمی‌کند و کسی که پانصد آیه را بخواند نوشته می‌شود برای او اجر بسیار». و در روایتی: (مَنْ قَرَأَ أَرْبَعِينَ آيَةً) بَدَلَ «خَمْسِينَ»: «و کسی که چهل آیه را خواند» به جای پنجاه آیه. و در روایتی: (عشرین)؛ «کسی که بیست آیه را خواند از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود». و فی روایة عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ لَمْ يَكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ). رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که در روز و شبی ده آیه از قرآن را بخواند از غفلت‌زدگان نوشته نمی‌شود».

و در این باب احادیث بسیار آمده است، مانند همین احادیثی که روایت شد. و روایت احادیث بسیار داریم درباره‌ی کسی که یک سوره را در روز و شبی خواند. از آن جمله است کسی که سوره‌ی یاسین را برای به دست آوردن رضای خدا در روز و شبی خواند گنااهش آمرزیده می‌شود. و در روایتی کسی که سوره‌ی دخان را در شبی بخواند، وقتی که صبح می‌شود گنااهش آمرزیده شده است و در روایتی از ابن مسعود رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ است که گفت: «از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «کسی که سوره‌ی واقعه را در هر شب بخواند دچار فقر و تنگدستی نمی‌شود».

و عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: (كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَنَامُ كُلَّ لَيْلَةٍ حَتَّى يَقْرَأَ الْم تَنْزِيلًا وَ تَبَارَكَ الْمَلِكُ). «رسول الله ﷺ هیچ شبی نمی‌خوابید تا اینکه اول سوره‌ی الم السجدة و سوره‌ی تبارک الذي بیده الملك را بخواند».

و عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم قَالَ: (مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةٍ: إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ، كَانَتْ لَهُ كَعْدُلٍ نِصْفِ الْقُرْآنِ وَ مَنْ قَرَأَ: قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، كَانَتْ لَهُ كَعْدُلِ رُبْعِ الْقُرْآنِ وَ مَنْ قَرَأَ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، كَانَتْ كَعْدُلِ ثُلُثِ الْقُرْآنِ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «کسی که سوره‌ی إذا زلزلت را در شبی بخواند برای او برابر قراءت نصف قرآن ثواب است و کسی که سوره‌ی قل یا ایها الکافرون را بخواند برای او به قدر ثواب قراءت ربع قرآن ثواب نوشته می‌شود و کسی که سوره‌ی قل هو الله احد را در شبی بخواند به قدر خواندن ثلث قرآن ثواب دارد.» و در روایتی دیگر کسی که آیه الکرسی و سوره‌ی غافر را بخواند در آن روز از هر بدی نگه داشته می‌شود. و احادیث دربارہ‌ی آنچه یاد کردیم بسیار است و اشاره به مقاصد آنها نمودیم. و خدای متعال داناتر است به آنچه صواب و درست است و برای اوست ستایش‌ها و به فضل او حاصل می‌شود توفیق بر طاعت و دوری از معصیت.

کتاب حمد الله تعالى

کتابی است در بیان ستایش خدای تعالی گفتن.

قال الله تعالى: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا﴾: «و بگو (ای رسول خدا) همه‌ی ستایش‌ها برای خدای یکتایی است که برای خود فرزندی را قرار نداد». و قال تعالى: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾: «اگر سپاس نعمت‌های پروردگارتان را به جا آوردید، زیاد می‌نمایم نعمت‌هایم را برای شما». و قال تعالى: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون﴾: «مرا یاد کنید تا شما را یاد نمایم و سپاس نعمت‌هایم را به جا آورید و ناسپاسی نکنید».

و آیات قرآن که امر می‌فرماید به حمد و ستایش و شکر و سپاس خدا و بیان می‌فرماید فضل و ثواب آن‌ها بسیار است و همه معروف و شناخته شده است.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَهَ وَمُسْنَدِ أَبِي عَوَانَةَ الْإِسْفَرَايِنِيِّ الْمَخْرَجِ عَلَى صَحِيحِ مُسْلِمَ رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم أَنَّهُ قَالَ: (كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «هر کار با اهمیتی که آغاز آن حمد و ستایش خدا گفته نشود آن کار از هر خیر و برکتی بریده شده است». و فی روایة: (بِحَمْدِ اللَّهِ). و فی روایة: (بِالْحَمْدِ فَهُوَ أَقْطَعُ) و فی روایة: (كُلُّ كَلَامٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ فَهُوَ أَجْذَمُ)؛ «هر سخنی که آغاز آن به الحمد لله شروع نشود آن کار خوره خورده و بی‌برکت است». و فی روایة: (كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُبْدَأُ فِيهِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَهُوَ أَقْطَعُ)؛ «هر کار مهمی که آغاز آن به بسم الله الرحمن الرحيم نباشد هیچ خیر و برکتی ندارد».

ما روایت الفاظ این احادیث که یاد شدند همه از کتاب اربعین حافظ عبدالقادر رهاوی نقل نموده‌ایم و این روایات موصول آمده با ذکر صحابی و مرسل آمده بدون ذکر صحابی. و روایت موصول آن اسنادش خوب است. و قاعده است وقتی که حدیثی موصول و مرسل روایت شد حکم برای روایت موصول است نزد جمهور علماء، برای اینکه موصول زیاده الثقه است و آن نزد جماهیر علماء مقبول است. و معنی امر ذی بال یعنی حالتی دارد که به آن اهمیت داده می‌شود. و معنی أقطع: ناقص و قليل البركة. و أجزم: هم به همین معنی است. علماء فرموده‌اند: مستحب است که هر طالب و هر مدرّس و هر خطیب و هر خاطب یعنی خواستگاری کننده‌ی زن و هر مصنّف کتاب پیش از هر کار مهمی بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين را بگویند. امام شافعی رضی الله عنه فرمود: دوست می‌دارم که هر شخص در جلو خطبه‌اش و هر کاری که می‌طلبد حمد خدای تعالی و ثناء بر ذات پر عظمت او و درود و سلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله و آل و اصحابش را مقدّم بدارد.

(فصل) بدان که بسم الله الرحمن الرحيم و حمد و ثنای پروردگار عظیم در ابتدای هر کار مهم مستحب است، چنانکه بیان شد و همچنان بعد از فراغت از خوراک و آشامیدن آب و بعد از عطسه و موقع خواستگاری زن و موقع همبستری و موقع عقد نکاح و بعد از بیرون آمدن از مستراح در همه‌ی این احوال حمد پروردگار مستحب است. و بیان این مسایل هر کدام در باب مخصوص آن با ذکر دلایل آن و تفریع مسایل آن می‌آید ان شاء الله تعالی. و مستحب است در ابتدای کتاب‌هایی که تألیف می‌شود و در ابتدای تدریس مدرّسین و ابتدای قراءت طلاب بسم الله الرحمن الرحيم و حمد و ستایش پروردگار باشد، خواه قراءت و درس تفسیر یا حدیث یا فقه باشد یا غیر این‌ها و بهترین عبارت حمد در همه‌ی آنچه بیان شد کلمه‌ی الحمد لله رب العالمين است.

در صحیح مسلم از ابو هُرَیْرَةَ رضی الله عنه روایت داریم که در شب اسراء و معراج دو کاسه برای رسول الله صلی الله علیه و آله آورده شد: یکی خمر داشت، یکی شیر. رسول الله صلی الله علیه و آله کاسه‌ی شیر را اختیار نمود، جبرئیل فرمود: ستایش خدای را که تو را هدایت به فطرت فرمود، اگر کاسه‌ی خمر گرفته بودی امتت گمراه می‌شد.

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التَّرْمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: قَبِضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: قَبِضْتُمْ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: فَمَاذَا قَالَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: حَمْدَكَ وَاسْتَرْجَعَ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَمُّهُ بَيْتُ الْحَمْدِ) قَالَ التَّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ. وَالْأَحَادِيثُ فِي فَضْلِ الْحَمْدِ كَثِيرَةٌ مَشْهُورَةٌ وَقَدْ سَبَقَ فِي أَوَّلِ الْكِتَابِ جُمْلَةٌ مِنَ الْأَحَادِيثِ الصَّحِيحَةِ فِي فَضْلِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَنَحْوِ ذَلِكَ.

تفسیر حدیث: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی که فرزند بنده‌ای در گذشت، خدای متعال به ملائکه‌اش می‌فرماید: جان فرزند بنده‌ام را گرفتید؟ ملائکه می‌گویند: آری، جان فرزند بنده‌ات را گرفتیم. می‌فرماید: جان جگرگوشه‌اش را ستاندید؟ ملائکه می‌گویند: بله، جان جگرگوشه‌ی بنده‌ات را گرفتیم. پروردگار می‌فرماید: بنده‌ام چه گفت؟ ملائکه می‌گویند: حمد و ستایش تو گفت و گفت: اِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ. پروردگار می‌فرماید: خانه‌ای برای بنده‌ام در بهشت بسازید و آن را بیت الحمد بنامید.» و در اول کتاب جمله‌ای از احادیث صحیح در فضل گفتن: سبحان الله و الحمد لله و مانند آن آورده شد.

(فصل) متأخرین از علمای خراسانی ما فرموده‌اند: اگر کسی قسم بخورد که خدا را ستایش می‌کند به باشکوه‌ترین ستایش، طریقه‌ی به جا آوردن قسمش این است که بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُؤَافِي نِعْمَهُ وَ يُكَافِي مَزِيدَهُ: همه‌ی ستایش برای

خدای یکتاست ستایشی که نعمت‌های خدا را ملاقات نماید و حمد آن نعمت‌ها با آن ستایش حاصل شود. و ستایشی که شکر آنچه را که زیاد فرمود از نعمت‌ها و از احسان‌های بی‌شمار او بگذارد. بنابراین معنی **يُؤَافِي نِعْمَهُ: يُلَاقِي نِعْمَهُ فَتَحْضُلُ مَعَهُ.** و معنی **يُكَافِي مَزِيدَهُ: يَقُومُ بِشُكْرِ مَا زَادَهُ مِنَ النُّعْمِ.**

همین علما گفتند که اگر کسی قسم خورد: **لَيُثْنِينَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَحْسَنَ الثَّنَاءِ** که بهترین ثنا و ستایش خدای تعالی را انجام دهد راه بیرون آمدنش از قسمش این است که بگوید: **لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ.** زادَ بَعْضُهُمْ فِي آخِرِهِ: **فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى: مَنْ نَمِيَ تَوَانِمُ ثَنَا وَ سَتَائِشِ تُو رَا أَنْ چنانکه شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم. ثنای تو آن چنان است که خودت ثنای خود را گفתי و برای تو ستایش است تا تو راضی شوی.**

و ابوسعید متولی صورت مسأله برای کسی که قسم یاد کرد که خدا را به بهترین ثنا بستاید کلمه‌ی سبحانک را در اول ثنا اضافه کرد به این صورت که بگوید: **سُبْحَانَكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى:** من تنزیه و تسبیح تو می‌گویم نتوانم ثنای تو را آن چنانکه شایسته‌ی عظمت توست به جا آورم. ثنای تو همان است که خودت ثنای خودت فرمودی.

کتاب الصلاة على رسول الله ﷺ

کتابی است در بیان صلوات و سلام فرستادن بر رسول الله ﷺ

قال الله تعالى: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾؛ «حقیقت این است که خدا و فرشتگانش درود می‌فرستند بر پیغمبرش، خاتم النبیین، ای مردمی که ایمان آورده‌اید درود بفرستید و سلام بفرستید سلامی که شایسته‌ی او باشد». و حدیث‌هایی که در خصوص فضل صلوات بر رسول الله ﷺ است و احادیثی که امر به صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ می‌کند بیشتر از آن است که به شمار آید و در این جا اشاره به چند حدیث از آن‌ها می‌نماییم تا دلالت دهد بر خیر آن و برای برکت یافتن کتاب از صلوات و سلام فرستادن بر خاتم النبیین علیه افضل الصلاة و اتم التسليم.

رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: (مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا).

«کسی که یک بار بر من درود بفرستد خدا ده بار بر او صلوات فرستد».

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ أَيْضًا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا).

«کسی که درود فرستد بر من یک بار خدا درود فرستد بر او ده بار».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (أُولَى النَّاسِ بِِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَيَّ صَلَاةً) قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله ﷺ فرمود: «نزدیک‌ترین مردم در روز قیامت به من کسی است که بیشتر درود فرستد بر من».

ترمذی گفته است و در این باب (فضل صلوات فرستادن بر رسول الله ﷺ) احادیثی است به روایت عبدالرحمن بن عوف و عامر بن ربیعة و عمار و ابی طلحة و انس و ابی بن کعب رضی الله عنهم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ النِّسَائِيَّ وَ ابْنِ مَاجَةَ بِالأَسَانِيدِ الصَّحِيحَةِ عَنْ أُوسِ بْنِ أُوسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: (إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَأَكْثُرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ)، فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ وَ كَيْفَ تَعْرِضُ صَلَاتُنَا عَلَيْكَ وَ قَدْ أَرَمْتَ، قَالَ: يَقُولُ: (بَلَيْتَ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى الأَرْضِ أَجْسَادَ الأنبياءِ).

رسول الله ﷺ فرمود: «از بهترین روزهای شما روز جمعه است، در روز جمعه بسیار درود و صلوات بر من بفرستید که درود فرستادن به من می‌رسد»، گفتند: یا رسول الله، درود ما به شما می‌رسد در حالی که جسدت پوسیده شده است. فرمود: «خدا بر زمین حرام فرمود که اجسام انبیا را پوسیده سازد». یعنی جسد انبیا نمی‌پوسد و انبیا علیهم السلام در قبرهایشان زنده هستند.

قلتُ: أَرَمْتَ بفتح همزة و راء و سکون میم و فتح تاء المخففة. قال الخطَّابي: أَرَمْتَ: أصله أَرَمْتُ، یکی از دو میم حذف شده و این لغت بعضی از عرب است چنانکه گفته‌اند: ظَلْتُ: ظَلَلْتُ. و نظایر بسیار دارد. و غیرخطابی گفت: أَرَمْتُ: به فتح راء و به تشدید میم و سکون تاء، یعنی أَرَمْتُ العظام: استخوان‌ها پوسیده شد. و اقوال دیگری در آن هست. والله اعلم.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ فِي آخِرِ كِتَابِ الْحَجِّ فِي بَابِ زِيَارَةِ الْقُبُورِ بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه: (لَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيدًا وَصَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ)؛ «قبر مرا عيد مسازید، یعنی اینکه فقط نزد قبرم صلوات بر من فرستید، و من بر صلوات فرستید، زیرا که صلوات شما به من می‌رسد هر جا که باشید».

وَرَوَيْنَا فِيهِ أَيْضًا بِإِسْنَادِ صَحِيحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَيْضًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلوات الله عليه قَالَ: (مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّىٰ أُرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ).

و باز هم در سنن ابی داؤد روایت داریم به اسناد صحیح از ابی هریره رضي الله عنه که رسول الله صلوات الله عليه فرمود: «هر کسی که سلام بر من فرستد خداوند روحم را برمی‌گرداند تا جواب سلامش را بگویم».

بَابُ أَمْرٍ مَنْ ذَكَرَ عِنْدَهُ النَّبِيَّ صلوات الله عليه بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَالتَّسْلِيمِ

بابی است در بیان این که هر کسی که نام پیغمبر صلوات الله عليه نزد او برده شود امر شده به او که صلوات و سلام بر ایشان بفرستد.

رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه: (رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ). قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

رسول الله صلوات الله عليه فرمود: «به خاک مالیده شد بینی کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ بِإِسْنَادٍ جَيِّدٍ عَنْ أَنَسٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم:
(مَنْ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَلْيُصَلِّ عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ عَشْرًا).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «کسی که نام من نزد او برده شد درود بر من بفرستد، برای اینکه هر کسی که یک بار درود بر من بفرستد خدا ده بار درود بر او می‌فرستد».

وَرَوَيْنَا فِيهِ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ عَنْ جَابِرٍ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: (مَنْ ذَكَرْتُ
عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَقَدْ شَقِيَ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد در حقیقت بدبخت شده است».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: (الْبَخِيلُ مَنْ ذَكَرْتُ
عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ) قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «بخیل کسی است که نام من نزد او برده شود و درود بر من نفرستد».

امام ابو عیسی ترمذی نزد این حدیث گفته است: که از بعضی از اهل علم روایت می‌شود که وقتی که شخصی در مجلسی یک بار درود بر رسول الله صلى الله عليه وسلم فرستاد تا مادامی که در آن مجلس است همان یک بار درود فرستادنش کافی است. این فرموده‌ی بعضی از اهل علم، احتمال دارد که در یک مجلس یک بار درود فرستادن کافی باشد و نفرموده است که اگر نام رسول الله صلى الله عليه وسلم به تکرار یاد شد بیش از یک بار نمی‌خواهد، برای اینکه در احادیث متعدد استحباب درود فرستادن بر رسول الله صلى الله عليه وسلم در هر باری است که نام شریف ایشان یاد شود و احتیاط این است که با هر بار شنیدن نام مبارک ایشان درود و سلام نثار ایشان شود. واللّه اعلم.

باب صفة الصلاة على رسول الله ﷺ

بابی است در بیان چگونگی درود فرستادن بر رسول الله ﷺ

پیش از این در کتاب «اذکار الصلاة» یاد کردیم که درود به چه لفظی باشد و اکمل صلوات و اقل صلوات هم آوردیم.

موقعی که از رسول الله ﷺ سؤال نمودند و گفتند: یا رسول الله خدا به ما امر فرمود تا درود بر تو بفرستیم، چگونه درود بر تو فرستیم؟ فرمود:

(قولوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ).

«بگویید خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد، چنانکه درود فرستادی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم و برکت بینداز بر محمد و بر آل محمد، چنانکه برکت انداختی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم. در حقیقت بین همه‌ی جهانیان تو ستوده شده و به تعظیم یاد شده‌ای. حمد و تعظیم تو بر زبان همه‌ی کاینات جاری است.»

وقتی که از خود حضرت رسول ﷺ به این لفظ وارد شده است، رعایت ادب با رسول الله ﷺ و تعظیم پیروی از ایشان این است که لفظ آن زیاد و کم نشود. ببینید امام درباره‌ی کلمه‌ی «و أَرْحَمُ مُحَمَّدًا». چه می‌فرماید:

امام نووی می‌فرماید: اما آنچه بعضی از علمای مذهب ما و ابن ابی زید مالکی گفته‌اند که زیاد شدن کلمه‌ی «و أَرْحَمُ مُحَمَّدًا و آلِ مُحَمَّدٍ» مستحب است، این بدعتی است که هیچ پایه‌ای ندارد و امام ابوبکر ابن العربی مبالغه فرموده است در شرح ترمذی بر انکار زیاد کردن آن کلمه (و ارحم محمداً) و فرموده است کسی که

این زیاده را بیاورد نادان است. فرمود برای اینکه خود رسول الله ﷺ به ما آموخته است که درود بر ایشان به چه لفظی بگوییم. بنابراین زیاد کردن در آن، نسبت قصور دادن به مقام رسالت است و استدلال بر اینکه جناب رسول الله ﷺ در تعلیم ما کوتاهی کرده است. با این حال هیچ شکی نیست که محافظت بر لفظ وارد از حضرت ختمی مرتبت عین صواب است و عدول از آن یا زیاد و کم کردن در آن به هیچ وجه مقرون به صواب نیست. اما با این حال بعضی از حفاظ خود رساله‌ای در انتخاب صلوات بر سید المرسلین دارند و باید دانست که ایشان در تشهد نماز هیچ وقت بر لفظ وارد چیزی نمی‌افزایند و در آن تغییری نمی‌دهند و گویا فکر کرده‌اند که در غیر نماز می‌شود الفاظی را انتخاب نمود، اما طریقه‌ی ما همان است که عرض کردیم که اکمل صلوات و احب صلوات همان است که در تشهد نماز گفته می‌شود.

والله اعلم

(فصل) وقتی کسی درود بر رسول الله ﷺ می‌فرستد باید جمع نماید میان صلاة و سلام و اکتفا نکند بر صلاة تنها، مثل «صَلَّى اللّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ» و نه هم بر سلام تنها، مثل علیه السلام، بلکه صلاة و سلام هر دو بیاورد، مثل: رسول الله ﷺ.

(فصل) مستحب است برای کسی که حدیث می‌خواند یا غیر حدیث از آنچه در معنی حدیث است، آنکه هرگاه نام رسول الله ﷺ برده شد به آواز بلند صلوات و سلام بر ایشان بفرستد. اما در بلند کردن آواز به صلاة و سلام حدّ اعتدال را نگه دارد. از جمله علمایی که تصریح کرده‌اند بر بلند کردن آواز به صلوات و سلام: امام ابوبکر خطیب بغدادی و علمای دیگر است. امام نووی می‌فرماید: من این مطلب را به علوم حدیث نقل کرده‌ام. و علمای مذهب ما صریحاً فرموده‌اند که بعد از لبّیک گفتن در حج و عمره آواز را برای فرستادن صلوات و سلام نیز بلند کنند، چنانکه لبّیک گفتن را نیز به آواز بلند می‌گویند. والله اعلم.

باب استفتاح الدعاء بالحمد لله و الصلاة على النبي ﷺ

بابی است در بیان اینکه آغاز دعا را به حمد و ستایش خدای متعال و درود و سلام بر پیامبر ﷺ بگشاید.

رَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ التِّرْمِذِيِّ وَ النِّسَائِيِّ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا يَدْعُو فِي صَلَاتِهِ لَمْ يَمَجِّدِ اللَّهَ تَعَالَى وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (عَجَلْ هَذَا) ثُمَّ دَعَاهُ فَقَالَ لَهُ أَوْ لِغَيْرِهِ: (إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَمْجِيدِ رَبِّهِ سُبْحَانَهُ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ يَدْعُو بِمَا شَاءَ) قَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

رسول الله ﷺ دعای مردی را شنید که در دعا نه ثنا و ستایش پروردگارش سبحانه و تعالی را به جا آورد و نه درود و سلام بر رسول الله ﷺ فرستاد. فرمود: «این مرد شتاب کرد»، آنگاه او را به سوی خود خواند و به او و یا به دیگری فرمود: «هرگاه یکی از شما خواست دعا بکند اول تعظیم و ثنای پروردگارش سبحانه و تعالی را به جا آورد و سپس درود و سلام بر پیغمبر بفرستد و سپس دعا کند به آنچه که می خواهد خدا به او بدهد».

وَ رَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: إِنَّ الدُّعَاءَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ شَيْءٌ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى نَبِيِّكَ ﷺ.

عمر بن الخطاب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: دعا موقوف است میان آسمان و زمین، چیزی از آن به آسمان صعود نمی کند تا اینکه درود و سلام بر پیغمبرت ﷺ بفرستد.

امام نووی رَحِمَهُ اللَّهُ فرمود: اجماع علما بر مستحب بودن شروع دعا به حمد و ثنای خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است و همچنان ختم دعا به حمد و ثنای

خدای متعال و درود و سلام بر پیغمبر است. و احادیث و آثار در این باب بسیار و معروف است. واللّٰه اعلم.

و معلوم است که هر جا صلواتی بر رسول اللّٰه ﷺ وارد شده است صلوات بر آل اطهار نیز با آن آمده است.

(باب الصلاة على الأنبياء و آلهم تبعاً لهم صلى الله عليهم و سلم)

بابی است در بیان درود فرستادن بر پیغمبران و بر آل شان به تبعیت از ایشان - درود و سلام خدا بر ایشان باد.

اجماع علما بر درود فرستادن بر پیغمبر ما محمد ﷺ است. و همچنین کسانی که اعتنا به سخن شان می شود اجماع نموده اند بر درست بودن و مستحب بودن صلوات بر همه ی پیغمبران و بر ملائکه به طور جداگانه و بدون تبعیت از دیگری و اما غیر انبیا جمهور علما بر آنند که صلوات به طور جداگانه بر آنان فرستاده نمی شود و گفته نمی شود: ابوبکر ﷺ. و در منع صلوات به طور جداگانه بر غیر انبیا اختلاف است که آیا حرام است یا مکروه است؟ بعضی از علمای ما گفته اند صلوات بر غیر انبیا حرام است و بیشتر علما بر آنند که صلوات بر غیر انبیا مکروه است، کراهت تنزیهی، برای اینکه صلوات بر غیر انبیا شعار اهل بدعت است و ما منع شده ایم از پیروی از شعار اهل بدعت. و مکروه عبارت از هر کاری است که منعی مقصود در آن آمده باشد، مثل مکروه بودن شستن هر عضوی از اعضای وضو بیش از سه بار. و مکروه هم بر دو قسم است: مکروه تنزیهی، مثل صلوات بر غیر انبیا و دست تکان دادن در وضو تا آب وضو از اعضا بریزد و مکروه تحریمی که ممکن است به حرام بکشد، مثل خوردن از مال کسی که مال حرام و حلال او به قدر هم است تا به آن جا

نکشد که از خوردن مال کسی که همه‌ی مالش حرام است پروا نکند. و مثل نظر کردن به بالای زانوی مرد بیگانه تا به آن جا نکشد که از نظر به جلو و پشت او پروا نکند. و حرام وقتی است که ضرر به دین برساند، مثل کلمه‌ی کفر یا ضرر به شرف برساند، مثل دشنام به زن و یا ضرر به عقل برساند، مثل شرب خمر یا ضرر به نسل برساند، مثل زنا و یا ضرر به مال برساند، مثل دزدی یا ضرر به نفس برساند، مثل قتل.

الحاصل: علمای ما گفته‌اند که صلوات در زبان سلف مخصوص شده است به انبیا صلوات الله و سلامه عليهم، چنانکه کلمه‌ی عزّ و جلّ اختصاص به خدای سبحانه و تعالی دارد، پس همان‌گونه که گفته نمی‌شود: محمد عزّ و جلّ، اگر چه محمد عزیز و جلیل و با شکوه است. همان‌گونه هم گفته نمی‌شود: ابوبکر یا علی صلوات الله علیهما اگر چه معنایش صحیح است. و علما اتفاق دارند که صلوات بر غیر انبیا جایز است به تبعیت انبیا، چنانکه اللهم صلّ علی محمد و آله و صحبه و أزواجه و ذرّيته و أتباعه جایز است به دلیل حدیث‌های صحیحی که در این خصوص آمده است. و در تشهد نماز به آن مأمور شده‌ایم و سلف صالح در خارج از نماز هم صلوات بر آل و اصحاب و ازواج و ذرّیه و اتباع جایز دانسته‌اند. و اما معنای سلام، شیخ ابو محمد جوینی از علمای مذهب ما فرموده است که سلام در معنی صلوات است و برای غایب استعمال نمی‌شود و برای غیر انبیا گفته نمی‌شود و برای ابوبکر مثلاً گفته نمی‌شود: علیه‌السلام و در این مسأله اموات و احیا فرق نمی‌کند، اما بر شخص حاضر گفته می‌شود: سلامّ علیک یا سلامّ علیکم یا السلام علیک یا السلام علیکم و این موضوعی است که اجماع علما بر آن است و در ابوابی که تعلق به این موضوع دارد آورده می‌شود، این شاء الله تعالی.

(فصل) مستحب است تَرْضَى و تَرْحُمَ بر صحابه و تابعین و کسانی که بعد

از ایشان آمده‌اند از علما و دانشمندان و عبّاد و دیگر بزرگان که گفته می‌شود

رضی اللہ عنہ یا رحمہ اللہ و مانند این. واما قولی که بعضی از علما بر آنند که رضی اللہ عنہ اختصاص به صحابه دارد و برای غیر از آنان فقط گفته می‌شود رحمہ اللہ، آن چنان نیست که گفته‌اند و با ایشان موافقت نمی‌شود و رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ و رحمہ اللہ برای غیر صحابه نیز گفته می‌شود. اگر شخص خودش و پدرش هر دو صحابی باشند مثل ابن عباس، ابن جعفر، ابن الزبیر، و اسامة بن زید و مانند آنان گفته می‌شود رضی اللہ عنہما تا رضایت خدا شامل خودش و پدرش هر دو بشود.

(فصل) و اگر گفته بشود که هر وقتی که ذکر لقمان یا مریم شد، آیا باید صلوات بر ایشان فرستاد، مثل انبیا یا بر آنان تَرْضَى شود، مثل صحابه و اولیا یا اینکه گفته شود علیهما السلام؟ جواب این سوال این است که جماهیر علما بر آنند که این دو پیغمبر نبوده‌اند. و کسی که گفته است پیغمبر بوده‌اند شاذ است و التفاتی به گفته‌ی او نمی‌شود و به گفتارش اهمیتی داده نمی‌شود. نووی می‌فرماید که این مطلب را در کتاب «تہذیب الأسماء و اللغات» آورده‌ام. بعضی از علما درباره‌ی لقمان و مریم سخنی گفته‌اند که از آن دانسته می‌شود که گفته می‌شود: لقمان صَلَّى اللَّهُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ و عَلَيْهِ و سَلَّمَ و یا مریم صَلَّى اللَّهُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ و عَلَيْهَا و سَلَّمَ. برای اینکه مقام‌شان از مقام انبیاء کمتر است و از مقام کسانی که درباره‌شان گفته می‌شود رضی اللہ عنہ بالاتر است به سبب اینکه در قرآن دلیل بالا بردن مقام‌شان وجود دارد. نووی می‌فرماید: آنچه من به آن عقیده دارم این است که باکی ندارد که گفتن رضی اللہ عنہ درباره‌ی لقمان و مریم ارجح است، برای اینکه کلمه‌ی رضی اللہ عنہ برای کسی است که پیغمبر نباشد و پیغمبر بودن لقمان و مریم به ثبوت نرسیده است. امام الحرمین نقل فرموده است که اجماع علما بر این است که مریم پیغمبر نیست و این را در کتاب ارشاد نوشته است. اگر وقتی برای لقمان یا مریم علیه السلام یا علیهما السلام گفته شود باکی ندارد. واللہ اعلم.

(کتاب الأذکار و الدعوات للأموار العارضات)

کتابی است در بیان اذکار و ادعیه‌ی مربوط به امور عارضی

بدان که هر چه در باب‌های قبلی گفتیم در هر روز و شبی تکرار می‌شود بنابر آنچه یاد شد. و آنچه در این جا یاد می‌کنیم اذکار و دعواتی است که در اوقات به سبب‌های عارضی گفته می‌شوند و روی این اصل در بین آن‌ها ترتیب نمی‌خواهد.

(باب دعاء الإستخارة)

بابی است در بیان دعای استخاره

و رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعَلِّمُنَا الْإِسْتِخَارَةَ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا كَالسُّورَةِ مِنَ الْقُرْآنِ يَقُولُ: (إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَأَقْدِرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - أَوْ قَالَ عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَأَصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ رَضِّنِي بِهِ، قَالَ: وَيُسَمَّى حَاجَتَهُ).

رسول الله ﷺ استخاره و طلب خیراندیشی را به ما آموخت آن چنانکه سوره‌ی قرآن را به ما آموخت (برای اینکه دین مبین اسلام از این امت می‌خواهد که در همه‌ی امور خود روی دل را خود متوجه درگاه خدا سازند و همه کارهای خود را به مدد او رو به راه نماییم) رسول الله ﷺ می‌فرمود: «هر گاه یکی از شما قصد کاری

نمود دو رکعت نماز بخواند، غیر از نماز فرض، خواه دو رکعت به نیت نماز سنت استخاره یا هر سنتی دیگر، مثل سنت وضو، تحیت مسجد، نماز ضحی، قبلیه یا بعدیه فرض باشد، دو رکعت نماز بخواند آنگاه بگوید: خدایا طلب خیریت می‌نمایم از تو به علمت (که تو همه چیز می‌دانی و خیریت حالم را در این کاری که قصد آن نموده‌ام و نام کار خود را ببرد) و طلب توانایی می‌نمایم بر آن به مدد و قدرت و توانایی‌ات و از فضل عظیم تو می‌خواهم توفیق بر خیر در حاجاتم، برای اینکه تو می‌توانی و من نمی‌توانم و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانایی به پنهانی‌ها. خدایا اگر تو می‌دانی که این کار - که قصد آن را دارم - بهتر است و خیریت کارم در آن است و خیر دین و زندگی و عاقبت و حال و آینده‌ی کارم در آن است، پس آن را برایم مقدر کن و برکت بینداز در آن و اگر می‌دانی که این کار که قصد آن را دارم شرّ است برایم در دینم و زندگیم و عاقبت کارم در حال حاضر و آینده‌ام پس آن را میسر مفرما و مرا از آن روگردان بساز تا دنبال کاری نروم که خیریت حالم در آن نیست. و آن جا که خیر حالم در آن است برایم مقدر فرما و مرا به آن خشنود گردان.»

و صلّی اللّٰه و سلّم علی سیدنا محمد و آله و صحبه و التابعین و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین.

علما فرموده‌اند مستحب است طلب خیراندیشی در کار خود به نماز دو رکعت و دعایی که یاد شد و این دو رکعت نماز سنت است و ظاهر این است که این دو رکعت حاصل می‌شود به دو رکعت قبلیه و بعدیه فرض و به تحیت مسجد و غیر از آن‌ها از نمازهای سنت نوافل. و در رکعت اولی سوره‌ی فاتحه و قل یا ایّها الکافرون می‌خواند. و در رکعت دوم فاتحه و قل هو اللّٰه أحد می‌خواند. اگر نماز برایش میسر نبود استخاره به همین دعا نماید و مستحب است افتتاح آن دعا به حمد و ستایش خدا و صلوات و سلام بر رسول اللّٰه ﷺ. پس از آن

باید دانست که استخاره مستحب است در همه‌ی کارها، چنانکه نصّ حدیث بر آن دلالت داد. و موقعی که استخاره نمود بعد از استخاره هر کاری که دلش با آن شاد شد انجام دهد. و الله اعلم.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التِّرْمِذِيِّ بِإِسْنَادٍ ضَعِيفٍ لِرَمِذِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَرَادَ الْأَمْرَ قَالَ: (اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَاخْتَرْ لِي).
رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگاه قصد کاری می نمودند می فرمود: «خدایا خیریت حالم و آنچه در آن خیریت احوال من است برایم میسر فرما».

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (يَا أَنَسُ إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَأَسْتَخِرْ رَبَّكَ فِيهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ ثُمَّ انْظُرْ إِلَى الَّذِي سَبَقَ قَلْبَكَ فَإِنَّ الْخَيْرَ فِيهِ) إِسْنَادُهُ غَرِيبٌ، فِيهِ مَنْ لَا أَعْرَفُهُمْ.

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به انس فرمود: «ای انس وقتی که قصد کاری نمودی هفت بار از پروردگارت خیر آن را بخواه، سپس بین کدام چیز در دلت سبقت می گیرد، انجام دادن یا ندادن. هر چه دلت گواهی بر خیریت آن داد آن کار را انجام بده». نووی گفته است: حدیث ضعیف است. در روایت کنندگان حدیث، کسانی هستند که آنان را نمی شناسم. والله اعلم.

(باب الأذكار التي تقال في أوقات الشدة و على العاهات)

بابی است در بیان اذکاری که در اوقات سختی و مصیبت گفته می شود.

(باب دعاء الكرب و الدعاء عند الأمور المهمّة)

بابی است در بیان دعا به هنگام اندوه و کارهای مهم.

وَرَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْكَرْبِ: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبُّ الْأَرْضِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ). وَ فِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ إِذَا حَزَبَهُ أَمْرٌ قَالَ ذَلِكَ.

رسول الله ﷺ هر موقع که اندوهی به او دست می‌داد یا کار مهمی پیش می‌آمد یا سختی و شدتی به او رو می‌کرد می‌فرمود: «نیست معبودی به حق مگر الله که بسیار بزرگوار و بسیار بردبار است. نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب عرش عظیم است. نیست معبودی به حق مگر الله که صاحب آسمان‌ها و زمین و صاحب عرش عظیم است». و در روایت از مسلم آمده است که: پیامبر ﷺ هرگاه دچار امر دشواری می‌شد آن دعا را می‌خواند.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ التَّرْمِذِيِّ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ إِذَا كَرِبَهُ أَمْرٌ قَالَ: (يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ). قَالَ الْحَاكِمُ هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ.

رسول الله ﷺ هرگاه سختی و اندوهی برایش پیش می‌آمد می‌فرمود: «ای همیشه زنده، ای کسی که کاینات را تدبیر می‌کنی، به رحمتت فریادرسی می‌نمایم». یعنی تا رحمت مرا دریابد و از مشکلاتم برهاند.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا هَمَّهُ الْأَمْرُ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: (سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ) وَإِذَا اجْتَهَدَ فِي الدُّعَاءِ قَالَ: (يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ).

رسول الله ﷺ عادت داشت که هرگاه چیزی او را اندوهگین می‌کرد سر را به سوی آسمان بالا می‌برد و می‌فرمود: «منزه و پاک است الله بسیار بزرگوار». هرگاه کوشش در دعا می‌کرد می‌فرمود: «ای همیشه زنده، ای تدبیرکننده‌ی کاینات».

وَرَوَيْنَا فِي الصَّحِيحِي الْبُخَارِي وَمُسْلِمٍ عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ أَكْثَرُ دَعَاءِ النَّبِيِّ ﷺ: (اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ). زاد مسلم في روايته وكان انس إذا أراد أن يدعوا بدعوة دعا بها فإذا أراد أن يدعوا بدعاء دعا بها فيه.

بیشترین دعای رسول الله ﷺ این بود: «خدایا بده ما را در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگه‌دار ما را از عذاب دوزخ»، همین دعا با این اختصار جامع خیرات دنیا و آخرت است. کسی که در دنیا خوشی داده شد و در آخرت خوشی داده شد و از عذاب دوزخ نگه داشته شد، همه‌ی خیرات دنیا و آخرت را به دست آورده است. و انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خدمتکار رسول الله ﷺ بود هر وقت می‌خواست دعا بکند همین دعا را می‌کرد و اگر می‌خواست دعای بیشتری بنماید این دعا را در آن قرار می‌داد. که از این دعا هیچ کس بی‌نیاز نخواهد شد.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ النَّسَائِي وَكِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَقَّنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ وَأَمَرَنِي أَنْ نَزَلَ بِي كَرَبٌ أَوْ شِدَّةٌ أَنْ أَقُولَهَا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَرِيمُ الْعَظِيمُ سُبْحَانَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وكان عبد الله بن جعفر يلقنها وينفث بها على الموعوك والمُعْتَرَبَةِ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي تَزَوَّجَ إِلَى غَيْرِ أَقَارِبِهَا.

علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فرمود: رسول الله ﷺ به من این کلمات را آموخت و به من دستور داد اگر در اندوه یا سختی قرار گرفتیم این کلمات را بگوییم: «نیست معبودی به حق مگر

اللّه که بسیار بزرگوار و بردبار است، منزّه است خدای یکتایی که پر شد برکت او، پروردگار همه، صاحب عرش عظیم، همه‌ی ستایش‌ها برای اللّه پروردگار جهانیان است.» عبدالله بن جعفر این دعا را آموخت و می‌خواند بر کسی که تب داشت و تعلیم می‌داد به هر زنی که با خانواده‌ی غریب ازدواج کرده بود.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: (دَعَوَاتُ الْمَكْرُوبِ: اللَّهُمَّ رَحْمَتِكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأُصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ).
رسول اللّه صلى الله عليه وسلم فرمود: «دعای کسی که به سختی افتاده است این است که بگوید: خدایا امیدوار رحمتت هستم، مرا به خودم واگذار مفرما یک چشم به هم زدن، و کارهایم همه برایم شایسته بفرما. نیست معبودی به حق مگر تو». یعنی امیدوار رحمتت هستم، مرا به خودت واگذار و کارهایم را رو به صلاح قرار ده، برای اینکه نیست معبودی به حق مگر تو. و همچنین نیست فریادرسی که مرا از غم و اندوه و سختی نجات دهد. خودت مرا مورد رحمتت قرار ده و کارهایم را رو به راه کن.

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَابْنِ مَاجَهَ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: (أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ تَقُولِينَ عِنْدَ الْكَرْبِ - أَوْ فِي الْكَرْبِ - اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا).

رسول اللّه صلى الله عليه وسلم به اسماء بنت عمیس رضی اللّه عنہا فرمود: «آیا نیاموزم تو را چند کلمه که نزد سختی یا وقتی که در سختی واقع شدی آن کلمات را بگویی و از سختی‌های یابی؟ آن کلمات از این قرار است: اللّهُ اللّهُ، پروردگار من است، هیچ چیز را شریک او نمی‌سازم». یعنی اینکه انسان در سختی است و راه چاره‌ای نیست مگر رو آوردن به خدای متعال. می‌گوید: همه چیز من اللّهُ است. اللّهُ پروردگار من است.

پروردگار خودم را می‌شناسم و هیچ شریکی برای او نمی‌سازم. او کارگشای کارهای گره‌شده‌ی من است. خدایی که پرورده‌ی نعمت او هستم، مرا تنها نمی‌گذارد و رفع سختی از من می‌نماید.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: (مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَخَوَاتِيمَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ عِنْدَ الْكَرْبِ أَغَاثَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ).

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «کسی که موقع افتادن در سختی آیه‌ی کرسی و سه آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره را بخواند، خداوند عزوجل به فریادش می‌رسد و او را از سختی نجات می‌دهد». آیه‌ی کرسی، آیه‌ی ۲۵۵ سوره‌ی بقره است و خواتیم سوره‌ی بقره: آیات ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ است.

وَرَوَيْنَا فِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ: (إِنِّي لَأَعْلَمُ كَلِمَةً لَا يَقُولُهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا فُرِّجَ عَنْهُ: كَلِمَةُ أَخِي يُونُسَ صلى الله عليه وسلم: ﴿فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ: أُنْ لِيْلَهٗ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾. الانبياء: ۸۷

سعد بن ابی وقاص رضي الله عنه گفت از رسول الله صلى الله عليه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «من یک کلمه‌ای می‌دانم که هر کسی که در رنج و سختی افتاده است آن را بگوید فرج در کارش می‌آید و از سختی نجات می‌یابد. آن کلمه: دعای برادرم یونس صلى الله عليه وسلم است که وقتی در تاریکی شب و تاریکی قعر دریا و تاریکی شکم قرار گرفته بود رو به خدا کرد و در آن تاریکی‌ها ندا برآورد: نیست معبودی به حق مگر تو، ای چاره‌ساز خلاق، تسبیح و تنزیه تو را می‌گویم، من از ستمگران به خود بودم که فرمان تو را خلاف نمودم و اکنون به این روز افتاده‌ام و راهی ندارم مگر استغاثه و چاره‌جویی. به فریادم برس و مرا از این مهلکه نجات بخش». در آیه‌ی ۸۸ سوره‌ی انبیاء آمده است:

﴿فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾. «دعایش را به اجابت رسانیدیم و او را از غم نجات دادیم و این چنین مؤمنان را نجات می‌دهیم».

و راوه الترمذی عن سعد قال: قال رسول الله ﷺ: (دَعْوَةُ ذِي النُّونِ إِذْ دَعَا رَبَّهُ وَهُوَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا أُسْتَجَابَ لَهُ).

رسول الله ﷺ فرمود: «دعای یونس علیه السلام موقعی که دعا کرد و او در شکم ماهی بزرگ بود، عبارت بود از: نیست معبودی به حق مگر تو، تسبیح و تنزیه تو را می‌گویم که هیچ عیب و نقصی در درگاه تو نیست. اعتراف می‌کنم که از ستمگران به خودم بودم که بدون اجازه‌ی تو از شهر بیرون آمدم و اکنون خود را در تاریکی‌ها قرار دادم و فریادرسی ندارم به جز تو. خدا دعایش را به اجابت رسانید و او را نجات داد. رسول الله ﷺ فرمود: هر بنده‌ی مسلمانی که در چیزی از مصائب و مشکلات قرار گرفته باشد و این دعا را بخواند خدا دعایش را به اجابت می‌رساند».

(باب ما یقولُهُ إِذَا رَاعَهُ شَيْءٌ أَوْ فَرِعَ)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید کسی که چیزی او را ترسانیده باشد یا دچار ناراحتی شده باشد.

و رَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّيِّ عَنْ ثَوْبَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا رَاعَهُ شَيْءٌ قَالَ: (هُوَ اللَّهُ، اللَّهُ رَبِّي لَا شَرِيكَ لَهُ).

رسول الله ﷺ هرگاه دچار ترس از چیزی یا دچار ناراحتی می‌شد می‌فرمود: «اوست خدای یکتا، خدای یکتا پروردگار من است، نیست شریکی برای او».

وَرَوَيْنَا فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُعَلِّمُهُمْ مِنَ الْفَزَعِ كَلِمَاتٍ: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُحْضَرُونَ) وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو يُعَلِّمُهُنَّ مَنْ عَقَلَ مِنْ بَنِيهِ وَمَنْ لَمْ يَعْقَلْ كَتَبَهُ فَأَعْلَقَهُ عَلَيْهِ. قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيثٌ حَسَنٌ.

عمرو بن شعيب از پدرش شعيب روايت مي‌کند که پدرش شعيب از جد عمرو، يعني عبدالله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما روايت مي‌کند که رسول الله ﷺ به ايشان آموخت کلماتي که با خواندن آن کلمات خود را از ترس و فزع و ناراحتي حفظ کند آن کلمات از اين قرار است: «پناه مي‌برم به کلمات الله التامه از خشم او تعالي و از شرّ بندگان و از شرّ وسوسه‌ي شيطان‌ها و از اينکه نزد او حاضر شوند براي وسوسه و آسيب رسانی». عبدالله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما هر کدام از فرزندان او که فهم مي‌کرد آن کلمات را به او تعليم مي‌داد و هر يك از فرزندان او که خردسال بود و فهم نمي‌کرد آن کلمات را مي‌نوشت و بر او مي‌آويخت. و اين مي‌رساند که تعويد وقتي که از آيه‌هاي قرآن يا از حديث رسول الله ﷺ باشد براي کودکان مانعي ندارد.

(باب ما يقوله إذا أصابه همٌّ أو حزنٌ)

بابي است در بيان آنچه مي‌گويد وقتي که به او دلتنگي يا حزن و اندوهي رسيد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِيِّ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (مَنْ أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ حَزَنٌ فَلْيَدْعُ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ يَقُولُ: أَنَا عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ، فِي قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي بَيْدِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسِكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمٍ

الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ نُورَ صَدْرِي وَرَبِيعَ قَلْبِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي، فَقَالَ
رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْمَغْبُوبِينَ مَنْ غَبِيَ هَوْلَاءِ الْكَلِمَاتِ، فَقَالَ: (أَجَلٌ فَقُولُوا هُنَّ وَ
عَلْمُوهُنَّ، فَإِنَّهُ مَنْ قَاهَنَ أَلْتَمَّاسَ مَا فِيهِنَّ أَذْهَبَ اللَّهُ تَعَالَى حُزْنَهُ وَأَطَالَ فَرَحَهُ).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که به او رسید اندوه یا دلخوری به این چند کلمه
دعا نماید و بگوید: خدایا من بنده‌ی تو هستم، پسر بنده‌ی تو هستم، پسر کنیز تو
هستم، در قبضه‌ی تو هستم، یعنی در اختیار تو هستم و نمی‌توانم از فرمان تو
بیرون روم. پیشانی من در دست توست، فرمان تو بر من نافذ است، حکم تو درباره‌ی
من عدل است. از تو می‌خواهم به برکت هر اسمی که برای توست که خود را به آن
نامیدی یا در کتاب خود آن نام را آوردی یا به کسی از مخلوقات خود آموختی یا
اینکه آن را به خود اختصاص دادی و در علم غیب نزد خودت می‌باشد. به همه‌ی
این‌ها متوسلّم که قرآن را نور سینه‌ام قرار دهی و بهار دلم نمایی و رفتن اندوهم به
آن مقرر فرمایی و رفتن همّ و غمّ به آن فراهم فرمایی»، مردی از بین جماعت گفت:
مغبون و فریفته شده کسی است که از این دعا محروم شود. رسول الله ﷺ فرمود:
«بله، کسی که از آن محروم شود مغبون و فریفته شده است، بنابراین این دعا را
بخوانید و بگویید و آن را به بستگان خود بیاموزید که هر کسی که این دعا را بگوید و
بخواهد آنچه از خیر و برکت در آن است، خدای متعال اندوه او را از بین ببرد و
شادمانیش را طولانی بگرداند».

(باب ما یقولہ إذا وقع فی ہلکة)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که در هلاکتی واقع شد.

وَرَوَيْنَا فِي كِتَابِ ابْنِ السُّنِّي عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: (يَا عَلِيُّ أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ قُلْتَهَا؟) قُلْتُ: بَلَى، جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاءَكَ. قَالَ: (إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَصْرِفُ مَا شَاءَ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ) قُلْتُ الْوَرْطَةُ هِيَ الْهَلَاكُ.

علی رضي الله عنه فرمود که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: «ای علی کلماتی به تو بیاموزم که هر وقت در هلاکت و مخاطره واقع شدی آن را بگویی تا از آن ورطه و هلاکت نجات یابی؟» گفتم: بلی یا رسول الله، خدا مرا فدای تو گرداند! فرمود: «هر وقت در هلاکت و امر پر خطری واقع شدی بگو: به نام خدای یکتای بخشایشگر بسیار مهربان و نیست چاره‌ای برای دوری از هلاکت و نه نیرویی برای پایداری بر سلامت، مگر به کمک خدای بسیار بلند مرتبه‌ی بسیار بزرگوار. که خدای متعال به این کلمات آنچه بخواهد از انواع بلا رفع می‌فرماید». نووی فرمود: وَرْطَةٌ به معنی هلاکت است.

(باب ما یقول إذا خاف قوما)

بابی است در بیان آنچه می‌گوید وقتی که از گروهی بترسد.

وَرَوَيْنَا بِالْإِسْنَادِ الصَّحِيحِ فِي سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ وَ النَّسَائِي عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم كَانَ إِذَا خَافَ قَوْمًا قَالَ: (اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ).
رسول الله صلى الله عليه وسلم وقتی که از مردمی می‌ترسید [که فتنه‌ای به پا کنند یا آسیبی به مسلمانان برسانند] می‌فرمود: «خدایا ما نیروی تو را سپر دفاع از شر آنان قرار